



وزارت آموزش و پرورش
توانا بود هر که دانا بود

فارسی

راهنمای تدریس

نهم دبستان

۲۵۳۷ شامنشاهی

به امر مبارک شاهنشاه آریامهر

این کتاب از طرف وزارت آموزش و پرورش تهیه و با کمک
سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و سازمان برنامه مطبع شد
تا در میان کلیه آموزگاران سراسر کشور به رایگان توزیع شود.
خرید و فروش آن اکیداً ممنوع است

وزارت آموزش و پرورش

توانا بود هر که دانا بود



راهنمای تدریس کتاب

فارسی

پنجم دبستان

۲۵۳۷ شاهنشاهی

تألیف
حسن انوری

چاپ شرکت المت «سہانی عام» چاپخانہ بیست و پنجم شہر پور

در سالهای اخیر در کشور ما، به رهبری شهریار خردمند، شاهنشاه آریامهر، برای همگامی با جهان مرفعی تلاشی پی گیر و دامنهدار آغاز گشته و تحولاتی شگرف در کلیه شئون اجتماعی بوقوع پیوسته است. بدیهی است که در این دوران تحول و انقلاب، دستگاههای اجرایی در صورتی قادر به انجام دادن وظایف خود به نحو مطلوب خواهند بود که در راهی هماهنگ با تحولات اخیر گام بردارند.

تجدید نظر در برنامه های مدارس و تدوین برنامه های نو منطبق با آرمانهای انقلاب از جمله قدمهایی است که وزارت آموزش و پرورش در مسیر این تحولات بزرگ برداشته و از هم اکنون موجبات اجرای صحیح و دقیق آن را فراهم آورده است.

شك نیست برای وصول به هدفهای برنامه نوین، نخست باید کتابهای درسی جدید با رعایت اصول و فنون لازم تألیف شود. لیکن تنها با کتاب درسی، بدون یاری رکن اعظم آموزش و پرورش، یعنی معلم، وصول به هدفهای برنامه و همگامی با دنیای جدید و تحولات عظیم کشور میسر و مقدور نیست. اما یاری معلمان وقتی مؤثرتر است که آنان نیز به سهم خود بایشرفتهای آموزشی جهان امروز همگام باشند، با وسایل نوین آموزشی آشنا شوند و به هنگام تدریس از روشهایی که نیل به مقصود را سهلتر می سازد استفاده کنند.

برای تأمین این منظور، همراه با هر يك از کتابهای درسی که بر طبق برنامه جدید تهیه شده است، يك کتاب راهنمای تدریس نیز تدوین یافته که در

آن برای اجرای برنامه به نحو مطلوب و نتیجه گیری بیشتر از کتاب دانش آموز،
پیشنهادهایی بر اساس جدیدترین روشهای تدریس هر يك از مواد درسی ارائه
شده است.

امیدوار است که کلیه معلمان، که مسئولیت خطیر رهبری نسل آینده را
بعهده دارند، با مطالعه دقیق این کتابها هماهنگی شیوه تدریس را در مدارس
سراسر کشور حفظ کنند و در اجرای وظایف خطیر خود به اخذ نتایجی مفیدتر
نایل آیند.

وزیر آموزش و پرورش

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۱	پیش گفتار
۶	کتاب فارسی سال پنجم دبستان
۷	جدول سالانه درسهای کتاب فارسی پنجم
۳۷	راهنما و روش تدریس درسهای کتاب شاگرد
۳۹	درس اول: توانا بود هر که دانا بود
۴۵	درس دوم: دهکده نو
۴۷	درس سوم: چشمه و سنگ
۴۹	درس چهارم: کتابهای مرجع
۵۲	درس پنجم: دوست بزرگ بچه‌ها
۵۹	درس ششم: داستانها
۶۴	درس هفتم: داستان عبدالله بری و عبدالله بحری (۱)
۶۷	درس هشتم: داستان عبدالله بری و عبدالله بحری (۲)
۶۸	درس نهم: بخور تا توانی به بازوی خویش
۷۱	درس دهم: چه گواراست مرگی که در راه میهن باشد
۷۴	درس یازدهم: ایران
۷۸	درس دوازدهم: نمایش
۸۱	درس سیزدهم: خسیس
۸۴	درس چهاردهم: موسی و شبان
۸۶	درس پانزدهم: مقررات عبور و مرور
۹۱	درس شانزدهم: نامه نویسی
۹۳	درس هفدهم: کشف امریکا

صفحه

عنوان

۹۷	درس هجدهم: پزشك انسان دوست (۱)
۹۹	درس نوزدهم: پزشك انسان دوست (۲)
۱۰۱	درس بیستم: همدردی با بینوایان
۱۰۴	درس بیست و یکم: مهمترین کاری که باید انجام داد
۱۰۸	درس بیست و دوم: فداکاری
۱۱۱	درس بیست و سوم: حکایت
۱۱۴	درس بیست و چهارم: نخستین بامداد و شامگاه جهان
۱۱۷	درس بیست و پنجم: کارنیکو کردن از پر کردن است (۱)
۱۲۰	درس بیست و ششم: کارنیکو کردن از پر کردن است (۲)
۱۲۳	درس بیست و هفتم: رودکی، پایه گذار شعر فارسی
۱۲۷	درس بیست و هشتم: آرش کمانگیر (۱)
۱۳۱	درس بیست و نهم: آرش کمانگیر (۲)
۱۳۶	درس سیام: به ورزش تن خود بنیر و کنیم
۱۳۸	درس سی و یکم: ز ورزش میاسای و کوشنده باش
۱۳۹	درس سی و دوم: ادیسون
۱۴۲	درس سی و سوم: مازندران (۱)
۱۴۳	درس سی و چهارم: مازندران (۲)
۱۴۶	درس سی و پنجم: توفان نوح
۱۴۹	درس سی و ششم: رستم - رستم پهلوان پیمانند شاهنامه (۱)
۱۵۴	درس سی و هفتم: رستم - هفت خان رستم (۲)
۱۵۶	درس سی و هشتم: رستم - سرانجام رستم (۳)
۱۵۸	درس سی و نهم: میمونهای کوه دماوند
۱۶۴	لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان
۱۹۶	فهرست کلمه های املائی که در کتابهای چهار ساله ابتدایی آمده است

پیش گفتار

چندان چو صبا پرتو گمارم دم همت
کز غنچه چو گل خرم و خندان بدر آیی
حافظ

کودکانی که اینک در روبروی شما و در کلاس شما نشسته‌اند، با ذهن جوینده و بادست آفرینشگر خود، پیوسته در تلاش جویندگی و آفرینندگی هستند. آنان چون پرندگان نو خاسته‌اند که می-خواهند جای خود را در این جهان بجویند، جهان را بشناسند و از آن برخوردار شوند تا بتوانند آنچه را از آن گرفته‌اند، صدچندان در نوجوییها و آفرینشهای خود بدو باز دهند. این پرندگان نوخاسته و این غنچه‌های نوشکفته اینک در بوستان معرفت شما دانه جو، نگران و مشتاق آمده‌اند و چشم براهند تا باغبان وار، پروراندیشان و چندان دم همت خود را بر آنان گمارید تا چون گل خرم و خندان در گلزار جهان سر بر آورند.

کودکان در آستان شکفتگی، و در حال شکفتگی، آفریننده نیز هستند: کودکی که یک تکه کاغذ به دست می‌گیرد و با بازی به آن شکل می‌دهد و از آن گلی یا پرنده‌ای می‌سازد، کودکی که اندیشه‌های لطیف و بکر خود را در قالب جمله‌های درهم و برهم به روی کاغذ می‌ریزد، کودکی که دانه‌ای در زمین می‌کارد و در انتظار رُستن آن بیتابانه روز می‌شمارد؛ همه در کار خلق و آفرینشند و آفرینندگی نخست با اندیشه آغاز می‌شود. کودکان سرشار از اندیشه و خیالند. اندیشه - هایی که وجودشان را گرمایی می‌بخشد و آنان را وامی‌دارد تا گرداگرد خود را از شور و حرارت لبریز سازند.

اینک شما دردرس زبان و ادبیات، بار وظیفه‌ای بس سنگین، بر دوش نهاده‌اید. بر شماست که ذهن نونهالان، این پرندگان دانه‌جو و این غنچه‌های شاداب و نوشکفته را چنان جویا و شکوفا سازید تا از خرمن بیکران معرفت چینه برچینند و از جویبار زلال دانش سیراب شوند. این شماست که باید راهی از اندیشه آنان به جهان خارج بگشایید تا بتوانند به اندیشه‌های خود شکل بدهند و آنها را در قالب کلمات بگنجانند و بر زبان جاری سازند یا بر صفحه کاغذ نقش نمایند و هم از راه زبان و قلم اندیشه‌های دیگران را خوب دریابند.

وظیفه شما بس خطیر است و در همان حال لذتبخش، چه لذتی بالاتر از اینکه گلمینی را که با جان و دل پرورده و هر روز نگران شکفتن غنچه‌های آن بوده‌اید خرم و سرسبز ببینید، یا پرنده نوخاسته‌ای را که روزها و شبها دانه داده‌اید در پرواز تماشا کنید. این لذت گواراست که وظیفه دشوار شمارا آسان می‌کند.

خطایی بزرگ است که معلمی بی‌مطالعه و نقشه قبلی وارد کلاس درس بشود و بخواهد چهل یا پنجاه دقیقه به گروهی از کودکان فعال و پر جوش و خروش، بدون هیچگونه مطالعه قبلی و بی‌آگاهی از هدف، مطلبی را تدریس کند.

معلم خوب قبل از آنکه به کلاس درس رود باید بداند که چه تدریس خواهد کرد، و برای آنچه تدریس می‌کند به چه وسایلی نیاز دارد و چه آگاهی‌هایی درباره درس باید داشته باشد و چگونه باید برای آماده ساختن ذهن کودکان مقدمه چینی کند. باید بداند هدف او در آن يك ساعت درس چیست، و مطلب را چگونه باید عرضه کند تا کودکان را به هدف یا هدفهای درس نزديك کند. همچنین باید حاصل يك ساعت تدریس خود را ارزشیابی کند، و از آن نتیجه بگیرد.

پیدا است که چنین معلمی، اهل مطالعه است و نيك می‌داند که آنچه سالها پیش خود در کلاس درس فرا می‌گرفته است، به درد دانش‌آموزان امروز نمی‌خورد و نیز روشی در تدریس بکار نمی‌برد که سالها پیش خود با آن روش تعلیم دیده است، بلکه جدیدترین اطلاعات را به شاگردان می‌آموزد و از آخرین روشهای تدریس بهره می‌جوید. معلم خوب باید بداند که در

هريك از درسها و تمرينهای كتابی كه آنرا تدریس می‌كند چه هدفی وجود دارد، شاگردان در سالهای پیش چه آموخته‌اند و در سال جدید چه باید بیاموزند. پیداست كه معلم، خود كمتر وقت آنرا دارد كه درباره این مطالب به تحقیق و تفحص بپردازد، كتابهای سال پیش را بررسی كند و... در اینجا است كه كتاب راهنمای تدریس به یاری معلم می‌شتابد و آگاهیهای را كه بایسته است به او می‌دهد. كتاب راهنمای تدریس همچون پلی است میان مؤلف كتاب و آموزگار كه در آن همدیگر را ملاقات می‌كنند و نحوه تدریس و هدفهای درس و اشكالات كار را بمیان می‌آورند. هدف از تهیه و عرضه كتاب راهنمای تدریس این نیست كه ابتكار از شما آموزگار مبتكر گرفته شود چنانكه افكار و اندیشه‌ها و نوآوریهای خود را در امر تدریس و تعلیم به كنار بگذارید و خود را در چار چوب روشهای عرضه شده در این كتاب قرار دهید.

این كتاب به آموزگار مبتكر روشی در تدریس پیشنهاد می‌كند و آگاهیهای درباره روابط دروس كتاب با كتابهای گذشته و درسهای گذشته و كتابهای دیگر به او می‌دهد.

مسلماً در میان آموزگاران مبتكر و علاقه‌مند كسانی هستند كه روشهای بهتری در تدریس فارسی تجربه کرده و نتایج بهتری گرفته‌اند. چقدر بجاست كه این قبیل آموزگاران روشهای تجربه شده خود را به سازمان كتابهای درسی بنویسند تا در سالهای آینده در دسترس همه آموزگاران (یا در دسترس آموزگاران مدارس تجربی) قرار گیرد و در دایره وسیع‌تری به‌محك تجربه زده شود.

هدف از آموختن زبان در دبستان آن است كه كودك را توانا سازیم تا بتواند آنچه را می‌خواند یا می‌شنود، هم خوب درك كند و هم آنها را با سانی به دیگران بفهماند و نیز بتواند آنچه را می‌اندیشد و از ذهن می‌گذراند بیان كند، و پس از آنكه دوره پنج‌ساله دبستان را بپایان رساند، در گفتن و نوشتن و خواندن، در حدود برنامه‌ای كه در دبستان فرا گرفته است، تسلط داشته باشد.

كودك پس از پایان دوره پنج‌ساله ابتدایی باید:

- بتواند متنهای ساده را بخواند و به معنای و افكاری كه در آنهاست پی‌ببرد.
- در شیوه‌های مختلف خواندن مانند، خواندن مستقل (آزاد)، بیصدا (صامت خوانی) و سریع و دقیق با توجه به مطالب آنها مهارت یابد.
- بتواند نمونه‌های ساده‌ای از آثار معروف بزرگان ادب را به سبك اصلی یا ساده شده

بطور صحیح و روان و روشن بخواند و بفهمد.

- شخصیت‌های بزرگ ادبی و علمی و هنری ایران و آثار معروف آنها را بشناسد.

- طرز فکر و استدلال صحیح و منطقی را بیاموزد و از راه بحث‌های متین و منظم قوه

بیانش پرورش یابد.

درس زبان فارسی، گذشته از اینکه باید این نیازها را برآورد، باید زمینه را برای

برآوردن نیازهای سنها بالاتر نیز آماده سازد.

در سالهای سوم و چهارم دبستان دانش آموز بایستی آموخته باشد که هر متنی را چگونه

بخواند، و بداند که خواندن کتاب علمی برای کسب اطلاعات دقیق با خواندن داستان یا خواندن

روزنامه فرق می‌کند. بایستی در مطالعه دقیق و خواندن بیصدا با توجه به درک مطلب مهارت

یافته باشد چنانکه بتواند کلمه‌های مختلفی را که معنی آنها را می‌داند با سانی بخواند.

در این سالها اگر دانش آموزان بطور صحیح آموزش دیده باشند باید بتوانند از گردش

علمی یا اتفاقات جالبی که در دبستان روی می‌دهد گزارش دقیق تهیه کنند، اندیشه‌های خود را

با نوشتن بیان کنند، داستانهای کوچکی بنویسند، نامه‌ای بنویسند و به نامه پاسخ دهند.

برای تربیت ذوق خواندن کودکان در این دوره آموزگار باید حتماً از کتابهای غیر

درسی که مطابق استعداد خواندن شاگردان باشد استفاده کند. وقت دانش آموزان قوی را

بهیچ وجه نباید برای شاگردان ضعیف‌تر ضایع کرد و در هنگامی که آموزگار مشغول رسیدگی

به کار شاگردان ضعیف است باید مجله یا کتاب مناسبی در اختیار دانش آموزان قوی بگذارد تا

هم با سرگرم کردن آنان انضباط کلاس را حفظ کند و هم دانش آموزان از وقت خود حداکثر

استفاده را بکنند. در چنین موقعی آموزگار باید حتماً با چند پرسش مربوط به موضوع کتاب یا

داستان توجه دانش آموزان را به اهمیت کاری که انجام می‌دهند جلب کند و همچنین نشان دهد که

به کار آنان علاقه‌مند است.

برای دانش آموزانی که در خواندن ضعیف هستند می‌توان از کتابهای غیردرسی که برای

سنین کمتر نوشته شده است استفاده کرد و این کار بمراتب بهتر از این است که مثلاً کتاب چهارم

را به دانش آموز کلاس پنجم بدهیم زیرا روی کتابهای غیردرسی نشانه خاصی از کلاس و سن مشهود

نیست و چون کودک آنها را می‌تواند با سانی بخواند رفته رفته به کتاب خواندن علاقه‌مند می‌شود

و احساس موفقیت در این کار او را عاقبت در کلاس نیز موفق می‌کند.

مسلماً آموزگار نکته‌دان، خوب توجه دارد که دانش آموزی ممکن است در خواندن

قوی باشد ولی هنگام بیان عاجز بماند و از حیث انشا متوسط باشد. این دانش آموز هنگام

خواندن در گروه قوی و در انشا در گروه متوسط و در هنگام بیان شفاهی در گروه ضعیف قرار می‌گیرد و به این ترتیب هیچگاه احساس حقارت نخواهد کرد. بخصوص که همیشه احتمال ارتقا به گروه بالاتر برایش وجود دارد. آموزگار باید در درسهای دیگر - تعلیمات اجتماعی، تعلیمات دینی و علوم و ریاضیات - نیز به زبان دانش‌آموزان توجه کند. بدین ترتیب کودک متوجه می‌شود که درس فارسی به همه درسها مرتبط است و بی‌یاد گرفتن زبان از عهده یادگیری درسهای دیگر بخوبی بر نخواهد آمد و نیز در تمام مراحل و قسمتهای تحصیلی وزندگی به‌خوب دانستن زبان نیاز دارد.

کتاب فارسی سال پنجم دبستان

کتاب فارسی سال پنجم ابتدایی شامل ۳۹ درس است که مانند کتابهای فارسی سال دوم و سوم و چهارم در هشت بخش گنجانده شده است. هر بخشی از آن در يك ماه از سال تحصیلی تدریس خواهد شد. پراکندگی دروسها در ماهها با توجه به تعداد روزهای تعطیل و امتحانات سه ماهه بوده است. از این رو اگر آموزگار با توجه به جدول سالانه دروسهای کتاب فارسی آنرا تدریس کند در اواخر اردیبهشت ماه کتاب پایان می رسد و فرصت کافی هم برای دوره کردن باقی می ماند.

درسهای هر ماه به آزمایشی تحت عنوان «خود را بیازمایید» ختم می شود. در خود را بیازماییدها پرسشها و تمرینهای مربوط به درسهای همان ماه گنجانده شده است که می توان به جای امتحانات ماهانه از آنها استفاده کرد. این آزماینها طوری تنظیم شده است که هر يك ۲۰ نمره احراز می کند.

جدول سالانه دروسهای کتاب فارسی پنجم

نام ماه	عنوان درسها	نام ماه	عنوان درسها
مهر	توانا بود هر که دانا بود دهکده نو چشمه و سنگ کتابهای مرجع دوست بزرگ بچه ها	آبان	داستانها داستان عبدالله بری و عبدالله بحری (۱) داستان عبدالله بری و عبدالله بحری (۲) بخور تا توانی به بازوی خویش چه گوار است مرگی که در راه میهن باشد ایران
	۲۸		۱ ۵ ۱۲ ۱۴ ۱۹
	۳۵		
	۴۱		
	۴۶		
	۴۹		
	۵۵		

جدول سالانه درسهای کتاب فارسی پنجم

نام ماه	عنوان درسها	کتاب شماره صفحه کتاب شاگرد	نام ماه	عنوان درسها	کتاب شماره صفحه کتاب شاگرد
آذر	نمایش	۵۹	دی	نامه نویسی	۸۱
	خسب	۶۴		کشف امریکا	۸۷
	موسی و شبان	۷۱		پزشک انسان دوست (۱)	۹۷
	مقررات عبور و مرور	۷۴		پزشک انسان دوست (۲)	۱۰۲
				همدردی با بینوایان	۱۰۹
				مهمترین کاری که باید انجام داد	۱۱۲
بهمن	فداکاری	۱۲۱	اسفند	آرش کمانگیر (۱)	۱۵۸
	حکایت	۱۲۷		آرش کمانگیر (۲)	۱۶۷
	نخستین بامداد و شامگاه جهان	۱۳۱		به ورزش تن خود بنیرو کنیم	۱۷۴
	کار نیکو کردن از پر کردن است (۱)	۱۴۰		ز ورزش میاسای و کوشنده باش	۱۸۲
	کار نیکو کردن از پر کردن است (۲)	۱۴۵		ادیسون	۱۸۴
	رودکی، پایه گذار شعر فارسی	۱۵۱			
اردیبهشت	مازندران (۱)	۱۹۲	اردیبهشت	رستم (رستم پهلوان بی- مانند شاهنامه)	۲۰۳
	مازندران (۲)	۱۹۴		رستم (هفت خان رستم)	۲۱۰
	توفان نوح	۱۹۷		رستم (سرا انجام رستم)	۲۱۵
				میمونهای کوه دماوند	۲۲۱

کلمه‌ها و ترکیبهای تازه:

در کتاب فارسی دوم، سوم و چهارم دبستان، کلمه‌ها و ترکیبهای تازه در پایان هر درس به ترتیب الفبا معنی شده است. هدف از این کار آشنا ساختن دانش‌آموزان به نحوه استفاده از کتاب لغت بوده است. این روش در کتاب پنجم نیز دنبال شده است.

در متن درسها، کلمه‌های معنی شده با گذاشتن ستاره معین شده است. باید توجه دانش‌آموزان را به این ستاره‌ها جلب کرد و توضیح داد که اگر در هنگام خواندن درس معنی کلمه‌های ستاره‌دار را ندانستند معنی آنها را در آخر درس، در کلمه‌ها و ترکیبهای تازه بجویند.

فهرست کلمه‌ها و ترکیبهای درسها بترتیب در صفحات آخر کتاب درج شده است و پس از آن فهرست کلمات املائی کتابهای چهارساله اول ابتدایی است. این فهرست نشان می‌دهد که دانش‌آموزان در چهارسال اول ابتدایی در کتابهای درسی خود چه کلمه‌های املائی یاد گرفته‌اند. پیداست که بسیاری از این کلمه‌ها در کتابهای فارسی نیامده بلکه در کتاب علوم یا تعلیمات دینی یا تعلیمات اجتماعی بکار رفته است.

این دو فهرست در تهیه متن دیکته بکار خواهد رفت. به این معنی که در تهیه متن دیکته از کلمه‌ها و ترکیبهای املائی که دانش‌آموزان در سالهای پیش و در همین سال در درسهای پیش خوانده‌اند برای یادآوری و بیشتر مرکوز ساختن آنها در ذهن دانش‌آموزان گنجانده خواهد شد.

آموزگاران عزیز باید بخاطر داشته باشند که هیچگاه کلمه‌های املائی را بنهایی و خارج از جمله به دانش‌آموزان دیکته نگویند. چه، صرف حفظ کردن کلمات و معانی آنها هیچ کمکی به گسترش مجموعه لغات کودکان نمی‌کند. باید دانش‌آموزان را تشویق کرد که در گفته‌ها و نوشته‌های خود تا آنجا که می‌توانند از کلمه‌ها و ترکیبها و اصطلاحات تازه‌ای که یاد گرفته‌اند استفاده کنند.

پرسشها:

در پایان هر درس پس از کلمه‌ها و ترکیبهای تازه، مانند کتاب فارسی دوم، سوم و چهارم تعدادی پرسش گذاشته شده است، این پرسشها بیشتر درباره مفهوم و محتوی درس است و آموزگار با طرح آنها می‌تواند به میزان درک مفاهیم خوانده شده به وسیله دانش‌آموزان پی ببرد. آموزگاران عزیز باید از شاگردان بخواهند که جواب پرسشها را به صورت جمله‌های کامل

بدهند و از اینکه جواب پرسش را با «نه» و «بلی» برگزار کنند پرهیزند. نکته دیگر اینکه آموزگار تنها به این سؤالات قناعت نکند و خود نیز سؤالات مشابهی تهیه کند و از شاگردان بپرسد. پاسخ پرسشهای درسا در این کتاب آمده است.

تمرین یا تکلیف شب:

در روشهای پیشین تعلیم و تربیت، حفظ کردن و یادگیری از راه تکرار و تمرین، روش منحصر به فرد تدریس بود و پایه این روش نیز بر انضباط سخت استوار شده بود. تکلیفهای سخت و طاقت فرسا به شاگردان داده می شد تا هم به این وسیله درس را بهتر یاد بگیرند و هم وقتشان به جای شیطنت و بطالت صرف این کار اساسی بشود. بعضی اوقات نیز تکلیف شاگرد به صورت جریمه کاری که انجام نداده بود تعیین می گردید و از این وسیله تدریس، برای تنبیه و مجازات شاگردان تنبیل بهره برداری می شد.

پستالوزی (Pestalozzi) دانشمند و معلم معروف سوئیسی معتقد بود در تدریس، علم و عمل باید توأم باشد. وی جلب علاقه و توجه شاگرد به درس را رکن اساسی یادگیری می دانست.

هربارت (Herbart) فیلسوف و روان شناس آلمانی با تأیید اصلی که پستالوزی مطرح ساخته بود، می گفت: ایجاد علاقه و توجه، باید بر مبنای دانش و علم استوار باشد، یعنی کودکان یاد می گیرند و می فهمند برای اینکه می خواهند دانش بیشتری کسب کنند. در حقیقت دانستن مطلب برای آنان یک نوع کنجکاوی و دقت بوجود می آورد که ایشان را به دانستن مطالب بیشتر راغب می کند.

این است که امروزه فشار و اجبار در تعلیم جایش را به رهبری و تقویت «میل به خود یاری» داده است تا به این ترتیب علاقه کودک به ابتکار و ابداع برانگیخته و اعتماد به نفس در او تقویت شود. این تحولات در نحوه تعیین و انجام دادن تکالیف درسی نیز اثر کرد و کار مدرسه و تکلیف شبانه کاملاً شکل تازه ای یافت.

امروز تکلیف شبانه یا کار مدرسه باید بر پایه هدفهای تعلیم و تربیت استوار باشد که به اهم آنها ذیلاً اشاره می شود:

۱- باید کودک در انجام دادن تکالیف درسی خود شخصاً احساس مسئولیت کند و بطور مستقل آنها را انجام دهد. اعتماد به نفس داشته باشد و مطمئن باشد که انجام دادن آنها از قدرت او خارج نیست. در انجام دادن آنها شخصاً تفکر و تعقل کند و تصمیم بگیرد و

تصمیم خود را بعمل درآورد.

۲- باید تکالیف مدرسه با توجه به اهمیتی که دارد، اهمیت فعالیتهای کودک را - در بازی و تفریح و داشتن فرصتهای لازم برای زندگی سالم يك کودک در حال رشد و محتاج به فعال بودن و جنب و جوش کردن - تحت الشعاع قرار ندهد.

۳- تکالیف مدرسه باید چنان باشد که کودک آنچه را در مدرسه فرا گرفته است در خانه مورد عمل و تجربه قرار دهد و از دروسی که خوانده است تجارب عملی کسب کند.

۴- تکالیف مدرسه باید وسیله ای برای تمرین و تکرار برای یادگیری باشد، نه جبران کردن نقایص کار معلم و یادگیری آنچه به او تدریس نشده است.

تکالیف مدرسه در صورتی که دارای جنبه خلاقه باشد به شاگرد فرصت رونویس و حفظ کردن نخواهد داد و به رقابتها و چشم همچشمیهای غلط و بی نتیجه میدان نخواهد داد. روی هم رفته معلم نباید تکلیفی به شاگردانش بدهد که نیروی زیادی از ایشان صرف شود و نتیجه ای بسیار کم عایدشان گردد.

در کتابهای فارسی دوم و سوم ابتدایی تمرینهایی که دانش آموزان باید در خارج از کلاس و دبستان انجام دهند در زیر عنوان تکلیف شب اول، و تکلیف شب دوم آمده است. در کتابهای فارسی چهارم و پنجم نیز تنظیم تمرینها مبتنی بر این بوده است که دانش آموزان در هر درسی دو روز یاد و شب تمرین کنند لیکن این تمرینها، عنوان تکلیف شب ندارد. و بعنوان «تمرین» آمده است.

آموزگاران با توجه به نوع تمرین و میزان قدرت دانش آموزان چندتا از آنها را در روز اول درس و بقیه را در روز دوم تعیین می کنند. و احیاناً با توجه به قدرت شاگردان می توانند همه آنها را در يك روز تعیین کنند یا برعکس در سه روز.

اهم تمرینهایی که در کتاب فارسی پنجم داده شده است به قرار زیر است:

۱- تمرین در کلمه های هم خانواده. هدف از این تمرینها، وسعت دادن دایره کلمات دانش آموز و جلب توجه وی به رابطه صوری و معنوی کلمات و در نتیجه تقویت املا نویسی اوست. دانش آموزان در سالهای پیش به اندازه کافی در کلمه های هم خانواده تمرین کرده اند و می دانند که کلمه های هم خانواده، کلمه هایی هستند که از لحاظ شکل و هم از لحاظ معنی با هم شبیهند درست مثل افراد يك خانواده که با هم نسبت دارند و به هم شبیه هستند مثلاً کلمه های

حفظ، حفاظت، محافظت، محفوظ از لحاظ شکل و ظاهر در حرفهای ح، ف، ظ شریکند و به علاوه معنی آنها یکی یا نزدیک به هم است. یا کلمه‌های دانا، دانش، داننده در حروف د، ا، ن شریکند و همچنین در معنی قرابت دارند.

۲- قراردادن کلمه‌های حذف شده از جمله‌ها در جای خود. هدف از این تمرین‌ها جلب توجه دانش‌آموزان به لغات جدید درس و بکار بردن صحیح آنها در جمله است و چون همه این تمرین‌ها به خط نستعلیق است، در نتیجه این تمرین‌ها به خوش خطی دانش‌آموزان نیز کمک خواهد کرد.

۳- بکار بردن کلمه‌ها و ترکیبها در جمله‌های تازه (جمله‌سازی). هدف از این تمرین، جلب توجه دانش‌آموزان به مفهوم دقیق کلمه‌ها و ترکیبهای تازه و شناختن محل و مورد استعمال آنها و تقویت انشا نویسی است. در این تمرین‌ها آموزگار باید توجه داشته باشد که دانش‌آموزان جمله‌های صحیح و معنی‌دار بسازند و معنی جمله‌ها در زندگی و اطراف آنها مفهوم و مصداق داشته باشد و حتی المقدور آنان را تشویق کند که جمله‌های طولانی بسازند و نیز در مواردی از آنان بخواهد که کلیه کلمه‌های داده شده برای جمله سازی را چنان بکار برند که مطلب به هم پیوسته‌ای بوجود آید.

۴- تکمیل جمله‌های ناتمام و ناقص و گذاشتن کلمه‌های مناسب به جای نقطه‌ها یا تعویض کلمه‌های معین در جمله. در هر یک از این تمرین‌ها یا در هر چندتا هدف خاصی وجود دارد، در هر حال هدف عمده، تقویت نویسندگی و انشا نویسی دانش‌آموزان است.

۵- تبدیل شعر به نثر. در تبدیل شعر به نثر باید توجه داشت که دانش‌آموزان شعر را به زبان ساده تبدیل کنند و کلمه‌های نامأنوسی را که ممکن است در شعر بکار رفته باشد با کلمه‌های آسان و مأنوس عوض کنند و علاوه بر آن در شعر ممکن است کلمه‌ها به خاطر وزن شعر در جای خود نباشند. مثلاً در شعر: چنین آغاز کرد آن مرد بادشمن (صفحه ۱۶۷) به خاطر وزن شعر، فعل در اوایل جمله آمده است که اگر نثر بود در آخر می‌آمد و فاعل که باید در اول جمله بیاید در اواسط جمله آمده است. این جمله در نثر چنین باید نوشته شود: آن مرد با دشمن چنین آغاز کرد.

همچنین ممکن است در شعر کلمه‌هایی حذف شده باشد. آموزگار در این قبیل موارد باید کلمه‌های حذف شده را یادآوری کند.

هدف از این تمرین‌ها، بهتر فهمیدن شعر و تقویت انشا نویسی است.

۶- تمرین برای شناختن کلمه‌های مرکب و تمرین در ساختن کلمه‌های مرکب. این

تمرینها را می‌توان به این دسته‌ها تقسیم کرد:
الف - تمرینهایی که در آنها کلمه‌هایی با پس‌وندها ترکیب می‌شود مانند ساختن کلمه‌های مرکب با پس‌اوند «گر» (صفحه ۱۵۶).

ب - تمرینهایی که در آنها تعدادی کلمه‌های ساده داده شده است تا با آنها کلمه‌های مرکبی بسازند مثلاً: شبیه، تماشا، آش، کالسکه، ران، پز، خانه، گردان، نامه، گواهی؛ که باید کلمات مرکب: شبیه‌گردان، تماشاخانه و... را بدست آورند (صفحه ۸۵).

ج - تمرین در مشخص کردن اجزای کلمه‌های مرکب، مثلاً تعیین اجزای کلمه‌های مرکب خوشگوار، همدم، کوله‌بار و... (صفحه ۱۱).

هدف از این تمرینها جلب توجه دانش‌آموزان به کلمه‌های مرکب و این خصوصیت زبان فارسی است که می‌توان به وسیله ترکیب، کلمه‌های جدیدی ساخت. باید توجه داشت که در زبان فارسی اغلب کلمه‌ها را می‌توان با هم ترکیب کرد و کلمه جدید ساخت.

۷- تمرین در کلمه‌های هم معنی (مترادف) و ضد هم (متضاد). هدف از این تمرینها، توسعه دایره لغوی دانش‌آموزان و جلب توجه آنان به کلمه‌های مترادف و متضاد است.

۸- تمرین در تعیین واستخراج نامها یا صفت‌های بخصوصی از متن درسها یا پیدا کردن صفت‌های مناسبی برای اشخاص یا اشیای معین مانند جدا کردن کلمه‌های مربوط به دریا و دریا. نوردی (صفحه ۹۵).

۹- تمرین در نوشتن پاسخ برای پرسشهای درس یا پرسشهایی علاوه بر آنها که در برخی از درسها آمده است. آموزگار می‌تواند در همه درسها نوشتن پاسخ پرسشهای درس را به عنوان تمرین به شاگردان بدهد.

۱۰- نوشتن از روی شعرها. شعرهای کتاب به خط نستعلیق است و هدف از آن تمرین خط و خوش‌نویسی است.

۱۱- حفظ کردن شعرها. حفظ کردن شعر به حافظه شاگردان کمک می‌کند و آن را نیرومند می‌سازد. علاوه بر آن حفظ داشتن شعر باعث تحریک ذهن در نوشتن انشا و یادگیری بهتر کلمه‌هاست. با این همه آموزگار نباید اصرار داشته باشد که دانش‌آموزان حتماً شعرها را حفظ کنند، تا حدودی این کار باید اختیاری باشد.

۱۲- تمرین در تعیین و توضیح تشبیهایی که در درسها بکار رفته است. باید توجه داشت که هدف کتاب فارسی تنها یاد دادن زبان نیست بلکه یاد دادن ادبیات هم هست. بنابراین تا آنجا که مقدور بوده سعی شده در این کتاب دانش‌آموزان با نوشته‌های ادبی

آشنا شوند و از آنجا که تشبیه یکی از ارکان مهم ادبیات است در آن تأکید رفته و تمرینهایی در این باره داده شده است. آموزگاران عزیز می‌دانند که در هر تشبیهی چهار رکن (پایه) وجود دارد. مشبیه (یعنی چیزی که آن را تشبیه می‌کنیم)، مشبیه به (یعنی چیزی که مشبه را به آن تشبیه می‌کنیم)، وجه شبه (صفت مشترکی که در مشبه و مشبه به وجود دارد)، ادات تشبیه (وسیله تشبیه)، مثلاً وقتی که می‌گوییم دانه باران همچون مروارید بود، دانه باران مشبه، مروارید مشبه به (دانه باران را به مروارید تشبیه کرده‌ایم). گردی و درخندگی که در دانه باران و در دانه مروارید هست، وجه شبه، «همچون» ادات تشبیه است. در تشبیه اغلب وجه شبه و ادات تشبیه ذکر نمی‌شود و گاهی مشبه یا مشبه به نیز گفته نمی‌شود که در این صورت به تشبیه استعاره می‌گویند.

آموزگاران عزیز باید در ضمن تدریس درسها به تشبیههایی که بکار رفته توجه کنند و از ارکان آن بخصوص مشبه و مشبه به و وجه شبه را به شاگردان توضیح دهند (بدون اینکه از این اصطلاحات استفاده کنند).

۱۳- تمرین در شناختن شعر و قالب آن. درباره ساختمان و اجزای شعر مطالبی زیر عنوان «به این نکته توجه کنید» در کتاب آمده و تمرینهایی داده شده است مانند تمرینهایی که برای شناختن قافیه وردیف و قصیده و مثنوی داده شده است. رجوع شود به صفحات ۴۸، ۷۳، ۱۹۳ و ۱۹۶ کتاب شاگرد و پاسخ این تمرینها در کتاب حاضر. علاوه بر اینها تمرینهای دیگر نیز درباره دستور زبان و انشا و جز آنها آمده است که در جای خود به آنها اشاره می‌شود.

دستور زبان فارسی:

دانش آموزان از کلاس دوم کم کم با بعضی از قواعد دستوری آشنا شده‌اند، البته بدون اینکه نامی از دستور زبان فارسی بمیان آید. این قواعد ساده در زیر عنوان «به این نکته توجه کنید» بیان شده است.

این روش در کتاب فارسی سوم و چهارم نیز دنبال شده. مطالب دستوری که در کتاب دوم آمده به قرار زیر است:

سنجش تعداد کلمات در جمله؛ سنجش تعداد بخش در کلمه؛ سنجش تعداد صدا در کلمه؛ سنجش تعداد حرف در کلمه؛ تشدید؛ کلمات هم خانواده؛ کلمات مرکب؛ کلمات متضاد؛ مفرد و جمع؛ علامت تصغیر «ك»؛ پساوند «دان»؛ صفت نسبی؛ تهرانی، تبریزی،

مسی؛ پیشاوند «هم»؛ همدرس، هموطن؛ پساوند «بان»؛ جنگلبان؛ کلمات متشابه؛ کلمات مترادف (هم معنی)؛ پیشاوند «بی» و «با»؛ بیسواد و باسواد.

مطالب دستوری که در کتاب سوم آمده اینهاست: ساختن صفت با پساوند «ین»؛ زرین، آهنین؛ پساوند «گاه»؛ نمایشگاه، دانشگاه؛ صفت: اتاق گرم، انار شیرین؛ یای وحدت: درختی = يك درخت؛ پساوند «گر»؛ بازیگر؛ پساوند «ناك»؛ ترسناك؛ کلمه های کوتاه شده: كز = كه از، ره = راه.

مطالب مزبور بسیار ساده و در ضمن مثال بیان شده است نه به صورت قاعده دستوری. در کتاب چهارم مطالب به صورت قاعده دستوری بیان شده ولی نامی از دستور زبان فارسی بمیان نیامده است و سعی شده است قبل از بیان قواعد دستور، مثالهای لازم و روشن بیان شود و قواعد از آنها استخراج گردد.

مطالب دستوری که در کتاب چهارم آمده، اینهاست: جمله؛ فعل؛ فاعل؛ اسم؛ اسم خاص؛ اسم عام؛ جمع کلمه ها؛ صفت؛ جمله خبری و پرسشی.

فهرست مطالب دستوری کتاب فارسی پنجم به شرح زیر است:

- تعریف دستور زبان فارسی و یادآوری مطالبی که در سال چهارم خوانده اند، صفحات ۳۰۲ - نهاد و گزاره، صفحات ۳۳ و ۳۴ - فعل، صفحه ۳۹ - مفهوم کار و حالت در فعل، صفحه ۵۴ - مفهوم زمان در فعل، صفحه ۶۳ - ماضی، حال، مستقبل، صفحه ۷۸ - مفهوم شخص در فعل، صفحه ۹۴ - جمع و مفرد در فعل، صفحه ۱۰۷ - نهاد و فاعل، صفحه ۱۱۷ - مفعول، صفحه ۱۲۵ - فعل لازم و متعدی، صفحه ۱۲۸ - ضمیر، صفحه ۱۴۳ - جانشینی ضمیر برای نهاد و فاعل و مفعول، صفحه ۱۴۹ - جمع و مفرد (در اسم)، صفحه ۱۶۵ - جمع با الف و تاء، صفحه ۱۸۰ - صفت، صفحه ۲۰۰ - مضاف و مضاف الیه، صفحه ۲۰۷ - فرق مضاف الیه با صفت، صفحه ۲۱۲ - قید، صفحه ۲۱۹.

در تدریس دستور زبان باید این نکات را مورد توجه قرار داد:

۱- دستور زبان یعنی قواعد زبانی، از خود زبان استخراج شده است. به عبارت دیگر نخست قواعد بوجود نیامده تا از روی آن زبان و جمله بندی آن بوجود آید. بلکه زبان در ضمن تطور، تکامل پیدا کرده و به مرحله ای رسیده که محققان با مطالعه آن و به روش استقرایی، قواعدی از آن استخراج کرده اند همچون قوانین فیزیک، که در طبیعت موجود است و دانشمندان فیزیک با مطالعه در آثار مادی اشیا آنها را کشف می کنند این است که در تدریس دستور زبان اگر روش استقرایی بکار بریم تفهیم قواعد و تعاریف دستوری آسان است و

بیشتر مرکوز ذهن دانش‌آموزان می‌شود. بنابراین این بهتر است آموزگار ابتدا شواهد و مثالهای فراوانی برای موضوع درس بیاورد و با جلب توجه دانش‌آموزان به موضوع درس، چنان مقدمه‌چینی کند که خود آنان بتوانند نتیجه درس را از مثالها و شواهد استخراج کنند و به زبان بیاورند.

۲- در هنگام تدریس دستور، کتابهای دانش‌آموزان باید بسته باشد و شواهد و مثالها بر تخته سیاه نوشته شود. پس از تفهیم درس، کتابها باز و درس خوانده شود.

علامتهای نقطه‌گذاری :

دانش‌آموزان از کلاس اول در همه کتابهای خود با علامتهای نقطه‌گذاری آشنا هستند. بعلاوه در کتاب فارسی سوم و چهارم پاره‌ای از علامتهای مهم توضیح داده شده است. بهتر است در هنگام خواندن متن درسها بویژه شعرها، به علامات نقطه‌گذاری توجه کرد و در هر درسی در دو سه مورد علت گذاشتن نقطه، بند، نقطه‌بند، علامت سؤال و تعجب و گیومه از دانش‌آموزان پرسید. همچنین باید سعی کرد دانش‌آموزان در نوشته‌های خود این علامتها را بکار ببرند. اجمالاً درباره نقطه‌گذاری یادآوری می‌شود که:

نقطه (.) پایان جمله یا پایان عبارت را نشان می‌دهد و علامت وقف یا سکوت طولانی است.

بند (،) [که در انگلیسی کاما و در فرانسوی ویرگول نامیده می‌شود] نشانه مکث و توقف کوتاه است.

نقطه‌بند (؛) [یا نقطه ویرگول] علامت مکثی است اندکی بیشتر از مکث بند.

خط :

قسمت عمده کتاب فارسی پنجم نیز مانند کتابهای دیگر درسی به خط نسخ نوشته شده است. کتاب فارسی اول و ۳۸ صفحه اول کتاب فارسی دوم تماماً به خط نسخ است. از صفحه ۳۹ کتاب فارسی دوم، دانش‌آموزان، با خط نستعلیق آشنا می‌شوند. از آن پس همه شعرهای کتاب دوم به خط نستعلیق و تمرینهایی که باید از روی آنها نوشته شود یا در جمله بکار رود به خط تحریری است. تحریری همان نستعلیق است که در آن قواعد خط نستعلیق بطور دقیق رعایت نمی‌شود. این شیوه در تمام کتاب فارسی سوم نیز معمول شده است. در کتاب فارسی چهارم اشعار و همه تمرینها که باید از روی آنها نوشته شود یا در جمله بکار رود به خط نستعلیق

است، این شیوه در کتاب فارسی پنجم نیز بکار رفته است.

کتابهای مناسب:

آموزگار باید سعی کند دانش آموزان را به مطالعه کتابهای مناسب وادار کند و سعی نماید که این نوع کتابها را در کتابخانه دبستان یا کتابخانه کلاس گردآوری کند در صورتی که دانش آموزان یا بعضی از آنان بخواهند این کتابها را خریداری کنند بهتر است که هر يك از آنان یکی از این کتابها را بخرد و باهم رد و بدل نمایند و یا کلاس به چند گروه تقسیم شود و این عمل در داخل گروهها انجام گیرد.

آموزگار در درس انشا نیز می تواند از این کتابها استفاده کند به این معنی که خلاصه کردن این کتابها را به عنوان انشا تعیین نماید.

چنین تکلیفی دانش آموز را بر سر ذوق نویسندگی می آورد زیرا خلاصه کتاب را اثری شخصی که زاده فکر و اندیشه اوست تصور می کند و آن را گامی در راه نویسندگی بحساب می آورد. برای تلخیص کتاب، شاگرد مجبور است آن را چند بار با دقت بخواند و مطالب آن را هضم کند. آموزگار باید دانش آموز را مجبور کند که خلاصه کتاب را طوری بنویسد که در عین آنکه از لحاظ معنی و مطلب با اصل اثر نویسنده مطابق باشد از نوشتن عین جملات نویسنده احتراز کند، آموزگار باید برای چنین خلاصه ای نمره ای قائل شود و آن را با نمره انشای بین سال یا آخر سال جمع و معدل گیری کند تا شاگرد آن را سرسری انجام ندهد.

روش تدریس خواندن درسهای کتاب فارسی:

درسهایی را که در کتاب فارسی بکار رفته است می توان به سه دسته تقسیم کرد. نخست درسهایی که بطور صامت خوانی تدریس می شود، دوم درسهایی که در تدریس آنها از خواندن مستقل (آزاد) استفاده می شود، سوم درسهایی که بطور خطایی تدریس می گردد.

مراد از صامت خوانی این است که دانش آموزان درس را پیش خود و با اصطلاح «تودلشان» بخوانند. درسهایی که بطور صامت خوانی آموخته می شود، درسهای ساده و آسانی است که خواندن آنها برای دانش آموزان اشکالی ندارد. در کلاس پس از آنکه درس به صورت «صامت» خوانده شد، آموزگار برای اینکه معلوم کند دانش آموزان تا چه حد مطالب آن را فهمیده اند

پرسشها را مطرح می‌کند. اگر پس از طرح پرسشها، معلوم شود که دانش‌آموزان یا اغلب آنان بعضی از مطالب درس را نفهمیده‌اند، آموزگار آن مطالب را توضیح می‌دهد و در صورت لزوم، درس بطور خواندن مستقل تدریس می‌شود، خواندن مستقل (یا آزاد) این است که درس به جای اینکه به وسیله آموزگار خوانده شود به وسیله دانش‌آموزان خوانده می‌شود به این ترتیب که آموزگار از چند نفر از دانش‌آموزان می‌خواهد که بترتیب درس را بخوانند و با توجه به کلمه‌ها و ترکیبهای تازه مطالب مشکل آن را معنی کنند.

شعرها و درسهای مشکل کتاب به روش خطابی تدریس می‌شود، یعنی به وسیله آموزگار خوانده و توضیح داده می‌شود. با همه این نباید تصور کرد که درسها در همه کلاسهای پنجم به یک نوع باید تدریس شود. دانش‌آموزان کلاسی ممکن است از زبده ترین و باهوشترین کودکان تشکیل شده و در سالهای قبل نیز خوب تعلیم دیده باشند. در این کلاس آموزگار می‌تواند بیشتر درسها را بطور صامت خوانی تدریس کند و در شعرها نیز از خواندن مستقل استفاده نماید. اگر دانش‌آموزان کلاس متوسط باشند آموزگار در هر درسی مطابق آنچه در کتاب روش تدریس نوشته شده است عمل می‌کند و اگر آموزگار با دانش‌آموزان عقب مانده وضعی سروکار داشته باشد کمتر آنان را به صامت خوانی وامی‌دارد و بیشتر از خواندن مستقل استفاده می‌کند و در صورت لزوم شخصاً متنها را می‌خواند و توضیح می‌دهد.

در هر حال بهتر است آموزگار قبل از اینکه مشکلات درس را خود، بیان کند از شاگردان بپرسد و سعی کند که مطالب دشوار به وسیله خود دانش‌آموزان توضیح داده شود. وقتی آموزگار شخصاً به توضیح می‌پردازد که مطمئن شود هیچکدام از شاگردان مطالب را نمی‌دانند. منظور آن است که آموزگار در تدریس سعی کند حتی المقدور از روش استقرایی و سقراطی استفاده کند.

در بیشتر درسها، لازم است قبلاً توضیحی درباره موضوع درس داده شود. در ضمن روش تدریس درسها تحت عنوان یادآوری مطالبی در توضیح متن درس یا درباره نویسنده آمده است. در توضیحات قبل از درس، از این مطالب می‌توان استفاده کرد.

آموزگاران گاهی در درسها به لغات مشکلی برخورد می‌کنند که نیاز به توضیح دارد درحالی که در کلمه‌ها و ترکیبهای تازه معنی نشده است. علت این امر این است که لغاتی در ذیل درسها معنی شده است که در کتابهای قبل و همچنین در درسهای قبل نیامده است.

پس لغات مشکلی که معنی نشده، در درسهای قبل یا در کتابهای قبل معنی شده است و اصولاً دانش‌آموزان باید آنها را آموخته باشند. برای آگاهی آموزگار، در همین کتاب در

قسمت یادآوری این قبیل لغات ذکر شده است.

املا :

آموزگاران عزیز خوب می‌دانند که آموختن املائی کلمات با مشق نویسی از روی کتاب و نوشتن دیکته از هر درسی کار پرتیمی نیست و باید گفت که هیچک از این دو را نمی‌توان روش مفید دانست زیرا اولی فقط به تمرین مکرر و طوطی‌وار و دومی به حافظه تکیه می‌کند.

همانطور که برای آموزش خواندن از کلماتی شروع می‌کنیم که بیشتر مورد احتیاج کودک است و برای او آشناتر است برای آموزش اسلای کلمات نیز باید از همین اصل استفاده کرد، یعنی باید دانش آموزان نخست املائی کلماتی را بیاموزند که در زندگی روزانه مورد نیاز آنهاست و سپس رفته رفته به کلمات دشوارتر و نامأنوستر برسند و آنچه را باید هر آموزگار بخاطر بسپارد این است که فرا گرفتن املا فقط در ساعت دیکته نیست، بلکه اگر در همه مواد برنامه هماهنگی وجود داشته باشد، قرائت، تمرینها، انشاء، تعلیمات دینی، تعلیمات اجتماعی و دروس دیگر کمک بزرگی در این راه خواهند کرد.

بین خواندن کلمات و املائی آنها رابطه بسیار نزدیکی موجود است. اغلب کسانی که در خواندن قوی هستند در املائی کلمات نیز کمتر دچار اشکال می‌شوند و از این روست که هر آموزگار باتجربه‌ای می‌داند که در دیکته نباید کلماتی بکار برد که کودک هنوز ندیده و نخوانده است. همچنین از آنجا که بیشتر کلمات مشکل در کتاب قرائت معنی می‌شود دانستن معانی این کلمات کمک بسیاری به فرا گرفتن املائی آنها می‌کند. اگر آموزگار در درس قرائت کلمات مشکل را خوب توضیح دهد و توجه دانش آموزان را به کلمه‌های هم خانواده جلب کند دامنه کلماتی که کودک املائی آنها را می‌آموزد بآسانی وسعت می‌گیرد. مثلاً وقتی که شاگرد بداند که «تحصیل، حاصل، محصول» همه از یک خانواده هستند و معنی هر سه آنها را نیز بداند در املائی آنها اشتباهی نخواهد کرد.

هرگاه انجام دادن کاری با فعالیت ذهنی همراه باشد کار بهتر انجام خواهد شد و نتایج مفیدتر به بار خواهد آورد. نوشتن مشق طبق رسم قدیم و معمول در دبستانها از آنجاکه همراه با هیچگونه فعالیت ذهنی نیست معمولاً کاری طوطی‌وار می‌شود و نتیجه لازم را هم نمی‌دهد ولی ساختن جمله و یا نوشتن جواب به سؤالها یا رونویسی از جمله بخصوص چون همراه با فکر و فعالیت ذهنی است نتیجه بهتری به بار می‌آورد. دانش آموزی که کلمه «محصول» را یک بار

در عشق شب می نویسد ممکن است هیچگاه متوجه املاي آن نشود. و با وجود آنکه ممکن است ده بار از روی آن نوشته باشد با این همه در املا ممکن است به صورت «مهلوسول» بنویسد و باعث تعجب آموزگار شود در صورتی که با بکار بردن آن در جمله ناچار در نوشتن آن دقت می کند. به همین منظور و نیز برای تقویت انشانویسی دانش آموزان است که این نوع تمرین یعنی ساختن جمله با کلمه ها در این کتاب و کتابهای پیشین فراوان آورده شده است. همچنین نوشتن داستانهای کوتاه و انشا و نامه و گزارش بیشتر از دیکته گفتن به فرا گرفتن املا کمک می کند زیرا شاگرد احتیاج واقعی به کلمات پیدا می کند و ناچار املاي آنها را نیز می آموزد. گفتن دیکته در کلاس باید فقط به منظور ارزشیابی کارهای مختلفی که برای آموختن املاي کلمات انجام شده است باشد. به این منظور در پایان هر هفته آموزگار می تواند دیکته ای تهیه کند که تمام نکات املايی هفته را دربر داشته باشد. نیز آموزگار می تواند در هر دیکته ای دو سه نکته از نکات املايی درسهای هفته های قبل و حتی کلاسهای قبل را بگنجاند. در این مورد می تواند از فهرست لغات مشکل کتاب فارسی و همچنین فهرست لغات املايی چهار ساله ابتدایی (هر دو فهرست در صفحات آخر کتاب است) استفاده کند. پس از تصحیح دیکته اشکالات اساسی معلوم می شود و در هفته بعد علاوه بر آموختن نکات جدید باید اشکالهای گذشته هم برطرف گردد.

جمع آوری املا :

مسئله جمع آوری اوراق با روش ملایم و صحیح و ایجاد روح اعتماد و اطمینان در محیط کلاس نیز از اهم وظایف آموزگاران است، ایجاد وحشت در کلاس موقع پایان دیکته و گفتن جمله هایی از قبیل «دستها بالا» و یا «قلمها را روی میز بگذارید» و... از نظر آموزشی کار درستی نیست. محیط تربیتی هر قدر متکی به اعتقاد و ایمان و تفاهم باشد مربی و معلم از کار خود، نتیجه بهتری بدست می آورد.

تصحیح املا :

املا عموماً به دو صورت تصحیح می شود: تصحیح فردی و تصحیح جمعی. تصحیح فردی وقتی است که آموزگار ورقه ها را جمع می کند و املاي فرد فرد دانش آموزان را خود تصحیح می کند و اظهار نظر می نماید. تا آنجا که ممکن است آموزگار باید کوشش کند که تصحیح املا و بطور کلی تصحیح همه تکالیف و نوشته های دانش آموز با حضور خود

او صورت گیرد.

تصحیح جمعی وقتی است که یکی از دانش‌آموزان متن و یا لغت‌های مشکل املا را روی تخته سیاه می‌نویسد و دیگران از روی نوشته او به تصحیح دیکته خود یا دیگران می‌پردازند، قطعی است جز در مواردی که عده دانش‌آموزان کلاس زیاد است آن هم به صورت گاه بگاه، نباید از این روش استفاده شود. به هر حال این هر دو روش در مدارس ما معمول است، ولی اصولی‌تر و بهتر بنظر می‌رسد که آموزگاران اختلاطی از این دو روش را بکار برند تا بدین وسیله معایب هر دو روش تا حدی برطرف گردد. نکته‌ای که هرگز نباید فراموش شود این است که دانش‌آموزان دیرآموز و ضعیف کلاس باید مورد عنایت قرار گیرند و توجه و فعالیت بیشتر آموزگار روی این قبیل افراد باید باشد مخصوصاً در اوقاتی که به جهت کثرت دانش‌آموزان کلاس املا به صورت جمعی، اصلاح می‌شود، ورقه‌های املاي دانش‌آموزان ضعیف باید به صورت تصحیح فردی و با حضور آنان به وسیله آموزگار اصلاح شود.

چگونگی غلط‌گیری و نمره‌گذاری: از آنجا که در مورد غلط‌گیری و نمره‌گذاری، سلیقه‌ها و نظرها مختلف و متفاوت است، برای داشتن شیوه واحد روش زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- هر کلمه‌ای که يك يا چند حرف آن غلط نوشته شود يك غلط محسوب شود.
- ۲- هر کلمه‌ای که به دو صورت صحیح و غلط نوشته شود و هر دو صورت آن دست نخورده باقی بماند يك غلط تمام محسوب شود.
- ۳- هر کلمه‌ای که از قلم انداخته شود اگر دارای اهمیت املايی باشد يك غلط و اگر از کلمات عادی مثل «لباس، آمد» باشد، نیم غلط محسوب شود.
- ۴- غلط سمعی اگر در جمله معنی‌دهد و کلمه بی‌ربطی باشد، تمام غلط و اگر آن کلمه در آن جمله دارای معنی باشد، نیم غلط محسوب شود.
- ۵- مرکز یا دندانۀ کم و زیاد برای هر کلمه در تمام املا ربع غلط محسوب شود. مثلاً اگر در همه املا؛ دانش‌آموز، شیر را به صورت نیم‌نوشته باشد، ربع غلط محسوب شود.
- ۶- اگر يك قسمت از کلمه‌ای در آخر سطر و قسمت دیگرش در اول سطر دیگر به صورت «سرا- سر» نوشته شود نیم غلط محسوب شود. مگر اینکه در کنار قسمت اول کلمه در آخر سطر «تیره» گذاشته شده باشد.
- ۷- اگر باء تأکید و نون نفی جدا از فعلها نوشته شوند هر يك نیم غلط محسوب شود.
- ۸- تشدید، سرکج اضافی یا کم (درکاف، گاف) هر يك ربع غلط محسوب شود و در مورد هر يك، در تمام املا، از يك نمره بیشتر کسر نشود.

۹- کلمات مرکب نظیر «دانشگاه، ستمگر، اگر به صورت «دانش گاه، ستم گر» نوشته شود هر يك ربع غلط محسوب شود.

۱۰- موصوف و صفت و مضاف و مضاف الیه اگر سرهم نوشته شوند مانند «باغبزرگ به جای باغبزرگ» و «اتاقدرس به جای اتاق درس» هر يك ربع غلط محسوب شود.

۱۱- کلماتی مانند: دانایی، زیبایی، پایین، پاییز، آیین، باید با «ی» نوشته شوند، در غیر این صورت یعنی اگر باهمزه نوشته شود هر يك ربع غلط محسوب شود.

یکی از اشکالات املائی در کلاسهای دبستانی مسئله دندانه هاست، یعنی شاگردان توجه نمی کنند که هر حرفی چند دندانه دارد و چگونه به حرف بعدی می چسبد. برطرف کردن این اشکال برای آموزگار که به قوانین رسم الخط فارسی آشناست گرچه وقت می گیرد اما کار مشکلی نیست. شاگردان این سنین بخوبی می توانند قوانین رسم الخط فارسی را بیاموزند و در بکار بردن آنها تمرین کنند. شاگردانی که این نوع اشکالات در املا کلمات دارند باید تمرینهای مخصوص مربوط به قوانین نوشتن هر حرف را انجام دهند.

مسئله دیگری که هنگام تصحیح دیکته به چشم می خورد «جا گذاشتن» حروف و کلمات است. این اشکال به سه دلیل اساسی پیش می آید:

۱- ممکن است دیکته تند گفته شده باشد.

۲- شاگرد دقت لازم را در کار خود نداشته باشد. در این صورت باید تمرینهایی انجام دهد که دقت او را پرورش دهد، مانند نوشتن کلمه و خط کشیدن زیر حرفی که انداخته است و یا رونویسی متن کوچکی و خط کشی زیر تمام کلماتی که مثلاً با «ص» نوشته شده است و جز اینها.

۳- عامل خستگی موجب این امر شده باشد. اغلب آموزگاران قبول خواهند کرد که این نوع اشکالات عموماً در قسمت آخر دیکته اتفاق می افتد و به همین دلیل است که باید حتماً مقدار دیکته را متناسب با قدرت دانش آموزان انتخاب کرد.

انشا :

هدف از آموزش انشا این است که توانایی و مهارت دانش آموزان در نوشتن به پایه ای برسد که باسانی بتوانند آنچه را که می اندیشند و می خوانند به دیگری بگویند و بنویسند. نوشته های آنان به بهترین شیوه ای اندیشه ها و خیالات و عقایدشان را درباره موضوعهای گوناگون به دیگران نشان دهد، درست بنویسند، و در استدلال و توصیف مطالب توانا شوند، دلنشین و گیرا

و خوب بنویسند و از راه نوشتن، نیازمندیهای آنی خود را در ایجاد رابطه با دیگران بخوبی برآورند. همچنین قصد ما از آموزش انشا این است که دانش آموزانی را که تخیلی قویتر و استعدادی بیشتر در فن نویسندگی دارند بشناسیم و آنان را ترغیب و تشویق و راهنمایی کنیم تا تخیل و استعداد خود را در مسیری صحیح پرورش دهند و کار نویسندگی را دنبال کنند. با توجه به این هدفها و با توجه به اصول یادگیری است که در درس انشا به رغبت و علاقه دانش آموزان، و مفید بودن آنچه آموخته می شود توجه بیشتری باید مبذول داشت و آنرا رکن اساسی تعلیم انشا قرار داد.

طبق برنامه تفصیلی دوره پنج ساله ابتدایی، درسهای چهارم و پنجم در قسمت انشا، دانش آموزان باید کارهای ذیل را انجام دهند:

- ۱- تمرین جمله نویسی.
- ۲- تبدیل قطعات نظم به نثر.
- ۳- نوشتن مشاهدات.
- ۴- نوشتن داستانهای کوتاهی که شنیده اند.
- ۵- نوشتن افکار و عقاید شخصی درباره موضوعهای ساده و معمولی روزانه.
- ۶- شرح کارهای روزانه.
- ۷- نوشتن و وصف منظره ای که دیده اند.
- ۸- وصف آنچه درعکس یا در منظره دیده می شود.
- ۹- نوشتن گزارش بطور دسته جمعی.
- ۱۰- نوشتن گزارش بطور مستقل.
- ۱۱- ساختن داستانهای کوتاه.
- ۱۲- خلاصه کردن قصه ها.
- ۱۳- یادداشت برداشتن.
- ۱۴- تهیه طرح برای گزارش مشاهدات (بطور جمعی).
- ۱۵- تمرین مکرر در طرح ریزی انشا بطور جمعی و انفرادی.
- ۱۶- نوشتن مشاهدات خود بطور مستقل (یا طرح).
- ۱۷- نوشتن داستانهای تخیلی و واقعی با تهیه طرح بطور مستقل.
- ۱۸- شرکت در نوشتن روزنامه مدرسه و تهیه اخبار.
- ۱۹- نامه نگاری (انواع نامه های عادی، رسمی، تبریک، دعوتنامه، تسلیت، تلگرام

و غیره...).

موضوع انشا:

برای دانش آموز بسیار مشکل و بیزارکننده است که از وی بخواهیم در باره موضوعی انشا بنویسد که نه به آن رغبت و علاقه دارد و نه درباره آن چیزی می داند. به همین لحاظ است که دانش آموزان در آغاز تمرین نویسنده گی موضوعهای توصیفی را که با شناخت زیبایی و محسوسات و مشاهدات و تجربه های آنان سر و کار دارد با رغبت و علاقه و نسبتاً خوب می نویسند.

در انتخاب موضوعهای انشا باید از یکنواختی آنها پرهیز شود تا دانش آموزان فرصت طبع آزمایی در مسائل مختلف داشته باشند و درباره مطالب گوناگون مورد نیاز خویش بیندیشند و بنویسند و تمرین کنند.

برای مبتدیان باید موضوع انشا را معین و محدود کرد. انتخاب موضوعهایی که حدود آنها مشخص نیست، مانند راستگویی، فداکاری، شجاعت، باران و غیره دانش آموزان را بلا تکلیف می گذارد. و حال آنکه اگر به دانش آموزان بگوییم «رفت و آمد مردم را در یک روز بارانی شرح دهید.» این محدودیت به نظم فکری آنها برای نوشتن کمک می کند.

* انتخاب موضوعهایی که دانش آموز در زندگی خود با آنها سر و کار دارد، و یا موضوعهای مربوط به مسائل و وقایع روز که مورد رغبت و علاقه دانش آموز است و کودک به علت مواجه بودن با آنها و یا از آن جهت که می تواند اطلاعاتی از منابع دیگر، مانند گفتگو با دیگران، روزنامه و مجله، رادیو و غیره، درباره آنها کسب کند؛ در حیطه دانش و معلومات اوست و مشوق او در نوشتن خواهد بود. مثل نوشتن نامه ای برای دوستی که بیمار است، یا یکی از همکلاسیها که در شهری دیگر درس می خواند، و نوشتن کارت تبریک یا مطالبی درباره جشنها و اعیاد و مانند آنها.

* گاه می توان موضوع انشا را یک تصویر یا یک سلسله تصاویر قرار داد. این تصاویر را با سانی می توان از مجلات و روزنامه ها جدا کرد و در کلاس به همه دانش آموزان نشان داد و از آنان خواست که در باره آن تصویر یا تصاویر هر چه می خواهند بنویسند. حتماً لازم نیست که موضوع تصویر برای همه دانش آموزان یکسان باشد، گاه می توان به تعداد دانش آموزان تصاویری را در اختیار آنان گذاشت تا به دفتر انشای خود بچسبانند و انشای خود را در کنار یا ذیل آن بنویسند.

* گاه می‌توان چند کلمه را که معانی آنها برای دانش‌آموزان قابل فهم و درک باشد روی تخته سیاه نوشت و از آنان خواست که انشایی بنویسند و آن کلمه‌ها را در آن انشا بکار برند. بهتر است این کلمه‌ها را طوری انتخاب کنیم که از لحاظی با هم مربوط باشند.

* تشکیل دادن گروه‌های مختلف برای روزنامه‌نویسی با توجه به علاقه دانش‌آموزان نیز می‌تواند وسیله مطلوبی برای برانگیختن رغبت دانش‌آموزان در انتخاب موضوعهای مورد علاقه و تمرین نویسندگی باشد.

آموزگار آن گاهی به دانش‌آموزانی برخورد می‌کند که هر چه به مغز خود فشار وارد می‌کنند نمی‌توانند جمله‌ای درباره موضوع انشا بنویسند، برای تحریک اندیشه این قبیل دانش‌آموزان می‌توان از طرح سؤال کمک گرفت بدین معنی که آموزگار درباره موضوع انشا سؤالاتی مطرح می‌کند و یا دانش‌آموز را یاری می‌کند که در باره موضوع سؤالاتی تهیه کند. جواب سؤالات، مقداری مطلب بدست خواهد داد. وقتی که این جواب‌ها بطور منطقی به هم ربط داده شود و پشت سر هم بیاید، همان انشا مورد نظر خواهد بود. مثلاً اگر موضوع انشا توصیف منظره حیاط مدرسه باشد؛ طرح این پرسش‌ها و جواب آنها مقداری مطلب بدست خواهد داد.

حیاط مدرسه چه شکلی دارد؟

در حیاط مدرسه چه چیزهایی دیده می‌شود؟

در حیاط مدرسه چه کسانی دیده می‌شوند؟

در چه وقت‌هایی حیاط مدرسه شلوغ است؟

در ساعات تنفس بچه‌ها در حیاط مدرسه چه می‌کنند؟

صبح‌ها حیاط مدرسه چگونه است؟

وسایل ورزشی در کجای حیاط قرار دارد؟

کلاس‌ها در کجای حیاط قرار دارند؟

و پرسش‌هایی از این قبیل و گاهی آموزگار می‌تواند فقط ادات پرسش مانند که، چه، چگونه، چرا، کدام و... در اختیار دانش‌آموز قرار دهد و از او بخواهد که با این ادوات، پرسش‌هایی تهیه کند و بدانها جواب دهد و جواب‌ها را مرتب سازد.

انواع انشا:

انشاهای این سنین را می‌توان به انواع زیر تقسیم کرد:

۱- انشای توصیفی، انشای توصیفی یا وصفی ساده ترین نوع انشاست. در این نوع

انشاء، دانش آموز چیزهایی را که در اطراف خود می بیند یا می شنود وصف و تعریف می کند. بهترین انشای توصیفی، انشایی است که خواننده یا شنونده آن بخوبی بتواند جزئیات صحنه ها و اشیای وصف شده را در نظر مجسم کند.

گزارش نویسی را نیز باید نوعی از انشای توصیفی دانست. از آنجا که کودکان دوست دارند درباره تجربه های خود با دیگران سخن گویند، آموزگار می تواند از همین میل طبیعی آنها استفاده کند و به آنها بیاموزد که نوشتن گزارش را چگونه انجام دهند تا هم از گفتن یا نوشتن آن لذت ببرند و هم شنونده یا خواننده از طول کلام و یا درهم بودن موضوع خسته نشود. بدیهی است که این کار نباید فقط یک بار انجام شود بلکه آموزگار باید از موقعیتهای مختلف استفاده کند و شاگردان خود را به کار گزارش نویسی وادارد.

وقتی که دانش آموزان به همراه آموزگار به گردش علمی می روند یا به بازدید از آثار تاریخی یا موزه ها یا کتابخانه ها و دیگر مجامع عمومی مانند ایستگاه راه آهن، فرودگاه و جز آنها می پردازند حتماً باید از آنها خواست تا درباره بازدید خود گزارشی تهیه کنند. گاه می توان در بازدیدها دانش آموزان را به گروه های مختلف تقسیم کرد^۱ و هر گروهی را موظف ساخت تا درباره قسمتی از محل مورد بازدید یادداشت بردارند و مشاهدات خود را بنویسند. پس از پایان بازدید هر يك از گروه ها با همکاری همه افراد گروه گزارش مطالعات و مشاهدات خود را تهیه می کنند و در ساعتی که آموزگار تعیین می کند سخنگوی هر گروه گزارش خود را در کلاس می خواند. می توان از هر گروه يك یادو تن را موظف کرد تا از مجموع گزارشها، گزارش مفصل و کاملی تهیه کنند.

۲- انشای نقلی، این نوع انشا در بیان سرگذشت انسان یا حیوان یا چیز دیگری است.

برای نوشتن انشای نقلی باید از شرح حال نویسی شروع کرد مثلاً شرح چگونگی گذراندن يك روز تعطیل، یا شرح حال خود یا یکی از دوستان یا خویشان و نزدیکان.

۳- انشای تخیلی، این نوع انشا در واقع همان انشای نقلی است که موضوع آن افسانه ای و تخیل آمیز و ساخته و پرداخته ذهن نویسنده آن است.

انشای تخیلی در تقویت نیروی ذهنی و خیالی دانش آموزان و تحریک و تشویق آنان

۱ - این نوع تقسیم بندیها در کلاس جتما باید با نظر خود دانش آموزان انجام شود و هر کس در هر گروهی که می خواهد بتواند شرکت جوید.

به نویسندگی حائز کمال اهمیت است و به همین ملاحظه در فارسی پنجم انشای تخیلی مورد توجه بوده و در جای جای کتاب موضوعهایی تخیلی داده شده است.

۴- نامه نگاری، در این سال دانش آموزان باید اصول نامه نگاری را بخوبی فراگیرند و به همین جهت در کتاب شاگرد به این مسئله اختصاص داده شده است (صفحه ۸۱ کتاب شاگرد).

در مورد نامه نگاری باید سعی کرد که شرایط واقعی نامه نگاری بوجود آید (مانند دعوت از اولیا و نوشتن نامه حقیقی به اقوام و غیره...) بطوری که دانش آموز نامه را واقعی حس کند. برای بوجود آوردن چنین وضعی ممکن است شاگردان يك کلاس به شاگردان کلاس دیگر نامه بنویسند یا شاگردان مدرسه ای به شاگردان مدرسه دیگر یا شاگردان از شهر و دهی به شهر و ده دیگر نامه بنویسند و جواب دریافت دارند.

۵- انشای تحقیقی یا استدلالی، موضوع این نوع انشاها بحث و تحقیق درباره مسائل متعلی است از قبیل مسائل تاریخی، اجتماعی، اخلاقی، علمی، ادبی و جز آنها.

نوشتن این نوع انشاها که موضوع آنها گاهی به صورت پرسشی ساده و گاهی در لباس يك بیت شعر و یا مثلی بیان می شود از دیگر انواع انشا دشوارتر است. چه، از امور غیر محسوس و معنوی باید سخن گفته شود و نویسنده انشا باید با دلیل و برهان عقیده خود را ثابت کند تا خواننده یا شنونده نظر او را بپذیرد. در نوشتن این نوع انشا علاوه بر شرایطی که در نوشتن انشاهای معمولی رعایت می شود نویسنده باید با آثار نویسندگان و عقاید صاحب نظران آشنایی داشته باشد و از عقاید مختلف درباره موضوع آگاه باشد به همین دلیل است که نوشتن انشای استدلالی و تحقیقی از نیروی ذهن و از حیطه اطلاعات و معلومات دانش آموزان دبستان خارج است، با این همه نباید غفلت داشت از اینکه دانش آموزان باید در آینده در نوشتن این نوع انشا مهارت پیدا کنند و اساس آن را از هم اکنون در ذوق و استعداد خود پایه ریزی نمایند این است که از ساده ترین مسائل، که می تواند مسائل اخلاقی یا اجتماعی باشد، در این باره باید شروع کرد.

۶- برای انواع باید خلاصه نویسی را نیز افزود. برای اینکه بتوان متنی را بطور منطقی از حشو و زوائد آن کاست باید بترتیب کارهای زیر را انجام داد:

الف- از روی متن يك بار بدقت خواند.

ب- زیر نکات اصلی آن خط کشید.

ج- نکات اصلی را با در نظر گرفتن تسلسل منطقی ذکر کرد.

آنچه معمولاً در کار خلاصه کردن برای شاگردان مشکل است یافتن نکات اصلی است، از این رو باید یکی دوبار داستانهای مختلف را بخوانند و نکات اصلی آن را پیدا کنند.

انشا را چگونه باید تصحیح کرد - بیشتر در مدارس معمول است که دانش آموزان نوشته‌های خود را در کلاس می‌خوانند و آموزگار و احیاناً دانش آموزان نقاط ضعف و مطالب و عبارات نادرست آن را مورد نقد و تصحیح قرار می‌دهند، گاهی نیز آموزگار انشاها را در خارج از کلاس می‌خواند و یادآوریه‌ها و تصحیحات لازم را در حاشیه انشا یادداشت می‌کند. بنظر می‌رسد بهترین راه برای تصحیح انشا تلفیقی از دو روش بالا با توجه به نکات زیر است :

آموزگار خود انشاها را بخواند، یادآوریه‌ها و نکات لازم را در حاشیه آنها یادداشت کند، انشاهای خوب و بد را با هم مقایسه نماید، عبارات خوب را در انشاها علامتگذاری کند، نقاط ضعف هر انشایی را معین نماید.

در ساعت انشا قبل از آنکه انشاهای خوب خوانده شود (فقط انشاهای خوب باید خوانده شود) راجع به انشاهای خوب و بد صحبت کند (در صحبت از انشاهای بد لازم نیست نام نویسنده را بر زبان بیاورد). جملات و عباراتی از انشاهای بد بخواند و بگوید بطوری که می‌بینید نویسنده نتوانسته است فکر خود را خوب بیان کند یا در این مورد فکر خوبی به خاطرش نرسیده است، حالا ببینید که... (نام نویسنده انشا) چگونه توانسته است در این باره فکر کند و یا فکر خود را در قالب بهترین جمله‌ها و عبارتها بیان نماید.

ممکن است فکر مورد نظر آموزگار به خاطر دانش آموزی رسیده باشد ولی نتوانسته باشد آن را خوب بیان کند. در این حال عبارت مورد نظر در این انشا با عبارتی از انشایی خوب که توانسته همان فکر را خوب بیان کند و جملاتی شیوا و فصیح بنویسد، مقایسه شود. برعکس گاه ممکن است که اصولاً فکر مورد نظر به خاطر دانش آموز نرسیده باشد، در این صورت انشاها از لحاظ فکر و محتوا با هم مقایسه می‌شوند.

نیز آموزگار می‌تواند چه در هنگامی که خود در کلیات صحبت می‌کند و چه در موقعی که انشاهای خوب در کلاس خوانده می‌شود فکرهای خوب را از انشاها استخراج کند و دانش آموزی آنها را در تخته سیاه بنویسد. سپس دانش آموزان ضعیف را وادارد تا فکرهای خوب را که در حقیقت همان هسته اصلی انشا خواهد بود یادداشت کنند و درباره موضوع مجدداً انشایی بنویسند.

یکی از دشواریهای کار تصحیح انشا نمره دادن به آن است و در واقع ضابطه‌ای دقیق

در این باره وجود ندارد و بسته است به ذوق و سلیقه آموزگاران با این همه توجه به نکات زیر می تواند تاحدی رأی و نظر آموزگاران را به هم نزدیک سازد:

- ۱- آیا دانش آموز مطلبی برای نوشتن داشته است؟
- ۲- آیا برای بیان مطلب نقشه و طرحی داشته و توانسته است مطلب خود را بیان کند؟

- ۳- آیا بیان مطلب با جملات روشن و درست انجام گرفته و انشا از اغلاط دستوری خالی است؟

- ۴- هر مطلبی با توجه به اهمیت آن در جای خود قرار گرفته و از تکرار مطالب خودداری شده است و انشا به قسمتهایی تقسیم شده و هر قسمت درباره گرافی قرار گرفته است؟

- ۵- به علائم نقطه گذاری توجه شده و جاهای مکث با بند و نقطه بند و آخر جمله ها با نقطه مشخص گردیده و از دیگر علامات نقطه گذاری نیز استفاده شده است؟

- ۶- علاوه بر رعایت نکات بالا زیبایی و لطافت در انشا وجود دارد و نویسنده با آوردن تشبیهات و کنایات و امثال زیبا یا افکار ظریف انشای خود را از حالت خشکی و بیروحی بیرون آورده است؟

- برای رعایت هر يك از نکات بالا می توان نمره ای در نظر گرفت. مثلاً می توان برای شماره ۱ یعنی داشتن مطلب ۵ نمره، برای شماره ۲ یعنی بیان مطلب ۵ نمره، برای شماره ۳ یعنی خالی بودن انشا از اغلاط دستوری ۴ نمره، برای شماره ۴ یعنی تقسیم بندی انشا و عدم تکرار ۱/۵ نمره، برای شماره ۵ یعنی رعایت نقطه گذاری ۱/۵ نمره و سرانجام برای شماره ۶ یعنی زیبایی و لطافت انشا ۳ نمره منظور داشت.

و اینک چند موضوع به عنوان نمونه ذیلاً پیشنهاد می شود. آموزگار می تواند به مقتضای زمان و موقعیت و محیط از این موضوعها انتخاب کند و از شاگردان بخواهد که درباره آنها انشا یا نامه ای بنویسند:

- ۱- مشاهدات خود را در راه مدرسه و خانه شرح دهید.
- ۲- هنگامی که همه شاگردان و آموزگاران در کلاس هستند، حیاط مدرسه خلوت است، و تنها ناظم در حیاط قدم می زند و یکی از خدمتگزاران در کنار درایستاده است. مدرسه چه منظره ای دارد؛ توصیف کنید.
- ۳- از مسابقه های ورزشی چه مسابقه ای را بیشتر دوست دارید؛ آن را توصیف کنید.
- ۴- آخرین کتابی که خوانده اید چه کتابی است؛ آن را معرفی کنید و خلاصه ای از

آن را بنویسید.

۵- منظره کلاس درس را توصیف کنید.

۶- منظره‌ای از يك مغازه یا فروشگاه را در حالی که فروشندگان فعالیت می‌کنند و مشتریها را راه می‌اندازند وصف کنید.

۷- کوچ یکی از پرندگان مهاجر مثلا پرستو یا لک را توصیف کنید.

۸- ایستگاه راه آهن را هنگامی که قطار تازه وارد شده است یا در حالی که قطار می‌خواهد حرکت کند توصیف کنید.

۹- اوصاف جسمی خودتان یا یکی از دوستان یا آشنایان یا کسی دیگر را بنویسید (چگونگی چشمها، دماغ، گونه، چانه، لب، دهان، مو، اندام، سخن گفتن، غذا خوردن و حالت‌های دیگر را).

۱۰- برگزاری تحویل سال را وصف کنید (تحویل سال در خانه شما چگونه برگزار می‌شود).

۱۱- منظره فرودگاه را درحالی که هواپیمایی درحال حرکت و هواپیمایی دیگر تازه فرود آمده است وصف کنید.

۱۲- طلوع یا غروب خورشید را وصف کنید.

۱۳- منظره خارج از شهر (باغها، کوه، مزارع، جاده‌های کنار شهر و . . .) را وصف کنید.

۱۴- منظره دهی را وصف کنید.

۱۵- منظره خانه خودتان را وصف کنید.

۱۶- منظره يك روز طوفانی را وصف کنید.

۱۷- منظره باغی را در پاییز وصف کنید.

۱۸- منظره يك آتش‌سوزی و وقایعی را که در آن موقع اتفاق می‌افتد بنویسید.

۱۹- منظره شهر را در روز جمعه که همه جا تعطیل است وصف کنید.

۲۰- از سالهای پیش دبستان چه چیزهایی درخاطرتان مانده است، خاطرات خود را در آن موقع بنویسید.

۲۱- خاطرات تابستان گذشته خود را شرح دهید.

۲۲- اهمیت تعاون و همکاری را (درخانه و مدرسه) بنویسید.

۲۳- چرا نظم و ترتیب در زندگی اهمیت دارد؟

- ۲۴- اهمیت کار و کوشش را در زندگی افراد با آوردن نمونه‌هایی شرح دهید.
- ۲۵- وظیفه هر کس نسبت به اجتماع چیست؟
- ۲۶- بهترین راه یاری و کمک به دیگران کدام است؟
- ۲۷- ارزش و فواید مطالعه و کتاب را شرح دهید.
- ۲۸- ارزش و اهمیت وقت را توضیح دهید.
- ۲۹- ارزش دوست و دوستی را بنویسید.
- ۳۰- چرا باید میهن را دوست داشت؟
- ۳۱- آیا باید حیوانات را دوست داشته باشیم، چه کمکی به حیوانات باید بکنیم؟
- ۳۲- پس از پایان تحصیلات خود می‌خواهید چه کاره بشوید و چه دلیلی برای انتخاب شغل دارید؟
- ۳۳- چرا باید از قانون پیروی کنیم؟
- ۳۴- شجاعت یعنی چه؟ با آوردن مثال‌هایی معنی این کلمه را توضیح دهید.
- ۳۵- به نظر شما چه کسانی در اجتماع نقش مهم و مؤثری دارند؟

و اینک چند موضوع از انشاهایی که در امتحانات نهایی دبستانها در سالهای اخیر در تهران و شهرستانها طرح شده است :

- گردش يك روز خود را شرح دهید.
- زندگی روستایی چگونه است؟ [يك روستا (دهکده) را که دیده‌اید تعریف کنید.]
- چرا آموزگاران را مانند پدر و مادر خود باید دوست بداریم؟
- فصل بهار را تعریف کنید.
- تابستان چگونه فصلی است؟
- زمستان چگونه فصلی است؟
- چرا باید از بینوایان دستگیری کرد؟
- در يك روز غیر تعطیل از آن هنگام که از خواب برمی‌خیزید تا وقتی که به رختخواب می‌روید چه کارهایی انجام می‌دهید؟
- از برق چه استفاده‌هایی می‌شود؟
- فواید ورزش چیست؟
- فواید زراعت را شرح دهید.

جشن نوروز چگونه برگزار می‌شود؟ (در این هنگام خانواده‌های ایرانی چه می‌کنند؟)

از دوران تحصیل ابتدایی هر چه بیاد دارید بنویسید (رفتار آموزگاران و همدرسانان را تعریف کنید و سرگرمیها و پیشامدهای دوران تحصیل دبستانی خود را شرح دهید).

فواید سفر چیست؟ (مسافرت با کدام وسیله بهتر است؟)
فواید اختراعات مهم را بنویسید. (مثلا شرح دهید فواید تلنن و رادیو و ماشینهای دیگر چیست.)

باران چگونه بوجود می‌آید و فواید آن چیست؟
چرا باید به قانون احترام گذاشت؟ (عدم توجه به قانون چه ضررهایی دارد؟)
کاردستی خوب است یا بد؟ (اگر خوب است شما چند قسم از آن را دوست دارید؟)
بشر از حیوانات اهلی چه استفاده‌هایی می‌کند؟
به نظر شما چه کسانی می‌توانند به کشور خود خدمت کنند؟
میهن کجاست و میهن پرست کیست؟ وظیفه جوانان نسبت به وطن چیست؟
از تعطیلات تابستانی چگونه استفاده می‌کنید؟
وظیفه دانش آموز خوب در آموزشگاه چیست؟
چرا کشور خودتان را دوست دارید؟ برای آبادی آن چه خواهید کرد؟
چرا پدر و مادر خود را دوست دارید؟
دختر خوب چه صفاتی باید داشته باشد؟

نامه‌ای به پدر. (به پدرتان نامه‌ای بنویسید و تقاضا کنید اجازه بدهند که در تعطیلات تابستان به خیاطخانه‌ای بروید و هنر خیاطی را بیاموزید.)

نامه‌ای به مادر. (نامه‌ای به مادر خویش بنویسید و از محبت‌های وی قدردانی کنید، سپس موفقیت خود را در امتحانات داخلی به او اطلاع دهید و درخواست کنید یک جلد کتاب مفید برای شما بفرستد.)

نامه دوستانه. (به یکی از دوستان محصل خود که در تهران است نامه‌ای بنویسید و او را برای تماشای مناظر زیبا و استفاده از آب دریا در ایام تعطیل تابستان به مازندران دعوت کنید.)

نامه‌ای به دوست خود بنویسید. (چون بعضی از امتحانات او خوب نشده است وی را دل‌داری دهید.)

نامه دوستانه (در پاسخ دوست خودتان که نوشته است خیال مسافرت به آبادان دارد نامه‌ای بنویسید و پس از شرح وضع طبیعی آبادان و مؤسسات صنعتی این شهر یادآور شوید بهتر است که مسافرت خود را به وقتی غیر از فصل تابستان موکول کنید).

نامه‌ای به پدر. (نامه‌ای به پدر خود که در اصفهان است بنویسید و اطلاع دهید که در امتحانات قبول شده‌اید و از ایشان اجازه بخواهید که برای مشاهده آثار تاریخی اصفهان به آن شهر حرکت کنید).

نامه‌ای به یکی از آموزگاران خود بنویسید و از او سپاسگزاری کنید.

برای خدا حافظی به یکی از دوستان خود نامه‌ای بنویسید.

به یکی از دوستان خود که یکی از بستگانش در گذشته است نامه تسلیتی بنویسید.

نامه‌ای به یکی از دوستان خود بنویسید و از او چیزی بخواهید.

نامه‌ای به ریاست دبستان بنویسید و علت غیبت خود را توضیح دهید.

نامه‌ای برای تقاضای کار بنویسید.

فواید درختکاری را توضیح دهید.

زندگی در شهر بهتر است یا در ده؟ دلیل آن را هم ذکر کنید.

بیشتر دوست دارید در خانه بمانید یا در مدرسه باشید؟ چرا یکی را بردیگری ترجیح می‌دهید؟

ضرر همنشینی با بدان وفایده معاشرت با نیکان چیست؟ اگر سرگذشتی هم در این باره بخاطر دارید بنویسید.

نامه‌ای به پدر خود بنویسید و کارهای جمعیت شیر و خورشید سرخ و پیشاهنگان را برای او شرح دهید و درخواست کنید اجازه دهند که شما هم عضو آن جمعیتها بشوید.

نامه‌ای به پدر خود بنویسید و توضیح بدهید که در تعطیل تابستان چه خواهید کرد؟

به نظر شما چه کارهایی باید انجام پذیرد تا زندگی مردم شهر شما بهتر شود؟

خانواده شما از چند نفر تشکیل شده است؟ کار هر یک از آنها چیست و رفتارشان با شما چگونه است؟

فواید دامپروری را توضیح دهید.

فواید پرندگان را شرح دهید.

نظم و ترتیب در زندگی چه فوایدی دارد؟

شرح حال یکی از بزرگان را که خوانده‌اید بنویسید.

با دیگران چگونه رفتار می‌کنید و از آنها چه انتظار دارید؟
یکی از قصه‌ها یا حکایت‌هایی که به نظم یا به نثر خوانده‌اید یا شنیده‌اید یا سرگذشتی را که در سینمایی دیده‌اید تعریف کنید.

طرز تهیه یکی از خوراکی‌ها یا پوشاک‌ها یا یکی دیگر از لوازم زندگی را توضیح دهید.
هنگامی که خورشید یا ماه طلوع یا غروب می‌کند بنویسید چه تغییراتی در طبیعت پدیدار می‌شود.

کدامیک از درسهای دبستانی را بیشتر دوست دارید؟ دلیل آن را هم بنویسید.
فوائد صرفه‌جویی و قناعت و ضررهای اسراف و ولخرجی را بیان کنید.
دوستی را به جشن پایان تحصیل خود دعوت کنید.
درباره طوفان یا باران یا مه یا تگرگ یا زلزله یا برف شدیدی که دیده‌اید انشایی بنویسید و تغییراتی را که به وسیله یکی از آنها بوجود آمده بود شرح دهید.
اگر پول زیاد یا مقام مهمی داشتید چه می‌کردید؟
یکی از منظره‌های: دریا، کوهستان، صحرا، و یا دسته‌ای از گلها یا درختان یا حیوانات را تعریف کنید.

غیر از پدر و مادر کدامیک از افراد خانواده خود را بیشتر دوست دارید، آنها چه محبت‌هایی به شما کرده‌اند؟
میان دو چیز مانند شب و روز مناظره کنید یعنی از زبان هر یک از آن دو، خوبیهای او و عیبهای دیگری را شرح دهید.

* بهترین روش آموزش موضوعها را بیشتر گسترش و شرح و بسط دهد. مثلاً به جای اینکه بگوید منظره کلاس را وصف کنید بهتر خواهد بود آن را چنین مطرح کند: منظره کلاس درس، جایگاه میزها و صندلیها، میز و صندلی آموزگار، تخته سیاه، طرز نشستن شاگردان و جنب و جوش و سخن گفتن و سکوت آنان را در حالات مختلف، آنچه از پنجره کلاس دیده می‌شود، صداهایی که از بیرون مدرسه و از اتاقهای دیگر به گوش می‌رسد و هر چیز دیگر را که به نظر تان می‌رسد توصیف کنید.

ساعات تدریس زبان و ادبیات فارسی:

ساعات درس زبان و ادبیات فارسی مثل گذشته به هفته‌ای چند ساعت قرائت، املا و انشا تقسیم نشده است تا آموزگار در چهارچوب تقسیم‌بندی برنامه محدود نباشد و بتواند

به تناسب احتیاجات دانش آموزان، وقت هر جلسه را بین مواد مختلف تقسیم نماید، ولی از نظر هماهنگی توصیه می شود که:

الف- ۲۰٪ از وقت هر جلسه به گفت و شنود اختصاص داده شود.

ب- ۴۰٪ از وقت هر جلسه به خواندن اختصاص داده شود.

ج- ۴۰٪ از وقت هر جلسه به نوشتن اختصاص داده شود.

امتحان:

یکی از بفرنج ترین مسائل تربیتی ما در مدارس مسئله امتحان است. برای بعضی از مربیان و متصدیان امور تعلیم و تربیت، امتحان مانند سنگی است که در پیش پای شاگرد بیندازند، نه وسیله ای که راه تحصیل را هموارتر سازد و حال آنکه امتحان باید وسیله سنجش میزان پیشرفت باشد. هدف اصلی هر آموزگار از امتحان باید تعیین ارزش باشد و اگر آموزگار در این تعیین ارزش و بررسی پیشرفت شاگردان، قصورها و اشتباهات خود را نیز مورد توجه و دقت قرار دهد خواهد توانست که در کار تعلیماتی خود موفق شود و یک معلم واقعی محسوب گردد. هر چه فاصله آزمایشها کمتر باشد نتیجه بهتر حاصل می شود و هر قدر که امتحان جنبه های مختلف یک امر را بیازماید وسیله قابل اطمینانتری است. از این رو امتحانات ماهانه از امتحانات ثلث بهتر است و امتحانی که جنبه های مختلف زبان را بیازماید بهتر از نوشتن دیکته و دادن امتحان قرائت است، با توجه به همین نکات است که در پایان هر ماه در این کتاب پرسش ماهانه ای تهیه گردیده است چنانکه در صفحه ۶ ذکر آن رفت.

برای بدست آوردن نمره ثلث کافی است که آموزگار از نمره های سه ماه معدل بگیرد. در صورتی که امتحان ثلث بثلث اجباری باشد، آموزگار می تواند امتحان ماه سوم را امتحان همان ثلث محسوب دارد و نمراتی را که در دو امتحان ماهانه قبل به شاگرد داده است با نمرات این امتحان سوم معدل بگیرد و نمره امتحان آن ثلث محسوب نماید.

چگونه باید اشکالات را حل کرد:

اغلب آموزگاران در ضمن تدریس و تعلیم به اشکالاتی در زمینه دروسی که تدریس می کنند برخورد می کنند، بخصوص این اشکالات در تدریس فارسی بیشتر پیش می آید. شاگردان سؤالات گوناگون پیش می کنند و انتظار دارند که آموزگار به همه آنها جواب دهد. در این مواقع آموزگاری که به کار خود و به تربیت نوباوگان علاقه مند است از پاسخگویی به پرسشهایی که نمی داند

خودداری می‌کند و از گفتن «نمی‌دانم» هراس به خود راه نمی‌دهد.

وقتی که پاسخ سؤالی را نمی‌دانید، بگویید: «نمی‌دانم، به کتاب مراجعه می‌کنم و می‌گویم؛ شما هم اگر به کتاب دسترسی دارید رجوع کنید و نتیجه را به من بگویید.» و در صورت امکان فی‌المجلس کتاب مربوط را از دفتر دبستان بخواهید و یا خود بیاورید و مراجعه کنید. و بهتر است که بدهید دانش‌آموزان خود مراجعه کنند و عملاً نحوه مراجعه به کتاب لغت و دایرة المعارف را به دانش‌آموز یاد بدهید.

اما برای هراشکالی به چه کتابی باید مراجعه کرد؟ معمولاً پرسشهای دانش‌آموزان و اشکالاتی را که پیش می‌آید می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اشکالات لغوی (تلفظ یا معنی لغات) و اشکالات موضوعی. در مورد اول باید به کتابهای لغت و در مورد دوم باید به کتابهای مربوط به موضوع مراجعه کرد. اما چون دسترسی در هر موضوعی به کتاب مربوط در دبستانها امکان پذیر نیست، باید در این قبیل موارد به کتابهای دایرة المعارف و اعلام نگاه کرد.

اینک چند کتاب لغت و دایرة المعارف را که می‌توانند مورد مراجعه آموزگاران قرار گیرند معرفی می‌کند. این نوع کتابها در کتابخانه دبستان معمولاً باید موجود باشد:

فرهنگ فارسی معین: تألیف دکتر محمد معین، از انتشارات مؤسسه امیر کبیر. این فرهنگ ۶ مجلد است، مجلد اول تا چهارم لغت و مجلد پنجم و ششم اعلام است.

فرهنگ نفیسی: تألیف دکتر علی اکبر نفیسی (ناظم الاطباء)، از انتشارات کتابفروشی خیام. این کتاب پنج مجلد و شامل همه لغات فارسی و عربی و برخی از اعلام است.

آندراج: تألیف محمد پادشاه، از انتشارات کتابفروشی خیام. این کتاب در هفت مجلد و شامل لغات فارسی (با شواهد شعری) و عربی است.

در مورد لغت‌های فارسی و عربی معمول در فارسی می‌توان به سه کتاب بالا مراجعه کرد.

برهان قاطع: تألیف محمد حسین بن خلف تبریزی با حواشی دکتر محمد معین، از انتشارات کتابفروشی ابن‌سینا. این کتاب در ۴ مجلد (و چاپ اخیرش در پنج مجلد) است و شامل لغت‌های فارسی است. این کتاب دارای حواشی با ارزشی در مورد ریشه لغات فارسی است.

فرهنگ امیرکبیر: تألیف علی اصغر شمیم، از انتشارات مؤسسه امیر کبیر. این کتاب در یک مجلد و در دو قسمت (لغت و اعلام) تنظیم شده است.

دایرةالمعارف فارسی: به سرپرستی غلامحسین مصاحب، از انتشارات بنگاه فرانکلین. این کتاب در دومجلد است که تاکنون مجلد اول آن (از الف تا س) چاپ شده است. این کتاب شامل اعلام تاریخی و جغرافیایی واصطلاحات علمی بطور مشروح ومفصل است. درباره مطالب علمی و تاریخی و جغرافیایی در سطح نسبتاً بالا به این کتاب می توان مراجعه کرد.

فرهنگنامه: تألیف برتاموریس پارکر، ترجمه وتنظیم و نگارش زیر نظر رضا اقصی، از انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی. این کتاب در هیجده مجلد وشامل مطالب علمی، ادبی، هنری، تاریخی، جغرافیایی و جز آن به ترتیب الفباست و مخصوص کودکان و جوانان تهیه شده است.

در مورد لغات علمی و ... در سطح کودکان و جوانان به این کتاب می توان مراجعه کرد.

راهنما و روش تدریس درسهای

کتاب شاگرد

درس اول:

توانا بود هر که دانا بود (صفحه ۱)

هدف:

- ۱- جلب توجه دانش آموزان به اینکه کارها را با نام خدا شروع می کنیم.
- ۲- خواندن چند بیت از شاهنامه و یادآوری مطالبی که درباره شاهنامه و سراینده آن در سالهای پیش خوانده شده.
- ۳- تمرین خط نستعلیق.
- ۴- آشنایی بادستور زبان فارسی و یادآوری اجمالی مطالب دستوری که در سالهای پیش خوانده شده.

یادآوری:

* چون معمولاً در کلاسهای ابتدایی نخستین ساعت نخستین روز درس بادرس فارسی آغاز می شود، بجاست که آموزگار پس از ورود به کلاس نخستین قدم را درراه ایجاد رابطه ای عمیق و دوستانه بین خود و دانش آموزان بردارد. بدین ترتیب که خود را معرفی کند، به دانش آموزان خوشامد بگوید، از آنان بخواهد که يك بیک خود را معرفی کنند (اگر تعداد شاگردان کلاس زیاد نباشد) و از کارها و مطالعه های آنان در تابستان سؤالاتی کند.

* ما کارها را با نام خدا شروع می کنیم. این کار از قدیم معمول بوده است. همه شاعران و نویسندگان بزرگ در آغاز کتابهای خود قطعه شعر یا نثری به یاد خدا و وصف او و سپاس از نعمتهای او اختصاص داده اند. دانش آموزان در آغاز کتاب فارسی چهارم این بیتها را از نظامی خوانده اند:

ای نام تو بهترین سرآغاز	بی نام تو نامه کی کنم باز
ای یاد تو مونس روانم	چیز نام تو نیست بر زبانم

هم قصه نانموده دانی هم نامه نانوشته خوانی
از ظلمت خود رهاییم ده با نور خود آشناییم ده

* شعرهای این درس از فردوسی است. دانش آموزان شرح حال فردوسی را در کتاب فارسی سال سوم خوانده اند و می دانند که فردوسی در حدود هزار سال پیش می زیسته است (در حدود سال ۳۲۹ بدینا آمده و در سال ۴۱۱ یا ۴۱۶ در گذشته است). فردوسی در طوس نزدیک مشهد بدنیا آمد و در همانجا زندگانی کرد. آرامگاهش نیز در طوس است. فردوسی مردی میهن دوست بود و به تاریخ ایران قدیم و داستانهای ملی عشق می ورزید. این بود که داستانهای شاهان و پهلوانان قدیم ایران را در کتابی به شعر درآورد و نام کتابش را شاهنامه گذاشت. از داستانهای شاهنامه، داستان رستم و سهراب و کاوه آهنگر را در سالهای پیش خوانده اند. فردوسی درباره خود گفته است:

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی
نمیرم از این پس که من زنده ام که تخم سخن را پراکنده ام
هر آن کس که دارد هش و رای و دین پس از مرگ بر من کند آفرین
(همه این مطالب و شعرها را دانش آموزان در سالهای پیش خوانده اند).

* با سیاره «ناهید» که در مصراع «فروزنده ماه و ناهید و مهر» آمده دانش آموزان در علوم چهارم صفحه ۱۷۵ آشنا شده اند و می دانند که «ناهید» یا «ستاره شامگاهی» ستاره روشنی است که هنگام غروب پیش از ستارگان دیگر در آسمان دیده می شود و می دانند که ناهید یکی از ستارگانی است که به دور خورشید می گردد، از خود نوری ندارد و نور آن از خورشید است و می دانند که ستارگانی را که از خود نوری ندارند و به دور ستارگان دیگر گردش می کنند «سیاره» می نامند و به همین جهت در پرسشها، سؤال شده است «ناهید چه سیاره ای است؟» آموزگار در اینجا می تواند اضافه کند که نام دیگر ناهید، «زهره» است. یونانیهای قدیم به ناهید، «ونوس» (Venus) می گفتند و آن را «الهه نیمه خدا» یا «نمونه» زیبایی می دانستند و برای آن مجسمه هایی می ساختند. نمونه کوچک این مجسمه ها را که اکنون به عنوان تزیین بکار می رود در بسیاری جاها می توان دید.

روش تدریس:

پیش از کلاس، آموزگار باید درس را یکی دو بار پیش خود خوانده باشد تا هنگام خواندن در کلاس دچار اشکالی نشود. تدریس به روش خطایی بعمل می آید. بدین ترتیب که آموزگار یک بار درسی را سلیس و روان و شمرده می خواند و دانش آموزان با مداد حرکت های لازم را می گذارند

و جاهای مکث را معین می‌کنند. سپس با توجه به کلمه‌های معنی شده، هر بیت درس را جداگانه معنی می‌کند و به اقتضای وقت کلاس برخی از مطالبی را که در بالا تحت عنوان یادآوری آمد به زبان ساده و به صورت پرسش و پاسخ مطرح می‌کند و با مقدمه چینی و طرح پرسشهای گوناگون می‌کوشد آنچه را دانش‌آموزان قبلاً در سالهای پیش خوانده‌اند از حافظه آنها بیرون کشد. و پس از اینکه یکی دو نفر از دانش‌آموزان هم (بطور داوطلب) درس را خواندند و معنی کردند، پرسشها را مطرح می‌کند.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- از فردوسی. ۲- در زمان غزنویان. قرن چهارم و اوایل قرن پنجم (در سال ۴۱۱ یا به گفته‌ای در سال ۴۱۶ در گذشته است). ۳- شاهنامه را. ۴- پاسخ در کلمه‌ها و ترکیبهای تازه. ۵- به دانش توجه کند و به وسیله آن بلندی جوید (ترقی کند). ۶- پاسخ در کلمه‌ها و ترکیبهای تازه. ۷- آن که دنبال دانش رفته و تحصیل کرده است می‌تواند با بکار بردن دانش خود، ثروت بدست آورد و بی‌نیاز شود. ۸- به وسیله دانش اندوختن و دانای شدن. ۹- یعنی دانش، دل و ذهن آدمی را روشن و فروزان می‌کند و دل کسی که دانش اندوخته در پیری نیز روشن است. شخص دانایا می‌تواند در پیری نیز راه درست زندگی پیرانه را پیدا کند. ۱۰- یکی از سیاره‌های منظومه شمسی است که به آن ستاره شامگاهی یا زهره نیز می‌گویند.

دستور زبان فارسی:

درباره دستور زبان فارسی در مقدمه کتاب صفحه ۱۳ یادآوری شده است که مسلماً آموزگاران عزیز پیش از آغاز به تدریس به آن مراجعه خواهند کرد، همچنانکه در آنجا گفته شده است، هنگام تدریس دستور زبان، کتابهای دانش‌آموزان باید بسته باشد و آموزگار مطالب درسی را به روش استقرایی یعنی با پرسش و پاسخ مطرح کند. پس از طرح و روشن شدن همه مطالب درس، آموزگار درباره مطالبی که در سالهای پیش خوانده شده، پرسشهای بیشتری می‌کند و توضیحات مفصل‌تری می‌دهد تا دانش‌آموزان آنچه را از دستور خوانده‌اند بیاد آورند و برای فهم و درک مطالب بعدی آمادگی داشته باشند. نمونه‌ای از گفتگوی آموزگار با دانش‌آموزان در این مورد می‌تواند چنین باشد:

۱ - پاسخهایی که دانش‌آموزان در اینجا می‌دهند از کتابهای سالهای پیش و بخصوص از کتاب ←

- در سال پیش خوانده‌ایم که جمله چیست، اکنون کی می‌تواند جمله را تعریف کند و مثالی بزند؟

- چند کلمه‌ای که بر روی هم دارای معنی کاملی باشد يك جمله است. مثلاً اگر بگوییم «جمشید کتاب...» از آن چیزی نمی‌فهمیم اما اگر بگوییم: «جمشید کتاب می‌خواند» از آن معنی کاملی می‌فهمیم. «جمشید کتاب می‌خواند» يك جمله است.

- فعل چه نوع کلمه‌ای است.

- فعل جزء اصلی جمله است و انجام گرفتن کاری یا روی دادن حالتی را نشان می‌دهد.

- چه فعلهایی در درس «توانا بود هر که دانا بود» بکار رفته؟ صفحه اول کتاب را باز کنید، درس توانا بود هر که دانا بود را پیش خود بخوانید و فعلهایی را که در آن بکار رفته پیدا کنید.

- داد (که دل را به نامش خرد داد راه)، مدان (جز او را مدان کرد گار سپهر)، گرای (به دانش گرای و بدو شو بلند)، شو (در همان مصراع)، خواهی (چو خواهی که از بد نیایی گزند)، نیایی (در همان مصراع)، بجوی (ز دانش در بی‌نیازی بجوی)، آید (و گر چند سختیت آید به روی)، بنالد (ز نادان بنالد دل سنگ و کوه)، ندارد (ازیرا ندارد بر کس شکوه)، بود (سه مرتبه در بیت آخر).

- فاعل در جمله چیست؟

- فاعل کسی یا چیزی است که کار از او سر زده است. فاعل، کننده کار است. در جمله فرانك به اصفهان رفت، فرانك فاعل است.

- اسم چه نوع کلمه‌ای است؟

- کلمه‌ای که با آن کسی یا حیوانی یا چیزی را نام می‌بریم اسم است. حسین، قلم، پروین، دفتر، جمشید، مدرسه، تهران، گوسفند، سعدی، اینها همه اسم است.

- اسم خاص چه نوع کلمه‌ای است؟

- اسم خاص کلمه‌ای است که با آن شخص معینی یا چیز معینی را نام می‌بریم. پروین،

→ فارسی سال چهارم برداشته شده است. پرواضح است که اگر پاسخهای شاگردی که طرف صحبت است درست نباشد، از دیگر شاگردان خواهید خواست که آنها را اصلاح کنند و اگر هیچکس نتوانست، خودتان پاسخ درست را بیان خواهید کرد. و اگر اکثر دانش آموزان از گفتن پاسخ صحیح عاجز باشند و دریابید که کلاس بطور کلی از این جهت ضعیف است باید يك روز دیگر را نیز به بحث در این مطالب اختصاص دهید.

جمشید، تهران، اسم خاص است. (برای توضیح بیشتر در این باره می‌توان به راهنمای تدریس فارسی چهارم دبستان صفحه ۱۱۶ مراجعه کرد).

– اسم عام چه نوع کلمه‌ای است؟

– کلمه‌ای که با آن شخص نامعینی یا چیز نامعینی را نام می‌بریم اسم عام است، اسم عام همه افراد همجنس را نشان می‌دهد. مثلاً کبوتر اسم عام است و همه کبوترها را نشان می‌دهد نه یک کبوتر بخصوصی را.

– صفت چه نوع کلمه‌ای است؟

– صفت کلمه‌ای است که درباره اسم، توضیحی می‌دهد و حالت آن را بیان می‌کند. وقتی که می‌گوییم برادر بزرگ، برادر اسم، بزرگ صفت آن است.

– جمله خبری و جمله پرسشی کدام است؟

– جمله‌ای که خبری را بیان می‌کند، جمله خبری نامیده می‌شود مانند: فردوسی شاهنامه را به شعر درآورد. در آخر جمله خبری نقطه می‌گذاریم.

– جمله‌ای که در آن پرسشی باشد جمله پرسشی نامیده می‌شود مانند: چه کسی شاهنامه را به شعر درآورد؟ در آخر جمله پرسشی علامت پرسش می‌گذاریم.

پاسخ تمرین ۱:

کارها را با نام خدا شروع می‌کنیم. – برای آنکه از گزند (یا آسیب یا صدمه یا...) بیماریها در امان باشیم چه باید بکنیم؟ -- کسی که به دنبال دانش می‌رود بی‌نیاز (دانشمند یا...) می‌شود. -- آن که از درس و مطالعه روی گرداند نادان می‌ماند. -- ناهید یکی از سیاره‌های منظومه شمسی است. -- وقتی که می‌گوییم مهر مادری یعنی محبت مادری ولی وقتی که می‌گوییم ماه و مهر، مراد ماه و خورشید است.

پاسخ تمرین ۲:

سپهر، آسمان
خورشید، آفتاب، مهر
جوان، برنا
دانش، علم
الله، کردگار، خدا

خرد، عقل

پاسخ تمرین ۳:

اسمهای خاص: ناهید، فردوسی، تهران، سعدی، البرز، اصفهان، رستم، شیراز، الوند، سهراب، تبریز، علی.
اسمهای عام: درس، نام، دانش، گیاه، هوا، کوه، درخت، کتاب.
صفتها: زیبا، خوب، ترش، بزرگ، نرم، گرم، انبوه.

پاسخ تمرین ۴:

نوشته‌های زیر جمله است:

زمستان تابلو خود را بسیار زیبا و دل‌انگیز نقاشی کرد. - ایرانیان قدیم از پسران خود داستانهای نقل می‌کردند. - ضحاک فرزند مرداس بود. - سالی چند گذشت. - فریدون جوانی قدبلند و دلاور شد.
(نوشته‌هایی که در آنها فعل بکار نرفته جمله نیست).

پاسخ تمرین ۵:

جمله	فعل	فاعل
فرانک نامه نوشت.	نامه نوشت	فرانک
سعدی سالها به جهانگردی پرداخت.	پرداخت	سعدی
گاليله ماه را باتلسکوپ مشاهده کرد.	مشاهده کرد	گاليله
فردوسی شاهنامه را به نظم درآورد.	به نظم درآورد	فردوسی
مردم فریدون را به سالاری پذیرفتند.	پذیرفتند	مردم
برق چون شمشیرگران، پاره می‌کرد ابرها را.	پاره می‌کرد	برق

درس دوم:

دهکده نو (صفحه ۵)

هدف:

- ۱- خواندن متنی داستانی ساده.
- ۲- تمرین صامت خوانی.
- ۳- توجه به اهمیت همکاری و تعاون.

یادآوری:

* این داستان از کتابی به همین نام نوشته محمود کیا نوش اقتباس شده است. دانش-آموزانی که مجله پیک دانش آموز را می خوانند با شعرهای محمود کیا نوش که در این مجله چاپ می شود آشنا هستند. محمود کیا نوش از شاعران و نویسندگان معاصر است.

* این کلمه ها و ترکیبهای تازه را که احیاناً احتیاج به توضیح دارد، دانش آموزان در سالهای پیش خوانده اند:

ماجرا = سرگذشت

زالال = صاف و گوارا

ماسه = شن ریز و نرم

مونس = همدم (در این شعر نظامی: ای یاد تو مونس روانم - جز نام تو نیست بر زبانم)

روش تدریس:

درس به روش «صامت خوانی» خوانده می شود. رجوع شود به مقدمه همین کتاب صفحه ۱۶.

پاسخ پرسشها:

- ۱- چون جوجه هایش را عقابی سنگدل خورده بود، از ناراحتی سر به بیابان نهاد.
- ۲- گفت: اندیشه مدار، روزگار همین است. غم هست، شادی هم هست، باید ساخت. ۳- اجازه خواست تاروی شاخه چنار لانه ای برای خود بسازد. ۴- آرزو داشت بداند پشت کوه چه خبر

است ۵- «آه، کجاست چشمه‌ای که آب زلالش را در پای من نثار کند و مرا سیراب سازد؟»
 ۶- رد جویباری را گرفت تا به چشمه رسید. ۷- از خوشحالی لـرزید و بدین ترتیب شادی و خوشحالی خود را نشان داد. ۸- گرداگرد درخت، گیاهان خودرو و گلهای كوچك وحشی رویانید و خطی سبز و درخشان بر سینه صحرانشید. ۹- پیشنهاد کرد در پای درخت ساکن شود و در آبادی آن محل بکوشد. ۱۰- زیرا معتقد بود آبادی با دو دست تنها (یعنی تنها بایک نفر) بوجود نمی‌آید، به شهر رفت تا چند تن دیگر نیز با خود به آنجا بیاورد و همگی در آبادی آن محل بکوشند. ۱۱- کلاغ آباد. ۱۲- چناران. ۱۳- چناران. ۱۴- ماری دراز و طلایی که پیچ و تاب می‌خورد و پیش می‌آید.

پاسخ تمرین ۴:

کلمه‌های مناسبی که به جای کلمه‌های داخل پرانتز می‌توان قرارداد:
 «درخت» به جای «اجازه»
 «براق» یا «درخشنده» به جای «درخشان»
 «می‌رقصاند» یا «می‌لغزانند» یا «بحرکت درمی‌آورد» به جای «به رقص درمی‌آورد»
 «تا آنجا» یا «هر اندازه» به جای «هر قدر»
 «ساخت» یا «سازش کرد» به جای «بسازیم»
 «افق» یا «دور دستها» یا «دامنه‌های دور» به جای «آنجا که چشم کار می‌کرد»
 «یاور» یا «همدم» به جای «مونس»
 «خرید» یا «خریداری کرد» به جای «بخریم»
 «کوشید» به جای «بکوشیم»
 «کرد» به جای «بکنیم»
 «می‌توان» به جای «می‌توانیم»
 «کرد» به جای «کنیم»

پاسخ تمرین ۳:

خوشگوار = خوش + گوار، همدم = هم + دم، کوله‌بار = کوله + بار، داغ‌دیده =
 داغ + دیده، سرنوشت = سر + نوشت، سیراب = سیر + آب، خوشحال = خوش + حال،
 سرزمین = سر + زمین، خدا حافظ = خدا + حافظ، جویبار = جوی + بار، بال‌زنان =

بال + زنان.

پاسخ تمرین ۵:

جمله	فاعل	فعل
کلاغ لانه و شهر را ترك کرد.	کلاغ	ترك کرد
چنار خبر آمدن چشمه را شنید.	چنار	شنید
مرد سفره اش را باز کرد.	مرد	باز کرد
نادان پیش هیچکس احترام ندارد.	نادان	احترام ندارد
درخت آدم را به یاد آب می اندازد.	درخت	می اندازد

درس سوم:

چشمه و سنگ (صفحه ۱۲)

هدف:

- ۱- خواندن شعر و حفظ آن.
- ۲- جلب توجه دانش آموزان به پشتکار و کوشش که نتیجه آن موفقیت و پیشرفت است.
- ۳- آشنایی بیشتر با ملك الشعرای بهار.

یادآوری:

* شعری که در این درس می خوانیم از ملك الشعرای بهار است. دانش آموزان قبلاً در کلاس سوم و چهارم با ملك الشعرای بهار آشنا شده، و در کتاب فارسی سوم قطعه شعر «کسری و دهقان» و در کتاب فارسی چهارم شعر «رنج و گنج» را از وی خوانده اند. ملك الشعرا که اسم کوچک او محمدتقی است از شاعران بزرگ معاصر بود که در سال ۱۳۳۵ هجری شمسی در گذشت.

* ره، کوتاه شده «راه» است و دانش آموزان در فارسی چهارم با این کلمه در این شعر آشنا شده اند.

- علم نگر «ره» به کجا می‌برد تا کره ماه ترا می‌برد
- * کَرَم = بزرگواری
- * کماهی، ترکیبی است عربی مرکب از «ك» (= مانند) + «ما» (= چه، آنچه یا چیست) + «هی» (= او) که روی هم، «چنانکه هست» معنی می‌دهد.
- * زدش سیلی = به او سیلی زد.
- * یأس = ناامیدی، مأیوس بودن.
- * سرد = (در مصراع «نشد چشمه از پاسخ سنگ سرد») یعنی دلسرد، ناامید
- * این شعر را می‌توان به قسمتهای زیر تقسیم کرد:
- ۱- جدا شدن چشمه از کوهسار و برخورد به سنگ (بیت اول)
 - ۲- گفتگوی چشمه و سنگ (بیت دوم و سوم و چهارم)
 - ۳- دلسرد نشدن چشمه و کند و کاو و به نتیجه رسیدن آن (بیت پنجم و ششم)
 - ۴- نتیجه (بیت هفتم و هشتم و نهم)

روش تدریس:

درس به روش خطابی تدریس می‌شود، یعنی آموزگار خود يك یا دوبار شعر را با صدای رسا و بطور شمرده و واضح می‌خواند چنانکه موارد خطاب و سؤال و پاسخ و تشدد و نرمی گفتگو نشان داده شود. پس از آن شعر را بیت بیت با توجه به کلمه‌ها و ترکیبهای تازه و آنچه در قسمت یادآوری در اینجا ذکر شد معنی می‌کند و توضیح می‌دهد و بخصوص دربارهٔ سه بیت آخر شعر که نتیجه شعر و فایده کار و کوشش و پشتکار و پایداری در کارها را نشان می‌دهد گفتگو می‌کند.

پاسخ پرسشهای درس:

- ۱- از کوهسار. ۲- به سنگی سخت. ۳- گفت: «راهی بده تا بگذرم». ۴- به او سیلی زد و گفت: دور شود. ۵- نه، دلسرد نشد. ۶- این جمله «که ای تو که پیش تو جنیم زجای».
- ۷- ایستادگی و کوشش کرد. ۸- از میان سنگ راهی باز کرد. ۹- کارهای سخت و دشوار را می‌توان آسان کرد و در زندگی به موفقیت رسید. ۱۰- (پاسخ در کلمه‌ها و ترکیبهای تازه و نیز در قسمت گفتگوهای پیش از درس همین کتاب).

پاسخ تمرین ۱:

شاعر سنگ را «سخت»، «گران و سنگین»، «سیاه دل، تیره دل»، «سخت سر، لجوج، گستاخ»، «تحقیرکننده، مغرور» نشان می‌دهد و چشمه را «نرمخو، با ادب، کوشا و دارای پشتکار» دانسته است.

پاسخ تمرین ۲:

در این تمرین آموزگار باید توجه داشته باشد که دانش‌آموزان در برگرداندن شعر به نثر اولاً از نظم فکری شاعر - که در قسمت «یادآوری» گفته شد - پیروی کنند و درثانی در جملاتی که می‌نویسند ارکان و اجزای جمله را در جای خود قرار دهند. مثلاً به این نکته توجه کنند که شاعر به مناسبت ضرورت شعر گفته است «جدا شد یکی چشمه از کوهسار» یعنی «جدا شد» را که فعل جمله است در اول آورده و ما در نثر باید همیشه فعل را در آخر بیاوریم و همچنین باز به مناسبت شعر به جای «چشمه‌ای» یا «یک چشمه» گفته است «یکی چشمه» و ما وقتی که این مصراع را به نثر برمی‌گردانیم باید بگوییم: چشمه‌ای از کوهساری جدا شد و....

درس چهارم:

کتابهای مرجع (صفحه ۱۴)

هدف:

- ۱- آشنایی با کتابهای مرجع و نحوه مراجعه به این کتابها.
- ۲- خواندن متن ساده برای بدست آوردن اطلاعات تازه.

یادآوری:

* در دنیای امروز که دامنه دانش بشر، گسترش بیحد پیدا کرده است دیگر کسی نیست که هر روز بطریقی از رادیو و تلویزیون، در گفتگوها و سخنرانیها، یا در روزنامه‌ها و کتابها مطلبی تازه یا واژه تازه ننشود یا نخواند. اگر ذهن ما کند و تنبل نشده باشد، هر مطلب تازه برای ما پرسشی یا پرسشهایی به دنبال می‌آورد و ما را به پاسخ یا پاسخهای قانع‌کننده‌ای نیازمند می‌سازد. در کودکی حس کنجکاوی و شوق یادگیری قویتر و بیشتر است، کودکان از پدران و مادران و معلمان خود پی‌درپی پرسشهایی می‌کنند و اگر محیط تربیتی، سالم باشد، کنجکاوی کودکان کم‌کم به روح تحقیق و تازم‌جویی تبدیل می‌شود و گاه از بین همین کودکان

کسانی پیدا می‌شوند که تا آخرین دم زندگی مشتاق دانستن باقی می‌مانند، پیدا شدن کتابهای مرجع برای بر آوردن همین نیاز عالی انسانی بوده است. کتابهای مرجع اصطلاحی است برای کتابهایی که ما برای بدست آوردن اطلاعاتی فوری و مختصر درباره موضوعی یا کلمه‌ای به آنها مراجعه می‌کنیم. کتابهای مرجع امروزه انواع گوناگون دارند. دایرةالمعارفها، لغت‌نامه‌ها و اطلسهای جغرافیایی از اهم این کتابها هستند.

دایرةالمعارف عنوان عمومی هریک از کتابهایی است که حاوی توضیح کما بیش مختصری از همه رشته‌های دانش یا از رشته معینی است و تفاوت اساسی آن با لغت‌نامه‌ها در این است که لغت‌نامه‌ها، کلمه را معنی می‌کند و نوع کلمه و اصل و ریشه آن را بیان می‌کند و حال آنکه دایرةالمعارف درباره موضوعهای گوناگون اطلاعات مختصری به خواننده می‌دهد. و البته در بیشتر موارد هم حد قاطعی نمی‌توان بین لغت‌نامه و دایرةالمعارف معین کرد.

در جهان امروز وجود يك یا چند گونه کتاب مرجع در خانه هر شخص تحصیل کرده یا صرفاً با سواد از ضروریات است. و به طریق اولی وجود این قبیل کتابها در کتابخانه مدرسه از واجبات است. اگر در کتابخانه مدرسه‌ای چنین کتابی وجود نداشته باشد از اهم وظایف آموزگاران و مدیرمدرسه سعی در تهیه این کتابهاست.

* جنوبگان، قاره. در برخی از فرهنگها و دایرةالمعارفها مضاف و مضاف‌الیه را به این ترتیب می‌نویسند. یعنی به جای «قاره جنوبگان» می‌نویسند: جنوبگان، قاره. برای اینکه نشان دهند به قسمت حرف جیم باید مراجعه کرد و نیز کلمه اصلی در این ترکیب جنوبگان است نه قاره.

روش تدریس:

بهتر است آموزگار همه مطالب اصلی درس را قبل از خواندن آن در کلاس مطرح کند و چنانکه از کتابهایی که در درس نام برده شده و یا کتابهایی نظیر آنها در دسترس داشته باشد، به کلاس آورده و مطالب درس را بطور عملی، تفهیم‌کند. پر واضح است که آموزگار قبلاً یکی دوبار درس را پیش خود بدقت می‌خواند و کلمه‌ها و ترکیبهای تازه را از مد نظر می‌گذراند. نیز مطالبی را که در قسمت یادآوری آمده مطالعه می‌کند.

پس از آنکه مطالب درس در کلاس کاملاً مورد بحث و بررسی قرار گرفت دانش - آموزان کتابها را باز می‌کنند و درس را بطور «آزاد خوانی» می‌خوانند و پس از رفع اشکالات از طرف آموزگار پرسشهای درس مطرح می‌شود.

پاسخ پرسشهای درس:

۱ - (پاسخ آزاد). ۲- بهترین راه برای آگاهی از پاسخ پرسشها مراجعه به کتاب است. ۳- لغت نامه کتابی است که در آن معنی کلمهها و نوع آنها از لحاظ دستور زبان نوشته شده است. ۴- در لغت نامهها، کلمهها به ترتیب الفبایی پشت سر هم قرار گرفته است. برای پیدا کردن کلمه باید حروف آن را بترتیب در نظر بگیریم و به حرف مربوط در کتاب لغت مراجعه کنیم. ۵- علائمی که نوع کلمه و اصل و ریشه آن را نشان می‌دهد. ۶- در بعضی از لغت نامهها تلفظ باحرکات زبر، زیر و پیش و در بعضی دیگر با حروف لاتین نشان داده می‌شود. در بعضی لغت نامهها نیز بتفصیل می‌نویسند که حرف اول با چه حرکتی و حرف دوم با چه حرکتی است تا آخر... ۷- دایرةالمعارف کتاب بزرگی است که می‌توانیم در باره موضوعهای گوناگون اطلاعاتی، در آن بیابیم. ۸- هر نوع اطلاعات علمی، ادبی، هنری، تاریخی، جغرافیایی و جز آنها. ۹- (پاسخ آزاد). ۱۰- (پاسخ آزاد).

توضیح درباره تمرین شماره ۱:

باید به دانش آموزان یاد داد که برای الفبایی کردن يك سلسله لغات یا اسامی باید هريك از آنها را در روی ورق کوچکی از کاغذ (فیش) مثلاً در اندازه ۸×۶ سانتیمتر بنویسیم و سپس با توجه به حرف اول و دوم و سوم و چهارم و ... به ترتیب حروف الفبا آنها را پشت سرهم قرار دهیم و سپس از روی آنها بترتیب در دفتر یا در ورقه‌ای بنویسیم.

آموزگار می‌تواند يك ورق کاغذ بردارد و در حضور دانش آموزان آن را چند دفعه تا کند و ببرد و به صورت فیش درآورد و ده کلمه، مثلاً این کلمهها را از درس انتخاب کند و هريك از آنها را در روی فیشی بنویسد: پنگوئن، حیوان، مشعوف، پاسخ، پرسش، نظیر، آموزگار، پدر، مادر، مراجعه.

و سپس آنها را به ترتیب الفبا پشت سرهم بگذارد. سپس از روی فیشهای مرتب شده کلمهها را برتخته سیاه بنویسد که به این صورت درخواهد آمد: آموزگار، پاسخ، پدر، پرسش، پنگوئن، حیوان، مادر، مراجعه، مشعوف، نظیر.

و توضیح دهد که چون کلمههای پاسخ، پدر، پرسش، پنگوئن هر چهار با «پ» شروع شده برای مرتب کردن آنها به حرف دوم آنها توجه کرده‌ایم که «الف»، «د»، «ر» و «ن» است.

این تمرین را می‌توان با الفبایی کردن اسامی دانش آموزان کلاس تکرار کرد.

آموزگار از دانش آموزان می‌خواهد که هر کس نام خانوادگی خود را در روی ورق کوچکی بنویسد. سپس یکی از دانش آموزان آنها را جمع می‌کند و با نظارت آموزگار به ترتیب الفبا مرتب می‌سازد.

درس پنجم:

دوست بزرگ بچه‌ها (صفحه ۱۹)

هدف:

- ۱- آشنایی با یکی از معلمان واقعی و صدیق و خدمتگزار جامعه و فرهنگ (جبار باغچه بان)
- ۲- خواندن متنی برای بدست آوردن اطلاعات تازه.
- ۳- توجه به اهمیت پشتکار و مقابله با مصایب و سختیها.
- ۴- شناختن نهاد و گزاره (دستور زبان فارسی).

یادآوری:

* افرادی که نیروی شنوایی ندارند، کر نامیده می‌شوند. این افراد اگر از مادر و کر، متولد شده باشند چون نیروی شنوایی ندارند حرف زدن یاد نمی‌گیرند و در نتیجه لال هم می‌مانند.

* در باره شرح احوال و کارهای باغچه بان می‌توان مراجعه کرد به مجله پیک معلم و خانواده شماره ۱۵ (نیمه اول اسفندماه ۱۳۴۷)

کارهای برجسته و کشفیات و اختراعات باغچه بان در این مجله چنین قلمداد شده

است:

- ۱- کشف و اختیار روش شفاهی در تعلیم کرولال.
- ۲- اختراع گوشی استخوانی و تلفن گنگ که در سال ۱۳۱۲ ثبت رسیده است.
- ۳- کشف خواص صوتها و تقسیم بندی آنها.
- ۴- اختراع الفبای دستی که مبتنی بر تقسیم بندی صداهاست.
- ۵- اختراع و تهیه وسایل مختلف بصری برای تدریس کرولال.

۶- روش حساب ذهنی کرولال.

۷- زبان مصور یا مقدمه تعلیم زبان.

باغچه بان در حدود ۱۷ کتاب به زبان فارسی و دو کتاب به زبان محلی آذربایجانی از خود باقی گذاشت.

* تنبیه، اصلاً به معنی بیدار کردن و هوشیار ساختن است و مجازاً به معنی « مجازات کردن و ادب کردن، بکار می رود و لازمه آن همیشه «کتک زدن» نیست.

* کچ بری، ساختن گل و بته و صورتهای حیوانات و خطوط منظم و متناسب از کچ در دیوار و سقف خانه و بخصوص در مساجد است.

* در ترکیباتی چون «جامه عمل پوشانیدن» و «شعله فروزان خدمت به مردم و میهن» باید به جنبه تشبیهی آنها توجه داشت. جمله «به اندیشه خود جامه عمل پوشانیدم» یعنی اندیشه و فکر خود را عملی کردم. «عمل» در این جمله به «جامه» تشبیه شده است. و چون جامه را بر تن می پوشانند پس در اصل «اندیشه» نیز به «تن» تشبیه شده است که قدما آن را نوعی استعاره شمرده اند. و در ترکیب «شعله فروزان خدمت به مردم و میهن»، «خدمت به مردم و میهن» و در حقیقت شور و شوقی که در این خدمت هست به «شعله فروزان» تشبیه شده است.

روش تدریس:

پس از گفتگوی مختصری درباره کر و لالها و معرفی اجمالی باغچه بان، درس به طریق «آزاد خوانی» تدریس می شود. دانش آموزان بند بند درس را می خوانند و با توجه به کلمه ها و ترکیبهای تازه نکات مشکل آن را معنی می کنند و آموزگار در مواقع مقتضی آنچه را لازم است توضیح می دهد.

پاسخ پرسشهای درس:

۱ - کودکی بود کنجکاو و فعال، کتاب می خواند، شعرهای کودکانه می سرود و به نقاشی عشق می ورزید. ۲ - زیرا نقاشی را کاری عبث و بیفایده می پنداشت (باید توجه داشت که این عقیده ناشی از عقاید مذهبی مردم آن روزگار بود که نقاشی را «خلق» و در نتیجه دخالت در کار «خدا» می دانستند.) ۳- فکرمی کرد چگونه می تواند راههای تازه ای برای بهتر درس خواندن و برای بهتر زیستن و برای سامان بخشیدن به زندگی مردم بیچاره و بدبخت پیدا کند. ۴- در مکتب. ۵- مکتب، اتاقی است بزرگ که همه شاگردان گرداگرد آن روی زمین

می‌نشینند و درس می‌خوانند. پیش از دایر شدن مدرسه‌ها به‌سبک جدید کودکان در مکتب درس می‌خواندند. ۶- نزد پدر شاگردی کرد و حرفه پدر را یاد گرفت. ۷- به‌علت طولانی و سخت بودن زمستان، کار بنایی تعطیل می‌شد و استاد عسکر ناچار به قنادی می‌پرداخت و قنادی نیز رونقی نداشت زیرا وضع اغلب مردم خوب نبود که بتوانند زیاد شیرینی بخرند. ۸- به رودی پر جوش و خروش. ۹- کسی است که بتواند در خلاف جریان (رود زندگی) شنا کند. ۱۰- مراد، تسلیم نشدن به سختیها و مصایب زندگی و مبارزه با آنهاست. ۱۱- زیرا تشخیص داد که در این شغل بهتر می‌تواند به‌اجتماع و مردم خدمت کند. ۱۲- تا خدمت فرهنگی خود را در ایران انجام دهد. ۱۳- زیرا دریافت که کودکان قبل از رفتن به مدرسه درک‌وچه و بازار سرگردانند و یا ذوق و استعداد آنان در گوشه خانه‌ها خاموش می‌شود. ۱۴- با این مشکل که چگونه می‌تواند به‌کودکی‌کر و لال خواندن و نوشتن بیاموزد. ۱۵- توانست الفبایی اختراع کند که با آن به‌کودکان کر و لال خواندن و نوشتن و حرف زدن بیاموزد. ۱۶- این نتیجه را که بادت خالی و با اتکا و اعتماد به‌خود و با نیروی پشتکار و اراده و با تحمل سختیها و با صبر و بردباری می‌توان کارهای بزرگ انجام داد.

دستور زبان فارسی:

چنانکه می‌دانیم واحد گفتار جمله است، به این معنی که ما همیشه مقصود را با جمله می‌فهمانیم، بنا بر این بهتر است در دستور زبان نیز از جمله شروع کنیم و ترتیب اجزای آن را بشناسیم. دانش آموزان در سال پیش جمله را شناخته‌اند و حتی می‌دانند جمله خبری کدام است و جمله پرسشی چه نوع جمله‌ای است. در این درس اجزای اصلی جمله را می‌شناسند. باید توجه داشت که تقسیم جمله به دو جزء در نحو عربی و علم معانی و بیان و نیز در منطق معمول است، می‌دانیم که در نحو عربی جمله‌های اسمی به مبتدا و خبر تقسیم می‌شود. مثلاً وقتی که می‌گوییم الله اکبر، الله، مبتدا و اکبر، خبر آن است و در معانی و بیان جمله به دو جزء مسندالیه و مسند (که این تقسیم در دستورهای سابق نیز بکار می‌رفت) و در منطق به موضوع و محمول تقسیم می‌شود.

در دستور زبان فارسی نیز چند سالی است که دو اصطلاح «نهاد» و «مؤثره» معمول شده و برای دو قسمت اصلی جمله بکار می‌رود و مفهوم این دو قسمت را صریح‌تر و روشن‌تر بیان می‌کند.

هر يك از نهاد و گزاره همیشه يك جزء ياك كلمه نیست بلکه همانطوری که در مثالهای

کتاب شاگرد نشان داده شده است ممکن است شامل چندین جزء باشد. وقتی می‌گوییم: شیشه شکست، هم نهاد (یعنی شیشه) و هم گزاره (یعنی شکست) هر يك، يك جزء است. اما وقتی که می‌گوییم: شاگردان کلاس پنجم آمدند. نهاد سه جزء دارد ولی گزاره يك جزء است. و در مثال: حسین وارد کلاس شد. نهاد يك جزء ولی گزاره سه جزء یا سه کلمه است.

چنانکه قبلاً گفته شده است در تدریس دستور زبان، کتاب دانش‌آموزان باید بسته باشد. آموزگار پس از یادآوری مطالب دستور زبان صفحات پیش با پرسش و پاسخ مطالب درس را تدریس می‌کند. نمونه‌ای از گفتگوی آموزگار با دانش‌آموزان در این مورد می‌تواند چنین باشد.

- جمله چیست؟
- چند کلمه‌ای که بر روی هم دارای معنی کاملی باشند يك جمله است.
- چند نوع جمله می‌شناسیم؟
- دو نوع: جمله خبری و جمله پرسشی.
- خوب، توجه کنید، این جمله‌هایی که من در تخته سیاه می‌نویسم چه نوع جمله‌هایی

هستند؟

- سیمین کتاب می‌خواند.
- حسین وارد کلاس شد.
- شاگردان کلاس پنجم آمدند.
- شیشه شکست.
- چراغ خاموش شد.
- جمله‌های خبری.
- حالا توجه کنید، این جمله را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد.
- به وسیله پرسش و پاسخ می‌توان این دو قسمت را با سانی تشخیص داد:
- چه کسی کتاب می‌خواند.

- سیمین.

(آموزگار در این موقع در قسمت دیگر تخته سیاه جدولی در دو ستون مطابق جدول صفحه ۲۵ کتاب می‌کشد و در ستون اول می‌نویسد «سیمین» و در ستون دوم می‌نویسد: کتاب می‌خواند.)

این جمله از دو قسمت تشکیل شده، قسمت اول «سیمین» و قسمت دوم «کتاب می‌خواند».

است .

(به‌عین ترتیب دربارهٔ چهارجملهٔ دیگر سؤال می‌کند و نتیجه را در جدول می‌نویسد)
خوب، حالا دو قسمت هریک از جمله‌ها معلوم شد. حالا باید ببینیم قسمت اول چیست و
قسمت دوم چیست؟

(می‌توان در این موقع با مکث و تکرار سؤال به تحریک ذهن دانش‌آموزان پرداخت
تا بتوانند جواب دهند):

قسمت اول جمله آن است که دربارهٔ آن خبری می‌دهیم و قسمت دوم خبری است که
دربارهٔ قسمت اول می‌دهیم. مثلاً درجملهٔ اول دربارهٔ «سیمین» خبری داده‌ایم. و خبر این است
که کتاب «می‌خواند». پس از اینکه دو قسمت جمله برای دانش‌آموزان روشن شد، می‌توان
چند جملهٔ دیگر مثلاً این جمله‌ها را مطرح کرد و از آنان خواست که دو قسمت جمله را
تشخیص دهند:

فردوسی، شاعر بزرگی بود.

کلاغ، لانه و شهر را ترک کرد

کلاغ، جویباری دید.

مردی، آمد.

چنار، خبر آمدن چشمه را شنید.

جبار، کودکی کنجکاو و فعال بود.

— حالا باید بدانیم که هر یک از این دو قسمت نامی دارد: قسمت اول را نهاد، و
قسمت دوم را گزاره، می‌گویند.

(پس در جدول، در بالای ستون اول می‌نویسد: نهاد. و در بالای ستون دوم می‌نویسد:
گزاره.)

پس دانش‌آموزان کتابهایشان را باز می‌کنند و درس دستور به وسیلهٔ چند تن خوانده
می‌شود. وقتی که اشکالی باقی نماند، آموزگار از هر یک از دانش‌آموزان می‌خواهد که جمله‌ای
بنویسند و نهاد و گزارهٔ آن را معین کنند.

پاسخ تمرین ۱:

فعل، فعالیت، فعل، فاعل.

مانع، منع، ممنوع.

وساطت، واسطه، وسط.
مکتب، کتاب.
مدرسه، درس، مدارس.
معلم، علم، عالم، معلوم.
اجتماع، جامعه، جمع، مجموع.
تحمل، حمل، حمال.

پاسخ تمرین ۴:

در جمله اول، زندگی بهرود، در جمله دوم، خدمت به مردم و شور و شوق آن به شعله فروزان، و در جمله سوم ذوق و قریحه به آتش تشبیه شده است.

پاسخ خود را بیازمایید (۱) (صفحه ۲۷)

شماره ۱:

(پاسخ آزاد) (هر جمله نیم نمره)

شماره ۲:

* هر اندازه که در راه کسب دانش سختی بینی، باز از راه کسب دانش خود را بی نیاز کن.
(دو نمره) * اگر در کارها پایداری و پشتکار از خود نشان دهی، کارهای دشوار و سخت در مقابل تو آسان می شود. (دو نمره)

شماره ۳:

الف- لغت نامه، کتابی است که معنی کلمه ها و اصل و ریشه آنها از لحاظ دستور زبان در آن نوشته شده است. در لغت نامه، کلمه ها به ترتیب الفبایی پشت سرهم قرار گرفته است، برای پیدا کردن کلمه ای باید حروف آن را به ترتیب در نظر بگیریم و به حرف مربوط در کتاب لغت مراجعه کنیم. (۱/۵ نمره) ب- به مجموعه قاعده های هر زبانی در فارسی دستور زبان، در عربی صرف و نحو و در زبانهای اروپایی گرامر می گویند. (۱/۵ نمره)

شماره ۴:

سه معنی از مهر خوانده ایم:

الف - مهر = ماه هفتم سال

ب - مهر = محبت

ج - مهر = خورشید (جمله سازی آزاد، ۳ نمره)

شماره ۵:

(هر پاسخ ۲۵ / ۵ نمره جمع ۲/۵ نمره)

گزاره	نهاد	جمله
شکست	شیشه	شیشه شکست.
نقاش ماهری بود	بهزاد	بهزاد نقاش ماهری بود.
پرواز کرد	کلاغ	کلاغ پرواز کرد.
به پیش فریدون رفت	کاوه	کاوه به پیش فریدون رفت.
به کلاغ دلداری داد	چنار	چنار به کلاغ دلداری داد.
به سخنان آن دوگوش داد	درخت چنار	درخت چنار به سخنان آن دوگوش داد.
شاهنامه را به نظم آورد	فردوسی	فردوسی شاهنامه را به نظم آورد.
به شهر می روم	من	من به شهر می روم.
به وسیله زبان مقصود خود را	ما	ما به وسیله زبان مقصود خود را بیان
بیان می کنیم		می کنیم.
از کلمه های بسیار تشکیل	هر زبانی	هر زبانی از کلمه های بسیار تشکیل
شده است		شده است.

شماره ۶:

ابرام = اصرار، برخی = بعضی، فتحه = زبر، ابداع = اختراع، بردباری =

صبر، لال = گنگ، عبث = بیهوده. (۳/۵ نمره)

شماره ۷:

اسمها: البرز، کاوه، تبریز، ایروان، مشهد، کتاب، کلاس، میز، شهر، اتاق.

صفحهها: خوب، دانا، دشوار، زیبا، پاک.

(هر پاسخ ۱۰/۵ نمره جمع ۱/۵ نمره)

درس ششم:

داستانها (صفحه ۲۸)

هدف:

- ۱- آشنا شدن با انواع داستانها و مطالعه آنها با آگاهی علمی و همراه با استنتاجات تاریخی.
- ۲- خواندن متن برای بدست آوردن اطلاعات تازه.
- ۳- آشنایی با کتابهای معروفی چون کلیله و دمنه و هزار و یک شب.

یادآوری:

* یکی از بزرگترین آثار تمدن که پیوسته مهمترین وسیله آموزش و پرورش بوده افسانه و قصه است که سینه بسینه از گذشتگان به آیندگان رسیده است. پیش از اینکه بشر بتواند وقایع گذشته را چنانکه اتفاق می افتاده بر سنگها و صخره ها و صفحه های سفالین یا بر اوراق پاپیروس بنویسد و به آیندگان منتقل کند فقط در حافظه خود ضبط می کرده و جز نقل از حافظه چاره ای نداشته است. حافظه انسان نیز مانند سنگ و صخره نیست که بزرگ حال بماند، پیوسته دستخوش تغییر است و آنچه امروز نقل می شود مانند ضبط دیروز نیست.

«نقل» وسیله ارتباط گذشته و آینده بوده است. در دربارهای شاهان ندیمان نصایح خود را در لباس افسانه و حکایت بیرون می آوردند. در سرکوچه ها و در قهوه خانه ها نقاله ها و قایع گذشته را به صورت افسانه برای مردم نقل می کردند و در شهبای تابستان، در ماهتاب، در کنار کوچه ها و در جلو قلمه ها و در حیاط خانه ها، سالخوردگان برای کودکان و جوانان از قهرمانان و سلاطین و عشاق با بیانی شورانگیز افسانه ها و قصه ها می گفتند. تمایل طبیعی آدمی به قصه و داستان وسیله انتقال تجارت از گذشتگان به آیندگان شده است و در مراحل نخستین تمدن برای این انتقال چاره ای جز «داستانگویی» نبوده، لیکن چون منقول دستخوش تصرف نقال است، محتویات

«نقل» بريك منوال نمانده و كم و بيش به صورت افسانه درآمده است.

منقول همیشه دستخوش تخیل اختراعی بوده و طوری به دیگران منتقل شده است که بهتر باقی بماند. سرگذشت‌هایی که جنبه‌ای عجیب و غریب داشته، همیشه «بازگو» شده و از دهان به دهان گشته و از سینه به سینه رسیده و هر گوینده چیزی بر آن افزوده و شاخ و برگ بر آن بسته است.

چه بسا افسانه‌ها که جنبه ادبی بخود گرفته و در لباس هنر آمده یا به منظور تأثیر اخلاقی گفته شده است. در بسیاری دیگر نیز هنوز آثار تاریخی گذشته بصراحت دیده می‌شود. در اغلب این داستانها و افسانه‌ها چگونگی زندگی مردمان قدیم و افکار و تخیلات و آرزوهای آنان منعکس شده است. این نکات را که برور کودکان بزرگتر می‌شوند و به سنین نوجوانی و جوانی می‌رسند باید یادآور آنها شد و آنان را عادت داد تا با اندیشه‌ای پی‌جو و دیدی علمی در داستانها به تأمل پردازند.

* برخی از مربیان و معلمان حتی نویسندگان نظرمساعدی درباره افسانه‌ها ندارند و تصور می‌کنند که امروز فقط روز تعقل است و باید به وسایلی که عقل را بکار آید در آموزش و پرورش متوسل شد.

اینان می‌گویند آنچه در زمینه افسانه و داستان برای کودکان می‌نویسیم باید بر پایه واقعیت و دور از تخیل باشد و می‌گویند داستان‌هایی که بر پایه واقعیت قرار ندارد کودکان را از زندگی و واقعیت‌های آن دور می‌کند و آنان را گرفتار خیال‌بافی و اوهام می‌سازد.

در حقیقت این عده از مربیان سنگ «دید علمی» را به سینه می‌زنند و حال آنکه خود از آن «دید» بدورند و توجه ندارند که تخیل شکل گرفته تا چه حد در پیشرفت علم و صنعت تأثیر دارد، تخیلی که ریشه آن را با کمی جستجو در وجود کودک می‌یابیم. اکنون مربیان آگاه و متخصصان تعلیم و تربیت اعتقاد دارند که خواندن افسانه و داستانهای تخیلی بخصوص داستانهای علمی تخیلی، بسیاری از نیازهای درونی کودک را ارضا و حس کنج‌کاوی وی را بیدار می‌کند؛ زیرا اگر به این مسئله توجه کنیم که کودک بسختی دنیای بزرگسالان را می‌پذیرد بیشتر میل دارد به دنیای خیال آمیز خود پناه ببرد. اینجاست که داستانها و افسانه‌ها تخیل کودک را نیرو می‌بخشد، به آن شکل می‌دهد و او را می‌پرورد تا زمینه ذهنی پی‌جو و نوآور و نوآفرین و ابتکار طلب بیار آورد.^۱

۱- در نوشتن این قسمت، از مقاله «داستانهای تخیلی» به قلم گوته کلینگرک، ترجمه لادن لاجوردی مندرج در مجله پیک معلم و خانواده شماره ۱ نیمه دوم مهرماه ۴۷ صفحه ۳۳ و در قسمت ۴-

* قسمتی از کلیله و دمنه اصلی در هندوستان به زبان سانسکریت موجود است که آن را پنجه تنتره (Panchatantra) می نامند. برزویه طبیب در زمان انوشیروان کلیله و دمنه را به زبان پهلوی ترجمه کرد. این ترجمه اکنون بکلی از میان رفته است. در اوایل دوران اسلامی ابن مقفع کلیله و دمنه را که به پهلوی ترجمه شده بود به زبان عربی ترجمه کرد. این ترجمه اکنون موجود است. در قرن چهارم هجری، رودکی شاعر بزرگ عصر سامانی از روی کتابی که ابن مقفع ترجمه کرده بود کلیله و دمنه را به شعر فارسی درآورد. این منظومه رودکی نیز از بین رفته و فقط بیت هایی پراکنده در برخی کتابها از آن باقی مانده است. در قرن ششم هجری، نصرالله منشی که از نویسندگان چیره دست دوره غزنوی بود، کلیله و دمنه را بار دیگر از عربی به فارسی ترجمه کرد و شعرهای فارسی و عربی در میان حکایات به آن اضافه نمود. کلیله و دمنه مشهور در زبان فارسی همین ترجمه نصرالله منشی است.

* کتاب هزارویک شب که آن را به عربی الف لیلة و لیله می نامند کتاب بزرگی است پر از قصه و افسانه های عامیانه مربوط به جن و ارواح و ملائکه و انسان و حیوان که در ادبیات غرب و شرق معروفیت فراوانی دارد. اصل این داستانها را برخی ایرانی و برخی هندی دانسته اند. زمان تألیف کتاب معلوم نیست. برخی گویند که نخستین بار در زمان خلفای عباسی و قبل از قرن نهم هجری گردآوری شده است. اصل این کتاب به زبان عربی است. در زمان محمدشاه قاجار عبداللطیف طسوجی تبریزی آن را به فارسی روان و سلس ترجمه کرد و سروش اصفهانی شاعر معروف، به جای شعرهای عربی آن، شعرهای مناسب فارسی گذاشت.

* منابع = منابع، سرچشمه ها، این کلمه را دانش آموزان در فارسی چهارم به صورت منابع طبیعی [= قسمتهایی از طبیعت که انسان از آنها بهره می گیرد، مانند خاک، آب، جنگل، معدن و دریا] خوانده اند.

* پدیده، این کلمه اخیراً در زبان فارسی به جای کلمه فرانسوی Phénomén و انگلیسی Phenomenon رواج پیدا کرده است و برخی آن را درست نمی دانند و به جای آن «نمود» یا «پدیدار» بکار می برند. نویسنده این سطور پدیده را به خاطر رواج عام و خوش آهنگی کلمه ترجیح داد.

→ نخستین یادآوری از مقاله «افسانه، پلی میان جهان خیال و جهان واقع» به قلم استاد فقید دکتر محمد باقر هوشیار مندرج در همان مجله شماره ۳ نیمه دوم آبان ماه ۴۷ صفحه ۱۰۴ بهره گرفته شده است. آموزگاران عزیز برای اطلاع بیشتر در این زمینه به این دو مقاله و دیگر مقالات و نظریاتی که در این خصوص در همین مجله درج شده است مراجعه فرمایند.

* فرمانبردار باضم باء تلفظ شود.

* داستان درختی را که تخته سیاه می‌شود به نام «بهترین مکان دنیا» در فارسی چهارم دبستان صفحه ۱۲۴ نقل شده است.

روش تدریس:

پس از آنکه در باره مطالب درس به اندازه کافی گفتگو شد، درس به طریق آزادخوانی تدریس و اشکالات درس با توجه به قسمت یادآوری و کلمه‌ها و ترکیبهای تازه برطرف می‌شود.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- از زمانهای بسیار قدیم. ۲- برخی از داستانها چون سینه بسینه و دهن بدهن نقل می‌شده، هرکس که آنها را نقل می‌کرده چیزی از خود بدانها می‌افزوده و شاخ و برگ می‌داده تا کم طول و تفصیل بیشتری پیدا کرده و به صورت داستانهای طولانی درآمده است. ۳- از اندیشه‌ها، عاداتها، خیالبافیها، آرزوها و عقیده‌های پیشینیان. ۴- از اینکه مردم قدیم بسختی مسافرت می‌کردند و آرزو داشتند وسایلی داشته باشند تا بتوانند سریعتر و راحت‌تر مسافرت کنند. ۵- در قدیم توانگران و زورمندان ستمگر بر افراد درمانده و بی‌دفاع ستم می‌کردند و چون درماندگان نمی‌توانستند انتقام خود را از ستمگران بگیرند، آرزوی پیروزی بر آنان را در داستانها می‌پروراندند. ۶- به زبان هندی. ۷- داستانهایی که قهرمانان آنها حیوانات هستند. ۸- چون سرگذشت دوشغال یکی به نام کلبله و دیگری به نام دمنه در این کتاب نقل شده است. ۹- یعنی موجوداتی که در عالم واقع هیچگاه وجود ندارند، بلکه مردم آنها را در ذهن خود ساخته‌اند. ۱۰- از زبان دختری به نام شهرزاد. ۱۱- شب نخست قصه‌ای شیرین برای پادشاه گفت و از آن شب به بعد هر شب وعده داد که شب دیگر قصه‌ای دیگر بگوید. ۱۲- شرح ماجراهایی که در روزگاران بسیار قدیم اتفاق افتاده و در نتیجه گذشت زمان در آنها تغییراتی راه یافته است.

دستور زبان:

این درس، مکمل درس پیش است. آموزگار می‌تواند جمله‌هایی از این قبیل در تخته بنویسد و نشان دهد که چگونه هر يك از نهاد و گزاره ممکن است يك یا چند کلمه باشد:

گزاره	نهاد
می نویسد	منوچهر
آمد	پروین
آمد	دانش آموز کوشا
آمدند	دانش آموزان کلاس پنجم
دیروز به مسافرت رفت	جمشید
به امید شنیدن قصه از کشتن شهرزاد چشم پوشید	شاه
شهرزاد را به همسری برگزید	پادشاهی سنگدل و ستمگر
موجودات خیالی هستند	قهرمانان بعضی از داستانها

پاسخ تمرین ۱:

این خبر دهن به دهن در شهر نقل شد. داستانها سینه به سینه از پدران به فرزندان می-رسید. مادری که کودک خود را گم کرده بود در به در به دنبالش می گشت.

پاسخ تمرین ۲:

اعضا، عضو، عضویت.

وسیع، وسعت، وسع [= فراخی، توانگری]

تحصیل، حاصل، محصول، محصولات، حصول [= بدست آوردن]

سرعت، سریع

عالم، معلوم، علم، معلم، تعلیم، تعلیمات

مجموع، جمع، جمیع، جمعیت، جماعت

مخترع، اختراع، اختراعات

کشف، اکتشاف، اکتشافات، کاشف، مکتشف

توضیح درباره تمرین ۴:

* چرا خورشید با آرامی بالامی آید، از افسانه های سرخ پوستان امریکا است (این داستان

را در صفحه ۷۵ فارسی سوم خوانده‌اند) و از نوع افسانه‌هایی است که درباره یکی از پدیده‌های طبیعی (طلوع خورشید) ساخته شده و عقیده سرخ‌پوستان امریکارا درباره اینکه چرا خورشید با آرامی بالا می‌آید، نشان می‌دهد.

* شاهزاده خوشبخت، داستانی است خیالی که اسکار وایلد نویسنده مشهور انگلیسی که در قرن نوزدهم می‌زیست نوشته است و از نوع داستانهایی است که گفتار و کرداری به چیز بیجان (مجسمه) نسبت می‌دهد.

* چهار نقاش بزرگ نیز داستانی است خیالی که از چیزهای بیجان گفتگو می‌کند. اصل این داستان روسی است و در آن چهار فصل سال باهم مسابقه نقاشی می‌دهند و سرانجام داستان چنین است که «هریک از این تابلوها [تابلوهایی که فصلهای سال کشیده‌اند] = مناظر طبیعی در [چهار فصل] در جای خود زیبا بودند. داوری در میان آنها دشوار بود و نمی‌شد تشخیص داد که زیباترین آنها کدام است. پس خورشید [داور مسابقه] چنین گفت: «ای نقاشان چیره‌دست! تابلوهای شما چنان زیباست که دریغ است که مردم یکی از آنها را نبینند. هر چهار تن بنوبت نقاشی کنید و... بگذارید همه مردم نقاشیهای شما را بموقع با جلوه‌های خاصی که دارد نظاره کنند و از تماشای آن لذت ببرند.» این داستان در صفحه ۱۷۱ فارسی چهارم نقل شده است.

* داستان کاوه آهنگر در فارسی چهارم صفحه ۱۸۹ نقل شده و از نوع افسانه‌های تاریخ است.

درس هفتم:

داستان عبدالله بری و عبدالله بحری (۱)

(صفحه ۳۵)

هدف:

- ۱- خواندن یکی از داستانهای هزار و یک شب و آشنایی بیشتر با این کتاب.
- ۲- تقویت نیروی تخیل.
- ۳- تلقین عواطف عالی انسانی از قبیل نیکوکاری، یاری به دیگران.
- ۴- مطالعه داستانی خیالی به منظور آگاهی از زندگی و طرز تفکر مردمان روزگاران

قدیم.

یادآوری:

* در داستان گفته شده که عبدالله بحری برای عبدالله بری مروارید و زمرد و یاقوت آورد. مروارید از دریا بدست می‌آید ولی زمرد و یاقوت از معدن استخراج می‌شود. بنابراین آوردن یاقوت و زمرد از دریا مانند خود داستان از جمله پندار و تخیلات قداماست.

* گذاشتن و گذاردن به معانی «نهادن، قراردادن، جادادن، مقیم کردن، تسلیم کردن، سپردن، ترك کردن، رها کردن، عبور کردن» می‌آید و گذاشتن و گزاردن به معانی «انجام دادن، پرداختن، تأدیه کردن، بیان کردن، شرح دادن، تفسیر کردن»، بنابراین ترکیباتی چون: قانونگذار، واگذار، رهگذار با «ذ» و ترکیباتی چون نماز گزار، خدمتگزار، کارگزار، خوابگزار با «ز» است. رجوع به تمرین ۳ و ۴ همین درس شود.

* ارمغان = سوغات، ره آورد، تحفه

* ازدحام کردن = انبوهی کردن، جمع شدن چنانکه از فشار جمعیت افراد در زحمت باشند.

* گوهر = سنگ قیمتی، جواهر [درفارسی سوم به این معنی خوانده‌اند]

* گهر = گوهر، مروارید [درفارسی چهارم در شعر: «باز باران، با ترانه، با گهر- های فراوان، می‌خورد بر بام خانه، خوانده‌اند]

در این درس گوهر به معنی اعم به مروارید و یاقوت و زمرد اطلاق شده است. باید توجه داشت که گوهر غیر از این معنی، معانی دیگر از قبیل: اصل، اساس، سرشت، نهاد، طبیعت و جز آنها نیز دارد. مثلاً در شعر مشهور سعدی: «بنی آدم اعضای یکدیگرند - که در آفرینش زیك گوهرند» گوهر به معنی اصل و اساس است.

روش تدریس:

بهتر است این درس و قسمت بعدی آن یعنی درس آینده به صورت «صامت خوانی» تدریس شود. ولی اگر آموزگار پس از طرح پرسشها متوجه شود که دانش آموزان درس و نکات لازم آن را خوب درک نکرده‌اند یا در تلفظ کلمه‌ها اشکال دارند، بهتر است درس مجدداً به صورت «آزاد» خوانده شود.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- برای اینکه در خشکی زندگی می‌کرده‌است و بر به معنی خشکی است. ۲- زیرا

بچه زیاد داشت و درآمد هرروز راهمان روز خرج می کرد. ۳- نانوا. ۴- زیرا عقیده داشت آدمیان باید غمخوار یکدیگر باشند و به هنگام سختی و تنگدستی به یاری هم بشنابند. ۵- گفت: «ای مرد! که تو را به دریا افکنده است؟» ۶- زیرا در دریا زندگی می کرد و بحر به معنی دریاست. ۷- عبدالله بری، عبدالله بحری را آزاد کرد و با هم قرار گذاشتند که هرروز همدیگر را ملاقات کنند. ۸- با هم پیمان بستند که هرروز عبدالله بری سبدي پراز میوه برای عبدالله بحری بیاورد و عبدالله بحری نیز سبد اورا از مروارید و زمرد و یاقوت پر کند. ۹- یعنی مشکل من حل شد. کار من درست شد. ۱۰- گفت این گوهرها خراج يك کشور است. تنها يك دانه آن چند برابر بدهی توست. ۱۱- یعنی بسیار گران بهاست. بهای آن مساوی مالیات يك کشور است.

دستور زبان:

دانش آموزان در سال گذشته فعل را شناخته اند و تعریفی را که در آخر مطالب دستوری این درس آمده است در فارسی چهارم خوانده اند. در این درس، این نکته را فرامی گیرند که فعل جمله همیشه در قسمت گزاره است. آموزگار ۴ جمله ای را که در آغاز درس آمده است روی تخته سیاه می نویسد و با طرح پرسشهای متعدد مطلب درس را به شاگردان تفهیم می کند. سپس دانش آموزان، کتاب را باز می کنند و يك بار از روی کتاب می خوانند. آنگاه از دانش آموزان می خواهد که هر يك جمله ای پیش خود بسازد و نهاد و گزاره و فعل آن را مشخص کند و برای این کار چند دقیقه به آنان فرصت می دهد و در این فرصت خود جدولی مانند جدول تمرین شماره ۵ صفحه ۴۰ در تخته سیاه می کشد. سپس به تناسب وقت کلاس از چند تن از دانش آموزان می خواهد که جمله ای را که ساخته اند در جدول تخته سیاه بنویسند. نهاد جمله را در ستون نهاد و گزاره جمله را در ستون گزاره و زیر فعل جمله که در ستون گزاره است خط بکشند.

پاسخ تمرین ۲:

این داستان نشان می دهد که مردم در روز گاران قدیم چگونه [به چه ترتیب، چطور] زندگی می کردند. در آن روز گاران مردم بیشتر تنگدست [بی چیز، ناتوان، ...] و فقیر بودند. کار کم بود و اغلب مردم وقت خود را به بیکاری می گذراندند. همچنین این داستان نشان می دهد که مردم قدیم چگونه [چطور] فکر می کردند. مردم قدیم پیوسته با دشواریها [مشکلات، سختیها] روبرو بودند و آرزو می کردند که روزی زندگی بهتر [آسوده، راحت، خوب، ...] پیدا کنند. داستانها آرزوهای مردمان قدیم را نشان می دهد.

پاسخ تمرین ۳:

آمده‌ام تا وام بگزارم. آمده‌ام تا کتا بهارا در قفسه بگذارم.

پاسخ تمرین ۴:

قانونگذار، نمازگزار، خدمتگزار، واگذار، رهگذار [= رهگذر]، کارگزار
[= انجام دهنده کار]، خوابگزار [= آن که خواب را تعبیر می‌کند].

پاسخ تمرین ۶:

بود، می‌گذراند، بر می‌داشت، می‌رفت، می‌گرفت، داشت، خرج می‌کرد، نداشت،
گشود، گفت، می‌اندازم، برداشت، روانه... شد، انداخت، کشید، ندید، انداخت، صید نکرد،
گرفت، بازگشت، رسید، دید، ازدحام کرده‌اند، می‌خرند، اندیشه کرد، ندارم، بخرم، انداخت،
خواست، بگذرد، افتاد، صدا زد، گفت، نمی‌خری، انداخت، نگفت، گفت، گمان می‌کنم،
صیدی نکرده‌ای، اهمیت ندارد، غمخوار... باشند، بشتابند، بیا، ببر، گفت، داد، افزود،
گفت، تهیه کن، توانگر شدی، پرداز، سپاس گفت، گرفت، رفت، باز گفت، گفت، مده، است.

درس هشتم:

داستان عبدالله برّی و عبدالله بحری (۲)

(صفحه ۴۱)

هدف و روش تدریس همان است که در قسمت نخستین گفته شد.

یادآوری:

* فام (در جمله «ظرفی پر از روغن زردفام و خوشبو در دست داشت») پساوندی است
که بر رنگ دلالت می‌کند، زردفام [= زردرنگ].
* تا پاداشت دهم یعنی تا به تو پاداشت دهم، تا ترا پاداشت دهم.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- زیرا به نظر او (زن عبدالله برّی) مردم روزگار تنگ‌چشمند و به عبدالله ماهیگیر

حسد می‌ورزند و روزگارش دوباره تیره و تار می‌شود. ۲- یعنی قبول زحمت کنی. تشریف بیاوری [درموقع تعارف می‌گویند]. ۳- دخترانی بودند زیبا با گیسوان بلند. با چهره‌ای چون برگ گل لطیف، اما نیمه بدن آنان مانند ماهیان بود. ۴- زیرا شنیده بود که کسی از مردمان روی زمین به مهمانی به دریا آمده است که دم ندارد. ۵- بخشی از آن را به درماندگان می‌بخشید و با بخشی دیگر خود و زن و فرزندانش بخوشی روزگار می‌گذرانند. ۶- از کتاب هزارویک شب. ۷- بلی. ۸- این داستان نشان می‌دهد که زندگی در روزگاران گذشته بسختی می‌گذشته است. ۹- آرزوی رهایی از رنج کارهای سخت و کم درآمد، آرزوی بدست آوردن راحتی و آسایش، آرزوی دیدن زیر دریاها. ۱۰- بی‌اطلاعی مردم قدیم را از اینکه آدم دریایی وجود ندارد، انسان نمی‌تواند با مالیدن روغن به تن خود به زیر آب رود و ساعتها در زیر دریا بماند، و این نکته که زمرد و یاقوت از دریا بدست نمی‌آید.

پاسخ تمرین ۱:

لختی بعد عبدالله بحری دوباره سراز آب بدر آورد [بیرون آورد، بدر کرد، بیرون کرد و...]. عبدالله بری و عبدالله بحری به امید دیدار روز دیگر یکدیگر را وداع گفتند [بدرود گفتند، وداع کردند، بدرود کردند]. - این راز با کسی مگو که مردم روزگار تنگ چشمند. - اینجا خانه من است قدم رنجه کن و به درون آی که خوش آمدی. - عبدالله گرسنه بود با اشتها و لذت فراوان مقداری از آن خوراکیها بخورد. - حاضران عبدالله بری را تحسین و آفرین گفتند. - ای برادر آرزو دارم که قدم رنجه کنی، [قبول زحمت کنی] و به کلبه من بیایی. - دیدگان عبدالله بری در زیبایی قصرها و مردم آن خیره شده بود. عبدالله بحری امر پادشاه را اطاعت کرد [فرمان برد].

درس نهم:

بخور تا توانی به بازوی خویش (صفحه ۴۶)

هدف:

- ۱- خواندن داستانی به شعر از بوستان سعدی.
- ۲- توجه به این نکته که هر کس باید به اندازه توانایی خود کار کند و در زندگی متکی به خود باشد.

یادآوری:

* دانش آموزان شرح حال سعدی را در فارسی سال پیش خوانده‌اند. و آگاهیهای زیر را درباره سعدی دارند: سعدی هفتصدسال پیش در شیراز زندگی می‌کرده است (به سال ۶۹۱ ه. ق. در گذشته). پس از تحصیلات مقدماتی در شیراز به بغداد رفته و در آنجا به تحصیل پرداخته و از آن پس سالیان درازی به سیر و سیاحت در اطراف و اکناف جهان رفته و سرانجام به شیراز بازگشته است. سعدی در پنجاه سالگی «گلستان» را نوشته. گلستان کتابی است به نثر آمیخته به نظم. کتاب دیگر سعدی «بوستان» است که سراسر آن به نظم است و در آن اندرزها و نکته‌های اخلاقی و اجتماعی بسیار به صورت داستان آورده شده است. مجموعه آثار سعدی را کلیات می‌گویند.

* قوت = خوراك

* چنگک غیر از معنی که در این درس دارد به معنی دست هم هست که در درسهای آینده با آن آشنا خواهند شد.

* دغل در بیت «برو شیر درنده باش ای دغل - مینداز خود را چو روباه شل» به معنی تنبل است.

روش تدریس:

پس از آنکه درباره سعدی و آثارش به اندازه کافی بحث شد، آموزگار توضیح می‌دهد که در این درس حکایتی از بوستان می‌خوانیم. سپس يك يا دوبار شعرا بلند و شمرده و رسا می‌خوانند و با توجه به کلمه‌ها و ترکیبهای تازه يك يك بیتها را معنی می‌کنند. سپس از چند تن از شاگردان می‌خواهد که شعرا شمرده و رسا بخوانند و معنی کنند. پس از آنکه معلوم شد اشکالی در شعر باقی نمانده، پرسشها مطرح می‌شود.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- تعجب کرد از اینکه روباهی که دست و پا ندارد چگونه زندگانی بسر می‌برد و با این دست و پا از کجا می‌خورد. ۲- اتکا و اعتماد به خدا کرد و گفت بهتر است از این پس در گوشه‌ای بنشینم که روزی رسان از غیب روزی می‌فرستد. ۳- نه بیگانه و نه دوست، کسی به حال او توجهی نکرد و از او مواظبت و نگهداری ننمود و لاغر و ضعیف گردید. ۴- مقصود شاعر این است که خود درویش متوجه شد و به فکرش رسید که باید قوی بود و فعالیت کرد و به دیگران

بهره رساند. ۵- نه. ۶- یعنی اطلاع و آگاهی که بآیدن روباه پیدا کرده بود چشم مرد را بینا کرد. آنچه یقین دید، او را متوجه ساخت. ۷- به خدا اعتماد و اتکا کرد. فکر کرد که خداوند روزی رسان است و روزی او را در هر حال خواهد رساند. ۸- مقصود این است که هر قدر کار کنی به همان اندازه مزد می گیری، شاعر در خیال خود ترازویی فرض کرده که در يك كفه آن سعی گذاشته می شود و در كفه دیگر به همان مقدار مزد گذاشته می شود. ۹- به چنگ [آلت موسیقی] که از پوست و چوب و مفتول (سیم) ساخته می شود (استخوانهای درویش را به چوب چنگ، پوستش را به پوست آن و رگهایش را به مفتولهای آن تشبیه کرده است). ۱۰- از سعدی. ۱۱- بوستان کتابی است که سراسر آن به نظم است و در آن اندرزا و نکته های اخلاقی و اجتماعی بسیار به صورت حکایت آورده شده است.

توضیح درباره «به این نکته توجه کنید»:

دانش آموزان در سال چهارم با «بیت» و «مصرع» آشنا شده اند و می دانند که مثلاً:
یکی روبهی دید بی دست و پای فروماند در لطف و صنع خدای
يك بیت شعر است و هر پاره از آن يك مصرع است که جمعاً هر بیتی دو مصرع می شود.
در این درس، دانش آموزان با «قافیه» و «ردیف» آشنا می شوند.
آموزگار بیت اول شعر را در تخته سیاه درج می کند و «ای» را که در آخر دو کلمه «پای» و «خدای» هست با گچ رنگی می نویسد. و همینطور در بیت دوم «رد» را در آخر دو کلمه «می برد» و «می خورد» و در بیت سوم «نگ» را در آخر دو کلمه «رنک» و «چنگ» و توضیح می دهد که حرفهای مانند هم را در آخرین کلمه مصراعها قافیه می گویند.
آنگاه بیت:

بخور تا توانی به بازوی خویش که سمیت بود در ترازوی خویش
را بر تخته می نویسد و توضیح می دهد که در این بیت «ازوی» در کلمه های «بازوی» و «ترازوی» قافیه است. کلمه ای که پس از قافیه عیناً تکرار شده یعنی «خویش»، ردیف نامیده می شود. و رجوع به پاسخ تمرین ۴ که در صفحه بعد می آید شود.

پاسخ تمرین ۴ :

شماره بیت	قافیه	ردیف	شماره بیت	قافیه	ردیف
۱	ای	ندارد	۸	یب	ندارد
۲	رد	ندارد	۹	وست	ندارد
۳	نگ	ندارد	۱۰	وش	ندارد
۴	یر	خورد	۱۱	ل	ندارد
۵	اد	ندارد	۱۲	یر	ندارد
۶	یننده	کرد	۱۳	ازوی	خویش
۷	ور	ندارد	۱۴	یر	ندارد

درس دهم:

چه خوش است مرگی که در راه میهن باشد (صفحه ۴۹)

هدف:

- ۱- خواندن متن داستانی.
- ۲- آشنایی با یکی از سرداران شاهان و فداکار تاریخ ایران.
- ۳- توجه به حس ملیت و علاقه میهن پرستی.

یادآوری:

* دانش آموزان در تاریخ سال چهارم (کتاب تعلیمات اجتماعی) اجمالی از تاریخ هخامنشیان و حمله اسکندر به ایران خوانده اند، بحث کوتاهی در این باره و یادآوری آنچه سال قبل خوانده اند کمکی به تفهیم درس خواهد کرد.

* آریوبرزن یا آری برزن (Aryobarzan) نام سردار دلیر ایرانی است که با ۲۵ هزار سپاهی با اسکندر جنگید. در تاریخ سال چهارم پرستی در باره این سردار شده و پاسخ آن در کتاب معلم داده شده است. بنابراین احتمالاً دانش آموزان با نام آریوبرزن آشنا هستند. جنگ آریوبرزن را با سپاه اسکندر - برخی از تاریخ نگاران یونانی در دروازه پارس و برخی دیگر در دروازه شوش نوشته اند. شرح این نبرد در کتاب ایران

باستان (تاریخ مفصل ایران قدیم) تألیف حسن پیرنیا (مشیرالدوله) ج ۲ ص ۱۴۱۳ بشرح آمده است.

* «گرفت» درجمله «ناگاه تندبادی سهمگین از سوی باختر وزیدن گرفت» به معنی «آغاز کرد» است یعنی تندبادی... شروع به وزیدن کرد.

* مقدونیه = این سرزمین در شبه جزیره بالکان و در شمال یونان واقع است. در زمان قدرت سلسله هخامنشی مدتی این سرزمین در تصرف ایران بود که بنا به نوشته پیرنیا این مدت از سال ۵۱۴ تا ۴۷۹ قبل از میلاد بوده است. برای اطلاع بیشتر رجوع به ایران باستان ج ۲ ص ۱۱۹۰ به بعد شود.

* صخره = سنگ بزرگ

* باختر = مغرب، این کلمه امروزه فقط به معنی مغرب بکار می رود، در اوستا به شکل اپاختر و به معنی شمال بوده و در کتابهای قدیم فارسی به معنی مشرق هم بکار رفته است. چنانکه فردوسی گوید: «چو خورشید سر برزد از باختر - سیاهی به خاور فرو برد سر». و خاور در این شعر معنی مغرب می دهد.

* گران در ترکیب وصفی «سپاهی گران» معنی فراوان و بسیار می دهد.

پاسخ پرسشهای درس:

۱ - شرح دلاوریها و قهرمانیهای کسانی را که مرزهای کشور را در زمانهای قدیم حراست و پاسبانی می کرده اند. ۲ - تخت جمشید. ۳ - مقصود این است که اسکندر از طرف مغرب به کشور ما حمله کرد، سپاه اسکندر به تندباد تشبیه شده است. ۴ - پادشاه مقدونیه. ۵ - از طرف مغرب. ۶ - یعنی تیره بختی همه جا را فرا گرفت. ۷ - آریو برزن، چاره را آن دانست که در گذرگاهی تنگ، راه را بر اسکندر و سپاه بیکران او بگیرد. ۸ - آریو برزن فرمان داد تا سپاهیان سنگهای بزرگ از بالای کوه به پایین درغلانند. سپاه اسکندر در مقابل سنگهایی که از کوه سرازیر می شد تاب نیاوردند و به عقب نشستند. ۹ - به راهنمایی یکی از اسیران جنگی که در سرزمین بیگانه گرفتار شده بود. ۱۰ - زیرا می خواست خود را زودتر به تخت جمشید برساند و از آن دفاع کند. ۱۱ - همگی کشته شدند. ۱۲ - این شعر در حقیقت زبان حال آریو برزن و سپاهیان اوست که مرگ را بر مذلت و خواری برتری می دهند. می خواهند بمیرند ولی چیرگی و غلبه دشمن را بر میهن نبینند.

دستور زبان:

آموزگار ۴ جمله‌ای را که در آغاز درس نوشته شده است بر تخته سیاه می‌نویسد و درس را با طرح پرسشهایی که نمونه‌ای از آن در زیر داده می‌شود آغاز می‌کند:

-- در جمله اول نهاد و گزاره کدام است؟

-- «عبدالله» نهاد، «دام ماهیگیری را برداشت» گزاره است.

-- فعل در کدام قسمت جمله قرار دارد؟

-- در قسمت گزاره.

-- فعل این جمله کدام است؟

-- برداشت.

-- فعل «برداشت» بر انجام دادن کاری دلالت می‌کند، یعنی عمل «برداشتن» را به

عبدالله که «نهاد» جمله است نسبت می‌دهد. می‌توانیم بپرسیم عبدالله چه کرد؟ (دام ماهیگیری را برداشت) خوب حالا فکر کنید و هر يك، «جمله‌ای» مثال بزنید که فعل آن انجام دادن کاری را بیان کند.

-- سعدی گلستان را نوشت. -- علی نان خرید. -- نانوا نان می‌پزد.

-- حالا به جمله دوم («پروین داستانهای خیالی را دوست دارد»، که بر تخته نوشته است)

توجه کنید.

-- فعل این جمله کدام است؟

-- دوست دارد.

-- در جمله قبل یعنی در جمله «عبدالله دام ماهیگیری را برداشت» نهاد جمله یعنی عبدالله

کاری انجام داده است، کار «برداشتن دام ماهیگیری را»، حال بگویید در این جمله نهاد جمله یعنی پروین چه کاری انجام داده است.

-- پروین کاری انجام نداده است.

-- درست است. پروین کاری انجام نداده است زیرا «دوست داشتن» کاری نیست که

پروین انجام داده باشد بلکه حالتی است که در پروین وجود دارد. همچنین اگر بگوییم «من

تشنه‌ام»، من کاری انجام نداده‌ام بلکه حالتی به من نسبت داده شده است. پس می‌بینیم فعلهایی

وجود دارد که انجام دادن یا انجام گرفتن کاری را نشان نمی‌دهد بلکه داشتن حالتی را بیان

می‌کند. حال فکر کنید و هر يك جمله‌ای مثال بزنید که فعل آنها داشتن حالتی را نشان دهد.

-- من گرسنه‌ام. -- دوست من مریض است. -- دیروز هوا صاف بود. -- جمشید خسته است.

پاسخ تمرین ۱:

اسمهایی که با صفت همراه است:

شاهنشاهی بزرگ، سرزمین پهناور، تندبادی سهمگین، مردی شهرت‌طلب، لشکری
بیکران، سپاه عظیم، گذرگاهی تنگ، کوههای سر به آسمان کشیده، جنگلهای انبوه، سردار
دلاور، گذرگاه تنگ، سپاه بیکران، سپاهی اندک، سپاهی گران، اسبی زیبا و نیرومند، یالهای
فرو ریخته، دم برافراشته، سرانجام ناگوار، سنگهای بزرگ.

پاسخ تمرین ۴:

فعلهایی که انجام دادن کاری را نشان می‌دهد:

جنگید، ریخت، خریدم.

فعلهایی که داشتن حالتی را نشان می‌دهد:

سرد بود، گرسنه‌ام.

درس یازدهم:

ایران (صفحه ۵۵)

هدف:

- ۱- خواندن شعر.
- ۲- صحیح خواندن شعر و حفظ آن.
- ۳- تقویت عاطفه میهن‌دوستی.
- ۴- تمرین خط نستعلیق.

یادآوری:

* سراینده این شعر آقای حبیب یغمایی است. یغمایی شغل دبیری داشته و سالها در
مناصب گوناگون فرهنگی خدمت کرده است. وی از مدتها پیش مجله یغما را تأسیس کرده که
از مجله‌های خوب ادبی کشور ما بشمار می‌رود.

* قطعاً آموزگاران عزیز توجه دارند که این شعر به مناسبت درس قبل و به منظور تلقین
بیشتر حس میهن‌دوستی در دنباله آن قرار گرفته و از لحاظ هدف مکمل آن است.

* مقصود از نشانه جستن از خسرو و طوس و... که در بیت «می‌جوی نشانه‌ها به هر مرز»

از خسرو و طوس و گیو و گودرز، آمده. این است که در هر گوشه‌ای از خاک وطن و در هر مرزی یادگاری از این دلاوران دیده می‌شود. مانند شهرها و آبادیهایی که در گوشه و کنار کشور به نام این پهلوانان وجود دارد.

روش تدریس:

روش تدریس این شعر همان است که درباره شعرهای پیشین گفته شد. یعنی آموزگار شخصاً شعرا با صدای رسا و بطور شمرده و روان می‌خواند سپس بیت بیت آن را با توجه به کلمه‌ها و ترکیبهای تازه معنی می‌کند. پس از رفع اشکالات، چندتن از دانش‌آموزان، همه شعر یا قسمتهایی از آن را بنوبت می‌خوانند و معنی می‌کنند.

پاسخ پرسشهای درس:

- ۱- از کوروش و اردشیر و دارا (داریوش). ۲- خسرو و طوس و گیو و گودرز.
- ۳- خسرو یا کیخسرو پادشاه داستانی شاهنامه است و طوس و گیو و گودرز از پهلوانانی هستند که شرح دلاوریهای آنان در شاهنامه آمده است. ۴- جواب آزاد (به قسمت یادآوری رجوع شود). ۵- پهلوان بزرگ داستانی که شرح دلاوریهای او در شاهنامه آمده است (شرح حال مفصل رستم را در کتاب فارسی خواهیم خواند). ۶- از ساحل هیرمند تا خشک با رخش طی کرد. ۷- مراد این است که در طول قرنهای دراز دلاوران فراوانی در هنگام دفاع از وطن کشته شده و خونشان با خاک آمیخته است. ۸- پادشاه معروف شاهنامه که ضحاک ماردوش را شکست داد و او را در کوه دماوند در بند کشید (داستان فریدون را دانش‌آموزان در ضمن داستان کاوه آهنگر در فارسی سال چهارم بتفصیل خوانده‌اند). ۹- در مرغزاری. ۱۰- دست بدست گشته و از پدران به فرزندان رسیده. ۱۱- امروز در عصر حاضر ما نگهبان و صاحب این سرزمین هستیم. ۱۲- جواب آزاد. ۱۳- جواب آزاد.

پاسخ تمرین ۱:

- ایران، نام کشور عزیز ما است.
کوروش، نام یکی از پادشاهان بزرگ سلسله هخامنشی است.
اردشیر، نام بنیانگذار سلسله ساسانی است.
دارا، یا داریوش نام بزرگترین پادشاه سلسله هخامنشی است.

خسرو، یا کیخسرو نام پادشاه داستانی در شاهنامه است.

طوس، نام پهلوانی در شاهنامه.

گیو، د د د د د

گودرز، د د د د د

وخش، نام سرزمینی در کنار رود جیحون.

رستم، نام پهلوان مشهور ایرانی.

آفریدون، یا فریدون نام پادشاه داستانی شاهنامه.

پاسخ تمرین ۲:

- الف - کاوه آهنگر و گروهی از ایرانیان که از ستمکاریهای ضحاک بستوه آمده بودند به پیش فریدون رفتند. فریدون به یاری کاوه و همراهانش بر ضد ضحاک شورید و او را شکست داد و خود به پادشاهی نشست و به داد و دهش پرداخت و ستم و ستمکاری را از بین برد.
- ب - غافل منشین نه وقت بازی است - وقت هنراست و سرفرازی است.
- ج - جواب آزاد.

پاسخ خود را بیازمایید (۲) (صفحه ۵۸)

شماره ۱: (۱۸ نمره)

- الف - به داستانها، که نشانی از وقایع تاریخی در آنها هست، افسانه‌های تاریخ می‌گوییم. روزگاری بود که مردم خواندن و نوشتن نمی‌دانستند. ماجراهایی که در آن روزگاران اتفاق می‌افتاد، سینه بسینه از پدران به فرزندان می‌رسید و با گذشت روزگار دگرگون می‌شد و به صورت داستان در می‌آمد. این داستانها را افسانه‌های تاریخ می‌نامیم.
- ب - زیرا گفتن این همه قصه از عهده یک تن بیرون است.
- ج - از آرزوها و اندیشه‌ها و خیالات و اعتقادات و طرز زندگی مردمان قدیم.
- د - آرزوی رهایی از تنگدستی (مردی چون عبدالله ماهیگیر با داشتن ۹ بچه و شغل ماهیگیری در جامعه‌های قدیم، هیچگاه نمی‌توانست به رفاه و آسایش برسد. این است که آرزوی رسیدن به رفاه و آسایش در داستان بوقوع می‌پیوندد).
- ه - از کتابهای بسیار قدیمی جهان است. اصل این کتاب به زبان هندی است. در روزگار پادشاهی خسرو انوشیروان پادشاه ساسانی و به فرمان او این کتاب را به ایران آوردند

و به زبان پهلوی (زبان دوره ساسانی) ترجمه کردند. در کلیله و دمنه، در ضمن داستانها، دستورهای زندگی، اصول اخلاق و نکته‌های سودمند دیگری از زبان جانوران گفته شده است. و - داستانهای هزار و یک شب کتابی است که از زبان دختری به نام شهرزاد حکایت شده است و ...

شماره ۲: (۱۱ نمره)

کلمه‌های مناسب به جای نقطه‌ها (کلمه‌های مناسب در داخل پرانتز است):
 داستانها (سینه بسینه) از گذشتگان به آیندگان رسیده است. در زمانهای قدیم
 (زورمندان، ستمگران،...) و توانگران، تهیدستان درمانده را به (پیغمبری) وامی‌داشتند. در
 میان (فرمانبرداران) شيردوشغال بود که نام یکی کلیله و نام دیگری (دمنه) بود. آدمیان باید
 (غمخوار، یار و یاور، مددکار،...) یکدیگر باشند و به هنگام سختی و (تنگدستی) به یاری
 هم بشتابند. (سره) کارمن گشوده شد، آمده‌ام تا وام بگزارم. آیا باید به همین سادگی گذاشت
 تا بیکانگان سرزمین ما را (تنگدکوب) سم اسبان سازند. عبدالله به پیش نانوا رفت و گفت
 آمده‌ام تا وام (بگزارم). به جای نقطه‌ها کلمه‌های مناسب (بگذارید).

شماره ۳: (۲۱ نمره)

پاسخ در کلمه‌ها و ترکیبهای تازه درس «بخور تا توانی به بازوی خویش».

شماره ۴: (۱۶ نمره)

کلمه‌های هم معنی:

فرمانبردار = مطیع، اطاعت‌کننده. سریع = تند. قاطر = استر. زبردست = ماهر،
 استاد. خراج = مالیات. دیار = سرزمین. ثنا = دعا. خاطر = یاد.

شماره ۵: (۱۶ نمره)

گزاره	نهاد	جمله
شهرزاد را به همسری برگزید	پادشاهی ستمگر	پادشاهی ستمگر شهرزاد را به همسری برگزید.
هر روز به کنار دریا می‌رفت	عبدالله	عبدالله هر روز به کنار دریا می‌رفت.
بانان و پول به خانه بازگشت	مرد	مرد بانان و پول به خانه بازگشت.
مشتی مروارید به نانوا داد	ماهیگیر	ماهیگیر مشتی مروارید به نانوا داد.
لختی اندیشید	عبدالله	عبدالله لختی اندیشید.
خود را به سپاه دشمن زد	آریوبرزن	آریوبرزن خود را به سپاه دشمن زد.
از غبار مذلت تیره شد	جهان	جهان از غبار مذلت تیره شد.
تازه تاریکی شب را زدوده بود	آفتاب	آفتاب تازه تاریکی شب را زدوده بود.

شماره ۶: (۱۸ نمره)

«خریدم، نوشته است، آمد، کشف کرد، بخوانید، آورد» انجام دادن کاری را و «سرد بود، دوست دارم، سودمند است» داشتن حالتی را نشان می‌دهد.
جمع نمره‌ها ۱۰۰ است که باید بر ۵ تقسیم شود.

درس دوازدهم:

نمایش (صفحه ۵۹)

هدف:

- ۱- شناختن نمایش و انواع آن.
- ۲- خواندن متن برای بدست آوردن اطلاعات تازه.
- ۳- شناختن زمان فعل (دستور زبان).

یادآوری:

* شکل نخستین و اصلی نمایش از اروپا به کشورهای دیگر جهان رفته است و اروپائیان خود نمایش را از یونان باستان اخذ و اقتباس کرده اند. یونانیان قدیم به افتخار خدایان خود

رقص و آواز برپا می‌کردند.

موضوع آوازه‌ها، داستان خدایان بود. کم‌کم آوازخوانها، این داستانها را بازی کردند و بازیهای آنان کم‌کم به شکل نمایش درآمد. پس از مدتی کسانی به فکر نوشتن نمایشنامه افتادند و کم‌کم نویسندگان بزرگی مانند آشیل و آریستوفانس ظهور کردند که نمایشنامه‌های آنان را پس از چندین هزار سال هنوز هم در بسیاری از کشورهای جهان بازی می‌کنند.

* تاریخ پیدا شدن نمایش خاص کشور ما یعنی تعزیه یا شبیه خوانی بدرستی معلوم نیست. در زمان ناصرالدین شاه قاجار برای ترویج آن کوشش فراوانی بعمل آمد.

در این دوره شبیه خوانی در دوماه محرم و صفر با تشریفات منصل و با جلال و شکوه فراوان انجام می‌شد. و هنوز هم در برخی از شهرها و روستاها اجرا می‌شود. آوازه‌ایی که در تعزیه خوانده می‌شود مناسب با موقع و مقام و روحیه «شبیه» است. در تعزیه چهره آرای نمی‌کنند ولی بازیکنان را با نقشی که بمعده دارند از نظر سن و صورت متناسب برمی‌گزینند.

* پس از اینکه درس خوانده شد، بهتر است آموزگار نمایشنامه کوتاهی در اختیار دانش آموزان بگذارد و از دانش آموزان علاقه‌مند بخواهد تا آن را در کلاس اجرا کنند. برای این کار می‌توان از کتاب «نمایشنامه‌های مدارس» نوشته دکتر ابوالقاسم جنتی عطایی استفاده کرد. اگر این کتاب در دسترس نباشد آموزگار می‌تواند داستان کوتاه و ساده‌ای را به صورت نمایشنامه درآورد و بهتر خواهد بود اگر این کار را نیز دانش آموزان انجام دهند. همچنین می‌توان برای این کار از درس بعد و یا تمرین شماره ۶ آن استفاده کرد.

روش تدریس:

آموزگار باید توجه داشته باشد که دانش آموزان با کدامیک از انواع نمایش آشنایی دارند و سخن خود را پیش از شروع درس با توضیح درباره آن نوع نمایش آغاز کند. در شهرهای بزرگ دانش آموزان مسلماً متأثر و سینما و انواع دیگر نمایش چون خیمه شب بازی را دیده‌اند و در روستا و شهرهای کوچک با تعزیه مذهبی و خیمه شب بازی محتملاً آشنایی دارند.

متن درس به صورت آزادخوانی تدریس می‌شود. و درباره هر يك از مطالب درس گفتگو بعمل می‌آید و آموزگار به دانش آموزان فرصت می‌دهد که هر يك دیده‌ها و اطلاعات خود را درباره انواع نمایش بیان کند.

پاسخ پرسشهای درس :

- ۱ - نقال کسی است که داستانی را که خوانده یا شنیده برای عده‌ای نقل می‌کند .
- ۲ - نمایشی است که بازیکنان در آن حرف نمی‌زنند و تنها با حرکتهای بدن و حالاتهای صورت، صحنه را نشان می‌دهند. ۳ - باله نمایشی است که به صورت رقص و همراه با موسیقی باشد .
- ۴ - اپرا نمایشی است که بازیکنان همراه با موسیقی به آواز با هم سخن بگویند . ۵ - خیمه-شب‌بازی، نمایشی است که در آن جای آمده‌ها، عروسکها بازی می‌کنند. ۶ - سینما نمایش فیلم است به این ترتیب که از صحنه‌های داستان فیلمبرداری می‌کنند و سپس تصویرهای فیلم را به صورت متحرک نشان می‌دهند. ۷ - نوشته‌ای است که از روی آن فیلم تهیه می‌شود. فیلمنامه هم داستان فیلم را شرح می‌دهد و هم شرح جزئیات صحنه‌های فیلم و چگونگی فیلمبرداری را. ۸ - نمایش خاص کشور ما تعزیه یا شبیه‌خوانی است. ۹ - در تعزیه معمولاً یکی از وقایع روزء اشورا را نمایش می‌دهند. ۱۰ - کسی که شبیه‌خوانی به دستور و رهبری او برگزار می‌شود. ۱۱ - در تئاتر. ۱۲ - فاصله بین بالا رفتن پرده و شروع نمایش و پایین رفتن پرده یعنی پایان نمایش یا پایان قسمتی از آن را يك پرده می‌گویند. ۱۳ - نمایشنامه. ۱۴ - در نمایشنامه هم گفتگوهای بازیگران نمایش نوشته می‌شود و هم آرایش صحنه و هم اینکه بازیگران در حین گفتگو چه حرکتهایی باید انجام دهند.

دستور زبان:

در دو بخش اخیر کتاب حاضر ، ضمن بیان روش تدریس دستور زبان نمونه گفتگوی آموزگار و دانش‌آموزان آمده است، آموزگاران عزیز اگر از روی روش ارائه شده در این کتاب، کتاب شاگرد را تدریس کرده باشند به روال کار کاملاً آشنایی پیدا کرده‌اند و دیگر لزومی ندارد که تا آخر کتاب نمونه گفتگوی شاگرد و معلم بدست داده شود بنابراین و همچنین برای اینکه حجم کتاب حاضر از حد متعارف در نگذرد، از آوردن نمونه گفتگوی آموزگار و دانش‌آموزان خودداری می‌شود.

چنانکه در پیش گفته شد، در حین تدریس دستور، کتاب دانش‌آموز باید بسته باشد. آموزگار سه جمله‌ای را که در آغاز درس دستور آمده است بر تخته سیاه می‌نویسد و آنچه را در درس آمده است به صورت پرسش و پاسخ تفهیم می‌کند.

پاسخ تمرین ۳:

فیلمبردار = فیلم + بردار (کوتاه شده بردارنده)، چهره آرا = چهره + آرا (کوتاه شده آراینده)، فیلمنامه = فیلم + نامه، سرگرم کننده = سر + گرم + کننده، شبیه گردان = شبیه + گردان (کوتاه شده گرداننده)، تماشاخانه = تماشا + خانه، نمایشنامه = نمایش + نامه، گفتگو = گفت + گو، بازیگر = بازی + گر، نمایشنامه نویس = نمایش + نامه + نویس (کوتاه شده نویسنده)، همراه = هم + راه.

درس سیزدهم:

خسیس (صفحه ۶۴)

هدف:

- ۱- آشنایی بیشتر با نمایش و تکمیل اطلاعات درس پیش.
- ۲- خواندن متن به صورت نمایشنامه.
- ۳- شناختن مولیر نمایشنامه نویس مشهور فرانسوی.

یادآوری:

مولیر (Moliere) نمایشنامه پرداز مشهور فرانسوی است که به سال ۱۶۲۲ در پاریس زاده شده. مولیر در جوانی برخلاف رأی پدر به تئاتر روی آورد و با رنج و زحمت فراوان تئاتری بنیاد نهاد که خود نیز از بازیگران آن بود. کار مولیر در آغاز در پاریس رونقی نیافت و او ناچار با گروه بازیگران خود به شهرستانها روی آورد و سیزده سال از شهری به شهری می-رفت و نمایشنامه می نوشت و در معرض نمایش می گذاشت. در سال ۱۶۵۸ آنگاه که بلندآوازه شده بود به پاریس بازگشت و از آن پس نمایشنامه های مشهور خود تارتوف، دون ژوان، مردم گریز، خسیس، زنان دانشمند و مریض خیالی را نوشت و خود با سوز فراوان آنها را به روی صحنه آورد.

مولیر در ۱۸ فوریه سال ۱۶۷۳ در حالی که سومین بار نمایشنامه «مریض خیالی» را نمایش می داد دچار تشنج شد و چند ساعت بعد درگذشت.

روش تدریس:

درس به صورت آزاد به شکل زیر خوانده می شود:

پس از آنکه مقدمه درس به وسیله یکی از دانش آموزان خوانده شد و آموزگار توضیحی درباره مولیر داد، سه نفر از دانش آموزان کلاس انتخاب می شوند تا هر يك حرفهای یکی از سه شخص نمایشنامه را بخواند. بدین ترتیب که یکی از دانش آموزان سخنان هارپاگون و دومی سخنان ژاک و سومی سخنان ناظر را می خواند. و این نوع خواندن، خود تمرین ساده و مقدماتی است برای اجرای نمایش. اگر دانش آموزان بخواهند این نمایشنامه را اجرا کنند هر کس باید حرفهای مربوط به خود را حفظ کند مثلاً آن که می خواهد نقش هارپاگون را بازی کند باید حرفهای هارپاگون را از بر کند و همچنین در هنگام گفتگو متناسب با شخصیت قهرمان نمایش، حرکاتی انجام دهد.

پاسخ پرسشهای درس:

- ۱- اثر (نوشته) مولیر نمایشنامه نویس مشهور فرانسوی. ۲- آدمی است خسیس و بخیل که با داشتن ثروت از خرجهای لازم دریغ دارد. ۳- آشپز و کالسکه ران هارپاگون. ۴- شامی که خرج زیاد نداشته باشد و به اندازه ۸ نفر باشد (در حالی که عده مهمانان از ۸ نفر بیشتر است). ۵- چون خیال می کند غذایی که برای ۸ نفر تهیه شود ده نفر را خوب سیر می کند. ۶- باید درسفره او کاملاً صرفه جوئی و قناعت رعایت شده باشد. ۷- این مثل که خوردن برای زیستن است نه زیستن برای خوردن. ۸- زیرامی خواست مهمانان اندکی غذا که خوردند سیر بشوند. ۹- زیرا به اندازه کافی خوراك نمی خوردند.

پاسخ تمرین ۱:

الف - خسیس، بخیل. ب- و لخرج، اسراف کار، اسراف کننده، مسرف.

پاسخ تمرین ۲:

چهمی فرمایید؟ (یا چه فرمایید؟) - تأمل فرمایید! - جناب عالی مطلبتان را بفرمایید. (یا فرمایش خود را بفرمایید.) - اگر پول کافی مرحمت بفرمایید (یا اگر پول کافی لطف کنید.) - چه فرمودید.

پاسخ تمرین ۶:

این نوشته را می‌توان به شکل زیر به صورت نمایشنامه در آورد:

اشخاص نمایش:

- ۱- ضحاک
- ۲- گروهی از بزرگان شهر
- ۳- کاوه
- ۴- يك نفر درباری (یکی از خدمتکاران ضحاک)
- ۵- پسر کاوه
- ۶- دو نفر نگهبان

صحنه نمایش:

وقتی که پرده بالا کشیده می‌شود:

اتاقی که آراسته شده و تختی در وسط قرار دارد دیده می‌شود. ضحاک بر تخت نشسته و تاج بر سر گذاشته و بزرگان شهر دور تا دور اتاق دست به سینه ایستاده‌اند. ضحاک کاغذی لوله شده در دست دارد.

ضحاک (رو به بزرگان شهر) - شما آگاهید که من دشمنی بزرگ دارم... (تا آخر گفتار ضحاک).

(ضحاک کاغذ را که همان گواهی است به نزدیکترین فرد می‌دهد و او در حالی که آثار ترس از قیافه‌اش نمایان است آن را امضا می‌کند و به نفر دوم می‌دهد و نفر دوم به نفر سوم می‌دهد تا آخر- در این موقع، از خارج صحنه صدای فریادی به گوش می‌رسد، دری باز می‌شود و کاوه دست بر سر زنان وارد می‌شود).

کاوه (با فریاد و خشم) - ای شاه ستمگر! من کاوه‌ام... (تا آخر گفتار کاوه).

ضحاک (درحالی که چهرهٔ مهربان بخود گرفته رو به کاوه می‌کند) - آرام باش. من فرمان می‌دهم تا پسر ترا از بند رها سازند. (رو به خارج از اتاق، با صدای بلند) بیایید. یکی بیاید.

(يك نفر از درباریان وارد می‌شود)

ضحاک - پسر این مرد را رها کنید و به پدرش بسپارید.

(شخص درباری خارج می‌شود و بلافاصله پسر کاوه با دو نگهبان وارد می‌شوند، در این هنگام امضای گواهی نیز تمام می‌شود)
پسر کاوه - آه پدر ! (پدر و پسر همدیگر را در آغوش می‌گیرند و پرده کشیده می‌شود.)

در صورتی که دانش آموزان علاقه‌مند باشند می‌توانند با راهنمایی آموزگار بقیه داستان را نیز که در کتاب فارسی چهارم است به‌همین ترتیب به‌صورت نمایشنامه درآورند.

درس چهاردهم:

موسی و شبان (صفحه ۷۱)

هدف :

- ۱- خواندن داستانی به‌شعر.
- ۲- آشنایی بیشتر با مولوی و کتاب معروف او مثنوی.
- ۳- توجه به این نکته که هر کس خدا را از راهی شناخته و از راهی به حقیقت گراییده است. راه و روش چندان مهم نیست، بلکه اهمیت در وصول به هدف و نتیجه‌گیری است و نیز تقویت تفکر و توسعه بخشیدن به اندیشه شاگرد و ایجاد احترام به عقاید دیگران.

یادآوری :

* داستانی که به‌شعر در اینجا می‌خوانیم از جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به مولوی است. دانش آموزان سال گذشته داستان بهترین ارمغان را که به نثر برگردانده شده بود، از مولوی خوانده‌اند. داستان بهترین ارمغان و همچنین داستان موسی و شبان که در اینجا می‌خوانیم از کتاب مشهور مولوی «مثنوی» است. (مثنوی نام نوعی شعر است. دانش آموزان در درس «مازندران» مثنوی را خواهند شناخت. - و چون مولوی کتاب خود را به‌صورت «مثنوی» گفته از اینجا کتابش به مثنوی مشهور شده است). مولوی از شاعران بزرگ ایران است که در سال ۶۵۴ ه. ق. در بلخ زاده شده و در سال ۶۷۲ ه. ق. در قونیه از شهرهای آسیای صغیر (در ترکیه امروز) در گذشته و همانجا دفن شده است. از کتابهای مشهور مولوی غیر از مثنوی، دیوان کبیر (که به دیوان شمس تبریزی نیز مشهور است) و قیام‌نامه را می‌توان نام برد.

* خیره‌سر = خودسر، گستاخ

* موسی = پیغمبر مشهور بنی اسرائیل که در قرن پانزدهم و به قولی در قرن سیزدهم قبل از میلاد می زیسته است. شرح احوال او را دانش آموزان در کتابهای تعلیمات دینی خوانده اند.^۱

روش تدریس:

پس از گفتگو درباره مولوی و کتابهای او و یادآوری داستان بهترین ارمغان که در سال چهارم خوانده اند، شعر به روش خطابی مانند شعرهای پیش تدریس می شود.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- یکی از شاعران بزرگ ایران که در قرن هفتم می زیست. ۲- مولوی اندیشه های خود را در ضمن داستانهای زیبایی بیان کرده است. ۳- در راه دید. ۴- می گفت: ای خدا تو کجا هستی تا من چاکرت شوم، چارقت را بدوزم، سرت را شانه کنم، دستت را ببوسم، پایت را مالش دهم و ۵- تصویری کرد که همچون انسان نیاز به خوراک و پوشاک و جز آنها دارد. ۶- با چه کسی هستی، با که حرف می زنی. ۷- پاسخ داد: با آنکس که ما را آفرید، یعنی با خدا هستم. ۸- زیرا به نظر موسی شیان کفر می گفت و نسبت به خدا بی احترامی می کرد. ۹- زیرا از کاری که می کرد پشیمان شد و ناراحت و اندوهگین گردید. ۱۰- وحی آمد که چرا بنده ما را ازما جدا کردی یعنی از راز و نیاز کردن با ما باز داشتی، تو برای آن آمده ای که مردم را به ما بپیوندی نه آنکه آنان را ازما جدا کنی. ما به ظاهر و به سخن و کلام توجه نداریم بلکه به عقیده و نیت اهمیت می دهیم. ۱۱- دنبال چوپان رفت که او را پیدا کند. ۱۲- گفت مژده ده که از طرف خدا اجازه آمده که هر چه در دل داری بگوئی. ۱۳- مراد شاعر این است که عقیده و نیت مهم است نه لفظ و سخن ظاهر. چه بسا کسانی که نیایش خدا را با بهترین عبارات بر زبان می آورند ولی قصدشان تظاهر و خودنمایی است. کار آن که از سراسازی و صفا به درگاه خدا نیایش می کند و صفا و انسانیت با جان او در آمیخته - هر چند از نظر ظاهر مناسب نباشد مهم است.

۱- برای اطلاع بیشتر در باره موسی و تاریخ و زمان وی می توان به تاریخ تمدن به قلم ویل دورانت جلد اول مشرق زمین گاهواره تمدن رجوع کرد.

پاسخ تمرین ۳:

قافیه در بیت اول «اه» است که در کلمات «راه» و «واله» [که إله تلفظ می‌شود] آمده. در بیت دوم «رت» است که در کلمات «چاکرت» و «سرت» آمده. در بیت سوم «ایکت» است که در کلمه‌های «پایکت» و «جایکت» آمده. در بیت چهارم «یش» است که در کلمه‌های «پیش» و «خویش» آمده. در بیت پنجم قافیه «ان» است که در کلمه‌های «جان» و «مان» آمده و «من» که بعد از «جان» و «مان» آمده ردیف است.

درس پانزدهم:

مقررات عبور و مرور (صفحه ۷۴)

هدف:

- ۱- خواندن متن به زبان ساده.
- ۲- آشنایی با برخی از مقررات عبور و مرور.
- ۳- جلب توجه و احترام دانش‌آموزان به قوانین و مقررات عبور و مرور.

یادآوری:

* افزایش وسایل نقلیه و بوجود آمدن مشکلات مربوط به عبور و مرور ایجاب می‌کند که تمام مردم از قوانین و مقررات مربوط به آنها آگاهی یابند و در موارد لازم رعایت نمایند. این است که در کتابهای درسی جای جای از این مقررات بحث شده یا به آنها اشاره شده است.

* موتورسیکلت (moto-sycl-et) بدون راء نوشته و خوانده شود.

* راهنمایی رانندگی (اداره راهنمایی رانندگی، قوانین راهنمایی رانندگی، مقررات راهنمایی رانندگی) بدون واو درست است نه راهنمایی و رانندگی چنانکه بعضیها می‌گویند.

روش تدریس:

آموزگار تمام مطالبی را که در این درس آمده است با دقت تمام توضیح می‌دهد. مخصوصاً اگر دبستان در شهر و در محل پررفت و آمدی قرار گرفته، از خیابانها و چهارراههای

نزدیک مدرسه مثال می آورد و گوشزد می کند که چگونه باید از خیابانها و چهار راهها عبور کرد. در مورد دوچرخه سواری روی این مطلب که در متن درس آمده که کسانی که کمتر از سیزده سال دارند نباید سوار دوچرخه شوند تکیه می کند و مضرات عدم رعایت مقررات مربوط به دوچرخه سواری را با آوردن مثالهایی زنده توضیح می دهد. آموزگارانی که در روستاهای دورافتاده تدریس می کنند، از آنجا که بیشتر دانش آموزان روستایی به شهر مسافرت نکرده و تاکنون چراغ راهنمایی و عمل آنها و خط کشی خیابانها را ندیده اند باید تکیه بیشتری روی برخی از نکات درس بکنند و به وسیله شکل و توضیحات بیشتر مطالب درس را تفهیم کنند. پس از اینکه مطالب و مفاهیم درس به وسیله آموزگار تفهیم شد، درس به صورت صامت یا آزاد خوانده و سپس پرسشهای درس مطرح می شود.

پاسخ پرسشها:

۱- زیرا از یک طرف جمعیت دائماً در حال افزایش است و از طرف دیگر، بر اثر پیشرفت صنعت وسایل نقلیه آسانتر و ارزانتر در دسترس مردم قرار می گیرد. ۲- برای اینکه اگر مقررات را رعایت نکنیم نظم شهر بهم می خورد و تصادفات بسیاری رخ می دهد. ۳- برای اینکه اگر کسی از آخرین خط دست راست خود حرکت کند کمتر با افراد یا وسایل نقلیه ای که از طرف روبرو می آیند برخورد می کند و تصادف کمتر اتفاق می افتد. ۴- در روی هر پایه دو ردیف چراغ نصب کرده اند یک ردیف برای وسایل نقلیه که سه رنگ دارد. و یک ردیف برای پیادگان که دو رنگ دارد. ۵- نشانه توقف است. با دیدن چراغ قرمز باید بایستیم و منتظر چراغ سبز باشیم. ۶- چراغ سبز نشانه حرکت است. با روشن شدن چراغ سبز می توانیم از خیابان عبور کنیم. ۷- وسایل نقلیه با دیدن چراغ زرد اگر متوقف باشند برای حرکت آماده می شوند و اگر در حال حرکت باشند برای توقف آماده می شوند. ۸- زیرا داشتن گواهی نامه نشانه مهارت و صلاحیت است و کسی که گواهی نامه ندارد مهارت و صلاحیت او معلوم نیست. ۹- در سیزده سالگی.

دستور زبان فارسی:

آموزگار شکلهایی نظیر شکلهای صفحه ۷۸ بر تخته سیاه می کشد و مطالب درس را از روی اشکال تخته سیاه و به صورت پاسخ و پرسش تدریس و تفهیم می کند. آموزگار در حین تدریس مثالهای متعددی می زند و از شاگردان نیز می خواهد که هر یک مثالی بزنند و زمان فعل

جمله را معین کنند. مثالهایی که خود در وهله اول می‌زند بهتر است با قید زمان همراه باشد مثلاً بگوید: دو سال پیش من به شهرهای جنوب سفر کردم. «دو سال پیش» قید زمان است و معلوم می‌کند که فعل در زمان گذشته انجام گرفته است. سپس مثالهایی می‌زند بی‌قید زمان. و دانش‌آموزان باید از روی ساختمان فعل بتوانند زمان آن را تشخیص دهند.

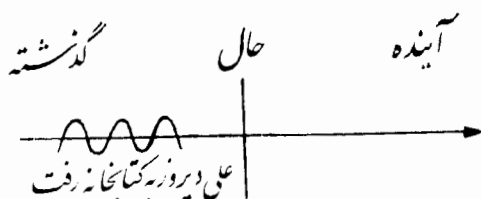
پاسخ تمرین ۱:

پلیس مدرسه مواظب است تا صدمه‌ای (گزندی یا آسیبی) به دانش‌آموزان نرسد... چراغ قرمز نشانه ایستادن (توقف) است... در خیابان از جاهای خط‌کشی شده می‌گذریم... عبور از لابلای اتومبیلها خطرناک است... آسایش ما و دیگران در رعایت مقررات است... همیشه باید در آخرین خط سمت راست (در پیاده‌رو) راه برویم.

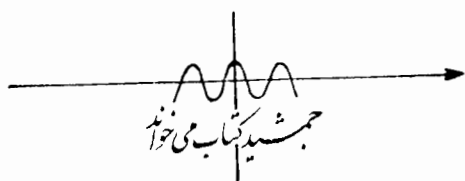
پاسخ تمرین ۲:

برای رفتن از یک طرف خیابان، به طرف دیگر آن باید از جاهای خط‌کشی شده عبور کرد، تا وسط خیابان باید به طرف چپ و از آن پس به طرف راست باید نگاه کرد. - برای اینکه پیادگان بدانند از چه جاهایی باید عبور کنند. - عابران با دیدن چراغ قرمز توقف می‌کنند و با دیدن چراغ سبز حرکت می‌کنند. - کسانی که سیزده سال تمام داشته باشند.

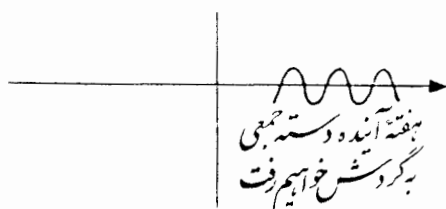
پاسخ تمرین ۳:



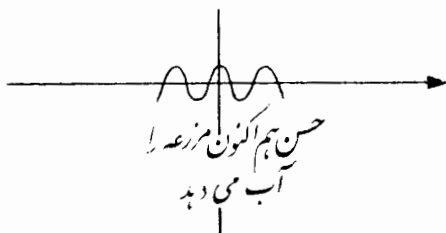
رفت، زمان ماضی (گذشته)



می‌خواند، زمان حال (اکنون)



خواهیم رفت . آینده (مستقبل)



می دهد ، زمان حال (الکون)

پاسخ تمرین ۴:

پروین به مدرسه رفت. در این بیابان، تنها زندگی می کردم. کاه با گروهی به نزد فریدون رفت. دو شغال در خدمت شیر زندگی می کردند.

پاسخ تمرین ۵:

حضرت سلیمان باقالبیچه پرنده به سیر و سیاحت می پردازد.
زمزمه آب می شنوم.
شبها که همه می خوابند، من بیدار می مانم.
شهرزاد از همان شب نخست، برای نجات خود تدبیری می اندیشد.
عبدالله سر را به زیر می اندازد و می خواهد از برابر دکان ناوایی بگذرد.

پاسخ تمرین ۶:

در قدیم مردم علت بسیاری از پدیده ها را نمی دانستند. مسافرت های فضایی در آینده باسانی صورت خواهد گرفت. در زمان های گذشته مردی بود به نام عبدالله. در نوروز آینده به مسافرت خواهیم رفت.

پاسخ خود را بیازمایید (۳) (صفحه ۸۵)

شماره ۱: (۲۴ نمره)

الف - خیمه شب بازی نمایشی است که در آن به جای اشخاص، عروسکها بازی می کنند.
ب - در نمایش چهره بازیگران را به شکل اشخاص داستان نمایش آرایش می دهند.
مثلا اگر مرد جوانی به جای پیرمردی بازی کند، چهره مرد جوان را به شکل پیران درمی آورند و ریش سفید می گذارند، این عمل چهره آرایشی نامیده می شود.^۱
ج - آدمی است پولدار و در عین حال خسیس و بخیل که حتی برای لوازم و ضروریات زندگی نیز از خرج پول خودداری می کند.
د - مولوی شاعر بزرگ ایران در قرن هفتم و شاعری متفکر بود که درباره مسائل گوناگون اندیشیده و فکرهای خود را در ضمن داستانهای زیبایی بیان کرده است.
ه - زیرا از یک طرف جمعیت در شهرها روز بروز افزایش می یابد و از طرف دیگر بر اثر پیشرفت صنعت وسایل نقلیه آسانتر و ارزانتر برای مردم فراهم می شود. بنا بر این شهرها به وسایل نقلیه بیشتری نیاز پیدا می کنند و پیشرفت صنعت این نیاز را به سهولت و سرعت فراهم می کند.
و - که مهارت و صلاحیت داشته باشند، مهارت در راه بردن دو چرخه و صلاحیت از نظر سن (داشتن ۱۳ سال تمام) و داشتن اعضای بدن سالم.

شماره ۲: (۲۴ نمره)

مفهوم بیتها: از طرف خداوند به موسی وحی شد (به دلش افتاد) که خداوند عتاب می کند که بنده ما را چرا از راز و نیاز با ما بازداشتی... تو برای پیوند دادن و نزدیک کردن بندگان به خدا مأثور شده ای نه برای جدا کردن و دور ساختن آنان از خدا... ما به ظاهر و به گفتگو توجه نداریم. ما به باطن و به صفای باطن و به آنچه در دل بنده می گذرد توجه داریم.

شماره ۳: (۱۵ نمره)

شبه گردان، تماشاخانه، آشپز، کالسکه ران، گواهی نامه.

شماره ۵: (۱۵ نمره)

رفتم (گذشته)، خواهی دید (آینده)، می پوشد (حال)، نوشته است (گذشته)، می-

۱ - در زبان فرانسوی گریم (grime) می گویند و این کلمه در فارسی نیز معمول است.

شنوید (حال)، می نویسیم (حال)، گفتند (گذشته)، خواهند گشود (آینده)، خواهی خواند (آینده)، آمدم (گذشته).

شماره ۶: (۱۲ + ۲ نمره)

در فیلمنامه شرح جزئیات صحنه‌های فیلم و چگونگی فیلمبرداری را می نویسند. خوردن برای زیستن است نه زیستن برای خوردن. فعل زمان انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی را نشان می دهد. به شبیه خوانی تعزیه نیز می گویند. فیلمنامه سناریو نیز نامیده می شود. به هنگام عبور از يك سمت به سمت دیگر خیابان باید از جاهای خط کشی شده گذشت. جمع نمره ها ۱۰۰ است که باید بر ۵ تقسیم شود.

درس شانزدهم:

نامه نویسی (صفحه ۸۱)

هدف:

- ۱- یاد گرفتن اصول نامه نگاری.
- ۲- خواندن متن برای بدست آوردن اطلاعات تازه.

روش تدریس:

در تدریس این درس می توان به یکی از دو طریق زیر عمل کرد:

- ۱- درس به روش صامت خوانی تدریس و سپس پرسشها مطرح شود.
- ۲- يك یادو روز قبل از درس آموزگار دانش آموزان را مکلف کند درس را بخوانند و با توجه به راهنمایی که درباره نامه نویسی در آن آمده است، نامه ای (به مخاطب اختیاری و با موضوع اختیاری) بنویسند و روز بعد به کلاس بیاورند. آنگاه در کلاس ابتدا پرسشهای درس و سپس نامه ها مطرح شود. به این ترتیب که چند نفر از دانش آموزان نامه های خود را بخوانند و آموزگار از بقیه دانش آموزان بخواهد که با توجه به مطالبی که در درس خوانده اند درباره هر يك از نامه ها اظهار نظر کنند. دانش آموزانی که نامه های خود را می خوانند باید پس از خواندن یا قبل از آن نامه را به دانش آموزان نشان دهند و معلوم شود که همه نکات لازم از قبیل فاصله ها و جای عنوان و تاریخ و امضا و جز آنها را کاملاً رعایت کرده اند. همچنین نامه ها باید در پاکت باشد و روی و پشت پاکتها هم نوشته شده باشد. چقدر بجا خواهد بود که

این نامه‌ها مخاطب معلوم و معینی داشته باشد و به مقصد فرستاده شود.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- (پاسخ در بند اول و دوم درس). ۲- نامه خوب باید دارای تاریخ، نام و نام خانوادگی و نشانی نویسنده، عنوان گیرنده نامه، متن نامه، عبارت پایان نامه و امضای نویسنده نامه باشد. ۳- در بالای نامه، گوشه سمت چپ آن. ۴- تاریخ روز و شماره ماه و سال را به عدد می‌نویسیم و آنها را با ممیز از هم جدا می‌کنیم. ۵- بلی، برای اینکه کسی که می‌خواهد جواب نامه را بدهد بداند آن را به اسم چه کسی و به کجا بفرستد (برخی از مردم نام و نشانی خود را فقط روی پاکت می‌نویسند. اگر پاکت نامه گم شود یا نام و نشانی روی پاکت به علتی پاک یا سیاه شود، دیگر نشانی نویسنده نامه را نمی‌شود خواند). ۶- عنوان نامه، نام گیرنده نامه و کلمه‌هایی است که به آن اضافه می‌کنیم. ۷- نشانه علاقه و احترام، نسبت به گیرنده نامه است. ۸- با کمی فاصله زیرتاریخ نامه می‌نویسیم چنانکه به اندازه چند سانتیمتر از لبه راست کاغذ فاصله داشته باشد. ۹- متن نامه است. ۱۰- برای اینکه گذاشتن حاشیه، خواندن نامه را آسان می‌کند. ۱۱- از سرسطر. ۱۲- متناسب با وضعیت و شخصیت گیرنده نامه است. ۱۳- اگر چند نامه را باهم نوشته باشیم قبلاً نامه‌ها را در پاکت بگذاریم و در آنها را بچسبانیم، گاهی ممکن است اشتباه کنیم و نامه‌ای را که برای شخص دیگری نوشته‌ایم در پاکت دیگری بگذاریم و عوضی بفرستیم. ۱۴- نام گیرنده را در وسط پاکت، نشانی گیرنده را در زیر نام وی و نام شهر را در زیر نشانی می‌نویسیم. ۱۵- نام و نشانی خود را در پشت پاکت می‌نویسیم.

پاسخ تمرین ۱:

(پاسخ اختیاری است، دانش‌آموزان می‌توانند چنین ترکیبات و عباراتی جهت عنوان یا پایان نامه بنویسند):

گیرنده نامه	عنوان	عبارت پایان نامه
مادر	مادر عزیزم	فرزند تو
»	مادرگرامی تر از جانم	آن که هرگز محبت‌های ترا فراموش نمی‌کند
»	مادر عزیز و مهربانم	آن که دلش آکنده از محبت توست
پدر	پدر بزرگوارم	فرزند تو
»	پدر عزیز و ارجمندم	باحق شناسی و سپاسگزاری فراوان
»	پدر مهربانم	از خدای بزرگ برای آن وجود عزیز سلامت آرزو می‌کنم.
آموزگار	آموزگار محترم	باسپاسگزاری فراوان
»	آموزگار عزیز و ارجمندم	با احترامات شایسته
»	پدر (یا مادر) معنوی و عزیزم	با تقدیم احترام
خواهر	خواهر عزیزم	خواهر تو، برادر تو
»	خواهر مهربانم	در انتظار نامه تو
»	خواهرگرامی و دوست داشتنیم	به امید دیدار
برادر	برادر عزیز	خواهر تو، برادر تو
»	برادر مهربانم	به امید موفقیت تو
»	برادر پر مهر و دوست داشتنیم	در انتظار نامه تو
دوست	دوست عزیزم	ارادتمند
»	دوست ارجمندم	دوستدار تو
»	دوست گرامی و مهربانم	دوست همیشگی تو

درس هفدهم:

کشف آمریکا (صفحه ۸۷)

هدف:

- ۱- آشنایی بایکی از اکتشافات بزرگ جغرافیایی.
- ۲- خواندن متن برای بدست آوردن اطلاعات تازه.

۳- جلب توجه دانش‌آموزان به اهمیت اراده و پشتکار.

۴- آشنایی با فعل (شخص).

یادآوری:

* مارکوپولو سیاح مشهور ونیزی [ونیز شهری است در ایتالیا] است، در ۱۲۵۴ میلادی بدنیا آمده و در ۱۳۲۴ در گذشته است. پدر و عموی مارکوپولو قبلاً برای بازرگانی به کشور چین مسافرت کرده بودند. در سفر دوم، مارکوپولو که پانزده سال بیشتر نداشت همراه آنان شد. مارکوپولو مدت ۲۵ سال در آسیا باقی ماند و بسیار مورد توجه فرمانروای بزرگ چین قوبلای قاآن قرار گرفت و حتی مدت سه سال به فرمانروایی یکی از شهرهای چین رسید. مارکوپولو پس از مراجعت در جنگی شرکت کرد و اسیر شد و به زندان افتاد و در زندان ماجراهای خود را تعریف کرد و یکی از زندانیان آنها را نوشت و به صورت کتاب در آورد. برای آگاهی بیشتر از ماجراهای مارکوپولو می‌توان به فرهنگنامه، تاریخ جهان برای خردسالان صفحه ۳۵۹ به بعد، همچنین برای آگاهی بیشتر از زندگانی و شرح مسافرت‌های کریستف کلمب علاوه بر این دو کتاب می‌توان به کتاب «کریستف کلمب» نوشته ساموئل الیوت مورس ترجمه محمد سعیدی از انتشارات مؤسسه امیرکبیر، نیز به کتاب «کریستف کلمب» نوشته آرمسترانگ اسپری ترجمه مجید یعقوب از انتشارات نیل (گردونه تاریخ) مراجعه کرد.

* گوهر در این درس به معنی سنگ قیمتی بکار رفته. دانش‌آموزان قبلاً این معنی کوهر و کهر (مخفف آن) را خوانده‌اند همچنین می‌دانند گوهر (کهر) به معنی مروارید نیز هست.

* شباروز و شبانه‌روز هر سه در زبان فارسی بکار می‌رود.

* تَمَشَك، درختچه‌ای است که در نواحی ساحلی و گرم و مرطوب می‌روید.

روش تدریس:

آموزگار قبلاً در باره کرویت زمین و اینکه قدام زمین را کروی نمی‌دانستند سخن می‌گوید و در ضمن از نقشه و کره جغرافیایی استفاده می‌کند و در روی کره جغرافیایی موقعیت اسپانیا و اقیانوس اطلس و قاره آمریکا را از یک طرف و هندوستان و چین را از طرف دیگر نشان می‌دهد. و توضیح می‌دهد که اگر قاره آمریکا نبود چگونه می‌توانستند از اروپا به هندوستان برسند.

سپس درس به طریق آزادخوانی تدریس و سپس پرسشهای درس مطرح می‌شود.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- مارکو پولو جهانگردی بود که از راه دریای مدیترانه به عکا و از آنجا از راه ایران و شمال هندوستان به چین سفر کرده بود. ۲- سفرنامه مارکو پولو. ۳- در چهارده سالگی. ۴- از راه دریای مدیترانه و ایران و شمال هندوستان. ۵- فکر می‌کردند که زمین مسطح است و کروی شکل نیست. ۶- کریستف کلمب می‌گفت اگر زمین برآستی گرد باشد باید از راه باختر هم بتوان به هندوستان رسید. ۷- ملکه اسپانیا. ۸- سوم ماه اوت سال ۱۴۹۲ میلادی. ۹- (برای پاسخ باید تاریخ سوم ماه اوت ۱۴۹۲ را از تاریخ میلادی روزکم کرد) ۱۰- آنان شب‌اروز جز آب چیزی نمی‌دیدند و گمان می‌کردند که زمین مسطح است و هرگاه سالیان دراز همچنان پیش بروند تنها آب خواهند دید، این بود که سر به‌شورش و نافرمانی گذاشتند. ۱۱- شایخ تمشک در روی آب و مرغانی که از خشکی زیاد فاصله نمی‌گیرند در آسمان. ۱۲- زیرا سان سالوادور به زبان اسپانیایی یعنی رها ننده مقدس و این جزیره کلمب را هم از رنج سفر و ناراحتی خیال و هم ازدست همراهان که سر به‌شورش برداشته بودند رهایی داد. ۱۳- زیرا سرزمینی که بدان رسیده بود هندوستان و چین نبود. ۱۴- چندتن از بومیان جزیره‌ها و مقداری توتون. ۱۵- مردی به نام آمریکو به سرزمینهای تازه مسافرت کرد و سفرنامه نوشت، مردم سفرنامه آمریکو را خواندند و سرزمینهای تازه را امریکا نامیدند.

دستور زبان:

آموزگارمانند درسهای پیشین دستور، مطالب درس را ضمن نوشتن مثال بر تخته توضیح می‌دهد و مخصوصاً روی اول شخص و دوم شخص و سوم شخص تکیه می‌کند تا دانش‌آموزان بخوبی درک کنند که مراد از اول شخص، کسی است که «فعل» از او سر زده و او خود بیان‌کننده فعل نیز هست. و مثلاً چنین می‌گوید: من که الآن حرف می‌زنم اول شخص هستم شما که الآن به حرفهای من گوش می‌کنید دوم شخص هستید اگر درباره $\frac{\text{خانم}}{\text{آقای}}$ مدیر دبستان حرف بزنیم و مثلاً بگوییم که $\frac{\text{خانم}}{\text{آقای}}$ امروز به شاگردان کلاس اول جایزه داد، $\frac{\text{خانم}}{\text{آقای}}$ سوم شخص است. پس فعل «جایزه داد» سوم شخص را می‌رساند اما اگر از زبان $\frac{\text{خانم}}{\text{آقای}}$ بشنویم که می‌گوید من به شاگردان کلاس اول جایزه دادم. فعل «جایزه دادم» اول شخص است. پس این

فعلها را مطرح می‌کند و از دانش‌آموزان می‌پرسد تا شخص آنها را بگویند :

رقم (اول شخص)	می‌نویسم (اول شخص)	
نوشتی (دوم شخص)	خندید (سوم شخص)	
گفت (سوم شخص)	می‌گویی (چهارم شخص)	(دوم شخص)

پاسخ تمرین ۱:

دریایی، دریاوردی، ناخدا، کشتی، دریاورد، کرانه، اقیانوس اطلس، خیزاب،
بیکران، بادبان، کنار، جزایر، عرشه کشتی، سرنشین کشتی، ملاح، دریاسالاری.

پاسخ تمرین ۲:

در جمله اول آرزو به نهال، در جمله دوم آرزو (یا نتیجه آرزو) به تخم، در جمله سوم
شور و شوق به آتش، در جمله چهارم نومیدی به آب و شوق درون به آتش تشبیه شده است.

پاسخ تمرین ۳:

پاسخ در قسمت «پاسخ پرسشهای درس» آمده است.

پاسخ تمرین ۴:

(پاسخ آزاد)

پاسخ تمرین ۵:

پاسخ آزاد (کلمه‌های مرکب بی‌آزار، بی‌اندازه، بی‌پروا، بی‌ثمر، بیچاره، بیحوصله،
بیخانمان، بیدرنک، بی‌سبب، بی‌سواد، بی‌شک، بی‌طاقت، بی‌تاب، بی‌فایده، بیکران، بی‌کم و
کاست، بیمثال، بینوا، بیهوش، بی‌نیاز در کتابهای چهارساله ابتدایی آمده است.)

پاسخ تمرین ۶:

به‌جای کلمه‌های داخل پرانتز بترتیب می‌توان این کلمه‌ها را گذاشت:
طاقت‌فرسا (خسته‌کننده)، مشرق (آسیا)، اندیشمندان، فهمیده بودند (درک کرده)

بودند)، مطلب، متوجه شده بود، اثبات، نیاز، آنقدر (آنچنان)، دلاورترین (شجاعترین)، زهره، گیتی فروز (عالمتاب)، طلایی، خیزابهای، برافشانند (بیفکنند)، آغاز.

درس هیجدهم:

پزشك انسان دوست (۱)

(صفحه ۹۷)

هدف:

- ۱- آشنایی بایکی از شخصیتهای بزرگ قرن حاضر.
- ۲- تلقین حس خدمت به انسانیت بدون چشمداشت پاداش مادی^۱.
- ۳- خواندن متن برای بدست آوردن اطلاعات تازه.

یادآوری:

* قلب، قلب افریقا، یعنی وسط افریقا، این کلمه با این معنی قبلا در درس وجه گواراست مرگی که در راه میهن باشد، آمده است.

* اخلاق، مراد از اخلاق در اینجا دانش اخلاق است که شعبه‌ای از علم فلسفه است و در آن از نیک و بدکارها و تدبیر و چاره اندیشی انسان برای اصلاح خود سخن می‌رود.

* آوارگان، مراد از آوارگان در اینجا کسانی‌اند که به واسطه جنگ یا زلزله و مانند آن وطن و مأوا و مسکن خود را از دست داده و آواره شده‌اند.

* زندانیان آزاد شده، در سابق وضع زندانها مثل امروز نبود و اغلب زندانیان در هنگام آزاد شدن نه شغل و نه مسکن و نه پس اندازی داشتند و از محرومترین طبقات اجتماع بشمار می‌رفتند و به یاری و راهنمایی نیاز داشتند.

* ۱۸۷۵ میلادی، اگرچه در سالهای پیشین سال میلادی و سال هجری در کتابها آمده است با این همه باید هر جا که به این سنوات برخورد می‌کنیم توضیح دهیم تا وقتی اطمینان

۱ - بخصوص توجه به این نکته لازم است که گاهی دیده می‌شود فارغ التحصیلان دانشگاهها و بویژه فارغ التحصیلان دانشکده‌های پزشکی از رفتن به نقاط دوردست و بد آب و هوا با وجود مزایای مادی خودداری می‌کنند، برای اینکه چنین روحیه و طرز تفکری در جوانان آینده کشور، که کودکان امروزی هستند بوجود نیاید بلکه عکس آن، روح خدمت راستین و حقیقی به مردم - اگر چه در اوضاع و احوال ناگوار و نامطلوب باشد - در آنان ایجاد شود مطالعه شرح حال کسانی چون آلبرت شوایتزر بسیار مفید و آموزنده است.

حاصل کنیم که همه دانش آموزان آنها را خوب فرا گرفته اند: مبدأ سال میلادی تولد مسیح است (با اندکی اختلاف) پس سال ۱۸۷۵ میلادی یعنی ۱۸۷۵ سال از تولد مسیح گذشته . وقتی که این کتاب زیر چاپ است سال ۲۹۷۱ میلادی است.

روش تدریس:

درس به طریق آزادخوانی تدریس می شود و سپس پرسشها مطرح می گردد.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- یکی از بزرگان عصر ما بود که از کودکی وجود خود را برای بهتر ساختن زندگی درمندان و بیچارگان وقف کرده بود. ۲- در دهکده کوچکی در کشور فرانسه. ۳- اندیشه ای کنجکا و داشت و پرسشهای عجیبی درباره آدمیان و اشیا می کرد. ۴- نیکبختان وظیفه دارند به خدمت ناکامان و بیچارگان بشتابند. ۵- به عقیده آلبرت شوایتزر بهترین سالهای زندگی انسان بین ۹ و ۱۴ سالگی است زیرا در این سالها مغز برای فرا گرفتن و نگاه داشتن آماده تر است. ۶- بزرگترین تصمیم زندگی خود را گرفت. ۷- پیمان بست تا سی سالگی به تحصیل فلسفه و اخلاق و موسیقی ادامه دهد و از آن پس تا پایان عمر وجود خود را وقف خدمت به هموعان دردمند سازد. ۸- تعلیم و تربیت یتیمان و کودکان بی سرپرست ، نگهداری از اطفال بی پناه، خدمت به آوارگان، یاری به زندانیان آزاد شده. ۹- سرانجام تصمیم گرفت به میان بومیان سیاه پوست جنگلهای افریقا برود. ۱۰- کسان و دوستانش می گفتند مگر آلبرت عقلش را از دست داده است و گمان می کردند که او عاقبت اندیش نیست و آتیه خود را در نظر ندارد. ۱۱- هدف و همت آلبرت عالی بود. او می خواست به بشریت خدمت کند و بهیچ وجه هم نمی خواست از نظر و تصمیم خود برگردد، این بود که اندرزهای کسان و دوستانش در حقیقت او را آزرده می ساخت.

پاسخ تمرین ۱:

آلبرت تصمیم گرفته بود وجود خود را وقف بهتر ساختن زندگی درمندان کند . آلبرت از نخستین سالهای زندگی اندیشه ای کنجکا و داشت. چگونه می توان این دردها را تسکین بخشید. آلبرت همانطور که در کوره راه سراسیمه جنگل پیش می رفت از خود می پرسید چگونه ممکن است که من تا این حد از نعمت تندرستی، خانه پرسرور و زندگی راحت و آسوده بهره مند باشم اما در جاهای دیگر جهان رنج و فقر و بیدادگری حکومت کند ؟ آیا همه این مواهب

می‌تواند برای من گوارا باشد.

پاسخ تمرین ۳:

- الف - «نوازش می‌داد» در جمله باد گرم شاخ و برگ نخلها را نوازش می‌داد. (اگر جنگل شب هنگام آرام نبود، نویسنده وزیدن باد را به نوازش دادن تشبیه نمی‌کرد).
- ب - زیرا متوجه شد که برای خدمت به مردم دانستن دانش پزشکی لازم است و او پزشکی نمی‌دانست و در نتیجه نمی‌توانست به عهد خود وفا کند.
- ج - پاسخ آزاد.
- د - زیرا به نظر آنان کاردرستی نبود که کسی میهن خود و شغل خود را با آینده درخشان ترك کند و به بد آب و هوای ترین و عقب مانده ترین نقطه جهان برود.

پاسخ تمرین ۵:

قلب، دل
خرد، کوچک
روشنی، فروغ
صورت، چهره
زمان، عصر
فکر، اندیشه
جلال، شکوه
پاك، مقدس
احتیاج، نیاز
پند، اندرز
الہراف، پیرامون
هیكل، اندام

درس نوزدهم:

پزشك انسان دوست (۲)

(صفحه ۱۰۲)

هدف و روش همان است که در بخش نخستین گفته شد.

یادآوری:

- * رفع ، در اصل به معنی برداشتن و بلند کردن است و کلمات رفیع (بلند) ، رفعت (بلندی) از این است اما وقتی که در فارسی می گوئیم رفع دشواری، یعنی از بین بردن یا از بین برداشتن دشواری، همچنین است رفع خطر، رفع خستگی، رفع تشنگی.
- * اشعه، جمع شعاع است به معنی پرتوها.
- * نثار... کرد، پیشکش کرد، هدیه کرد.
- * خوشیها و شادکامیهای فردی ، مراد از فردی چیزهایی است که به يك نفر نسبت داده می شود، خوشیها و شادکامیهای فردی یعنی خوشیها و شادکامیهایی که از آن يك نفر است: خوش و شادکام بودن يك نفر.

پاسخ پرسشهای درس:

- ۱- به مبارزه برخاستند. ۲- خیر. ۳- تصمیم گرفت به سرزمینهای سیاهان افریقا برود و آنها را در رفع دشواریهای زندگی یاری دهد. ۴- به دانش پزشکی. ۵- در سی سالگی. ۶- در سی و هشت سالگی. ۷- جزیره ای بود که در میان رودی قرار داشت. ۸- با دشواریهای فراوان شروع کرد. ۹- دشواریهای فراوان از قبیل نبودن جا و وسایل کافی پزشکی و دارو از يك طرف و فراوان بودن بیماران از طرف دیگر. ۱۰- زیرا ذخیره دارو و پس انداز وی رو به اتمام می رفت. ۱۱- خیر. هرگز تسلیم نشد. ۱۲- نامه های بسیاری به جمعیت های خیریه نوشت و خود نیز مسافرت کرد و نظراین جمعیتها را به کار خود جلب کرد تا توانست بایاری آنها بیمارستان مجهزی بسازد. ۱۳- از عطایای مردم تهیدست. ۱۴- پزشکان و پرستارانی از نقاط مختلف جهان. ۱۵- پاسخ آزاد (می توان گفت اهمیت کار شوايتزر در این بود که کشور زیبا و آباد و متمدن خود را ترك کرد و از همه چیز گذشت و در بدترین و بد آب و هوا ترین و عقب مانده ترین نقطه جهان خدمت به انسانهای بیمار و محروم و تهیدست و بیچاره را به شغل و درآمد خوب در کشور خود برتری داد).

دستور زبان:

این درس دستور در واقع دنباله درسهای پیش است و مانند آنها آموخته می شود.

پاسخ تمرین ۱:

نوازنده چیره دست، کشور زیبا، ایمان پایدار، تصمیم استوار، سرزمین ناشناس،

هوای آزاد، باران سیل آسا، مورچگان گوشتخوار، وظیفه دشوار، بیمارستان مجهز، رختشوی زحمتکش، مدت طولانی، جایگاه آباد، زندگی پرارزش، خوشبختی راستین، انسان حقیقی.

پاسخ تمرین ۵:

شخص	فعل
سوم شخص جمع	یافتند
اول شخص مفرد	برخاستم
سوم شخص مفرد	نمی‌هراسید
اول شخص مفرد	فرا دادم
اول شخص جمع	گرفته بودیم
دوم شخص مفرد	رفتی
دوم شخص جمع	آموختید
دوم شخص مفرد	رسیدی
سوم شخص مفرد	می‌پرداخت
اول شخص جمع	بخشیدیم
سوم شخص جمع	می‌توانستند
سوم شخص جمع	رها نیدند
اول شخص جمع	پذیرفتیم
سوم شخص جمع	پوشیدند

درس بیستم:

همدردی با بینوایان (صفحه ۱۰۹)

هدف:

۱- خواندن حکایتی به شعر از بوستان سعدی.

۲- جلب توجه دانش آموزان به این نکته که انسان باید در فکر دیگران هم باشد و زندگی را تنها برای خود نخواهد. درواقع این درس از نظر هدف و نتیجه برای تکمیل دو درس پیش آمده است.

یادآوری:

* **پیش آمد، در مصراع «چه درماندگی پیش آمد بگوی، یعنی برای تو پیش آمد.**
تریاک، که تریاق نیز می گفته اند، اصلاً از زبان یونانی گرفته شده است و به معنی ضد زهر است. به معنی افیون نیز هست و مردم بیشتر به این معنی بکار می برند و آن شیرۀ میوه گیاه خشخاش است که خوردن و کشیدن آن از اعتیادات ناپسندیده و زیان آور است. **تریاک** به معنی نخستین یعنی ضد زهر (پادزهر). در قدیم، بیشتر از ترکیبات خشخاش و شقایق بوده و آن را در هنگام گزیدگی به وسیله جانوران زهر دار یا مسمومیت های غذایی و جز آن بکار می برده اند.

* **نیاساید و دوستانش غریق،** یعنی آسودگی نمی باید درحالی که دوستانش در آب فرو رفته و غرق شده باشند (غریق = غرق شده). فعل این جمله حذف شده است، حذف فعل در جمله های حالیه (جمله هایی که حالت را می رساند) جایز است.

روش تدریس:

پیش از درس اشاره می شود به درس «بخور تا توانی به بازوی خویش» (صفحه ۴۴ کتاب شاگرد و صفحه ۶۸ همین کتاب) و مطالبی که درباره سعدی و بوستان مطرح شده است. سپس درس به طریق خطابی مانند اشعار پیشین تدریس می شود.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- از سعدی . ۲- نام شهری است که امروزه پایتخت کشور سوریه است . ۳- نیامدن باران و کم آبی . ۴- چنان آسمان بر زمین شد بخیل ... ۵- پرسید «چه درماندگی برای تو پیش آمده؟» . ۶- پاسخ داد وقتی می دانی و می پرسی، پرسشت نادرست است . ۷- از پرسش سعدی، زیرا از سعدی انتظار داشت که علت ناراحتی و درماندگی او را بداند . ۸- آب به کشتزار و درخت خرما نرسید . ۹- آه بیوه زنی . ۱۰- کز مانده بر استخوان پوستی . ۱۱- از غم بینوایان و بیچارگان . ۱۲- وقتی که انسان چیزی را که می داند بپرسد . ۱۳- خود را به سفیه و

دوست خود را به عاقل تشبیه کرده است. ۱۴- جایی که تریاک (ضد زهر، پادزهر) باشد. ۱۵- به مناسبت اینکه دوستش ثروتمند بوده و با وجود ثروت لاغر و استخوان برپوست شده بود، سعدی می‌خواهد بگوید تو که ثروت داری چرا غصه می‌خوری؟ ۱۶- زیرامی تواند هم در آب شنا کند و هم در هوا پرواز کند و هم در خشکی راه برود. ۱۷- قحط را به طوفان تشبیه کرده است و دوست خود را به بط، می‌گوید همانطور که بط از طوفان نمی‌ترسد و در طوفان صدمه‌ای نمی‌بیند تو هم از قحط سالی نباید بیم داشته باشی.

پاسخ تمرین ۱ :

بخوشید، سوم شخص مفرد. نماند، سوم شخص مفرد. گفتم، اول شخص مفرد. آمد، سوم شخص مفرد. نبینی، دوم شخص مفرد. رسید، سوم شخص مفرد. کشد، سوم شخص مفرد.

پاسخ تمرین ۵ :

مثل «بط را ز طوفان چه باك» را در اینجا و این‌ها را نیز در درسها یا در سالهای پیش خوانده‌اند:

خوردن برای زیستن است نه زیستن برای خوردن.

اندك اندك خیلی شود و قطره قطره سیلی.

قطره قطره جمع گردد و انگهی دریا شود.

عاقبت جوینده یا بنده بود.

هر که بامش بیش برفش بیشتر.

* برای آگاهی از امثالی که در زبان فارسی بکار می‌رود می‌توان به کتاب امثال و حکم

تألیف علی اکبر دهخدا (که در ۴ مجلد گردآوری شده) مراجعه کرد.

پاسخ تمرین ۶ :

من از بینوایی روی زرد نیستم.

فقیه در من، رنجیده، نگاه کرد.

در آن حال دوستی پیش من آمد.

سرچشمه‌های قدیم بخوشید.

هدف از این تمرین این است که شاگردان متوجه باشند که هر يك از ارکان جمله، جای

مخصوصی در جمله دارد و در شعر گاهی به خاطر وزن شعر این ترتیب به هم می خورد مثلاً فعل که همیشه در آخر جمله می آید ممکن است در اول یا در وسط جمله بیاید.

درس بیست و یکم:

مهمترین کاری که باید انجام داد (صفحه ۱۱۲)

هدف:

- ۱- شناختن یکی از نویسندگان مشهور جهان.
- ۲- خواندن متن داستانی.
- ۳- جلب توجه دانش آموزان به نکات اخلاقی داستان.
- ۴- آشنایی بیشتر با نهاد و فاعل (دستور زبان).

یادآوری:

تولستوی، لئون تولستوی نویسنده و فیلسوف و مصلح بزرگ روسیه و یکی از بزرگترین نویسندگان جهان است. در سال ۱۸۲۸ میلادی زاده شد و در ۱۹۱۰ درگذشت. از مهمترین کتابهای او قزاقها، جنگ و صلح، آنا کارنینا، هنر چیست، حاجی مراد و رستاخیز را می توان نام برد. این کتابها به فارسی ترجمه شده است.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- تولستوی نویسنده مشهور روسی. ۲- پرسشهایی که با دانستن پاسخ آنها هیچگاه فوری در پایه های فرمانروایی وی پدیدار نمی شد. ۳- اینکه مناسب ترین زمان برای آغاز کردن هر کاری چه هنگام است؟ ۴- به چه کسانی باید بیشتر توجه و عنایت کند؟ ۵- مهمترین کاری که باید انجام دهد چیست؟ ۶- می خواست دانا یان و دانشمندان را در درگاه خود جمع کند و از آنها پاسخ پرسشهای خود را بخواهد. ۷- در پاسخ پرسش اول گروهی می گفتند که فرمانروا باید برنامه ای برای خود تنظیم کند و بی کم و کاست آن را انجام دهد گروهی دیگر می گفتند فرمانروا باید همواره مراقب امور باشد و از سرگرمیهای زیان آور بپرهیزد و پیوسته دست به کاری زند که زمان انجام دادن آن فرا رسیده باشد و در پاسخ پرسش دوم برخی رایزنان، برخی روحانیان، برخی پزشکان و برخی سپاهیان را نام

می بردند. در پاسخ پرسش سوم نیز بحثهای علمی، تمرینهای جنگی و عبادت نام برده می شد. ۸- زیرا پاسخها با هم تفاوت داشت. ۹- با پیرپارسای گوشه نشینی که به دانایی شهرت داشت. ۱۰- جواب آزاد (می خواست پاسخ پرسشها را عملاً به فرمانروا بفهماند). ۱۱- به نظر مرد پارسا مهمترین لحظات حیات، زمان حال است. ۱۲- زیرا انسان در زمان حال به انجام دادن هر کاری قادر است (در حالی که زمان گذشته از دست رفته و زمان آینده نیز هنوز نیامده است). ۱۳- نیکوکاری، زیرا آدمی تنها برای احسان به دیگران آفریده شده است.

دستور زبان:

هدف این درس تفهیم این نکته است که «نهاد» اعم از «فاعل» است یعنی هر «فاعلی» در عین حال «نهاد» هم هست ولی هر «نهادی» فاعل نیست مثلاً در جمله «بنا خانه می سازد» «بنا» فاعل و در عین حال «نهاد» هم هست ولی در جمله «مهین گرسنه است» «مهین» «نهاد» است ولی «فاعل» نیست. آموزگار مطالب درس را مانند درسهای پیشین در حالی که دانش آموزان کتابها را بسته اند تدریس می کند به این ترتیب که مثالها را در تخته می نویسد و با پرسشهای متعددی که مطرح می سازد موضوع درس را تفهیم می کند. علاوه بر مثالهایی که در متن درس هست از این مثالها نیز می توان کمک گرفت:

احمد رفت. احمد نهاد و فاعل است.

احمد دانش آموز مرتبی است. احمد نهاد است ولی فاعل نیست.

سارا مجله می خواند. سارا نهاد و فاعل است.

سارا تندرست است. سارا نهاد است ولی فاعل نیست.

مجید سپاسگزاری کرد. مجید نهاد و فاعل است.

مجید سپاسگزار بود. مجید نهاد است ولی فاعل نیست.

پاسخ تمرین ۱:

بترتیب این کلمه ها و ترکیبها را به جای نقطه ها باید گذاشت:
فتور، سرگرمیها(ی)، محال، رایزنان، مشکل، حیات، تیمار.

پاسخ تمرین ۲ :

بترتیب می‌توان این کلمه‌ها را گذاشت:

- ۱- زبردست ، برجسته ، مشهور ، نامدار . ۲ - حفر . ۳- تمنا ، استدعا . ۴- شتاب ، سرعت . ۵- جاری .

پاسخ تمرین ۳ :

نو جوان = نو + جوان ، فرمانروا = فرمان + روا ، هیچکاه = هیچ + گاه ، بارگاه = بار + گاه ، بی‌کم‌وکاست = بی + کم + و + کاست ، رایزن = رای + زن ، هیچیک = هیچ + یک ، سرگرم = سر + گرم ، گوشه‌گیر = گوشه + گیر ، تشکرکنان = تشکر + کنان ، کمینگاه = کمین + گاه ، جستجو = جست + جو .

پاسخ تمرین ۴ :

انتخاب کلمه‌های مرکب با «مند» اختیاری است برای نمونه می‌توان این کلمه‌ها را

نام برد :

گله‌مند ، خردمند ، ارجمند ، سودمند ، هنرمند ، فره‌مند ، آزمند ، دردمند ، حاجتمند ، هوشمند ، علاقه‌مند ، شرافتمند .

پاسخ تمرین ۵ :

گزاره	نهاد	
	نهادی که فاعل است	نهادی که فاعل نیست
بیل را به فرمانروا داد	پارسا	-
تشنه بود	-	مجروح
به آفریقا رفت	آلبرت شوایتزر	-
شاعر بزرگی است	-	فردوسی
از عطاء‌ی تو انگران سپاسگزار بود	-	شوایتزر
روشن است	-	هوا
داستانهای فراوانی نوشته‌است	تولستوی	-

گزاره	نهاد	
	نهادی که فاعل نیست	نهادی که فاعل است
شهرزاد	-	قصه می گفت
پرویز	-	به کتا بخانه رفت
-	دانا	تواناست
-	کودك	گرسنه است
فرمانروا	-	زخم را شست
سعدی	-	با دوست خود ملاقات کرد
-	هوا	سرد بود

پاسخ خود را بیازمایید (۴) (صفحه ۱۲۵)

شماره ۱: (هر پاسخ يك نمره)

الف - پاسخ آزاد (رجوع شود به صفحه ۹۴ همین کتاب).

ب - جهانگردی بود که از راه دریای مدیترانه به عکا (شهری در فلسطین) و از آنجا از راه ایران و شمال هندوستان به چین رفت.

ج - زیرا سیاحی ایتالیایی به نام آمریکو به نواحی مختلف قاره تازه مسافرت کرد و سفرنامه‌ای نوشت. مردم بیشتر از راه سفرنامه آمریکو قاره جدید را شناختند و آن را امریکا نامیدند.

د - کریستف کلمب این نام را بر آنان نهاد ، زیرا وی گمان می کرد به هندوستان رسیده است.

ه - آلبرت شوایتزر خدمت به انسانهای دردمند را در بدآب و هوای ترین و عقب مانده ترین نقطه جهان بر کشور زیبا و شغل پر درآمد و خانه راحت برتری داد. در حالی که دیگران این کار او را معقول نمی دانستند و می گفتند مگر آلبرت عقل خود را از دست داده است. و - از نویسندگان نام آور روسیه و یکی از نویسندگان برجسته جهان است، داستان های نوشته و در آنها پرده هایی از نیک و بد زندگی را با قلم شیرین خود نمودار ساخته است.

شماره ۲ :

مفهوم بیت نخست، آدم خردمند نمی‌خواهد نه زخمی در عضو خود ببیند و نه زخمی در عضو دیگران یعنی همانطور که برای خود بدی و ناراحتی نمی‌خواهد برای دیگران نیز بدی و ناراحتی نمی‌خواهد. مفهوم بیت دوم، وقتی که ببینم که شخص فقیر بیچاره چیزی ندارد که بخورد، لقمه در دهانم همچون زهر و درد است. (مفهوم هر بیت يك نمره).

شماره ۳ :

توانفرسا = توان + فرسا، بارور = بار + ور، پرچین = پر + چین، ناکام = نا + کام، گوشه‌نشین = گوشه + نشین، کمینگاه = کمین + گاه. (۳ نمره)

شماره ۴ :

فرجام، آخر، عاقبت، پایان.
کنار، ساحل، کرانه.
شهره، نام‌آور، مشهور. (۱/۵ نمره)

شماره ۵ :

پاسخ آزاد (۲ نمره).

شماره ۶ :

بترتیب باید این کلمه‌ها و ترکیبها را جای داد :
وقف‌کرده بود، ناکامان، هیکل، نکوهش، قبال، مجهز. (۳ نمره)

شماره ۷ :

آمدی، آمد، آمدم، آمدید، آمدند. (۲/۵ نمره)

درس بیست و دوم:

فداکاری (صفحه ۱۲۱)

هدف :

۱- خواندن متن ساده و داستانی.

۲- جلب توجه دانش‌آموزان به یاری کردن به اطرافیان بخصوص به پدر و مادر.

۳- شناختن مفعول (دستور زبان).

روش تدریس:

درس به طریق صامت‌خوانی تدریس می‌شود. بدین ترتیب که آموزگار به دانش‌آموزان وقت می‌دهد که درس را پیش خود و باصطلاح تو دلشان و با توجه به کلمه‌ها و ترکیبهای تازه بخوانند، پس از پایان مدت مقرر (که در حدود ۱۵ دقیقه خواهد بود) پرسشها را مطرح می‌کند و اگر در ضمن پرسش و پاسخ معلوم شود که برخی از دانش‌آموزان اشکالاتی در متن دارند آنها را مرتفع می‌کند. اگر دانش‌آموزان در خواندن و بطور کلی در زبان فارسی ضعیف باشند می‌توان به آنان توصیه کرد که شب قبل درس را يك بار در خانه بخوانند و لغات مشکل را از کلمه‌ها و ترکیبهای تازه یاد بگیرند و زیر جمله‌هایی که نفهمیده‌اند خط بکشند. در این حال درس در کلاس باید به صورت آزادخوانی تدریس شود.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- مجبور بود شب نیز مزدوری کند. ۲- مشترك، کسی است که بطور مرتب مجله یا روزنامه‌ای را می‌خرد (به عبارت دیگر در خرید نشریه‌ای شرکت دارد. معمولاً مشترك وجه اشتراك نشریه را یکجا به اداره آن می‌فرستد و اداره نشریه هر شماره از آن را بابت به آدرس مشترك ارسال می‌دارد). ۳- شنید که پدرش می‌گوید: « چشمه‌ایم کم سو شده است، می‌ترسم که این کار شبانه مرا از پای درآورد. » ۴- پس از آنکه شبها پدرش می‌خواست به اتاق کار پدرش می‌رفت و عنوان مشترکها را در روی کاغذهای مخصوص می‌نوشت. ۵- زیرا نمی‌خواست پدرش اطلاع داشته باشد، چه اگر پدرش می‌فهمید هم ناراحت می‌شد و هم او را از کار بازمی‌داشت. ۶- زیرا دیگر نمی‌توانست با دقت درس بخواند. ۷- بلی، زیرا می‌دید کم دقت و کم حوصله شده است و علت آن را نیز نمی‌دانست. ۸- تصمیم گرفت دیگر عنوان مشترکها را ننویسد. ۹- ماجرایی شیرینی خریدن پدر به مناسبت اضافه شدن درآمد. ۱۰- دست پرویز در هنگام نوشتن به کتابی برخورد کرد، کتاب افتاد و صدایی از آن برخاست که پدر از خواب بیدار شد و به اتاق کار آمد و ماجرا را فهمید. ۱۱- پاسخ آزاد (می‌توان گفت به خاطر اینکه سرانجام پدرش متوجه علت کم دقتی و کم حوصلگی پسرش در درس خواندن شده است). ۱۲ و ۱۳- پاسخ آزاد.

دستور زبان:

روش تدریس همان است که در بخشهای نخستین دستور گفته شد. درباره اینکه مفعول بیشتر با «را» می آید باید گفت: وقتی مفعول با «را» می آید که معلوم و مشخص و باصطلاح «معرفه» باشد، مثلاً اگر بگوییم: «کتاب را آوردیم.» شنونده متوجه می شود که کتاب معلوم و مشخصی را آورده ایم. اما اگر کتاب مشخص و معلوم یعنی «معرفه» نباشد «کتاب» را با «را» نمی آوریم و می گوییم «کتابی آوردیم».

پاسخ تمرین ۱: (پاسخ آزاد)

پاسخ تمرین ۲:

بترتیب به جای کلمه هایی که قرمز چاپ شده است می توان این کلمه ها و ترکیبها را گذاشت. پخش می کرد (انتشار می داد) - بیمار کند، ناراحت کند، بیندازد - دیده می شد - بسیار اندوهگین و... - رنج - سختی.

پاسخ تمرین ۳:

مفعول	فاعل	جمله
کتاب	علی	علی کتاب را آورد.
چراغ	پروین	پروین چراغ را روشن کرد.
مهین	پرویز	پرویز مهین را دید.
شیشه	باد	باد شیشه را شکست.
بیمار	پزشک	پزشک بیمار را معالجه کرد.
ورزشکاران	باران	باران ورزشکاران را خیس کرد.
علی	جمشید	جمشید علی را به خانه خود دعوت کرد.
برف	بچه ها	بچه ها برف را دوست دارند.
سیب	پرویز	پرویز سیب را خورد.
حمید	مادر	مادر، حمید را صدا کرد.

حکایت (صفحه ۱۲۷)

هدف :

- ۱- خواندن قطعه‌ای از گلستان سعدی و آشنایی بیشتر با نثر سعدی.
- ۲- جلب توجه دانش‌آموزان به نکته اخلاقی داستان.
- ۳- شناختن فعل لازم و متعدی (دستور زبان).

یادآوری: از بوستان سعدی دو حکایت در قسمتهای پیشین کتاب خوانده شد اینک در این درس قطعه‌ای از گلستان آموخته می‌شود. دانش‌آموزان در کتاب فارسی چهارم خوانده‌اند که گلستان کتابی است به نثر آمیخته به نظم و حکایتی دارد که حاصل دیده‌ها و شنیده‌های نویسنده آن یعنی سعدی است. چند قطعه کوتاه از نثر سعدی نیز در همان کتاب فارسی چهارم آمده است.

روش تدریس :

پس از یادآوری آنچه درباره گلستان می‌دانند آموزگار شخصاً درس را با صدای رسا و سلس و بطور شمرده می‌خواند و با توجه به کلمه‌ها و ترکیبهای تازه معنی جمله‌ها و عبارتها را توضیح می‌دهد. سپس چند تن از دانش‌آموزان درس را می‌خوانند و جملات و عبارات مشکل آن را توضیح می‌دهند. سپس، پرسشهای درس مطرح می‌شود.

پاسخ پرسشهای درس :

- ۱- از گلستان سعدی. ۲- کتابی است به نثر آمیخته به نظم که حکایتهای شیرین و اخلاقی دارد. بسیاری از این حکایتها حاصل دیده‌ها و شنیده‌های سعدی نویسنده آن است. ۳- زیرا تا آن موقع دریا ندیده و در کشتی ننشسته بود. ۴- اندیشید که اگر غلام را يك بار به دریا اندازند و بیرون آورند آرام می‌شود. ۵- بلی. ۶- از اینکه غلام در گوشه‌ای نشست و قرار و آرام یافت. ۷- گفت غلام از اول غرق نشده و رنج آن را ندیده بود و قدر کشتی را نمی‌دانست. ۸- این مطلب که قدر تندرستی را کسی می‌داند که به مصیبتی گرفتار شود. ۹- در نظر گرسنه با ارزش و در نظر آدم سیر بی ارزش است. ۱۰- هدف از این حکایت این است که انسان قدر راحتی و آسایش و وسایل آن را وقتی می‌داند که برایش گرفتاری پیش بیاید، شعر نیز همین مطلب را با مثالی دیگر بیان می‌کند و می‌گوید آدم تا سیراست قدر نان جو را نمی‌داند و حاضر نیست

آن را بخورد ولی وقتی که مدتی گرسنه ماند، همان نان جورا با میل و اشتها می خورد.

دستور زبان :

این درس دنباله درس گذشته است. در صورتی که دانش آموزان درس پیش را خوب آموخته باشند، فهم این درس برایشان آسان خواهد بود. آموزگار در آغاز درس، مطالب درس قبل یعنی مفعول را یادآوری می کند و از دانش آموزان می خواهد جمله هایی بگویند که مفعول داشته باشد. سپس مطالب این درس را به صورت پرسش و پاسخ مطرح می کند تا به نکته اصلی درس می رسد که شناختن افعال لازم و متعدی و تشخیص آنها از یکدیگر است. آموزگار می تواند به نحو دیگری نیز مطلب را مطرح سازد و آن این است که پس از ذکر جمله هایی که مفعول دارد، چند فعل متعدی به دانش آموزان بدهد و از آنها بخواهد که با هر یک جمله ای بسازند که مفعول داشته باشد مثلاً: تراشید، جارو کرد، پرسیدم، که جمله هایی از این قبیل خواهند ساخت:

علی مداد را تراشید. پروین اتاق را جارو کرد. من مسئله را پرسیدم. آنگاه چند فعل لازم به دانش آموزان می دهد و می خواهد با این فعلها نیز نظیر این جمله ها را بسازند. مثلاً این فعلها: ایستاد، نشست.

دانش آموزان متوجه خواهند شد که با این فعلها نمی توان جمله هایی درست کرد که مفعول داشته باشد. در اینجا آموزگار مطلب درس را مطرح می کند و نکته اصلی درس را چنانکه گفته شد توضیح می دهد.

پاسخ تمرین ۱:

پاسخ این تمرین اختیاری است. پاسخ زیر برای نمونه آورده می شود:

تا انسان در کوره راههای کوهستانی سنگلاخ مسافرت نکند قدر راههای صاف و هموار را نمی داند؛ قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید.

کسی که خود کار نمی کند و تنبلی پیش خود ساخته چگونه می تواند کسی دیگر را به کار و کوشش وادارد؛ خفته را خفته کی کند بیدار.

آدم نباید از خود تعریف کند و خود را بستاید بلکه باید گفتار و کردارش از خوبی وی حکایت کند. چه خوب گفته اند که مشک آن است که بیوید نه آنکه عطار بگوید.

اگر هر هفته پول کمی پس انداز کنیم پس از مدتی پول فراوانی جمع می شود؛ اندک

اندك خيلى شود و قطره قطره سيلی.

علی مدتها بود که دنبال کتابی می گشت آخر آن را پیدا کرد بلی، عاقبت جوینده
یابنده بود.

شماره افراد خانواده آقای محمدی ۱۲ نفر است. آقای محمدی ۱۰ فرزند دارد که ۴
تن آنان به دانشگاه می روند بقیه نیز در دبستان و دبیرستان درس می خوانند بنا بر این خرج آقای
محمدی زیاد است، هر که بامش بیش برفش بیشتر.
- احمد آقا را ننده خوبی است.
- احمد آقا ۱۰ سال است که رانندگی می کند.
- کار نیکو کردن از پر کردن است.

پاسخ تمرین ۲ :

لطف، لطیف، ملاطفت
عیش، معاش، معیشت
حکمت، حکیم، حکومت

پاسخ تمرین ۳ :

فعلهای لازم: نشست، رفتند، می چرخد، مهربانی کردند، می بارید، آمدم.
فعلهای متعدی: گرفت، دید، انداختند.

پاسخ تمرین ۴ :

فاعل	مفعول	فعل
عقابى	جوجه ها	ر بود
باغچه بان	بنایی	فرا گرفت
شوايتزر	بیماران	نجات داد
آريو برزن	سپاه	راهنمایی کرد
فريدون	ضحاک	کشید

نخستین بامداد و شامگاه جهان (صفحه ۱۳۱)

هدف:

- ۱- آشنایی بایکی از زیباترین داستانهای آفرینش.
- ۲- خواندن متن داستانی.

یادآوری:

* بهتر است آموزگار توضیحی را که در سرآغاز درس آمده است بتفصیل پیش از درس بیان کند و توضیح دهد که این قبیل داستانها در بین همه ملتهای جهان کم و بیش وجود دارد. ما مسلمانان و همچنین عیسویان و یهودیان عقیده داریم که نخستین انسانی که خدا آفرید «آدم» بود و سپس «حوا» و داستان «آدم و حوا» بسیار مشهور است. ایرانیان قدیم که مذهب زرتشتی داشتند معتقد بودند که نخستین انسان که به وسیله اهورامزدا آفریده شد «کیومرث» بود.

داستانی که در اینجا می خوانیم اعتقادات بومیان استرالیا را در این باره نشان می دهد. این داستان و داستانهای مشابه آن نشان می دهد که مردمان قدیم درباره آغاز جهان و نخستین موجودات زنده بسیار می اندیشیده اند. هرکسی از روی خیالپردازی می خواسته است پاسخی بدان بدهد چنانکه این داستانها نتیجه همان اندیشیدنها و خیالپردازیهاست.

* یادآوری این نکته نیز بیجا نیست که همچنانکه مردمان قدیم درباره پدیده ها و عوامل طبیعی اندیشیده و درباره آنها افسانه ساخته اند دانشمندان امروز نیز درباره این مسائل اندیشیده و خواسته اند از راه دانش پاسخی به پرسشهای مربوط به نخستین موجودات بدهند و توضیح دهند که گیاهان و جانوران و آدمیان چگونه پدید آمده اند. یکی از نویسندگان امریکایی از روی مطالعات و حدسیات دانشمندان در این باره کتابی برای کودکان نوشته و اسمش را نخستین روزهای جهان گذاشته است. این کتاب به وسیله آقای احمد بطحائی به زبان فارسی ترجمه شده است. بد نیست آموزگار این کتاب را تهیه کند تا در کلاس خوانده شود.

* تردیدی نیست که کودکان اندک اندک باید با داستانهای آفرینش آشنا شوند، اما این آشنایی از چه سنی شروع شود، مورد تأمل است. برخی عقیده دارند که از سال سوم و چهارم دبستان می توان این داستانها را به بچه ها گفت. برخی برعکس نخستین سالهای دبیرستان را

برای این کار مناسب می‌دانند. مؤلف کتاب فارسی پنجم پس از مشاوره با صاحب‌نظرانی چندچنان مناسب دید که این دو نظر را تعدیل کند و نخستین داستان آفرینش را در کتاب پنجم بگذارد و چه در بجا خواهد بود که آموزگاران علاقه‌مند نتیجه تدریس این درس و عکس العمل دانش‌آموزان را در برابر آن و پرسشهایی را که مطرح می‌سازند و اشکالاتی را که در ضمن تدریس پیش می‌آید به مؤلف کتاب یا به سازمان کتابهای درسی ایران بنویسند تا در این باره بیشتر تحقیق شود و اگر واقعاً طرح چنین مطالبی در این سن اندکی زود باشد، درس از کتاب حذف و در کتابهای سنین بالاتر گنجانده شود.

پاسخ پرسشهای درس :

۱- جهان چگونه آغاز شد: گیاهان، جانوران و آدمیان چگونه پدید آمدند. ۲- نشانه آن است که هنوز دانش و اندیشه انسان گسترش نیافته بود و در حل مسائل طبیعی به افسانه‌سازی می‌پرداخته است. ۳- جزیره بزرگی است در اقیانوسیه. ۴- عقیده دارند که همه موجودات روانی در خود دارند و عقیده دارند که این روانهای نادیدنی هرگز نمی‌میرند. ۵- تاریکی آسمان و زمین را پر کرده بود، هیچ حشره یا حیوانی و انسانی بر زمین نمی‌جنبید، هیچ مرغی در هوا نمی‌پرید و... (بند نخستین درس) ۶- تنها پدر روانهای عالم بیدار بود. ۷- گفت: به زمین برو! روانهایی را که در آنجا به زیر صخره‌ها و در میان غارهای تیره خفته‌اند بیدار کن و... جانوران گوناگونی بیافرین. (بند سوم درس) ۸- به خاطر آنکه خورشید همیشه از مشرق به مغرب می‌رود. ۹- علفها و بوته‌ها و حتی درختها بر جای پای او می‌رستند. ۱۰- به غار بزرگ رفت تا روانها را بیدار کند. ۱۱- زیرا گمان کردند خورشید یکباره ناپدید شده و دیگر بر نخواهد گشت. ۱۲- زیرا آنها دیده بودند که خورشید در مغرب پنهان شد و اینک می‌دیدند که از مشرق برمی‌آید. ۱۳- خورشید دو کودک بجای آورد که یکی ستاره بامداد و دیگری ماه بود، از این دو کودک، دو کودک دیگر پدید آمد، این دو نخستین زن و مرد بودند. ۱۴- گفت: فرزندان من! شما برترین آفریدگان من هستید و تا روزی که بر زمین زندگی می‌کنید می‌خواهم در کنار هم با صلح و صفا بسر ببرید و... (بند آخر درس).

پاسخ تمرین ۱ :

حشرات، ماهیان، ماران، مرغان، سوسکها، مورچگان، پروانگان، زنبورها، چلباسه‌ها، قورباغه‌ها، لاک‌پشته‌ها، کلاغان، مرغابیها، قوها، مرغان ماهیخوار، دارکوبها،

زاغان. طوطیان.

پاسخ تمرین ۲ :

اندوهناك، بیمناك، تابناك، ترسناك، چسبناك، خشمناك، خطرناك، خوفناك، دردناك، زهرناك، سوزناك، سهمناك، شرمناك، غمناك، وحشتناك، هراسناك.

پاسخ تمرین ۳ :

الف - ... درباره آنها افسانه می‌ساختند.

ب - ... مردم در آن روزگاران چگونه فکر می‌کرده‌اند.

ج - ... مردمان قدیم به ارزش و اهمیت خورشید در زندگی گیاهان و جانوران متوجه شده بوده‌اند.

پاسخ تمرین ۴ :

- بومیان استرالیا عقیده دارند روانها هرگز نمی‌میرند و از جسمی به جسمی دیگر می‌روند بنابراین انسان وقتی که مرد روانش باقی می‌ماند و به جسمی دیگر می‌رود و انسان دیگری می‌شود.

- عقیده دارند که خورشید دختر «پدر روانهای عالم» است و مادر و - وجود آورنده گیاهان و جانوران و انسان است.

پاسخ تمرین ۵ :

خورشید، گرما و روشنی را به درون غارها می‌برد. (متعدی)

انبوه حشرات از غار بیرون آمدند. (لازم)

چهره تابناك خورشید در درون غارها، نور می‌گسترده. (متعدی)

جانوران از دیدن روشنی شادمان شدند. (لازم)

بادی تند خورشید را از زمین برداشت. (متعدی)

چهره خورشید در پشت بلندیه‌های مغرب پنهان شد. (لازم)

مادر ما خورشید دو کودک به جهان آورد. (متعدی)

کارنیکو کردن از پر کردن است (۱)

(صفحه ۱۴۰)

هدف :

- ۱- آشنایی بایکی ازداستانهای زیبای ادب فارسی.
- ۲- خواندن متن به نشر آمیخته به نظم.
- ۳- جلب توجه دانش آموزان به فواید تمرین و مهارت درکار.

یادآوری :

* نظامی رادانش آموزان ازسالهای پیش می شناسند و اشعاری از او خوانده اند. داستانی که در اینجا می خوانند ازداستانهای مشهور کتاب هفت پیکر است. در این کتاب داستانهایی از بهرام گور پادشاه مشهور ساسانی نقل شده است. این کتاب بعلاوه چهار کتاب دیگر پنج گنج یا خمسه نامیده می شود. چهار کتاب دیگر عبارت است از: مخزن الاسرار، خسرو شیرین، لیلی و مجنون و اسکندرنامه.

نظامی از مردم گنجه بود و در حدود سال ۶۱۴ ه. ق. (برابر با ۱۲۱۷ میلادی) در گذشته است. * بهرام گور یا بهرام پنجم پانزدهمین پادشاه سلسله ساسانی است. در سال ۴۲۱ میلادی به پادشاهی نشسته و در ۴۳۸ میلادی در گذشته است. بهرام گور به موسیقی و شکار گور علاقه داشت و به همین مناسبت است که بهرام گور نامیده شده و می گویند که سرانجام نیز در حین شکار گور در چاهی یا باتلاقی فرو رفت و ناپدید شد و این بیت منسوب به خیام در باره همین واقعه است:

بهرام که گور می گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور^۱ بهرام گرفت

* ساز، در مصراع: سازاوچنگ و ساز خسرو تیر، به معنی آلت و وسیله است، یعنی وسیله ای که دختر در دست داشت «چنگ» بود و وسیله ای که خسرو^۲ یعنی بهرام در دست داشت تیر بود.

روش تدریس :

درس به روش آزاد خوانی تدریس می شود بدین ترتیب که دانش آموزان بند بند درس را می خوانند و با توجه به کلمه ها و ترکیبهای تازه معنی می کنند و آموزگار در تلفظ صحیح کلمه ها

۱- گور در اینجا یعنی قبر
۲- خسرو لقب پادشاهان ساسانی بود

و استفاده از نقطه گذاری و بخصوص در توضیح معنی شعرها آنها را راهنمایی و یاری می‌کند.

پاسخ پرسشها :

۱- زیباروی بود، ساز می‌زد و آواز می‌خواند. ۲- پاسخ در قسمت یادآوری. ۳- با چابکی تیر بر کمان می‌نهاد و از شست رها می‌کرد. ۴- پاسخ آزاد (شاید نمی‌خواسته است که چا پلوسی کند و تملق بگوید). ۵- پاسخ آزاد (از دختر ك انتظار داشت که او را ستایش و تحسین کند). ۶- گفت باید چنان بزنی که سمش به سرش دوخته شود. ۷- اول با کمان گروه مهره‌ای به گوش گور انداخت، همینکه گور سم خود را برای بیرون آوردن مهره به گوش نزدیک کرد شاه تیری انداخت و گوش و سم حیوان را به هم دوخت. ۸- از تکرار و تمرین. ۹- کار نیکو کردن از پر کردن است. ۱۰- به سرهنگی فرمان داد تا او را بکشد. ۱۱- به سرهنگ گفت در کشتن من شتاب مکن بگذار چند روزی بگذرد آنگاه به شاه بگو او را کشتم اگر شاه خوشحال شد آن وقت بیا و مرا بکش، اگر دلشنگ شد، امان می‌یابی. ۱۲- زیرا می‌ترسید به گوش شاه برسد که سرهنگ فرمان او را بجا نیاورده است. ۱۳- این جمله: «آب در چشم شهریار آمد».

دستور زبان :

پس از تدریس مطالب درس باید از دانش‌آموزان خواست تا ضمیرهای ششگانه را در جمله‌هایی بکار ببرند که کاملاً معلوم باشد ضمیر به چه شخصی برمی‌گردد مثلاً از آوردن جمله - هایی مانند «او را دیدم» خودداری کنند، زیرا در این جمله مرجع ضمیر معلوم نیست. باید عبارتهایی بگویند نظیر این عبارت که «علی را دیدم و به او گفتم» که معلوم شود «او» به «علی» برمی‌گردد یعنی مقصود از «او» همان «علی» است.

یادآوری درباره این نکته توجه کنید :

گاهی به جای «او»، «وی» و به جای «ایشان»، «آنان» بکار می‌رود.

۱- مرجع ضمیر همان کلمه‌ای است که ضمیر بدو باز می‌گردد، مثلاً در جمله «علی را دیدم و به او گفتم» علی مرجع ضمیر است. البته هنوز زود است که در کلاس از این کلمه استفاده شود.

پاسخ تمرین ۱ :

پاسخ اختیاری است، می‌توان این کلمه‌ها را یادآور شد:
قصد، مقصود، قاصد، مقصد
مهارت، ماهر
مونس، انس، مؤنست
شوق، اشتیاق، تشویق، مشوق، مشتاق
میل، مایل، امیال، تمایل، متمایل

پاسخ تمرین ۲ :

پاسخ اختیاری است، می‌توان این کلمه‌ها را یادآور شد:
استاد، ماهر، زبردست
چهره، روی، صورت، دیدار، رخ
شکار، صید، نخجیر
آفرین، بارک‌الله، مرحبا
فرمان، دستور، امر

پاسخ تمرین ۳ :

ما صبح‌زود به دبستان می‌رویم.
او از سفر بازگشت.
تو این کتاب را از کجا خریدی؟
من هر شب تکلیف مدرسه را انجام می‌دهم.
شما چه ساعتی می‌خوابید؟
ایشان از نزدیکان من هستند.

اسم	ضمیر	فعل لازم	فعل متعدی
تهران	ایشان	رفتند	بردم
کوه	او	خندید	خوردند
دفتر	تو	نشستید	شنیدیم
بهرام	ما	رسیدند	نوشتیم
دختر	من	چرخید	گرفتی
گور			
نظامی			
هفت پیکر			

درس بیست و هشتم :

کار نیکو کردن از پر کردن است (۲)

(صفحه ۱۴۵)

هدف و روش تدریس همان است که در بخش نخستین گفته شد.

یادآوری :

دستگاه فراخ، در اینجا دستگاه به معنی وسایل زندگی و مال و ثروت است و فراخ به معنی بسیار و فراوان.

پاسخ پرسشهای درس :

۱- گوساله ای را بر دوش می گرفت و پله پله بر بام کدو شک می برد. ۲- پاسخ آزاد (منظورش این بود که روزی شاید بتواند به شاه نشان دهد که در اثر تمرین و تکرار خیلی کارها می شود کرد). ۳- چند گاوهر از گوش باز کرد و به وی داد تا با پول آنها شاه را به مهمانی دعوت کند. ۴- گفت: جایگاهی خوش و دستگاهی فراخ داری اما چون به شصت سال رسی چگونه توانی از این پله ها خود را به کدو شک برسانی؟ ۵- پاسخ داد: این از من شگفت نیست که من مرده شوم، عجب آن است که دختری با نازکی اندام هر روز گاو نری را بر دوش می گیرد و به این جا می آورد.

۶- پاسخ آزاد (زیرا حدس می‌زد که شاه او را به حضور خواهد پذیرفت). ۷- جامه‌ای زیبا پوشید و روی خود را پوشاند و گاورا بردوش گرفت و بر بام قصر برد. ۸- گفت: این گاورا من به توانایی خویش از زیر به بالا آورده‌ام. بگو که در جهان کیست که بتواند به نیروی خود او را از کوشک پایین ببرد. ۹- گفت: این کار از زورمندی تو نیست بلکه سالهای دراز اندک اندک در این کار کوشیده‌ای که اکنون بی‌رنجی آن را انجام می‌دهی. ۱۰- گفت: من که گاوی بدین بزرگی بر بام می‌آورم جز تعلیم و تمرین نامی نمی‌توانم بر آن بگذارم اما تو چون گوری کوچک را می‌زنی کسی نمی‌تواند نام تمرین و تعلیم بر آن بگذارد. ۱۱- بهرام دختر را شناخت و از او عذر خواست و او را با خود به شهر برد و عقد کرد. ۱۲- از کتاب هفت پیکر. ۱۳- از شاعران بزرگ ایران است که در قرن ششم می‌زیسته است.

دستور زبان :

این درس مکمل درس پیشین و هدف آن این است که ضمیر در جمله می‌تواند «نهاد»، «فاعل» و «مفعول» واقع شود. ضمیر علاوه بر نهاد، فاعل و مفعول برخی از حالت‌های دیگر اسم را نیز می‌تواند در جمله داشته باشد که دانش‌آموزان در سالهای آینده آنها را خواهند شناخت.

پاسخ تمرین ۲ :

تا به جایی رسید گوساله	که یکی گاو گشت شش ساله
گوساله کم‌کم به جایی رسید که گاوی شش ساله شد.	
گر چنین کار سودمند شود	کار ما هر دو زو بلند شود
اگر چنین کار سودمندی انجام شود، کار هر دوی ما از آن درست می‌شود. و ما هر دو از آن بهره می‌گیریم.	
دید نزهتگاهی گرانپایه	سبزه در سبزه سایه در سایه
جای خرم و باصفا و پر ارزشی دید که سبزه در سبزه بود و سایه در سایه، یعنی سبزه و درخت که سایه انداخته بود فراوان به چشم می‌خورد.	
باورم ناید این سخن به درست	تا نبینم به چشم خویش نخست
این سخن را بدرستی نمی‌توانم باور کنم تا اول آن را به چشم خود نبینم.	
پایه بر پایه بر دوید به بام	رفت تا تخت پایه بهرام

پله پله به سوی بام دوید و تا پایه تخت بهرام رفت.
 (مراد از تخت در اینجا کرسی [= صندلی] است که بهرام بر آن نشسته بود.)
 شاه گفت این نه زورمندی توست بلکه تعلیم کرده‌ای ز نخست
 شاه گفت این کار از زورمندی تو نیست بلکه از اول آن را تمرین کرده‌ای!
 من که گاوی بر آورم بر بام جز به تعلیم بر نیارم نام
 چه سبب چون زنی تو گوری خرد نام تعلیم کس نیارد برد
 من که گاوی را بر بالای بام می آورم غیر از تمرین و آموختن نامی نمی توانم بر آن
 بگذارم ولی از چه سبب وقتی که تو گوری کوچک می زنی، کسی نمی تواند نام تمرین و آموختن
 بر زبان بیاورد.

گفت اگر خانه گشت زندانت عذر خواهم هزار چندانت
 گفت اگر خانه زندان تو شد، تو در خانه زندانی شدی، هزار چندان از تو عذر می خواهم.

پاسخ تمرین ۳ :

این مثل که «کار نیکو کردن از پر کردن است.»

پاسخ تمرین ۴ :

ضمیر نهاد است یا فاعل یا مفعول؟	ضمیر	جمله
مفعول	او	پروین دیروز او را در خیابان دید.
فاعل (نهاد)	من	من کتاب می خوانم.
فاعل (نهاد)	تو	تو تمرینهای حساب را حل می کنی.
نهاد	ایشان	ایشان بسیار خوشحالند.
فاعل (نهاد)	ما	ما امسال دوره دبستان را پایان می رسانیم.
مفعول	شما	علی شمارا در کدام کتابخانه دیده بود.

پاسخ تمرین ۵ :

در خور، لایق، شایسته، سزاوار

نقاب، روپوش، روبند
كوشك، قصر، كاخ
خو، عادت
شكار، نخجير، صيد
رخ، صورت، چهره، ديدار، روى

پاسخ تمرين ۶ :

- الف - نظامی از شاعران بزرگ ایران است. وی در قرن ششم می زیسته است (یا وی داستانهای بسیاری به نظم آورده است یا وی...).
- ب - زنهار این راز با کس مگوی، زیرا ممکن است به گوش بهرام گور برسد و مرا به خاطر نافرمانی که کرده ام مجازات کند.
- ج - اگر دختر به اندازه کافی تمرین نکرده بود، نمی توانست گاو را هر روز از كوشك به بالا ببرد .
- د - آیا عجیب است که دختری با نازکی اندام هر روز گاو نری را از كوشك به بالا ببرد .
- ه - بهرام پادشاه ساسانی را برای آن بهرام گور نامند که به شکار گورخر علاقه فراوان داشت. (این مطلب در کتاب شاگرد نیامده، رجوع شود به قسمت اول راهنمای تدریس صفحه ۱۱۷).

درس بیست و هفتم :

رودکی، پایه گذار شعر فارسی (صفحه ۱۵۱)

هدف:

- ۱- شناختن یکی از شاعران بزرگ زبان فارسی.
- ۲- خواندن متن برای بدست آوردن اطلاعات تازه.

یادآوری :

* ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی نخستین شاعر بزرگ در زبان فارسی

است. شاعران دیگر او را «استاد شاعران» و «سلطان شاعران» نامیده‌اند. برخی از نویسندگان و شاعران قدیم گفته‌اند که رودکی کور بوده است، چنانکه دقیقی که پس از رودکی و قبل از فردوسی می‌زیسته است رودکی را شاعر «تیره چشم روشن بین» نامیده است.

برای آگاهی بیشتر از احوال و آثار رودکی می‌توان به کتاب تاریخ ادبیات در ایران تألیف دکتر ذبیح‌الله صفا جلد اول صفحه ۳۷۴ به بعد و به کتاب احوال و اشعار رودکی تألیف سعید نفیسی مراجعه کرد.

* این درس از نوشته شادروان سعید نفیسی اقتباس شده است. سعید نفیسی از نویسندگان و محققان معاصر بود که در سال ۱۳۴۵ درگذشت. چنانکه اشاره شد سعید نفیسی در احوال و اشعار رودکی تحقیق مفصلی کرده و تحقیقات خود را در سه مجلد بطبع رسانده است. اشعار رودکی در سالهای اخیر در مسکو پایتخت اتحاد جماهیر شوروی نیز چاپ شده است.

* بخارا یکی از شهرهای بزرگ ماوراءالنهر قدیم و مرکز برخی از حکومت‌های اسلامی و یکی از مراکز مهم تمدن ایرانی بوده است. بخارا امروزه جزء جمهوری ازبکستان شوروی است. برای آگاهی از اوضاع و احوال بخارا در قرون قدیم می‌توان به کتاب «بخارا، دستاورد قرون» نوشته ریچارد فرای ترجمه محمود محمودی مراجعه کرد. سمرقند نیز امروزه در ازبکستان شوروی است.

* آمودریا همان رود جیحون است که از کوه‌های شمال افغانستان سرچشمه می‌گیرد و به دریاچه آرال می‌ریزد. سابقاً به دریاچه خزر می‌ریخته است.

پاسخ پرسشهای درس :

- ۱- دشت خاوران در پشت کوه‌های البرز و نزدیک رود پهن‌آور آمودریا. ۲- در پشت دشت خاوران. ۳- شاعر و هنرمندی بزرگ که در حدود هزار سال پیش می‌زیسته است. ۴- پادشاهان خاندان سامانی. ۵- زیرا در این مدت ایران در دست عرب‌ها بود و از خود استقلال نداشت. ۶- زیرا می‌خواستند به این ترتیب پایه‌های استقلال ایران را استوارتر سازند. ۷- هر چه را می‌خواست به شاه بگوید با شعر و آهنگ می‌گفت و شعر و آهنگ او چنان در شاه اثر می‌کرد که بی‌درنگ درخواست رودکی را می‌پذیرفت. ۸- بخارا. ۹- زیرا بادغیس هوایی خوش داشت و آذوقه برای لشکر نیز فراوان بود. ۱۰- در شعری که با آهنگ خواند شاه را برای رفتن به بخارا بشوق آورد. ۱۱- مانند پرنیان. ۱۲- در صد دفتر (کتاب). ۱۳- در حدود نصد بیت.

۱۴- زیرا اگر رودکی ظهور نکرده بود شعر فارسی به این پایه از پرمایگی و ارجمندی نمی- رسید. ۱۵- فردوسی.

پاسخ تمرین ۱ :

الف - رود آمودریا به اژدهایی عظیم که سینه خود را بر زمین می ساید.
 ب - امیر سامانی به ماه و بخارا به آسمان.
 ج - به بلبل نغمه سرا.
 د - رودکی در خردسالی با صفت های « سخندان و بسیار باهوش و شیرین زبان »، پرتو ماهتاب با صفت « پریده رنگ »، آتش زمستان با صفت « نیروافزا » و درختان با صفت « تناور » وصف شده اند.

پاسخ تمرین ۲ :

رودکی، نام شاعر	آمودریا، نام رود
البرز، نام کوه	آرش، نام پهلوان
بلخ، نام شهر	مازندران، نام سرزمین
ایران، نام کشور	توران، نام کشور
خزر، نام دریا	سمرقند، نام شهر
پنج رودك، نام روستا	بخارا، نام شهر
رودك، نام روستا	بادغیس، نام محل
جعفر، نام كوچك رودکی	مولیان، نام جو
محمد، نام پدر رودکی	آمو، نام رود (آمودریا)
سامانی، نام سلسله	طوس، نام شهر
خاوران، نام دشت	فردوسی، نام شاعر

پاسخ تمرین ۳ :

گروهی مشغول بازی بودند من ایشان [یا آنها یا آنان] را از دور تماشا می کردم.. روزی دختر با سرهنگ تنها نشسته بود. چند گاو از گوش گشاد و به او داد.. من تورا نمی شناسم؛ ممکن است خود را معرفی کنید. - تا چند ماه دیگر ما دوره دبستان را بپایان خواهیم رسانید..

عجب شما اینجا بودید و من نمی دانستم.

پاسخ تمرین ۵ :

عازم ، عزم .
تأسیس ، اساس ، مؤسسه .
حیرت ، حیران .
غیور ، غیرت .
مهارت ، ماهر .

پاسخ تمرین ۶ :

پاسخ اختیاری است ، می توان از این کلمه های مرکب یاد کرد :
آهنگر ، مسگر ، رفتگر ، زرگر ، چاره گر ، سوداگر ، ستمگر ، فتنه گر ، کارگر ،
کفشگر ، شیشه گر ، خورشگر .

پاسخ خود را بیازمایید (۵) (صفحه ۱۵۷)

شماره ۱ : (۳ / ۵) نمره

شماره ۲ : (۲) نمره

ای کسی که سیر هستی نانی که از جو پخته شده برای تو خوشایند نیست . چیزی که
من بدان عشق می ورزم در نزدیک تو زشت و ناخوشایند است .

شماره ۳ : (۴) نمره

الف - بومیان استرالیا عقیده دارند که همه موجودات در خود روانی دارند . روانها
هرگز نمی میرند بلکه از جسمی به جسمی دیگر منتقل می شوند .
ب - هفت پیکر کتابی است به شعر که نظامی شاعر قرن ششم سروده و در آن از ماجراهای
بهرام گور سخن گفته است .

ج - نه، کسی نبود که بزودی ناامید شود و دست از زندگی بشوید، زیرا او را با چاره - اندیشی سرهنگ را از اجرای فرمان شاه منصرف کرد. ثانیاً با چاره اندیشی دیگر شاه را به اشتباه خود آگاه ساخت و نه تنها به پیش شاه بازگشت بلکه زن او هم شد.

د - زیرا رودکی بود که پایه استواری برای شعر فارسی ریخت و به شعر فارسی جانی بخشید و راه را برای شاعران دیگر باز کرد.

شماره ۴: (۲ نمره)

امیر (امیر سامانی، پادشاه سامانی) به ماه و بخارا به آسمان تشبیه شده است.

شماره ۵: (۵/۸ نمره)

نهاد	گزاره	فاعل	مفعول	فعل لازم	فعل متعدی	ضمیر
رودکی	به بخارا رفت	رودکی	—	رفت	—	—
پادشاه	رودکی را به دربار خود فرا خواند	پادشاه سامانی	رودکی	—	فراخواند	—
میزبان	او را گرمی داشت	میزبان	او	—	گرمی داشت	او
هوا	سرد شده است	—	—	سرد شده است	—	—
سعدی	گلستان را نوشت	سعدی	گلستان	—	نوشت	—
من	به کتابخانه می آیم	من	—	می آیم	—	من
ما	دسته جمعی به گردش خواهیم رفت	ما	—	خواهیم رفت	—	ما

درس بیست و هشتم:

آرش کهانگیر (۱)

(صفحه ۱۵۸)

هدف:

- ۱- آشنایی با یکی از داستانهای زیبای ایران قدیم.
- ۲- خواندن متنی به شعر جدید و آشنایی بیشتر با شعر نو.

۳- شناختن یکی از قهرمانان ایران قدیم و شهامت و شجاعت او و تلقین میهن‌دوستی و روح شهامت در دانش‌آموزان.

یادآوری :

* با آنکه داستان آرش از داستانهای مشهور ایران قدیم است ما نند داستانهای مشهور دیگر در شاهنامه نیامده است اما در تواریخ قدیمی از آن یاد شده و برخی از شاعران نیز اشاراتی بدان دارند از آن جمله فخرالدین اسعدگرگانی در ویس و رامین گوید:

از آن خوانند آرش را کمانگیر
که از آمل به مرو انداخت يك تیر

* شعر داستان آرش، شعر جدید یا با اصطلاح «شعر نو» است و سراینده آن آفای سیاوش کسرایبی یکی از شاعران خوب روزگار ماست. دانش‌آموزان در کتاب فارسی چهارم نخستین بار با شعر نو آشنا شدند و قطعاً معروف باران گلچین‌گیلانی را خواندند. آموزگاران عزیز بخوبی می‌دانند که شعر سنتی (کلاسیک) ایران، وزن عروضی دارد یعنی وزنی که در آن هم تعداد هجاها (سیلابها) و هم بلندی و کوتاهی آنها در مصراعها یکسان است مثلاً در شعر:

بوی جوی مولیان آید همی یاد یار مهربان آید همی
تعداد هجاها در دو مصراع یکی و بلندی و کوتاهی آنها یکسان است بدین ترتیب که:

بُزِ در مصراع اول در مقابل یاد در مصراع دوم

جوی د د د یار د د د

مولیان د د د مهربان د د د

آید همی د د د آید همی د د د است.

در حالی که در شعر نو اینطور نیست و طول مصراعها بلند و کوتاه است.

* خارا سنگ = سنگ خارا، سنگ سخت.

* رایزن = آن که در کارها با او مشورت کنند، مشاور (در درس «مهمترین کاری که باید انجام داد، آمده»).

روش تدریس :

آموزگار قبل از شروع درس به تفصیلی که در مقدمه درس آمده است داستان را بیان می‌کند و توضیح می‌دهد که شاعر در اینجا داستان آرش را از قول عمو نوروز بازگویی کند. عمو-نوروز در زمستان در حالی که برف می‌بارد در کنار آتش نشسته و برای بچه‌ها قصه می‌گوید.

هدف از این کار این است که دانش آموزان با اصل داستان قبالآشنایی پیدا کنند تا در ضمن خواندن شعر، توجه آنان بیشتر به حالات و کیفیاتی که در شعر آمده جلب شود. درس به روش خطایی تدریس می شود، آموزگار اگر از پیش با این شعر آشنایی نداشته باشد بهتر است در پیش خود چند بار آن را مطالعه کند تا بتواند در کلاس با آمادگی بیشتر آن را بخواند و به کلام خود چنان حال و نیرو دهد که خطاب، سکوت، پرسش، امید، نومیدی، پیروزی و دیگر حالاتی را که در شعر مطرح است بخوبی پیش چشم دانش آموزان مجسم کند تا شعر در دل آنان بنشیند.

پس از آنکه شعر با حالت مذکور خوانده شد، با توجه به کلمه ها و ترکیبهای تازه معنی می شود. مخصوصاً باید به مقدمه شعر و گفتار عمونوروز بیشتر توجه کرد و زیباییهای زندگی را که عمونوروز در آسمان باز، آفتاب طلایی رنگ، باغهای پر از گل، دشتهای گسترده بی در و پیکر (یعنی در تماشاکردن و بهره گرفتن از آنها) همچنین در دشواریها و سختیها از يك طرف و در شادکامیها از طرف دیگر می داند خوب توضیح داد و گفت زندگی اگر یکنواخت باشد با آنکه همه خوشی و شادکامی باشد خسته کننده است. در غم دیگران شریك شدن، به مردم یاری کردن، با سختیها مبارزه کردن لذت دارد و زندگی را زیبا می سازد.

پاسخ پرسشهای درس:

- ۱- از زبان عمونوروز. ۲- در فصل زمستان و در کنار آتش. ۳- با این سخن که زندگی زیباست. ۴- در آسمان باز، در آفتاب طلایی رنگ، دشتهای گسترده بی در و پیکر، تلاش کردن، در غم و شادی دیگران شرکت کردن، سرانجام در کار کردن. ۵- در این شعر زندگی به آتشگاه یعنی آتشکده تشبیه شده است و مراد این است که زندگی همچون آتشکده است که باید آتشی در آن فروزان باشد، آتشکده ای که دائمی و همیشه پا بر جاست. ۶- مراد این است که زندگی شور و هیجان و حرکت و جنبش می خواهد اگر در زندگی شور و حرکت نباشد، سرد و افسرده خواهد بود. ۷- مراد زندگی است (می گوید آتش خلد متگزار زندگی بود حتی با مرگ خود می خواست زندگی دیگر هم وطنان خود را پر شعله و با حرارت و افتخار آمیز نگاه دارد). ۸- هیچکس جنبش و حرکتی نداشت، سنگرها خاموش بود و همه جا یأس و ترس سایه گسترده بود. ۹- تا به دست خود ایرانیان آنها را شکست دهند و تحقیر کنند. ۱۰- می گوید « که مباد ایشان دگر، روز بهی در چشم، یعنی روز خوبی دیگر نبینند. ۱۱- اینکه يك ایرانی تیری بیندازد هر کجا قرار گرفت مرز همانجا باشد. ۱۲- کشور کوچک، خانه ها تنگ و

آرزوها کور می‌شد. ۱۳ - این خبر که دشمن گفته است تیر اندازی از ایرانیان تیر بیندازد
هرجا بیفتد آنجا را مرز خواهیم کرد. ۱۴ - آرش جمعیت را شکافت.

دستور زبان:

پس از یادآوری اینکه «اسم» کلمه‌ای است که برای نام بردن کسی یا چیزی بکار می-
رود، مطالب درس تدریس می‌شود. چون این درس با شکل گویایی که به تفهیم درس کمک
می‌کند همراه است می‌توان در تدریس آن از صامت خوانی استفاده کرد و سپس مطلب درس را
از دانش آموزان پرسید. در مورد جمع با «ان» باید گفت که این علامت بیشتر برای جمع بستن
اسمهایی استعمال می‌شود که جاندار باشند مانند: کودک، کودکان؛ اسب، اسبان. ولی امروزه
بخصوص در زبان محاوره، اغلب اسمها را با «ها» جمع می‌بندند.

غیر از کلمه‌هایی که با «ها» و «ان» جمع بسته می‌شود، کلمه‌های جمع عربی نیز مانند
«مدارس»، «علوم»، «کتاب» و «معلمین» در زبان فارسی بکار می‌رود که در آینده، از آنها نیز
سخن خواهد رفت.

پاسخ تمرین ۱ :

زندگی به آتشگاه [آتشکده]، خلق به دریا، مرد به صدف تشبیه شده است.

پاسخ تمرین ۲ :

مراد از «رقص شعله»، «جنبش و حرکت و فعالیت زندگی» و مراد از «باغ آتش» خود
«زندگی» است.

پاسخ تمرین ۳ :

- کلمه‌هایی که با «ها» جمع بسته شده: بچه‌ها، نکته‌ها، باغها، دشتها، شادمانیها،
شعله‌ها، بالها، انجمنها، رایزنها، چشمها، خانه‌ها.
- کلمه‌هایی که با «ان» جمع بسته شده: کودکان، بدخواهان، دشمنان، آزادگان،
نازک اندیشان، ایرانیان، دختران، مادران.

پاسخ تمرین ۴ :

از ایران باستان داستانهای بسیاری باقی مانده است، برخی از این داستانها از روزگاران بسیار قدیم حکایت می کنند. اصل این داستانها به زبانهای قدیم ایرانی است که مردم امروز بدانها سخن نمی گویند [یا آشنایی ندارند]. این داستانها اگر چه بظاهر افسانه و خالی از حقیقت بنظر می رسد، اما خواننده هوشیار نکته های بسیار از آنها درمی یابد و به اندیشه ها و خیالات [یا طرز زندگی و ...] مردمان قدیم از راه افسانه پی می برد [یا اطلاع می یابد].

پاسخ تمرین ۶ :

چشمخانه = چشم + خانه ، کمانگیر = کمان + گیر، نازک اندیش = نازک + اندیش + اندیش، روشنی افروز = روشنی + افروز، بدخواه = بد + خواه.

درس بیست و نهم :

آرش کمانگیر (۲)

(صفحه ۱۶۷)

هدف و روش تدریس همان است که در بخش نخستین یاد شد.

یادآوری :

* واپسین = آخرین

* پی گیر = دنباله دار، پی در پی، پیوسته (در درس «باغچه بان» آمده)

* مطالعه پاسخ تمرین شماره ۴ پیش از تدریس به آموزگاران عزیز توصیه می شود.

پاسخ پرسشهای درس :

۱- آرش تیرانداز بود. ۲- گفت: منم آرش، سپاهی مرد آزاده... ۳- زیرا با زور و پهلوانی نمی توان تیری انداخت که دهها یا صدها فرسخ راه برود. ۴- زیرا می دانند که آخرین روز عمرش را می گذرانند و دیگر صبحی نخواهد دید. (با صبح خدا حافظی می کند، زیرا صبح نماینده و مظهر نور و روشنائی و امید و زیبایی است) ۵- زیرا همه ساکت شده بودند و می خواستند ببینند که آرش چه خواهد کرد. ۶- شهر آرام بود، کودکان بر بام بودند،

دختران بر روزن نشسته بودند ، مادران کنار در غمگین و مردها در راه بودند. ۷- زیرا گمان می کردند تیر آرش صدمتر بیشتر نخواهد رفت و این بود که در حال مسخره راه را برایش باز کردند. ۸- از شکاف دامن البرز. ۹- پیکر آرش را ندیدند ولی گمان و ترکش آرش را دیدند در حالی که تیر نداشت و معلوم بود که تیرش را انداخته است. ۱۰- زیرا باصدهزار تیغه شمشیر هم نمی شد به این آسانی مرز را تا این حد به عقب برد. ۱۱- دیدند که تیر آرش به ساق درخت گردوی تناوری نشسته است. ۱۲- با آوردن نام آرش نیاز می خواهند و در خود همت و اراده بوجود می آورند. ۱۳- صدا در کوهستان منعکس می شود، شاعر انعکاس صدای رهگذران کوهستان را پاسخ آرش فرض کرده است. ۱۴- پاسخ اختیاری (مراد این است که رهگذرها با نام آرش به یاد او و جسارت و دلاوری او می افتند و یادآوری دلاوری او به آنان جرأت و جسارت می بخشد تا از کوهستان و صخره و راعهای پر پیچ و خم آن نهراسند و این خود باعث امیدواری و اتکا به نفس می شود و انسان در حالی که متکی به خود و امیدوار است بهتری می تواند راه را بجوید و پیدا کند.)

یادآوری درباره این نکته توجه کنید :

کلمه های مخفف از سال دوم دبستان در کتابهای فارسی آمده و از کتاب سوم به بعد تحت عنوان کلمه های کوتاه شده توجه دانش آموزان به این کلمات جلب شده است. از کلمه ها و ترکیبهای مخففی که قبلا در کتابهای فارسی آمده اینها را می توان نام برد.

یکدیگر ، مخفف یکدیگر در این شعر که در فارسی دوم آمده: یار و غمخوار یکدیگر باشیم تا بمانیم خرم و آزاد.

روبه، مخفف روباه در این شعر که در همان فارسی دوم آمده: روبه پرفریب و حیلت ساز- رفت پای درخت و کرد آواز.

ره، مخفف راه؛ گز، مخفف که از؛ کله، مخفف کلاه.

پاسخ تمرین ۱ :

پرتو خورشید به «پنجه» و هریک از اشعه زرين خورشید به «نیزه زرين» و اشك، از آن جهت که روی چشم را می گیرد و فرو می افتد به «پرده» تشبیه شده است.

پاسخ تمرین ۲:

«آتشک» مخفف «آتشگاه» - «ورنه» مخفف «و اگر نه» - «دگر» مخفف «دیگر» -

«کھسار» مخفف «کوهسار».

پاسخ تمرین ۳:

آشپزخانه، آنجا که غذا می‌پزند، مطبخ - تماشاخانه، جایی که در آن نمایش می‌دهند
تئاتر - چاپخانه، جایی که در آن چاپ می‌کنند، مطبعه -
چشمخانه، سوراخی که چشم در آن جا دارد، کاسه چشم - داروخانه، مغازه‌ای که در آن دارو
می‌فروشند - رودخانه، جایی که رود در آن جریان دارد، بستر رود - سربازخانه، جایی
که سربازان در آن زندگی می‌کنند - کارخانه، جایی که عده‌ای در آن کار می‌کنند و اشیای
گوناگون می‌سازند - کتابخانه، جایی که در آن کتاب می‌خوانند - گلخانه، جایی که در آن
گل پرورش می‌دهند، جایی که گلها را در هنگام سردی هوا در آن نگهداری می‌کنند - مسافرخانه،
جایی که اتاقهای متعدد دارد و مسافران در آن سکونت می‌کنند - مریضخانه، جایی که بیماران
را برای معالجه در آن می‌خوابانند، بیمارستان - مهمانخانه، جایی که اتاقهای متعدد و سالن
غذاخوری دارد و مسافران هم در آن سکونت می‌کنند و هم در آنجا غذا می‌خورند - وزارتخانه،
جایی که ادارات گوناگون که زیر نظر وزیری اداره می‌شود در آن جای دارد.

پاسخ تمرین ۴:

منم آرش: من آرش هستم.

چنین آغاز کرد آن مرد بادشمن: آن مرد سخن خود را با دشمن چنین شروع کرد.

منم آرش سپاهی مرد آزاده: من آرش هستم، مردی سپاهی و آزاده‌ام.

به تنها تیر ترکش آزمون تلختان را اینک آماده: اکنون با تنها تیری که در تیردان

دارم برای امتحان سخت شما آماده هستم.

کمانداری کمانگیرم: جنگجویی صاحب کمان و تیراندازی استادم.

شهاب تیز و تیرم: تیر من همچون شهاب تیز رونده است.

مرا تیر است آتش پر: تیر من پری از آتش دارد و تندپرواز است.

مرا باد است فرمانبر: باد فرمانبر و مطیع من است.

ولیکن چاره امروز، زور و پهلوانی نیست: اما چاره کار امروز زورمندی و پهلوانی

نیست، با زور بازو نمی‌توان کاری از پیش برد.

رهایی با تن پولاد و نیروی جوانی نیست: رهایی یافتن از این گرفتاریها با تن پولادین

و نیروی جوانی ممکن نیست.

پس آنگه سر به سوی آسمان برگرد: پس آنگاه به سوی آسمان سر بلند کرد.
به آهنگی دگر، گفتار دیگر کرد: با آهنگ و لحنی دیگر، سخنی دیگر گفت.
درود، ای واپسین صبح، ای سحر بدرود: خدا حافظ، ای آخرین صبح، ای سحر،
خدا حافظ.

که با آرش ترا این آخرین دیدار خواهد بود: این ملاقات، آخرین ملاقات و دیدار
تو با آرش است.

به صبح راستین سوگند: قسم به صبحی که روشنی آن در مشرق آشکار است (صبح راستین
ترجمه صبح صادق عربی است).

به پنهان آفتاب مهر بار پاك بین سوگند: قسم به آفتاب پنهان پر محبت و پاك نظر
(پنهان از آن جهت که هنوز در مشرق ندمیده بلکه روشنی آن معلوم شده است، پر محبت از آن
جهت که به همه نور و روشنی می بخشد. پاك نظر از آن جهت که نظر خورشید که در اینجا مراد
نور و اشعه آن است به قصد خوبی و پاکی می افتد نه به قصد بدی).

که آرش جان خود در تیر خواهد کرد: که آرش جان خود را در تیر خواهد گذاشت.
پس آنگه پیدرتگی خواهدش افکند: پس آنگاه بدون تأخیر و معطلی آن را پرتاب
خواهد کرد.

درنگ آورد و يك دم شده لب خاموش: اندکی تأمل کرد و يك لحظه لبهایش را بست
و خاموش شد.

نفس در سینه ها بیتاب می زد جوش: نفس در سینه ها قرار نداشت و در اضطراب بود.
زمین خاموش بود و آسمان خاموش: همه جا را سکوت فرا گرفته بود، همه ساکت
بودند.

تو گویی این جهان را بود با گفتار آرش گوش: مثل اینکه جهان و جهانیان به
حرفهای آرش گوش داشته بودند.
به یال کوهها لغزید کم کم پنجه خورشید: پرتو خورشید اندك اندك به بلندترین
قسمتهای کوه تابید.

هزاران نیزه زرین به چشم آسمان باشید: خورشید هزاران شعاع به آسمان تاباند.
نظر افکند آرش سوی شهر آرام: آرش به آرامی به شهر نگاه انداخت.
کودکان بر بام: بچه ها پشت بام بودند.

دختران بنشسته بر روزن: دخترها در پنجره‌ها و دریچه‌ها نشسته بودند.
مادران غمگین کنار در: مادران درحالی که غمگین بودند، کنار درها دیده می‌شدند.

.

دشمنانش در سکوتی ریشخندآمیز: دشمنان آرش یعنی تورانیان درحالی که ساکت بودند و سکوتشان با مسخره آمیخته بود.
راه وا کردند: راه باز کردند.

.

پیرمردان چشم برگردانند: پیر مردان چشمشان را برگردانند [که این منظره را نبینند].

.

.

.

برده‌های اشک پی‌درپی فرو آمد: از چشمها اشک جاری شد.
شامگاهان: در هنگام شب
راه جویانی که می‌جستند، آرش را به روی قلّه‌ها ، پی گیر: راه‌شناسانی که پیوسته بر روی قلّه‌ها به دنبال آرش می‌گشتند.
بازگردیدند: باز گشتند.

بی‌نشان از پیکر آرش: درحالی که از تن و پیکر آرش نشانی نیافته بودند.
با کمان و ترکیبی بی‌تیر: و تنها کمان و تیردانی خالی از تیر همراه آورده بودند.
آری، آری جان خود در تیر کرد آرش: بلی، آرش جان خود را در تیر گذاشت.
کارصدها صدهزاران تیغه شمشیر کرد آرش: کاری که آرش کرد ، تنها با صدها هزار تیغه شمشیر می‌شد آن را به انجام رساند.
تیر آرش را سوارانی که می‌رانندند بر جی‌چون: تیر آرش را سوارانی که به‌سوی جی‌چون می‌تاختند.

به‌دیگر نیم‌روزی از پی‌آن روز: فردای آن روز موقع ظهر.
نشسته بر تنه و راساق گردویی فرو دیدند: دیدند که بر ساق درخت گردوی بزرگی

فرو رفته است.

و آنجا را از آن پس: و آن محل را از آن روز به بعد.

مرز ایران شهر و توران باز نامیدند: سرحد کشور ایران و توران قرار دادند.

آفتاب و ماه را درگشت: در گردیدن ماه و خورشید.

سالها بگذشت: سالیانی گذشت.

در تمام پهنه البرز: در همه وسعت کوههای البرز.

وین سراسر قله مغموم و خاموشی که می بینید: در سرتاسر این کوههای بلند غم آلود

و ساکت که می بینید.

و ندرن دره های برف آلودی که می دانید: و در داخل دره های پر برفی که می شناسید.

نام آرش را پیاپی در دل کهسار می خوانند: نام آرش را پی در پی در وسط کوهستانها

بر زبان می آورند.

و نیاز خویش می خواهند: و نیاز و حاجت خود را آرزو می کنند و از خدا می خواهند.

پاسخ تمرین ۵ :

آرمیدن = آسودن

خیمه = چادر

نیمروز = ظهر

ستور = چهارپا

تناور = تنومند

کهسار = کوهستان

درنگ = تأخیر

آزمون = امتحان

مغموم = غمناک

درس سی ام:

به ورزش تن خود بنیر و کنیم (صفحه ۱۷۴)

هدف:

۱- جلب توجه دانش آموزان به اهمیت ورزش.

- ۲- خواندن متن برای بدست آوردن اطلاعات تازه.
۳- آشنایی با کلمه‌هایی که با الف و تاء جمع بسته می‌شود.

یادآوری:

- * اکثر = بیشتر (در سالهای پیش خوانده‌اند)
- * مشعل = دسته‌ای از چوب یا فلز که در سر آن مواد قابل اشتعال می‌گذارند و روشن می‌کنند.
- * کیفر = مجازات (در فارسی سوم آمده است).
- * المپیا (Olympiā)، دشت کوچکی بوده است در نزدیکی رود آلفیوس در یونان که محل عبادت و همچنین محل برگزاری بازیهای المپیک بوده است.

روش تدریس:

درس به روش آزاد خوانده می‌شود به این ترتیب که چندتن از دانش‌آموزان قسمتی از آن را می‌خوانند و با توجه به کلمه‌ها و ترکیبهای تازه معنی می‌کنند.

پاسخ پرسشهای درس:

- ۱- در قدیم بیشتر کارها با نیروی تن و دست انجام می‌گرفت، بنابراین کار کردن دست و تن ورزش بطور طبیعی است. ۲- امروز همه کارهای سنگین با ماشین انجام می‌گیرد، همچنین با بودن وسایل نقلیه موتوری کسی پیاده مسافرت نمی‌کند. ۳- خاصیتش چنان است که اگر بکار نیفتد سست و کاهل می‌شود. ۴- ورزش تن انسان را سالم و نیرومند می‌کند و به جان طراوت و شادابی می‌بخشد. ۵- زنیرو بود مرد را راستی - ز سستی کثری زاید و کاستی. ۶- ورزشهای گروهی (دسته جمعی). ۷- ورزشهای گروهی راه و رسم زندگی و سازگاری با مردم و تعاون را به مردم یاد می‌دهد. ۸- بازیهای المپیک است. ۹- هر چهار سال يك بار. ۱۰- در حدود دوهزار و پانصد سال پیش در یونان. ۱۱- بازیهای المپیک نخست تنها شامل مسابقه دو بود. ۱۲- سپس مسابقه‌هایی چون مسابقه کشتی، پرش، نیزه پرانی، ارا به رانی و ورزشهای دیگر بر آن افزوده شد. ۱۳- در حدود هزار سال ادامه داشت. ۱۴- در سال ۱۸۹۶ در کشور یونان. ۱۵- به ترتیب حروف الفبا جز دو کشور: یکی ورزشکاران یونان که در پیشاپیش رژه‌روندگان و دیگر ورزشکاران کشور میزبان که در آخر صف رژه‌روندگان قرار می‌گیرند. ۱۶- مردم جهان را

بیشتر به هم نزدیک می‌کند و به هم می‌شناساند و به آنها درس برابری و برادری می‌دهد. ۱۷- ورزشکاران کشور فنلاند. ۱۸- قهرمان حرفه‌ای یعنی کسی که کاری جز قهرمانی و ورزش ندارد. ۱۹- نشانه‌ی علاقه بسیار آنان به ورزش است. ۲۰- سواری، تیراندازی و چوگان بازی. ۲۱، ۲۲، ۲۳- پاسخ آزاد.

دستور زبان:

در کتاب فارسی چهارم به دانش‌آموزان این مطلب به شکل زیر آموخته شده است: معالجات یعنی معالجه‌ها، تغییرات یعنی تغییرها و در اینجا یاد می‌گیرند که این کلمه‌ها عربی است و به جای آنها می‌توان کلمه‌های جمع فارسی بکار برد.

پاسخ تمرین ۱:

شورانگیز، شکفت‌انگیز، ملال‌انگیز، فتنه‌انگیز، غم‌انگیز.

پاسخ تمرین ۴:

در این تمرین موجودات، موجودها؛ زحمات، زحمته‌ها؛ مطالعات، مطالعه‌ها؛ اکتشافات، اکتشافها؛ مسابقات، مسابقه‌ها می‌شود.

درس سی و یکم:

ز ورزش میاسای و کوشنده باش (صفحه ۱۸۲)

هدف:

- ۱- جلب توجه دانش‌آموزان به اهمیت ورزش و تکمیل درس پیش.
- ۲- خواندن شعر.

یادآوری:

* دانش‌آموزان تاکنون شعرهایی از مملک الشعراى بهار خوانده‌اند. رجوع شود به درس چشمه و سنگ کتاب شاگرد صفحه ۱۲ و کتاب حاضر صفحه ۴۷.

* والا = ارجمند، با ارزش (در درس دوست بزرگ بچه‌ها آمده است).

پاسخ پرسشهای درس:

۱- از ملك الشعراى بهار. ۲- در سال ۱۳۱۴، وقتی که ساختمان ورزشگاه امجدیه به پایان رسید. ۳- ورزشگاهی است در تهران. ۴- به ورزشدگی (ورزش). ۵- ورزشدگی (ورزش). ۶- تا عادت به تن‌پروری نکند. ۷- سرانجام تن‌پروری بندگی است. ۸- این بیت: کسی کو توانا شد و تندرست - خرد را به مغزش فروزندگی است. ۹- قافیه آن «ن دگی = ندگی» و ردیف آن «است» است.

پاسخ تمرین ۱:

تابش، تابان، تابنده، تابندگی
ورزندگی، ورزش، ورزیده
فروزنده، فروزندگی، فروزان
کوشنده، کوشا، کوشندگی، کوشش

پاسخ تمرین ۲:

مرد آزاده به سختی تن می‌دهد. - کسی که توانا و تندرست شد [یا باشد]. - تو از نیاکان کار بیاموز. (باید دانش‌آموزان را متوجه کرد در نثر و در کلام طبیعی فعل همیشه در آخر جمله می‌آید و در این شعرها فعل به خاطر وزن شعر در وسط جمله آمده است.)

درس سی و دوم:

ادیسون (صفحه ۱۸۴)

هدف:

- ۱- شناختن یکی از مخترعان بزرگ جهان.
- ۲- خواندن برای بدست آوردن اطلاعات تازه.
- ۳- جلب توجه دانش‌آموزان به پشتکار و اهمیت آن در زندگی.

روش تدریس:

از این درس می‌توان برای تمرین صامت‌خوانی استفاده کرد، با این همه اگر پس از طرح پرسشها معلوم شود دانش‌آموزان متن را خوب نفهمیده‌اند باید مجدداً به صورت آزاد خوانده شود.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- درهفت سالگی. ۲- خیر، درمدرسه ادامه نداد. ۳- متوجه شد که درخانه بهتر از مدرسه می‌تواند فرزندش را تعلیم دهد. ۴- خیر. ۵- درباغچه کوچک پشت‌خانه سبزیکاری می‌کرد و نصف پول آن را برای خرید کتاب و وسایل آزمایش صرف می‌نمود. ۶- در داخل واگن قطار. ۷- در داخل واگنی در اثر حرکت شدید قطار، یک لوله فسیل از روی میز به کف واگن افتاد و فوراً آتش گرفت. ۸- خیر، مأیوس نشد. ۹- فونوگراف که همان گرامافون است. و چراغ برق و چندین اختراع دیگر. ۱۰- همان گرامافون است. ۱۱- پاسخ آزاد. ۱۲- زیرا اختراعات مهم ادیسون همچون اختراع چراغ برق همواره مورد استفاده جهانیان است و تا وقتی که مردم از این اختراعات بهره‌مند می‌شوند نام مخترع آنها را از یاد نخواهند برد. ۱۳- کنجسکو، جسور، بی پروا، کوشنده، با پشتکار، با اراده و دارای طبع پرشور. ۱۴- پاسخ آزاد.

پاسخ تمرین ۲:

محصولات، اطلاعات، اختراعات.

پاسخ تمرین ۳:

- ده اسم مفرد: صبح، گندم، شهر، کار، منظره، قطار، راه، آتش، دود، واگن.
- ده اسم جمع: روزها، بزرگ‌ران، کشتزارها، شهرها، پیچها، نگهبانان، سطرها، دیدگان، زنبیله‌ها، لوله‌ها.

پاسخ تمرین ۴:

به ترتیب باید این کلمه‌ها را به جای نقطه‌ها گذاشت:
مجاهدت، پیش‌بینی، زمره، کام، گوارا.

پاسخ خود را بیازمایید (۶) (صفحه ۱۹۱)

شماره ۱: (۴ نمره)

شماره ۲:

بلی زندگی زیباست. زندگی مانند آتشکده‌ای است که پیوسته روشن و پابرجا باشد (محبت و جوش و خروش زندگی در واقع بمنزله آتش است). اگر آتش محبت و علاقه و فعالیت را در آتشکده زندگی روشن کنی، نشانه‌ها و آثار آن فعالیتها و علاقه‌ها در همه جا آشکار و پیدا خواهد شد. در غیر این صورت، آتشکده زندگی خاموش خواهد شد و این خاموشی گناه خود ما است (۳/۵ نمره)

شماره ۳: (هر پاسخ يك نمره، جمع ۵ نمره)

- الف - آرزوی چیرگی بردشمن و آرزوی بزرگی کشور.
ب - هنگامی که دشمن بر ایران غالب بوده است. چنانکه در پاسخ پرسش پیش گفته شد، آرزوی چیرگی بردشمن و بزرگی کشور در این داستان به چشم می‌خورد و معلوم است که انسان چیزی را که داشته باشد آرزو نمی‌کند.
ج - پاسخ در صفحه ۱۷۶ کتاب شاگرد.
د - پاسخ در صفحه ۱۷۸ کتاب شاگرد.
ه - پاسخ آزاد. (پاسخ باید با دلیل همراه باشد)

شماره ۴: (۲/۵ نمره)

- سرانجام (چنان قرار گذاشتند) که...
ادیسون (سرگرم، مشغول) فروش...
مراسم... بسیار (هیجان‌انگیز، با شکوه و...) است.
هر گاه در ورزشهای (دسته‌جمعی) شرکت (کنیم)...

شماره ۵: (۵ نمره)

داستانها، باغها، شادمانیها، رایزنها، چشمها، رهگذرها، سنگها، با علامت «ها».
ایرانیان، ابروان، دشمنان، هخامنشیان با علامت «ان».
خطرات، تغییرات، اکتشافات، موجودات، تحصیلات، مسابقات، محصولات، مطالعات،

اختراعات، با علامت «ات».

درس سی و سوم:

مازندران (۱)

(صفحه ۱۹۲)

هدف:

- ۱- خواندن شعری در وصف زیباییهای یکی از نواحی سرسبز و خرم ایران از شاهنامه.
- ۲- جلب توجه دانش آموزان به توصیف مناظر و تشبیهات و تعبیرات شاعرانه و تلطیف و تقویت ذوق و حس زیبایی شناسی آنان.

یادآوری:

در زبان فارسی قدیم متمم (مفعول بواسطه) اغلب با دو حرف اضافه بکار می رفته است. اگر حرف اضافه نخستین «به» بود بعد از متمم حرف اضافه دیگری که معنی حرف اضافه اول را توضیح می دهد می آوردند مثلاً «به جای اینکه بگویند: «در خانه کسی نیست» می گفتند: «به خانه اندر کسی نیست.» یا «به خانه اندرون، کسی نیست.» «اندر» و «اندرون» حرف اضافه ای است که معنی «به» را توضیح می دهد.

در شاهنامه این شیوه فراوان به چشم می خورد. در شعر مازندران فردوسی در سه مورد این شیوه بیان آمده است: به کوه اندرون یعنی در کوه، به باغ اندرون یعنی در باغ، به راغ اندرون یعنی در راغ.

روش تدریس:

درس مانند شعرهای پیشین، به روش خطابی تدریس می شود. آموزگار اگر قبلاً با این شعر آشنایی نداشته باشد بهتر است آن را پیش خود چند بار مطالعه کند تا بتواند با آمادگی در کلاس بخواند.

پاسخ پرسشهای درس:

- ۱- از فردوسی. ۲- از قول سرود خوانی. ۳- در شمال ایران. ۴- به قول شاعر در بوستان مازندران همیشه گل وجود دارد. ۵- خوشگوار و لطیف و نه گرم و نه سرد است. ۶-

برای بلبل صفت «نوازنده» و برای آهوصفت «گرازنده» ۷- به گلاب. ۸- از بیت آخر که می گوید:
 دی و بهمن و آذر و فرودین همیشه پر از لاله بینی زمین
 دی و بهمن زمستان، آذر، پاییز و فروردین بهار است.

پاسخ تمرین ۱:

در بیت اول «از» قافیه و «کرد» ردیف است.
 در بیت دوم «اد» قافیه و «باد» ردیف است.
 در بیت سوم «ل» (لامی که ماقبل آن ضمه دارد) قافیه و «است» ردیف است.

درس سی و چهارم:

مازندران (۲)

صفحه (۱۹۴)

هدف:

- ۱- خواندن شعری در وصف زیباییهای مازندران از ملك الشعرای بهار.
- ۲- جلب توجه دانش آموزان به توصیف مناظر و تشبیهات و تعبیرات شاعرانه و تلطیف و تقویت ذوق و حس زیبایی شناسی آنان.
- ۳- شناختن قصیده و مثنوی.
- ۴- مقایسه شعر فردوسی و ملك الشعرای بهار.

یادآوری:

- * طَرَف: به معنی طرف یعنی کناره، کنار، کرانه است.
- * فرود (گویی بهشت آمده از آسمان فرود): یعنی پایین: فرود آمده، پایین آمده.
- * بدروند (bedravand): یعنی درو کنند. از فعل درویدن.
- * بی مدد: بدون کمک و یاری.
- * گرای: یعنی میل کن، قصد کن، از فعل گراییدن.

روش تدریس:

روش همان است که در درس پیش گفته شد.

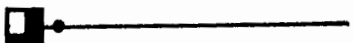
پاسخ پرسشهای درس:

۱- ملك الشعرای بهار. ۲- درماه فروردین و در فصل بهار. ۳- درگیلان. ۴- زیرا همه جا پر از سبزه و بنفشه و گلهای رنگارنگ است چنانکه گویی بهشت از آسمان به زمین آمده است. ۵- بارنگ بنفش. ۶- بارنگ کبود. ۷- به اندازه يك خرمن. ۸- فرشی که تار و پود آن از بنفشه و سبزه است. ۹- منظورش این است که با سفر کردن به وسیله راه آهن زنگار غم را از دلت پاک کن، یعنی غم را از خود دور کن. اینجا است که زنگ را با آهن می توان پاک کرد (آهن در اثر رطوبت زنگ می زند و زنگ آهن با وسایل معمولی پاک نمی شود. شاعر می گوید در اینجا زنگ را [که مرادش زنگ غم و غصه است] با آهن [راه آهن و سفر با آن] می توان پاک کرد).

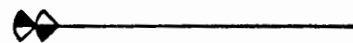
یادآوری درباره این نکته توجه کنید:

دانش آموزان با تمرینهایی که انجام داده اند باید تاکنون قافیه وردیف را خوب شناخته باشند (رجوع شود به صفحه ۷۵ همین کتاب). اکنون در این درس مثنوی و قصیده را می شناسند. نخست باید دانست که بیتی را که قافیه دو مصراع آن یکسان باشد مصراع^۱ می نامند. دره مثنوی همه بیتها مصراع است و در عین حال بیتها با هم، هم قافیه نیستند. می توان برای تفهیم این مطلب از شکل استفاده کرد به این ترتیب که هر بیت را با دو خط وقافیه آخر هر دو مصراع را با علامتی همچون دایره یا مثلث یا مربع نشان داد:

دف و چنگ و نی را هم آواز کرد



همیشه برو بومش آباد باد



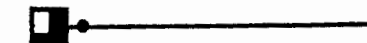
به کوه اندرون لاله و سنبل است



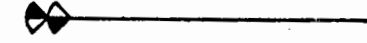
نه گرم و نه سرد و همیشه بهار



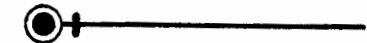
سراینده ای این غزل ساز کرد



که مازندران شهر ما یاد باد



که در بوستانش همیشه گل است



هوا خوشگوار و زمین پرنگار



.....

۱- از بکار بردن این اصطلاح در کلاس خودداری شود.

در قصیده فقط بیت اول مُصرع است. و در عوض همهٔ بیتها با هم، هم قافیه هستند. پس شکل آن به این ترتیب می‌تواند باشد:

هنکام فرودین که رساند زما درود	بر مرغزار دیلم و طرف سپید رود
کز سبزه و بنفشه و گل‌های رنگ‌رنگ	کویی بهشت آمده از آسمان فرود
دریا بنفش و مرز بنفش و هوا بنفش	جنگل کبود و کوه کبود و افق کبود
اشجار، گونه‌گون و شکفته‌میان‌شان	گل‌های سیب و آلو و آبی و آمرو

پاسخ تمرین ۱:

نوشهر، رامسر، چالوس، بابل، شاهی، ساری و گرگان.

پاسخ تمرین ۲:

بنفشه، سیب، آلو، آبی، آمرو.

توضیح دربارهٔ تمرین ۳:

فردوسی شعر خود را از زبان سرود خوانی نقل می‌کند و از زیباییهای طبیعی و خوشگواری هوای آن سخن می‌دارد. بهار شعر خود را با پرشی آغاز می‌کند که کیست که از ما به دیلم و طرف سپیدرود، درود برساند. و در ضمن شعر خود از شهرهای زیبای مازندران نام می‌برد و اشاره به راه آهن مازندران می‌کند. ملک الشعراء بهار از شاعران قرن حاضر است و در این عصر علاوه بر زیباییهای طبیعت، صنعت نیز بر رونق و جلای مازندران افزوده است: از يك سو راه آهن دل‌کوهها را شکافته و پایتخت کشور را به شهرهای مازندران نزدیک کرده است و از سوی دیگر جاده‌ای آسفالتی شهرهای کنارهٔ دریا را به هم می‌پیوندد. جاده‌ای که يك سوی آن جنگلهای سبز و خرم مازندران و گیلان و سوی دیگر آن دریای خزر است. این است که در شعر بهار از ترن و زیبایی شهرها سخن بمیان آمده و خواننده به مسافرت تشویق شده است.

پاسخ تمرین ۴:

در مثنوی دو مصراع هریبتهی دارای يك قافیه است و قافیه بیتها با هم فرق می‌کند.
در قصیده فقط دو مصراع بیت اول هم قافیه است ولی در عوض قافیه بیتها با هم یکی است.
* شعر صفحه ۱ و صفحه ۴۶ هر دو مثنوی است.

درس سی و پنجم:

طوفان نوح (صفحه ۱۹۷)

هدف:

- ۱- آشنایی با یکی از داستانهای مشهور مذهبی که در ادبیات نیز بسیار مورد اشاره شاعران و نویسندگان قرار می‌گیرد.
- ۲- آشنایی با نثر قدیم فارسی و اطلاع اجمالی از تاریخ زبان فارسی.
- ۳- آشنایی با کتاب تاریخ بلعمی و قصص الانبیا.
- ۴- آشنایی بیشتر با صفت (دستور زبان فارسی).

یادآوری:

* تاریخ بلعمی، از کتابهای مشهور قرن چهارم هجری است. مأخذ اصلی این کتاب تاریخ طبری است، تاریخ طبری که به تاریخ الرسل والملوک موسوم است تألیف محمد بن جریر طبری، در گذشته به سال ۳۱۵ هجری قمری، است. ابوعلی محمد بلعمی وزیر منصور بن نوح سامانی تاریخ طبری را ترجمه و تلخیص کرد و خود مطالبی از کتابهای دیگر بر آن افزود. تاریخ بلعمی بارها بطبع رسیده. مطالب درس از کتاب تاریخ بلعمی چاپ اداره نگارش سابق گرفته شده است.

* قصص الانبیا، از متون معتبر فارسی است. مؤلف کتاب ابواسحق ابراهیم نیشابوری است. زمان تألیف کتاب و همچنین عصر مؤلف دقیقاً معلوم نیست، در قرن پنجم و احتمالاً در اواخر آن تألیف شده است.

* داستان طوفان نوح، از داستانهای بسیار مشهوری است که در بین یهودیان و عیسویان و مسلمانان رایج است. این داستان در تورات و در قرآن مجید نیز نقل شده است. برای آگاهی بیشتر از این داستان می‌توان به تاریخ بلعمی و یا لغت نامه دهخدا (ذیل طوفان) مراجعه کرد.
* برای آگاهی درباره زبانهای ایران پیش از اسلام می‌توان به مقدمه جلد اول

فرهنگ فارسی معین مراجعه کرد.

روش تدریس:

آموزگار قبلاً مقدمه درس را بشرح توضیح می‌دهد و سپس متن درس به صورت آزاد خوانده می‌شود. البته باید توجه کرد که سبک این نوشته برای دانش آموزان کاملاً تازه‌گی دارد و این تازه‌گی بیشتر در ساختمان جمله است نه در کلمات. شایسته است آموزگار در هر جمله توضیحات لازم بدهد و جمله‌ها را به نثر امروز برگرداند تا فرق نثر قدیم و نثر جدید برای دانش آموزان کاملاً معلوم شود. مثلاً در آغاز درس که دانش آموزان می‌خوانند: «نوح را افزون از هزار سال زندگانی بود.» باید توضیح داد که امروزه ما می‌گوییم: «نوح بیشتر از هزار سال زندگانی کرد.» وقتی که قسمت اول درس که از تاریخ بلعمی نقل شده خوانده شد، آموزگار می‌گوید اینک دنباله این داستان را از کتاب دیگری می‌خوانیم و آنگاه قصه الانبیا را بشرحی که قبلاً گذشت معرفی می‌کند و سپس بقیه درس به ترتیب قسمت اول خوانده می‌شود.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- در زمان هخامنشیان به فارسی باستان و در زمان ساسانیان به فارسی میانه. ۲- دنباله فارسی دری. ۳- از کتاب تاریخ بلعمی. ۴- از کتاب قصه الانبیا. ۵- در پنجاه سالگی. ۶- نهصد و پنجاه سال (هزار سال عمر کرده و در پنجاه سالگی هم به پیغمبری رسیده). ۷- دعا کرد و از خدا خواست که قومش را هلاک کند. ۸- فرمان داد تا درخت ساج بنشانند (نهالش را بنشانند). ۹- در چهل سال. ۱۰- فرمان داد تا کشتی درست کنند. ۱۱- جبرئیل. ۱۲- زیرا حرف او را باور نمی‌کردند از این رو او را مسخره می‌کردند. ۱۳- آمدن آب از تنور. ۱۴- هفتادتن. ۱۵- چهار دختر و چهار پسر داشت. ۱۶- کنعان. ۱۷- برکوه جودی.

دستور زبان فارسی:

دانش آموزان صفت را در فارسی چهارم آموخته‌اند و اینک در اینجا با اصطلاح موصوف آشنا می‌شوند و یاد می‌گیرند که موصوف چه مفرد باشد و چه جمع صفت همیشه مفرد می‌آید.

پاسخ تمرین ۱:

نوح ندانست که کشتی چگونه کند = نوح نمی‌دانست که چگونه کشتی بسازد.

چون نوح را روزگار برآمد دعا کرد بر قوم خویش به هلاک = چون روزگاری بر نوح گذشت دعا کرد تا قومش کشته شوند.

درخت ساج به چهل سال تمام شود = درخت ساج در چهل سال می رسد.
بدان چهل سال خلق را به خدای همی خواند = در آن چهل سال مردم را به خدا دعوت کرد .

خلق بدو بخندیدندی و فسوس کردند = مردم به او می خندیدند و او را مسخره می کردند.

نوح را چهار پسر بود = نوح چهار پسر داشت.
در ساعت غرقه شد با همه کافران = همان ساعت (فوراً) با همه کافران غرق شد.
کشتی نوح را باد بر سر آب همی برد = باد کشتی نوح را بر روی آب می برد.

پاسخ تمرین ۲ :

بلی، و آن نکته این است که در این داستان اختراع کشتی به نوح نسبت داده می شود و اما از لحاظ تحقیق تاریخی می توان گفت که ساختن کشتی پیش از بوجود آمدن داستان نوح معمول بوده است.

پاسخ خود را بیازمایید (۷) (صفحه ۲۰۲)

شماره ۱: (۵/۴ نمره)

مفهوم شعرها:

بلبل سرودخوان در باغ است. آهوی خرامنده در مرغزار است.
از جست و جوی هیچوقت آسودگی ندارد. همه سال (در تمام فصول سال) همه جا پراز رنگ و بوست.

زنگار غم و اندوه را به وسیله مسافرت با راه آهن از دل پاک کن.
اینجاست که می توان زنگ را به وسیله آهن (راه آهن) پاک کرد.
(رجوع شود به صفحه ۱۴۴ پاسخ پرسش ۹)

شماره ۴: (۵ نمره، هر پرسش ۱/۲۵ نمره)

پاسخ الف وب در تمرین ۴ درس ۳۴ صفحه ۱۴۶.

ج - زبان فارسی امروز دنباله زبان دری است، زبان دری نیز دنباله زبان فارسی میانه است که با برخی لغت‌های عربی آمیخته شده. زبان فارسی میانه نیز دنباله زبان فارسی باستان است. د - یکی از پیغمبران قدیم که نامش در تورات و درقرآن مجید آمده است.

شماره ۳: (۲ نمره)

گل‌های رنگ رنگ - روزگار تلخ و تار - پیچ خفته - سکوت ریشخند آمیز.

شماره ۴: (۶ نمره)

خداوند به نوح پیغمبری داد.
نوح دانست که تا چهل سال ایشان گشته نخواهند شد.
ساج را بیرو (برزمین) بینداز و از آن تخته درست کن و تخته‌ها را با میخ به یکدیگر بدوز.
نوح با قوم خود که هفتاد نفر بودند داخل کشتی شد.
خداوند دعای او را قبول کرد.

شماره ۵: (۲/۵ نمره)

زیب، آرایش، زینت، زیور
نزهت، خرمی، خوشی
خطه، سرزمین، دیار
عذاب، شکنجه
زیبایی، جمال

درس سی و ششم:

رستم - رستم پهلوان بیمانند شاهنامه (۱)

(صفحه ۲۰۳)

هدف:

۱- شناختن بزرگترین قهرمان حماسه ملی ایران.

- ۲- خواندن متن به نثر و شعر.
- ۳- آشنایی بیشتر با شعر فردوسی.
- ۴- آشنایی بیشتر با شعر نو (در بخش سوم درس).
- ۵- تقویت حس وطن پرستی و ایران دوستی.
- ۶- تقویت و تلطیف ذوق ادبی.
- ۷- شناختن مضاف الیه و فرق آن با صفت و شناختن قید (دستور زبان فارسی، در بخشهای دوم و سوم درس).

یادآوری:

* **رستم**، بزرگترین پهلوان داستانهای حماسی و ملی ایران است. پدر رستم زال نام دارد و زال خود فرزندانم است. مادر رستم رودابه است که دختر مهرباب، شاه کابل است. تهمتن (tahmtan) که گاهی تهمتن (tahamtan) نیز خوانده می شود لقب رستم است و گاهی همچون صفت برای وی بکار می رود [تهم (tahm) به معنی قوی و نیرومند است]. طبق روایت شاهنامه رستم در حدود ۶۰۰ سال عمر کرد، از روزگار پادشاهی منوچهر تا بهمن.

برخی از محققان معتقدند که رستم اصلاً شخصی تاریخی است و به احتمال یکی از سرداران و پهلوانان سیستان در دوره اشکانی است که بر اثر کارهای مهم و دلاوریها و جنگهایش در داستان ملی ایران راه جسته و کم کم صفات جسمی و کارهای او شاخ و برگ گرفته و او را به شکل موجودی افسانه ای و خارق العاده درآورده است. در هر حال آنچه مهم است اینکه پیوسته از رستم به عنوان بزرگترین پهلوان حماسه ملی ایران و مظهر دلاوری و جوانمردی و ایران دوستی یاد شده و همچنانکه در متن درس گفته شده در طول قرون متمادی داستانهایی او در ایرانیاں شور میهن دوستی و دلاوری و مردانگی دمیده است. برای آگاهی بیشتر از احوال و اعمال رستم و نیز تحقیقات مربوط به رستم علاوه بر شاهنامه فردوسی می توان به کتاب حماسه سرایی در ایران نوشته دکتر ذبیح الله صفا و لغت نامه دهخدا (ذیل رستم) و کتاب حماسه ملی ایران نوشته «تئودور نلدکه» ترجمه بزرگ علوی مراجعه کرد.

* درباره بدنیا آمدن رستم که با بیهوش کردن و شکافتن پهلوی مادر انجام می گیرد باید گفت که در پزشکی این عمل را سزارین (sezārian) می گویند و کلمه سزارین از نام سزار [ژول سزار رومی (در فرانسوی Jules césar)] گرفته شده است؛ چه مشهور است که ژول سزار بدین ترتیب از مادر زاده شده است. با توجه به اینکه رستم نیز با چنین عملی زاده

شده و تاریخ بوجود آمدن داستانهای مربوط به رستم احتمالاً باید قدیمتر از زمان سزار باشد. داستان زاده شدن رستم از نظر تاریخ پزشکی و جراحی در ایران حائز اهمیت است. در این باره می توان مراجعه کرد به تاریخ طب در ایران تألیف دکتر محمود نجم آبادی، صفحه ۲۸۱.

روش تدریس :

قسمتهای منثور درس به طریق آزادخوانی و شعرهای آن به طریق خطایی تدریس می شود. پیش از تدریس، آموزگار به معرفی رستم می پردازد و در این کار از معلومات قبلی دانش آموزان مدد می گیرد (در سال سوم، قسمتهایی از داستان رستم و سهراب را خوانده اند و اجمالاً می دانند که رستم یکی از پهلوانان بزرگ ایران است).

پاسخ پرسشهای درس :

- ۱- بزرگترین و پرشکوه ترین کتاب در زبان فارسی و یکی از معروفترین حماسه های جهان است. ۲- داستانهایی از قهرمانان نامدار ایران کهن ۳۰ رستم. ۴- پسر زال. ۵- سام. ۶- دلیر و جوانمرد و هنرمند و هوشیار و نرمخو و قهرمان قهرمانان و جهان پهلوان بی همتا. ۷- در ایرانیان شور میهن دوستی و دلاوری و مردانگی دمیده است. ۸- پهلوی مادرش را با شمشیر شکافتند و رستم را از شکم مادر بیرون آوردند. ۹- کودکی بود بسیار قوی و بلند بالا که به قول فردوسی به يك روزه گفتی که يك ساله بود. ۱۰- گریزی که از سام به یادگار مانده بود. ۱۱- دست بر پشت هر اسبی که می گذاشت اسب از زور مندی رستم پشت خم می کرد. ۱۲- گفت هر کس که به این کره نزدیک می شود مادرش مانند شیر می گردد و سوار را از کره اش دور می کند ۱۳- وقتی که دست بر پشت رخس بفشرد رخس پشت خم نکرد. ۱۴- پاسخ داد اگر تو رستم هستی به وسیله این اسب باید ایران را سامان دهی که قیمت این اسب برابر با سرزمین ایران است (باید توجه داشت که منظور چوپان از اینکه می گوید که «گر رستمی برو راست کن روی ایران زمی» این است که این اسب برای توشایسته است، تو و این اسب باید ایران را از گزند دشمنان در امان نگاه دارید.) ۱۵- زیرا منظورش این بود که دارنده این اسب باید آن را برای خدمت به ایران و برای دفاع از ایران سوار شود. ۱۶- شعری که در آن از دلاوریها و جنگهای قهرمانان يك ملت برای نگهداری میهن و شرف و افتخار گفتگو می شود.

پاسخ تمرین ۱ :

برز، قد، بالا، قامت
مثال، سرمشق، نمونه
زیب، زینت، آرایش، زیور

پاسخ تمرین ۲ :

در این بیتها مرد [= رستم] به سرو سهی [= سرو راست] و بچه [= رستم] به پهلوانی
شیر مانند تشبیه شده است.

پاسخ تمرین ۳ :

به جای کلمه‌های قرمز بترتیب می‌توان این کلمه‌ها را گذاشت:
قد ، قامت ، شگفت‌آور [یا عجیب] ، می‌اندازد ، تعجب [یا شگفتی] ، نخست
[یا اول] ، آنقدر [یا به اندازه‌ای] ، مشکل [یا سخت] ، چاره اندیشی ، بسیار تیز ،
استاد ، پیش آوردند.

پاسخ تمرین ۴ :

دیدار = ملاقات، دیدن

پاسخ تمرین ۵ :

پیل، همان فیل است که از جانوران بزرگ خشکی است.
نهنگ، همان است که تمساح نیز گویند و از خزندگان بزرگ است.
سیمرخ، پرنده‌ای است افسانه‌ای.
شیر، حیوان درنده مشهور که به پادشاه وحوش شهرت دارد.
اسب، جانور اهلی مشهور که برای سواری و بارکشی بکار می‌رود.
مادیان، اسب‌ماده
کره، بچه اسب
اژدها، مار یا مار بزرگ

پاسخ تمرین ۶ (نمونه) :

سرگذشت رستم از همان آغاز شگفت انگیز است. در این جمله سرگذشت مضاف، و رستم مضاف الیه است.
علی مداد منوچهر را به امانت گرفت. در این جمله مداد مضاف، منوچهر مضاف الیه است.

پاسخ تمرین ۷ :

اسم	موصوف و صفت	مضاف و مضاف الیه
قلم	قلم باریک	قلم علی
لباس	لباس تمیز	لباس کار
دبستان	دبستان بزرگ	دبستان ده
خیابان	خیابان دراز	خیابان شهر
خانه	خانه کوچک	خانه جمشید
کوچه	کوچه کم عرض	کوچه مهر داد
درخت	درخت تناور	درخت بادام
کشتی	کشتی محکم	کشتی ناخدا علی
دیوار	دیوار بلند	دیوار خانه
نان	نان سفید	نان گندم
پنیر	پنیر خوشمزه	پنیر تبریز
شیر	شیر فاسد	شیر گاو
شاگرد	شاگرد درس خوان	شاگرد مدرسه
کتاب	کتاب خوب	کتاب حسین

پاسخ تمرین ۸ :

پهلوان پیلتن، کسی که خداوند مانند او سواری نیافریده است.
پهلوانی که دل شیر دارد یعنی همچون شیر جسور و بیباک است.

پهلوانی که اذدریای نیل [قدما نیل را دریا می گفتند] نهنگ بیرون می آورد.

درس سی و هفتم :

رستم - هفت خان رستم (۲)

(صفحه ۲۰۹)

هدف و روش همان است که در بخش نخست گفته شد.

یادآوری :

تندر = غرش ابر، صدایی که از برخورد ابرها به گوش می رسد (در فارسی چهارم در این شعر خوانده اند: برق چون شمشیر بران- پاره می کرد ابرها را- تندر دیوانه غران- مشت می زد ابرها را).

پاسخ پرسشهای درس :

۱- در زمان کاوس شاه. ۲- درمازندران. ۳- رستم در سفر مازندران در هفت مرحله از مراحل راه حوادث و خطراتی دید که آنها را هفت خان می گویند. ۴- شیری به رخس حمله کرد. ۵- رستم پیروزمند از بیابان گرم و بی آب و علف گذشت. ۶- اژدهایی نمودار شد و به رخس رو آورد. ۷- گمان کرد رخس بی علت او را بیدار کرده است. ۸- با دندان دوگفت (دوش) اژدها را کند. ۹- گنده پیر جادو را. ۱۰- با پهلوانی به نام اولاد درآویخت. ۱۱- با ارژنگ سالار دیوان نبرد کرد. ۱۲- بر دیو سفید چیره شد و کاوس شاه را با همراهانش از بند رهایی داد و به پایتخت آورد.

دستور زبان :

در توضیح فرق موصوف و صفت با مضاف و مضاف الیه باید مثالهای متعددی آورد تا مطلب کاملاً تفهیم شود. در اینجا چند مثال به عنوان نمونه ذکر می شود:
کتاب علی (مضاف و مضاف الیه) ، کتاب چیزی غیر از علی است (می توان به هر کدام مستقلاً اشاره کرد: این علی است. این کتاب است).
کتاب خواندنی (موصوف و صفت) ، خواندنی چیز خارج از کتاب نیست و نمی توان به آن اشاره کرد.

در اتاق (مضاف و مضاف الیه)، در چیزی غیر از اتاق است (می‌توان مستقلاً به هر دو اشاره کرد) .
در محکم (موصوف و صفت)، محکم در خارج از در وجود ندارد و نمی‌توان به آن اشاره کرد و آن را نشان داد.

پاسخ تمرین ۱ :

از نمل او زمین همه جا چاك چاك شد.
چون رخس زور تن اژدها را دید.
تیغ زد و سرش را از تن انداخت.
که کس نشنید بچه‌ای [چون] پیلتن [باشد].

پاسخ تمرین ۲ :

به جای شتابان، درحالی که شتاب داشت.
به جای افتان و خیزان، درحالی که می‌افتاد و برمی‌خاست.
به جای خروشان و غران، درحالی که می‌خروشید و می‌غرید.
به جای نالان، درحالی که می‌نالید.

پاسخ تمرین ۳ :

آرایشگاه، آزمایشگاه، آسایشگاه، آموزشگاه، اقامتگاه، ایستگاه، پالایشگاه،
پرتگاه، پناهگاه، تعمیرگاه، چراگاه، دادگاه، دانشگاه، زیارتگاه، فرودگاه، فروشگاه،
گردشگاه، نمایشگاه، ورزشگاه.

پاسخ تمرین ۴ (نمونه) :

صفات مناسب رستم: دلاور، دلیر، جوانمرد، میهن دوست، جنگاور.
صفات مناسب رخس: رویینه سم، زورمند، پیلتن.

پاسخ تمرین ۶ :

موصوف و صفت	مضاف و مضاف الیه
سپاه بیکران	لشکر ایران
راه هموار	کتابخانه شهر
مسابقه شورانگیز	مسابقه فوتبال
پهلوان دلیر	شیشه پنجره
کتاب خواندنی	کفش جمشید
بلبل خوش آواز	هوای کوهستان
هوای گرم	استخر باغ
دلاوریهای شگفت انگیز	کشتی نوح
کاغذ سفید	آب چشمه
شمشیر تیز	اتاق شما

درس سی و هشتم :

رستم - سرانجام رستم (۲)

(صفحه ۲۱۵)

هدف و روش همان است که در بخش نخستین گفته شد.

پاسخ پرسشهای درس:

- ۱- برادر ناتنی رستم. ۲- حمله گر و مکار و بداندیش بود. ۳- به پیش شاه کابل. ۴- یعنی از ایران اطاعت می کرد و به ایران باج (= مالیات) می داد. ۵- زیرا به خاطر ترس از رستم بود که فرمانبردار و باجگزار ایران شده بود (و بعلاوه باجی که از کابل می آمد به رستم می رسید). ۶- او را به مهمانی و شکار دعوت کردند و در شکار گاه چاهها کردند و در هر چاهی نیزه و شمشیر گذاشتند و سرچاهها را پوشاندند چنانکه رستم در هنگام شکار بارخش به یکی از این چاهها افتاد. ۷- خان هشتم. ۸- درهفت خان از خطرها سلامت گذشت درحالی که درخان هشتم گرفتار شد. ۹- تکیه گاه و امید کشور ایران، شیرمرد میدان جنگهای ترس آور، صاحب و سوار رخس، کسی که لبخند در جنگ و صلح از لبش دور نمی شد، شیر کشور ایران. ۱۰- تاریک، ژرف،

پهناور که ازهرسو درد یوارهایش نیزه وخنجر کاشته اند، چاه خیانت ناجوانمردان. ۱۱- زهرشمشیر و سنان بود(در قدیم لبه و نوک شمشیر و سنان را به زهر می آغشتند تا زخمش کاری و کشنده باشد). ۱۲- زیرا حیلۀ ای که شاه کابل و شغاد بکار برده اند بسیار بیشمارانه و پست است و رستم چون فکر نمی کرد اینان اینچنین با وی ناجوانمردی کنند حتی نمی تواند این منظره را ببیند و به آن فکر کند. ۱۳- دید از بس خون از تنش رفته، گویی حس و هوشش رفته و در حال خوابیدن افتادن است. ۱۴- زیرا بیشتر متوجه رخس بود و از زخمی شدن رخس و مرگ او بیشتر رنج می برد تا زخمی شدن و به حال مرگ افتادن خودش. ۱۵- یال و روی رخس را نوازش می کرد و می بوید و می بوسید.

دستور زبان :

صفت برای بیان حالت یا چگونگی اسم می آید مثلاً وقتی که می گوئیم: آتش آهن سخت را ذوب می کند. سخت، چگونگی آهن را نشان می دهد. قید همین کار را برای فعل انجام می دهد. یعنی همچنانکه صفت حالت و چگونگی اسم را بیان می کند و وابسته به اسم است، قید، چگونگی انجام یافتن فعل را بیان می کند و وابسته به فعل است. قید در زبان فارسی از سه جهت تقسیم می شود. یک بار قید را به مختص و مشترک تقسیم می کنند. قید مختص آن است که همیشه قید باشد مانند کلمه «هنوز» که غیر از قیدی حالت دیگری ندارد. قید مشترک کلمه ای است که اصلاً قید نیست بلکه ممکن است در جمله به صورت قیدی بکار رود مانند اغلب صفتها، چنانکه در جمله: شاگرد، خوب می نویسد، کلمه خوب قید واقع شده.

بار دیگر قید را از لحاظ ساختمان ظاهری می توان به قید ساده، قید مرکب و قیدی که به صورت جمله است تقسیم کرد:

علی، آهسته راه می رفت. در این جمله، «آهسته» قید ساده است یعنی یک کلمه بیشتر نیست. علی آهسته آهسته راه می رفت. در این جمله، «آهسته آهسته» قید مرکب است زیرا بیش از یک کلمه است. علی در حالی که آهسته قدم برمی داشت به منزل رفت. در اینجا، جمله «در حالی که آهسته قدم برمی داشت» قید واقع شده.

بار دیگر می توان قید را از لحاظ مفهوم آن تقسیم بندی کرد مانند قید زمان: (من «دیروز» آمدم)، قید مکان: (من «اینجا» آمدم)، قید حالت: (شاگرد، «خوب» می نویسد)، قید نفی: (من «هیچ» نمی فهمم توجه می گویی؟)، قید ترتیب: («نخست»، داریوش داخل شد)، قید تأکید: («البته» این کار را انجام می دهی) و قیدهای دیگر. در کتاب شاگرد از تقسیم بندیهای سه گانه فقط به تقسیم بندی اخیر اشاره شده و قید زمان و مکان و حالت معرفی شده است.

پاسخ تمرین ۱ :

صلح $\neq$ جنگ، پهناور $\neq$ کم وسعت ، ناجوانمرد $\neq$ جوانمرد، زیبا $\neq$ زشت ،
دیر $\neq$ زود، نشیب $\neq$ فراز.

پاسخ تمرین ۲ :

تهمتن، پورزال، پوردستان، رستم زال، رستم دستان.

پاسخ تمرین ۳ :

رجوع شود به صفحه ۱۵۶ همین کتاب.

پاسخ تمرین ۷ :

جمله	قید زمان	قید مکان	قید حالت
دررا آهسته بازکن	—	—	آهسته
علی تند تند می نویسد	—	—	تند تند
رستم نزدیک رفت	—	نزدیک	—
پرویز شتابان آمد.	—	—	شتابان
پارسال من به مسافرت رفتم	پارسال	—	—
شاگرد از کلاس بیرون رفت.	—	بیرون	—

درس سی و نهم :

میوه‌های گوه دماوند (صفحه ۲۲۱)

هدف :

- ۱- خواندن متن داستانی.
- ۲- شناختن یکی از نویسندگان معروف و معاصر ایران.

یادآوری :

* صادق هدایت (تولد ۱۲۸۱ - مرگ ۱۳۳۵ ه.ش) نویسنده توانا و بسیار معروف ایران است.

هدایت با آنکه خود از طبقه اشراف بود از فقر مردم و نابسامانی‌هایی که در محیط خود می‌دید بشدت رنج می‌برد. به گیاه‌خواری علاقمند بود و کتابی نیز در این باره به نام فواید گیاه‌خواری نوشته است. به حیوانات بشدت مهر می‌ورزید و کتاب «سگ ولگرد» وی نماینده این مهرورزی است. هدایت در ایران و در کشورهای بی‌که آثارش ترجمه شده بخصوص در فرانسه علاقه‌مندان فراوانی دارد. دانشمند و محقق مشهور علی‌اکبر دهخدا، او را یکی از نوابغ عصر حاضر می‌دانست. در مقابل، برخی به آثار او روی خوش نشان نمی‌دهند و مخصوصاً مطالعه آن را برای جوانان و کودکان زیان‌آور می‌دانند. حقیقت این است که بسیاری از آثار هدایت برای مطالعه جوانان و کودکان نوشته نشده و اصولاً این آثار برای کودکان و نوجوانان قابل درک نیست. با این‌همه در میان آثار هدایت قطعات و داستان‌ها و ترجمه‌هایی هست که بتوان بر راحتی آن‌ها را به دست کودکان داد و این نویسنده توانا را به آنان شناساند.

* بی‌دغدغه = بدون تشویش، بدون اضطراب و پریشانی خاطر.

* تبخیر = تبدیل شدن مایع به صورت بخار.

روش تدریس :

درس به صورت صامت خوانی تدریس می‌شود.

پاسخ پرسشهای درس:

۱- یکی از نویسندگان معروف و معاصر ایران ۲- روزی یکی از کارگران معدن زغال سنگ شمشک به هدایت گفت که قطعه زغالی در معدن دیده که شبیه میمون بوده. ۳- صدها هزار سال پیش. ۴- جانوران درنده و چرنده و میمونهای بزرگ که بنای گی به آنجا کوچ کرده بودند. ۵- پاسخ در بند سوم درس. ۶- حسود و کینه‌ور و جاه طلب بود، صورت مکاری داشت و خوب نطق می‌کرد. ۷- زیرا رئیس و پیشوای قبیله میمون‌ها بود. ۸- از درختی بالا رفت و خود را از جنگ میمون و ببرها برکنار کشید. ۹- از آنجا که نتوانست دروغ کیسا را آشکار کند و بگوید ببرها را من کشته‌ام نه کیسا. ۱۰- وقتی که دهاکی میمون‌ها را کشت از درخت پایین آمد و فریاد کشید ببرها را من کشته‌ام و چون دهاکی زخمی بود خود به خود کیسا رئیس و پیرمرد قبیله میمون‌ها شد. ۱۱- آتشفشانی کوه دماوند. ۱۲- همه در زیر مواد آتشفشانی مدفون شدند. ۱۳- صادق هدایت فرض کرده است که یک چنین واقعه‌ای باید اتفاق افتاده و میمون‌هایی در زیر خاک مدفون شده باشند تا بتوان در معدن زغال سنگ، قطعه زغالی به شکل

میمون پیدا کرد (باید توجه داشت که زغال سنگ بقایای گیاهان میلیون‌ها سال پیش است که در باتلاق‌ها مدفون شده و در عصری که این تحول انجام می‌گرفته، بسیاری از حیوانات از جمله میمون‌ها هنوز وجود نیامده بودند، بنابراین، فرض نویسنده که میمون‌ها در زیرمواد آتشفشانی مدفون شده و تبدیل به زغال سنگ شده‌اند، کاملاً تخیل‌آمیز و افسانه‌ای است).

پاسخ تمرین ۱:

بند اول، مقدمه؛ بند دوم، خانواده میمون‌ها؛ بند سوم و چهارم، وصف اندام کیسا و دیگر صفات او؛ بند پنجم، جنگ دهاکی با ببرها؛ بند ششم، روبرو شدن کیسا با میمون‌ها؛ بند هفتم، پراکنده شدن میمون‌ها؛ بند هشتم، وصف شب؛ بند نهم، وصف سپیده دم؛ بند دهم، سرانجام داستان.

پاسخ تمرین ۲:

نگاه تحسین‌آمیز، ذهن خیال‌پرداز، فرد سرشناس، بانگ تندر آسا، قیافه تهدید‌آمیز، مایع لزج.

پاسخ تمرین ۳:

بترتیب باید این کلمه‌ها را گذاشت: الف: مشرف، ب: فوران، ج: جاه‌طلبی، د: نایل، ه: منعکس.

پاسخ تمرین ۵:

جمله	قید زمان	قید مکان	قید حالت
از قلعه دماوند پیوسته دود و بخار خاکستری رنگی بیرون می‌آمد.	پیوسته	بیرون	—
قبل از ورود کیسا، میمون‌ها، آرام و آسوده می‌خوردند و زندگی می‌کردند.	—	—	آرام و آسوده
کیسا عصازنان به سوی لانه‌اش برگشت.	—	—	عصازنان
کیسا هنوز از لانه‌اش خارج نشده بود که صدای ترسناکی از کوه دماوند بلند شد و زمین بشدت لرزید.	هنوز		بشدت
دودها فاصله بفاصله فروکش می‌کرد.			فاصله بفاصله

پاسخ خود را بیازمایید (۸) (صفحه ۲۲۸)

شماره ۱: (۱۲ نمره)

کارهای شگفت و تعجب‌آور در جهان بسیار از رستم سر زده است. هر کسی از او داستان‌هایی بیاد دارد. مردانه و جنگ‌آور است (مایهٔ مردانگی و جنگ از او سرچشمه می‌گیرد). اوست که عقل و علم و سنگینی و وقار و قدر و مرتبه دارد. مردی قدبلند چون سرو و با زیور وزینت و با شکوه و جلال است.

شماره ۲: (۱۲ نمره)

شماره ۳: (۸ نمره)

الف - زیرا جوانمرد ودلیر و میهن‌پرست بوده و باعث عظمت و بزرگی ایران بوده است.

ب - پاسخ در صفحه ۲۰۴	کتاب شاگرد
ج - د د د ۲۰۹	د د
د - د د د ۲۲۱	د د

شماره ۴: (۱۰ نمره)

تندر آسا، سرشناس، تهدیدآمیز، گنده پیر، باجگزار

شماره ۵: (۸ نمره)

تزویر، حيله، مکر
مثال، نمونه، سرمشق
ژرف، گود، عمیق
حيله‌گر، مکار، فریبنده
ناورد، جنگ، نبرد، کارزار
برز، قد، قامت
سهی، راست، مستقیم

دیدار، چهره، روی، صورت

شماره ۶ : (۲۲ نمره)

اسم خاص	اسم عام	فعل	ضمیر	صفت
پرویز	کلاس	می گفت	ایشان	سفید
البرز	شهر	فرمان دادند	تو	حمله گر
مهین	سخن	اندیشید	من	زیرک
آرش	دفتر	آمدیم	او	تنبل
رستم	پسر	فراخواند	شما	هوشیار
سعدی	کوه	رفت	ما	خوب
فردوسی	سپاه	شنیده اند		ناتوان
تهران	شعر	می نشیند		خشن
شغاد	دختر	افزود		زیبا
	مدرسه			
	پاکت			

شماره ۷ : (۱۸ نمره)

قید	فعل	مضاف الیه مفعول	صفت مفعول	مفعول	مضاف الیه فاعل	صفت فاعل	فاعل	گزاره	نهاد
بخوبی	معالجه کرد	—	بیمار	مرد	—	ماهر	طبيب	مرد بیمار را بخوبی معالجه کرد	طبيب ماهر
این سو و آن سو	می بردند	—	—	شعر	—	—	جها نگردان	شعر رودکی را این سو آن سو می بردند	جها نگردان
هر روز	بالا می برد	—	سنگین	گاو	—	زیبا	دختر ك	گاو سنگین را هر روز بالا می برد	دختر ك زیبا
—	پذیرفت	—	ناشنوا	كودك	—	—	باغچه بان	كودك ناشنوا را پذیرفت	باغچه بان
ناجوانمر دانه	افكند	—	دلور	برادر	—	حیلگر	شناد	برادر دلور را ناجوانمر دانه به چاه افكند	شناد حیلگر

شماره ۸ : (۱۰ نمره)

توضیح : جمع نمره ها ۱۰۰ می شود که باید بر ۵ تقسیم شود.

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ج ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲
زیرا	ازیرا	درس اول	۱
جوان	برنا	«	۲
بی احتیاجی، توانگری	بی نیازی	«	۳
صاحب، دارنده، خدا	خداوند	«	۴
آسمان	سپهر	«	۵
بزرگی، شوکت	شکوه	«	۶
روشن کننده	فروزنده	«	۷
آفریننده، خدا	کردگار	«	۸
که خرد دل را به نام او راهنمایی کرد	که دل را به نامش	«	۹
	خرد داد راه		
میل کن، روکن، روی آور	گرای	«	۱۰
خورشید	مهر	«	۱۱
واگر چند، و هر اندازه (زدانش در بی نیازی	و گر چند	«	۱۲
بجوی- و گر چند سختیت آید به روی. یعنی هر			
اندازه که در کسب دانش سختی ببینی باز به دنبال			
دانش برو و از راه کسب دانش خود را بی نیاز کن).			
استراحت کنم	بیاسایم	درس دوم	۱۳
گوارا، خوشایند	خوشگوار	«	۱۴
آن که مصیبت مرگ عزیزی بدورسیده و دلش	داغدیده	«	۱۵
بدان سبب سوخته باشد			
اجازه	رخصت	«	۱۶
مکان، جا	سامان	«	۱۷
پیمان می بندم	عهد می کنم	«	۱۸
واحد قدیم اندازه گیری طول، برابرش کیلومتر	فرسنگ	«	۱۹

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ج. ۴۰ ع. ۴۰
باری که با پشت کشند	کوله بار	درس دوم	۲۰
آمدن	مقدم	«	۲۱
بیفشاند، پاشد، بریزد	نثار کند	«	۲۲
نگاه کرد	نظر انداخت	«	۲۳
رفیق، همراه	همدم	«	۲۴
یاری کننده	یاور	«	۲۵
پافشاری، اصرار	ابرام	درس سوم	۲۶
سیاه دل	تیره دل	«	۲۷
سنگ سخت	خارا	«	۲۸
ایستادگی کرد	دراستاد	«	۲۹
آن که با دیگران دست و پنجه نرم کند، پرزور	زور آزمای	«	۳۰
لجوج	سخت سر	«	۳۱
چنانکه هست	کماهی	«	۳۲
که هستی	که ای	«	۳۳
سنگ گران و سنگین و درشت	گران سنگ	«	۳۴
یکی از شاعران بزرگ معاصر است که آثاری به نظم و نثر از او باقی مانده است. وی در سال ۱۳۳۵ درگذشت.	ملك الشعراء بهار	«	۳۵
بیار نیامد، حاصل نشد	نامد بیار	«	۳۶
بعضی	برخی	درس چهارم	۳۷
برزبان آوردن کلمه	تلفظ	«	۳۸
قاره جنوبگان = قطب جنوب و نواحی اطراف آن	جنوبگان، قاره	«	۳۹
در چاپخانه ها چند نوع حرف وجود دارد.	حروف سیاه،	«	۴۰
از جمله حرف سیاه و نازک...	حروف نازک		

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ردیف
نوشته شده	درج شده	درس چهارم	۴۱
نشانی که کلمه یا سخنی یا مطلبی را بکوتهای نمایش می دهد مثلاً (ع) در مقابل نام امامها، نماینده علیه السلام. (ا) در کتاب لغت نماینده اسم است.	علامت اختصاری	،	۴۲
علامتها	علائم	،	۴۳
فتحه، زبر	فتح	،	۴۴
محل رجوع؛ کتابهای مرجع، یعنی کتابهایی که برای مطالعه نیست بلکه برای رفع اشکال به آنها رجوع می کنیم.	مرجع	،	۴۵
کشف کننده	مکتشف	،	۴۶
نوآوری، اختراع	ابتکار	درس پنجم	۴۷
اختراع	ابداع	،	۴۸
تکیه کردن، اعتماد کردن	اتکا	،	۴۹
صبر	بردباری	،	۵۰
بی چیز، فقیر (بضاعت = مال، سرمایه)	بی بضاعت	،	۵۱
دنباله دار	پی گیر	،	۵۲
پیشه	حرفه	،	۵۳
ذهن جوینده، هوش و عقل جوینده	ذهن جو یا	،	۵۴
نظم و ترتیب دادن	سامان بخشیدن	،	۵۵
روش، شیوه	سبک	،	۵۶
بزرگوار، شرافتمند	شریف	،	۵۷
طبیعت، سرشت	طبع	،	۵۸
بیهوده	عبث	،	۵۹

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ج ۴۰ ع ۴۱
علاقه بسیار داشتم	عشق می‌ورزیدم	درس پنجم	۶۰
پرکار	فعال	«	۶۱
درک، فهم	قریحه	«	۶۲
سرزمینی در کشور اتحاد شوروی	قفقاز	«	۶۳
لال	گنگ	«	۶۴
فهم سخنان گوینده از راه نگاه کردن به حرکت- های لب‌او، نه از راه شنیدن. به‌کروالها یاد می‌دهند که به لب کسی که حرف می‌زند نگاه کنند و از روی حرکت‌های لب گوینده مقصود آنها را بفهمند.	لب‌خوانی	«	۶۵
سختیها، بلاها	مصایب	«	۶۶
بازخواست	مؤاخذه	«	۶۷
ارجمند، با ارزش	والا	«	۶۸
واسطه نمی‌شد. (وساطت = واسطه شدن)	وساطت نمی‌کرد	«	۶۹
قاطر	استر	درس ششم	۷۰
فصل، بخشی از کتاب	باب	«	۷۱
کار بی‌اجر و مزد	بیگاری	«	۷۲
هر چه در طبیعت رخ می‌دهد چون طلوع و غروب آفتاب، رعد و برق و جز آنها	پدیده	«	۷۳
آنچه با کار و زحمت بدست آید	دسترنج	«	۷۴
تند	سریع	«	۷۵
زبان بزبان، چیزی را که کسی به دیگری بگوید و آن دیگر به‌سومی نقل کند و در طی زمان زبان بزبان بگردد گویند سینه‌بسته نقل شده‌است.	سینه‌بسته	«	۷۶

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ت. ج. ۱
مطیع	فرمانبردار	درس ششم	۷۷
افرادی که در يك دوره زندگی می کنند	نسل	«	۷۸
جانوران بیابانی و وحشی	وحوش	«	۷۹
توانایی، قدرت	یارا	«	۸۰
دریایی	بحری	درس هفتم	۸۱
صبر کننده	بردار	«	۸۲
آن که در برّ (خشکی) زندگی می کند	بری	«	۸۳
تلاش کرد، کوشید	تقلا کرد	«	۸۴
خواهش	تمنا	«	۸۵
بیچیزی، ناداری	تنگدستی	«	۸۶
چاره می جست	حیله می انگیخت	«	۸۷
مالیات	خراج	«	۸۸
ماهر	زبردست	«	۸۹
هنگام سپیده دم، صبح زود	سپیده دمان	«	۹۰
خیجل، سرافکنده	شرمسار	«	۹۱
خجلت، سرافکنندگی	شرمساری	«	۹۲
بخت، اقبال	طالع	«	۹۳
نیکی و احسان به هم نوعان	نوعپروری	«	۹۴
قرض اداکنم (گزاردن، ادا کردن)	وام بگرام	«	۹۵
مانند، شبیه، نظیر	همانند	«	۹۶
بسیار سفید و درخشان	آبدار	درس هشتم	۹۷
صدا کرد	آواز داد	«	۹۸
میل	اشتها	«	۹۹
اندوده کنی (اندودن = پوشاندن چیزی با	بیندایی	«	۱۰۰

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	صفحه
مالیدن ماده‌ای بر روی آن)			
صبح زود	پگاه	درس هشتم	۱۰۱
تنگ نظر، کسی که آسایش دیگران را نمی- تواند ببیند	تنگ چشم	«	۱۰۲
دعا	ثنا	«	۱۰۳
سرزمین	دیار	«	۱۰۴
در آب فرو رفت	غوطه‌ور شد	«	۱۰۵
قبول زحمت کنی	قدم رنجه کنی	«	۱۰۶
کاخ	قصر	«	۱۰۷
اندکی	لختی	«	۱۰۸
قبول منت می‌کنم (منت = احسان، نیکویی)	منت دارم	«	۱۰۹
مژده داد	نوید داد	«	۱۱۰
افئاد	اوفئاد	درس نهم	۱۱۱
بر آفریننده (خدا) اعتماد کرد	تکیه بر آفریننده	«	۱۱۲
	کرد		
بالا و غمخواری کرد، از اونگهداری ومواظبت کرد	تیمار خوردش	«	۱۱۳
گریبان، یقه	جیب	«	۱۱۴
دست (شغالی به‌چنگ = شغالی در دست)	چنگ	«	۱۱۵
نوعی آلت موسیقی، چنگ از چوب و پوست و مفتول ساخته می‌شود. شاعر، شخص مورد نظر را در لاغری به‌چنگ تشبیه کرده است.	چنگ	«	۱۱۶
تهیدست، بینوا	درویش	«	۱۱۷
حیله گر، تنبل	دغل	«	۱۱۸

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ج. ۴۰ ص. ۲۴
چانه	زنخدان	درس نهم	۱۱۹
رفت	شد	،	۱۲۰
آشفته حال، پریشان	شوریده رنگ	،	۱۲۱
نیکویی، احسان	صنع	،	۱۲۲
عالم ناپیدا	غیب	،	۱۲۳
حیران ماند، تعجب کرد	فروماند	،	۱۲۴
مقصود این است که در يك کفه سعی تو گذاشته می شود و در کفه دیگر به همان مقدار، مزد تو، یعنی هر قدر کار کنی همان اندازه مزد می یابی	که سعیت بود در	،	۱۲۵
جایی از مسجد که پیشنه از در آنجا نماز می گزارد	ترازوی خویش	،	۱۲۶
بدبخت	محراب	،	۱۲۷
علم، اطلاع کامل، آگاهی (یقین، دیده مرد	نگون بخت	،	۱۲۸
بیننده کرد = علم و اطلاع چشم مرد را بینا کرد)	یقین	،	۱۲۸
اسیران، آنان که در جنگ گرفتار دشمن می شوند	اسرا	درس دهم	۱۲۹
اسب	باره	،	۱۳۰
تأسیس کرده بود	بنیاد گذاشته بود	،	۱۳۱
از روی بیباکی، بدون ترس	بیباکانه	،	۱۳۲
رام و مطیع شدن (آیا باید تسلیم شد = آیا باید رام و مطیع شد)	تسلیم	،	۱۳۳
باد تند، طوفان، در اینجا حمله دشمن به طوفان و باد تند تشبیه شده است.	تندباد	،	۱۳۴
جنگ	جدال	،	۱۳۵

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	تعداد
تسلط، پیروزی	چیرگی	درس دهم	۱۳۶
پاسبانی می کردند، نگهبانی می کردند	حراست می کردند	،	۱۳۷
تعجب آور	حیرت آور	،	۱۳۸
یاد	خاطره	،	۱۳۹
خواری	خفت	،	۱۴۰
فوراً	در حال	،	۱۴۱
طی کرده بود	درنور دیده بود	،	۱۴۲
از بین برده بود	زدوده بود	،	۱۴۳
وسیله جنگی مانند تیر و شمشیر	سلاح	،	۱۴۴
ترس آور	سهمگین	،	۱۴۵
وسط کشور، پایتخت کشور	قلب کشور	،	۱۴۶
لگدخورده، پایمال شده	لگدکوب	،	۱۴۷
خواری	مذلت	،	۱۴۸
اندک	معدود	،	۱۴۹
نمونه، مثال	نمودار	،	۱۵۰
فریدون، پادشاه مشهور شاهنامه که ضحاک را شکست داد	آفریدون	درس یازدهم	۱۵۱
اردشیر بابکان بنیانگذار سلسله ساسانی	اردشیر	،	۱۵۲
از کوشش و حرکت بازمان، از کوشش و فعالیت کوتاهی نکن	از پا منشین	،	۱۵۳
به پسرها	با پسرها	،	۱۵۴
آن که سرمی بخشد، آن که از گناه خطاکارانی که باید کشته شوند و سرشان از تن جدا گردد می گذرد	بخشنده سر	،	۱۵۵

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ج. ۱ ج. ۲
پاك باطن، آن كه فكر و اندیشه بد ندارد	پاك جان	درس یازدهم	۱۵۶
قدم	پی	«	۱۵۷
گیرندگان جهان، پادشاهانی كه دنیا را در تصرف آورده اند	جهان ستانان	«	۱۵۸
کیخسرو پادشاه داستانی شاهنامه	خسرو	«	۱۵۹
داریوش اول، پادشاه بزرگ سلسله هخامنشی	دارا	«	۱۶۰
رستم آن را	رستمش	«	۱۶۱
طی کرد	سپرد	«	۱۶۲
ستایش شده	ستوده	«	۱۶۳
یکی از پهلوانان شاهنامه	طوس	«	۱۶۴
سرشته، آمیخته	عجین	«	۱۶۵
یکی از پهلوانان شاهنامه	گودرز	«	۱۶۶
یکی از پهلوانان شاهنامه	گیو	«	۱۶۷
سرزمینی در کنار رود جیحون	وخش	«	۱۶۸
دشت، صحرا	هامون	«	۱۶۹
نوعها، گونه ها	انواع	درس دوازدهم	۱۷۰
چیزهای جزئی	جزئیات	«	۱۷۱
آراستن صورت، آرایش دادن صورت به شکل اشخاص داستان نمایش که در زبان فرانسوی «گرم» گویند	چهره آرایی	«	۱۷۲
هنگام، وقت	حین	«	۱۷۳
سکوی نمایش و آنچه از آرایش و وسایل نمایش در آن دیده می شود	صحنه	«	۱۷۴
حرکت کننده	متحرک	«	۱۷۵

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ت. ج.
صبر کنید (همراه با احترام)	تأمل بفرمایید	درس سیزدهم	۱۷۶
مراسم، رسمها	تشریفات	،	۱۷۷
بخیل و ناکس که با داشتن ثروت از خرجهای لازم دریغ دارد	خسین	،	۱۷۸
چیزهای شگفت آور	عجایب	،	۱۷۹
قناعت بسیار	کمال قناعت	،	۱۸۰
بیباکانه، بیشرمانه	گستاخانه	،	۱۸۱
پست، بخیل، ناکس	لثیم	،	۱۸۲
خنده دار، خنده آور	مضحک	،	۱۸۳
تاب، طاقت (نای راه رفتن ندارند = طاقت راه رفتن ندارند)	نا	،	۱۸۴
بدکردار، بدکار	ناپکار	،	۱۸۵
مباشر، کارگزار	ناظر	،	۱۸۶
خدا	الله	درس چهاردهم	۱۸۷
ظاهر	برون	،	۱۸۸
گرم، سوزان	تفت	،	۱۸۹
کفش چوبانی که معمولا از پوست و کهنه و پارچه به هم می دوزند	چارق	،	۱۹۰
نوکر، خدمتکار	چاکر	،	۱۹۱
ضد قال است یعنی آنچه در دل می گذرد، و در اینجا صفای نیت و باطن	حال	،	۱۹۲
پروردگار	حق	،	۱۹۳
باطن	درون	،	۱۹۴
دست زیبای ترا بیوسم (ك، در دستك برای	دستك بوسم	،	۱۹۵

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ج. ۱ ص. ۴۶
این است که معنی زیبایی و لطافت بدهد، همچنین در پایکت و جایکت. پایکت یعنی پای زیبا، جایکت یعنی جای تمیز و خوب)			
اجازه	دستوری	درس چهاردهم	۱۹۶
سرزنش	عتاب	،	۱۹۷
جدا کردن، جدایی انداختن	فصل کردن	،	۱۹۸
سخن، گفتگو	قال	،	۱۹۹
با که هستی تو	کیست	،	۲۰۰
فکر کننده، اندیشنده، آن که می اندیشد تا برای مسائل زندگی پاسخ درستی پیدا کنند	متفکر	،	۲۰۱
مسئله ها، پرسشهای پیچیده، که یافتن جواب آنها به اندیشه نیازمند است	مسائل	،	۲۰۲
در اینجا به معنی خداشناس است	مسلمان	،	۲۰۳
نشده	نا نشده	،	۲۰۴
روش، طریقه	نمط	،	۲۰۵
پیامی که از طرف خدا به پیغمبران می رسد	وحی	،	۲۰۶
به هم پیوستن، به هم نزدیک کردن	وصل کردن	،	۲۰۷
صدای شبان هنگام راندن گوسفند	هی هی، هیهای	،	۲۰۸
دوری	احتراز	درس پانزدهم	۲۰۹
آشکار شدن	بروز	،	۲۱۰
خلاف کردن	تخلف	،	۲۱۱
پولی که تخلف کننده می پردازد، بهای خلاف و تخلف	جریمه	،	۲۱۲
واقعه ناگوار، حادثه ناگوار	سانحه	،	۲۱۳

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	پ. ۴۰ ب. ۴۰
سانحه‌ها، واقعه‌های ناگوار، حادثه‌های ناگوار	سوانح	درس پانزدهم	۲۱۴
شایستگی، لیاقت	صلاحیت	،	۲۱۵
آمد و شد، رفت و آمد	عبور و مرور	،	۲۱۶
قانونها	قوانین	،	۲۱۷
خلاف کننده، تخلف کننده	متخلف	،	۲۱۸
خلاف می کنند	مرتکب خلاف	،	۲۱۹
	می شوند		
از راه راست کج می شود	منحرف می شود	،	۲۲۰
ثابت کردن	اثبات	درس هفدهم	۲۲۱
متفکر	اندیشمند	،	۲۲۲
ثمره دهنده	بارور	،	۲۲۳
بزرگ شد، رشد و نمو کرد	بالید	،	۲۲۴
سپرد، واگذار کرد	تفویض کرد	،	۲۲۵
طاقت فرسا، خسته کننده	توانفرسا	،	۲۲۶
باهم سازش کردند، مقدمه چینی کردند (توطئه کردن = سازش و مقدمه چینی کردن بر ضد کسی)	توطئه کردند	،	۲۲۷
جزیره‌هایی در اقیانوس اطلس	جزایر قناری	،	۲۲۸
موج	خیزاب	،	۲۲۹
جرات	زهره	،	۲۳۰
مشرق، خاور و در اینجا مراد هندوستان و قسمتهای شرقی آسیاست	شرق	،	۲۳۱
نامبارك، بدیمن	شوم	،	۲۳۲
مشهور	شهره	،	۲۳۳

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	شماره صفحه
سطح بالای کشتی	عرشه کشتی	درس هفدهم	۲۳۴
شهری در فلسطین (در کشور اسرائیل)	عکا	«	۲۳۵
عاقبت، آخر، پایان	فرجام	«	۲۳۶
کنار، ساحل	کرانه	«	۲۳۷
نور کم، نور ضعیف	کُورسو	«	۲۳۸
دریا نورد	ملاح	«	۲۳۹
زن شاه	ملکه	«	۲۴۰
خیال می کردند	می پنداشتند	«	۲۴۱
خستگی ناپذیر	نستوه	«	۲۴۲
اراده بلند، آرزوی بزرگ	همت	«	۲۴۳
بیشتر	اغلب	درس هجدهم	۲۴۴
انسانیت	بشریت	«	۲۴۵
فراوان، انبوه	پرپشت	«	۲۴۶
شاد، پر نشاط	پرسرور	«	۲۴۷
اطراف	پیرامون	«	۲۴۸
آرامش داد	تسکین بخشید	«	۲۴۹
کسی که در یکی از رشته های دانش به دریافت	دکتر	«	۲۵۰
عالیترین درجه علمی نایل شده باشد			
دانشی که از علت مسائل و چیزها گفتگو	فلسفه	«	۲۵۱
می کند			
راضی کنند، وادار به قبول کنند	قانع کنند	«	۲۵۲
نعمتها، بخشها	مواهب	«	۲۵۳
آن که به آرزوهای خود نرسیده باشد	ناکام	«	۲۵۴
درخت خرما	نخل	«	۲۵۵

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ردیف
مخصوص کند، اختصاص دهد	وقف کند	درس هجدهم	۲۵۶
اندام	هیكل	«	۲۵۷
انتخاب کرده بود	اختیار کرده بود	درس نوزدهم	۲۵۸
عقیده داشتن	اعتقاد	«	۲۵۹
بخشیده شد، داده شد	اعطا شد	«	۲۶۰
خبر می دادند، آگاه می ساختند	اعلام می داشتند	«	۲۶۱
وسایلی که جراح بکار می برد	افزار جراحی	«	۲۶۲
پرنده ای بزرگ که در سرزمینهای گرم زندگی می کند	پلیکان	«	۲۶۳
بدنی	جسمانی	«	۲۶۴
حمل کننده	حامل	«	۲۶۵
فیلسوف	حکیم	«	۲۶۶
عقاید بی پایه و بیهوده	خرافات	«	۲۶۷
در برابر	در قبال	«	۲۶۸
حقیقی، واقعی	راستین	«	۲۶۹
بهبود می بخشید	شفا می داد	«	۲۷۰
آوازه، نام	شهرت	«	۲۷۱
بخششها	عطایا	«	۲۷۲
کسی که فلسفه می داند	فیلسوف	«	۲۷۳
مهیّا، آماده، دارای وسایل کافی	مجهز	«	۲۷۴
آواز، صدا	ندا	«	۲۷۵
رنج و بدبختی	نکبت	«	۲۷۶
سرزنش	نکوهش	«	۲۷۷
اگر چه	ارچه	درس بیستم	۲۷۸

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ردیف
خشك شد، خشکید	بخوشید	درس بیستم	۲۷۹
خسب	بخیل	«	۲۸۰
بلند می شد	بر شدی	«	۲۸۱
مرغابی	بط	«	۲۸۲
درکام (کام = دهان)	به کام اندرم	«	۲۸۳
پیش آمد مرا، پیش من آمد	پیش آمدم	«	۲۸۴
ضد زهر، پادزهر، ماده ای که اثر زهر را از بین می برد	ترياك	«	۲۸۵
نام شهری (امروز پایتخت کشور سوریه است)	دمشق	«	۲۸۶
سوراخی که در دیوار یا سقف خانه باشد	روزن	«	۲۸۷
کشت، زراعت	زرع	«	۲۸۸
کودن، احمق	سفیه	«	۲۸۹
شاخه درخت	شخ	«	۲۹۰
آخرین حد	غایت	«	۲۹۱
عالم، دانشمند در علوم دینی	فقیه	«	۲۹۲
خشکسالی، کمیابی	قحطسالی	«	۲۹۳
تهیدست، بیچیز	مسکین	«	۲۹۴
ثروت	مکنت	«	۲۹۵
درخت خرما	نخیل	«	۲۹۶
آخر (حد نهایت = آخرین حد)	نهایت	«	۲۹۷
کارها	امور	درس بیست و یکم	۲۹۸
تعمیم گرفتم	بر آن شدم	«	۲۹۹
پرهیز کار، آن که از گناهان پرهیز کند	پارسا	«	۳۰۰
مواظبت، مراقبت، پرستاری	تیمار	«	۳۰۱

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	شماره
آن که در کارها با او مشورت کنند، مشاور	رایزن	درس بیست و یکم	۳۰۲
حرکت کردن، رفتن	عزیمت	“	۳۰۳
توجه، نیکی، احسان	عنایت	“	۳۰۴
سستی	فتور	“	۳۰۵
بیرون می‌جهید	فوران می‌کرد	“	۳۰۶
توانا	قادر	“	۳۰۷
جای کمین کردن	کمینگاه	“	۳۰۸
زخمی	مجروح	“	۳۰۹
غیرممکن	محال	“	۳۱۰
جار زنند، به آواز بلند به اطلاع مردم برسانند	ندا در دهند	“	۳۱۱
يك قسمت از شب (يك چهارم شب)	پاس	درس بیست و دوم	۳۱۲
آهسته رفتن چنانکه صدای پا شنیده نشود	پاورچین	“	۳۱۳
عذر	پوزش	“	۳۱۴
برخورد	تماس	“	۳۱۵
شادی	سرور	“	۳۱۶
کم نور، کم بین	کم سو	“	۳۱۷
اندوهگین	متأثر	“	۳۱۸
تلخی، سختی، رنج	مرارت	“	۳۱۹
کاری کند و مزدی بگیرد	مزدوری کند	“	۳۲۰
کسی که بطور مرتب درخیریدمجله یا روزنامه‌ای	مشترك	“	۳۲۱
شرکت دارد			
متوجه	ملفت	“	۳۲۲
پخش می‌کرد	منتشر می‌کرد	“	۳۲۳

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ج. ۳۰ ع. ۴
نیروی باطنی در انسان که بد و نیک را از هم تشخیص می‌دهد	وجدان	درس بیست و دوم	۳۲۴
آویزان شد	آویخت	درس بیست و سوم	۳۲۵
دانش، دانایی (در این چه حکمت بود = در این کار چه نکته‌ای از دانش نهفته بود)	حکمت	«	۳۲۶
آغاز کرد	در نهاد	«	۳۲۷
هرگز، جز آن دفعه	دیگر	«	۳۲۸
آلتی چوبی یا فلزی که در یکی ازدو انتهای کشتی قرار می‌دهند و با حرکت آن سمت حرکت کشتی را عوض می‌کنند	سکان	«	۳۲۹
روش، راه	طریق	«	۳۳۰
سلامت، تندرستی	عافیت	«	۳۳۱
خوشی	عیش	«	۳۳۲
در آب فرو رفت	غوطه خورد	«	۳۳۳
گرفتار شود	گرفتار آید	«	۳۳۴
دوست، کسی که او را دوست داریم	معشوق	«	۳۳۵
مهربانی	ملاطفت	«	۳۳۶
پادشاه	ملك	«	۳۳۷
تیره	منقض	«	۳۳۸
نچسبیده بود	ناچسبیده بود	«	۳۳۹
نان جو، نانی که از آرد جو پخته باشند	نان جوین	«	۳۴۰
بنظر نمی‌آید	ننماید	«	۳۴۱
آفریده‌ها، مخلوقات	آفریدگان	درس بیست و چهارم	۳۴۲

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ج. ۱ ج. ۲
پر	آگنده	درس بیست و چهارم	۳۴۳
داخل شو	اندر شو	«	۳۴۴
ترسناك	بیمناك	«	۳۴۵
به درازا کشیده بود، طول کشیده بود	پاییده بود	«	۳۴۶
روشن، درخشان	تابناك	«	۳۴۷
بلندترین قسمت هر چیز، قلّه	تارك	«	۳۴۸
مارمولك، سوسمار كوچك	چلپاسه	«	۳۴۹
سرگردان	حیران	«	۳۵۰
به چیزی پی نمی برد، چیزی درك نمی کرد	راه به جایی نمی برد	«	۳۵۱
رویدن	رستن	«	۳۵۲
ناهید (یکی از سیاره های منظومه شمسی)	ستاره بامداد	«	۳۵۳
امانت، آنچه به کسی می سپارند	ودیعہ	«	۳۵۴
پرسش از کسی درباره کاری، پرسش درباره اینکه چرا چنان کاری انجام داده است	بازخواست	درس بیست و پنجم	۳۵۵
آرام شد	باقرار آمد	«	۳۵۶
حمله کنم	بتازم	«	۳۵۷
مرا بکش	بکشم	«	۳۵۸
زیباروی	پریچهره	«	۳۵۹
ستایش کردن	ثنا گفتن	«	۳۶۰
روا، ضد حرام	حلال	«	۳۶۱
رها خواهم شد	خواهم رست	«	۳۶۲
حرف نمی زد	دم نمی زد	«	۳۶۳
چهره خود را روشن کنی (مراد این است که در	رخ برافرازی	«	۳۶۴

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ت. ج.
این کار موفق بشوی و چهره ات از شادمانی روشن گردد)			
هان، آگاه باش	زنهار	درس بیست و پنجم	۳۶۵
آلت موسیقی	ساز	«	۳۶۶
چیزی مانند انگشتر که در انگشت می کردند و در وقت تیراندازی زه کمان را با آن می گرفتند	شست	«	۳۶۷
قصد کشتن او کرد	قصد جاننش کرد	«	۳۶۸
کمانی که با آن سنگ می اندازند، قلاب سنگ	کمان گروهه	«	۳۶۹
جسارت	گستاخی	«	۳۷۰
گورخر	گور	«	۳۷۱
نشان مده	منمای	«	۳۷۲
قطعه ای از سنگ یا چوب یا استخوان یا فلز و مانند آنها	مهره	«	۳۷۳
شکار	نخجیر	«	۳۷۴
و اگر	ور	«	۳۷۵
بلندترین نقطه	اوج	درس بیست و هشتم	۳۷۶
نام بر نیارم، نام آور و مشهور نشوم (مقصود این است که من که گاوی بر بام می آورم می گویند این کار را فرا گرفته ای و جز به آموختن و تعلیم مشهور نمی شوم)	بر نیارم نام	«	۳۷۷
پله	پایه	«	۳۷۸
پایه تخت، پای تخت	تخت پایه	«	۳۷۹
متعجب	حیرت زده	«	۳۸۰
لایق، شایسته	درخور	«	۳۸۱

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ج. ۳۰ ص. ۴۰
همراه شاه بود	در رکاب شاه بود	درس بیست و هشتم	۳۸۲
چند لحظه	دمی چند	«	۳۸۳
گل و نوعی سبزی	ریحان	«	۳۸۴
از او	زو	«	۳۸۵
پیمان، پیمان زناشویی (به عقد خود در آورد = «با او» پیمان زناشویی بست)	عقد	«	۳۸۶
کاخ، قصر	کوشک	«	۳۸۷
بلند مرتبه	گرانپایه	«	۳۸۸
خسته	مانده	«	۳۸۹
صاحبخانه، مهماندار	میزبان	«	۳۹۰
جای خرم و باصفا	نزهتگاه	«	۳۹۱
روپوش، روبند	نقاب	«	۳۹۲
نوازش کرد	نواخت	«	۳۹۳
نتواند، نمی تواند	نیارد	«	۳۹۴
می آید	آید همی	درس بیست و نهم	۳۹۵
ناحیه ای در مشرق خراسان که امروزه جزء افغانستان است	بادغیس	«	۳۹۶
پرمایه بودن، مایه بسیار داشتن	پرماگی	«	۳۹۷
آهستگی	تأنی	«	۳۹۸
غارت کننده، غارتگر	تاراجگر	«	۳۹۹
همراه	توأم	«	۴۰۰
مضایقه نکرد	دریغ نکرد	«	۴۰۱
پایدار	دیرپای	«	۴۰۲
آوازی که با آهستگی خوانده شود	زمزمه	«	۴۰۳

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ت. ص. ع.
زندگی کن (شادزی = شاد زندگی کن)	زی	درس بیست و هفتم	۴۰۴
سو، (زی تو = سوی تو)	زی	«	۴۰۵
فریبنده، دلکش	سحر آمیز	«	۴۰۶
شاعر	سخن سرا	«	۴۰۷
ساحلها، کناره ها	سواحل	«	۴۰۸
قصد کننده، حرکت کننده (عازم بخارا شد = به سوی بخارا حرکت کرد)	عازم	«	۴۰۹
با غیرت	غیور	«	۴۱۰
شادی آور	فرح زار	«	۴۱۱
در حال کف کردن	کف کنان	«	۴۱۲
بیزار، اندوهگین	ملول	«	۴۱۳
نام جوئی در بخارا	مولیان	«	۴۱۴
امیر، پادشاه	میر	«	۴۱۵
مشهور	نام آور	«	۴۱۶
آواز خوان	نغمه سرا	«	۴۱۷
ذوق، (بوجد آمد = بر سر ذوق آمد)	وجد	«	۴۱۸
آهستگی، سنگینی	وقار	«	۴۱۹
یکی از نویسندگان و محققان روزگار ما بود که در سال ۱۳۴۵ در گذشت	سعید نفیسی	«	۴۲۰
آتشگاه، آتشکده	آتشکده	درس بیست و هشتم	۴۲۱
آسودن، استراحت کردن	آرمیدن	«	۴۲۲
مردمان آزاده، مردمان نجیب	آزادگان	«	۴۲۳
آنجا	آنك	«	۴۲۴

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ج ۳ ص ۴۰
پریشانی، نا آرامی	اضطراب	درس بیست و هشتم	۴۲۵
چه بسیار	ای بس	«	۴۲۶
چنان قرار گذاشتند	بر آن نهادند	«	۴۲۷
شکافته شد	برش بگرفت	«	۴۲۸
بتنگ آمد، خسته شد	بستوه آمد	«	۴۲۹
خوب، (روز به = روزگار خوب)	به	«	۴۳۰
تاریک	تار	«	۴۳۱
توهین، کوچک شمردن	تحقیر	«	۴۳۲
کاسه چشم، سوراخی که چشم در آن جا دارد	چشمخانه	«	۴۳۳
آنجا که خیمه می زنند (خیمه = چادر)	خیمه گاه	«	۴۳۴
بلند شد	در اوج آمد	«	۴۳۵
دشتهای بی سروته، پهناور	دشتهای بی دروپیکر	«	۴۳۶
دیر پاینده، همیشگی	دیرنده	«	۴۳۷
برای	را	«	۴۳۸
روشن کننده، سوزنده (شعله هارا هیمة باید	روشنی افروز	«	۴۳۹
روشنی افروز = برای شعله ها، هیزم روشن			
کننده و سوزنده ای لازم است)			
چهار پا	ستور	«	۴۴۰
پنجه دست	سر پنجه	«	۴۴۱
حیله، مکر	فسون	«	۴۴۲
جنگجویی که در تیراندازی با کمان استاد است	کمانگیر	«	۴۴۳
باریک بین، آن که فکر دقیق دارد	نازک اندیش	«	۴۴۴
وسط روز، ظهر	نیمروز	«	۴۴۵
هیزم	هیمة	«	۴۴۶

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ردیف
آزمایش، امتحان	آزمون	درس بیست و نهم	۴۴۷
کشور ایران	ایران شهر	«	۴۴۸
خدا حافظ	بدرود	«	۴۴۹
بلند کرد	بر کرد	«	۴۵۰
اکنون با تنها تیری که در تیردان دارم برای امتحان سخت شما آماده هستم	به تنها تیر ترکش، آزمون تلخنان را اینک آماده	«	۴۵۱
بیقرار و بی آرام	بیناب	«	۴۵۲
آن که در همه چیز به خوبی و پاکی نگاه می-کند، پاک نظر	پاک بین	«	۴۵۳
پرتو خورشید	پنجه خورشید، در اینجا	«	۴۵۴
وسعت (پهنه البرز = در همه جای البرز)	پهنه	«	۴۵۵
جعبه ای که جنگجویان قدیم تیرهای کمان را در آن می گذاشتند، تیردان	ترکش	«	۴۵۶
تنومند	تناور	«	۴۵۷
درنگ، تأخیر (بی درنگی = بدون تأخیر)	درنگی	«	۴۵۸
راه شناس	راه جو	«	۴۵۹
همراه با ریشخند و استهزا	ریشخند آمیز	«	۴۶۰
قسم	سو گند	«	۴۶۱
شعله ای مانند تیر که شب در آسمان يك لحظه می درخشد و خاموش می شود (شهاب تیز رو تیرم، یعنی تیر من همچون شهاب تیز رونده است)	شهاب	«	۴۶۲

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ت. ۴۰ ج. ۴۱
هنگامی که روشنی صبح در سیاهی شب بخوبی آشکار می شود	صبح راستین	درس بیست و نهم	۴۶۳
جنگجویی که کمان دارد	کماندار	«	۴۶۴
کوهسار، کوهستان	کھسار	«	۴۶۵
گشتن، گردیدن	گشت	«	۴۶۶
تیرمن پری از آتش دارد، تیرمن آتشین پر و تند پرواز است	مرا تیر است آتش پر	«	۴۶۷
غمناك، غم آلود	منموم	«	۴۶۸
پرمحبت	مهربار	«	۴۶۹
باز کردند	وا کردند	«	۴۷۰
گردن، در اینجا مراد از یال کوه قسمتهای بلند کوه است	یال	«	۴۷۱
مانند برادر	برادروار	درس سیام	۴۷۲
کامیاب، سودمند، بارور	برومند	«	۴۷۳
نیرومند	بنیرو	«	۴۷۴
پرازش	پراج	«	۴۷۵
آنچه پراکندگی و آشفتگی در آن راه ندارد	خلل ناپذیر	«	۴۷۶
نجاری	درودگری	«	۴۷۷
زور آزمایی نکنند	دست و پنجه نسرم	«	۴۷۸
	نکنند		
صف	رده	«	۴۷۹
با صف عبور می کنند	رژه می روند	«	۴۸۰
شادی، خوشحالی	زنده دلی	«	۴۸۱

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ردیف
هیجان انگیز	شورا انگیز	درس سی ام	۴۸۲
تروتازه می کند	طراوت و شادابی	«	۴۸۳
	می بخشد		
فنها، روشها	فنون	«	۴۸۴
کسی که کاری جز قهرمانی و ورزش ندارد	قهرمان حرفه ای	«	۴۸۵
زیبان	کاستی	«	۴۸۶
تنیلی	کاهلی	«	۴۸۷
کجی، ناراستی، نادرستی	کژی	«	۴۸۸
کامل می شود	کمال می یابد	«	۴۸۹
می نویسند، نقش می کنند	می نگارند	«	۴۹۰
سرشت، طبع	نهاد	«	۴۹۱
بیهوده، بیفایده	هرزه	«	۴۹۲
درخشنده گی، پرتوافشانی	تابندگی	درس سی و یکم	۴۹۳
شادمانی، سرور	سرزندگی	«	۴۹۴
درخشنده گی	فروزندگی	«	۴۹۵
کوشش، کوشنده بودن	کوشندگی	«	۴۹۶
کوشش کننده، کوشا	کوشنده	«	۴۹۷
قدرت و دستگاه داد، نیرومند ساخت	مایه داد	«	۴۹۸
ورزش کردن، ورزیده بودن	ورزندگی	«	۴۹۹
هدیه کند، پیشکش کند	تقدیم کند	درس سی و دوم	۵۰۰
قرارداد یا چیزی دیگر را در دفترهای مخصوص	ثبت	«	۵۰۱
دولتی نوشتن - در هر کشوری دفترهای			
مخصوصی برای ثبت اختراعات وجود دارد.			
هرکسی اختراعی می کند آن را در آن			

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ع. ۴۰ ع. ۴۱
دفترها به نام او می نویسند			
هر يك از حرفها را روی قطعه سربسی برجسته نقش می کنند و در چاپ از آن استفاده می نمایند. این قطعه ها را حروف می نامند.	حروف چاپ	درس سی و دوم	۵۰۲
آتش سوزی	حریق	،	۵۰۳
مشغول	دست اندر کار	،	۵۰۴
دسته، گروه	زمره	،	۵۰۵
دستگاهی که صدا را روی نوار نگه می دارد و بخش می کند (ضبط = نگهداری)	ضبط صوت	،	۵۰۶
نشان داد، تقدیم کرد	عرضه داشت	،	۵۰۷
کوشش	مجاهدت	،	۵۰۸
سخن گو	ناطق	،	۵۰۹
تصمیم قطعی گرفت، قصد کرد	همت گماشت	،	۵۱۰
در کوه	به کوه اندرون	درس سی و سوم	۵۱۱
نوعی آلت موسیقی، دایره	دف	،	۵۱۲
مرغزار (به راغ اندرون = در راغ)	راغ	،	۵۱۳
اجرا کرد (این غزل ساز کرد = این غزل را همراه با آهنگ دف و چنگ و نی خواند)	ساز کرد	،	۵۱۴
سرودخوان، آوازخوان	سراینده	،	۵۱۵
ترانه	غزل	،	۵۱۶
فرودین	فرودین	،	۵۱۷
آن که باناز و تکبر راه می رود، خرامنده	گرازنده	،	۵۱۸
در اینجا = آوازخوان، سرودخوان	نوازنده	،	۵۱۹

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	شماره صفحه
به	آبی	درس سی و چهارم	۵۲۰
امروء، گلابی	آمرود	“	۵۲۱
درختان	اشجار	“	۵۲۲
پاك كن	بزدای	“	۵۲۳
می توان درو کرد (چید).	توان درود	“	۵۲۴
نوك كوه، قلۀ كوه	تیغ كوه	“	۵۲۵
زیبایی	جمال	“	۵۲۶
سرزمین	خطه	“	۵۲۷
سلام	درود	“	۵۲۸
ناحیه ای از گیلان	دیلم	“	۵۲۹
پاك كرد (اینجا بود كه زنگ به آهن توان زدود = اینجا است كه به وسیله آهن می توان زنگ [غم] را پاك كرد)	زدود	“	۵۳۰
زینت	زیب	“	۵۳۱
كه او را	كش	“	۵۳۲
بگذر، عبور كن	گذاره كن	“	۵۳۳
خوشی و خرمی	نزهت	“	۵۳۴
قصد	آهنگ	درس سی و پنجم	۵۳۵
پذیرفت، قبول كرد	اجابت كرد	“	۵۳۶
خانواده	اهل	“	۵۳۷
به او	بدو	“	۵۳۸
به چه وسیله هلاك شوند	به چه هلاك شوند	“	۵۳۹
تخته بساز	تخته كن	“	۵۴۰

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ردیف
برسد، می رسد	تمام شود	درس سی و پنجم	۵۴۱
نام فرشته ای	جبرئیل	«	۵۴۲
نام کوهی که کشتی نوح بر سر آن فرود آمد	جودی	«	۵۴۳
می خندیدند	خندیدندی	«	۵۴۴
فوراً	در ساعت	«	۵۴۵
دعا کرد تا (خدا) قومش را هلاک کند	دعا کرد بر قوم خویش به هلاک	«	۵۴۶
روزگار و زمان سپری شد و گذشت	روزگار برآمد	«	۵۴۷
بالایی	زبرین	«	۵۴۸
نام درختی	ساج	«	۵۴۹
جزای کار بد، شکنجه	عذاب	«	۵۵۰
غرق	غرقه	«	۵۵۱
ریشخند می کردند	فسوس کردند	«	۵۵۲
قیر	قار	«	۵۵۳
طایفه	قوم	«	۵۵۴
کشتی بساز	کشتی کن	«	۵۵۵
وسطی	میانگین	«	۵۵۶
ایمان نیاورد، پیروی نکرد	نگروید	«	۵۵۷
وقت نماز عصر، وقت عصر	نماز دیگر	«	۵۵۸
هیجده	هژده	«	۵۵۹
می برد	همی بردی	«	۵۶۰
دعوت می کرد (در قدیم به جای «می»، «همی» می گفتند مثلاً به جای می خواند می گفتند : همی خواند)	همی خواند	«	۵۶۱

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ت. ۵۰ ج. ۱
آبدار، درخشان، بسیار تیز	آبگون	درس سی و ششم	۵۶۲
رفتار	اطوار	«	۵۶۳
شگفتی	اعجاب	«	۵۶۴
ایران زمین، سرزمین ایران	ایران زمی	«	۵۶۵
قد	بالا	«	۵۶۶
قد، قامت	برز	«	۵۶۷
بر او، بر پشت او	برو	«	۵۶۸
براین، بر روی این، به یاری این	برین بر	«	۵۶۹
گرفتاری، سختی	بلیه	«	۵۷۰
پراکنده می کرد، از هم می پاشید	تار و مار می کرد	«	۵۷۱
توجهان را درست خواهی کرد	تو خواهی جهان	«	۵۷۲
	کرد راست	«	
بزرگترین پهلوان دنیا	جهان پهلوان	«	۵۷۳
پوست	چرم	«	۵۷۴
شعری که در آن از دلاوریها و جنگها گفتگو می شود. بخص-وص دلاوریها و جنگهای قهرمانان يك ملت برای حفظ میهن و شرف صورت، چهره	حماسه	«	۵۷۵
طولانی	دیدار	«	۵۷۶
وسيله وافزار جنگ	دیرباز	«	۵۷۷
وقار، قدر و مرتبه	ساز و برگ	«	۵۷۸
نام گلی	سنگ، در اینجا	«	۵۷۹
راست	سوسن	«	۵۸۰
	سهی	«	۵۸۱

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	شماره صفحه
مرغی افسانه‌ای. در داستانهای قدیمی آمده است که سیمرغ زال پدر رستم را پرورش داد و در گرفتاریها به زال و خانواده او یاری می‌کرد	سیمرغ	درس سی و ششم	۵۸۲
شیر مانند	شیر فش	،	۵۸۳
شکوه، جلال	فرهی	،	۵۸۴
خوب، خوش، زیبا	کش	،	۵۸۵
کوه مانند	کوه‌وش	،	۵۸۶
نمونه، سرمشق	مثال	،	۵۸۷
دارای اخلاق ملایم بودن	نرمخویی	،	۵۸۸
هوشیار	هشیوار	،	۵۸۹
بسختی از عهده او برمی‌آمد	بسختی با او بر - می‌آمد	درس سی و هفتم	۵۹۰
بالا زد، تیز کرد	بمالید	،	۵۹۱
رستم	تاجبخش، دراینجا	،	۵۹۲
نیرومند، دلیر (دراینجا، لقب رستم است)	تهمتن	،	۵۹۳
شمشیر	تیغ	،	۵۹۴
پاره پاره	چاك چاك	،	۵۹۵
جنگ کرد	در آویخت	،	۵۹۶
خشمناك	دژم	،	۵۹۷
هر چیز که از فلز روی ساخته شده باشد، رویینه سم اینجاست یعنی اسبی که سمش محکم است	رویینه	،	۵۹۸
در حال شیهه زدن (شیهه صدای اسب)	شیهه زنان	،	۵۹۹

نعت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	ردیف
دوش، کتف	کفت	درس سی و هفتم	۶۰۰
پیرزن سالخورده	گنده پیر	«	۶۰۱
مرحله ها، منزلها	مراحل	«	۶۰۲
باج دهنده (باج = مالیات)	باجگزار	درس سی و هشتم	۶۰۳
بدخواه، دشمن	بداندیش	«	۶۰۴
پهلوان (جهان پهلو = جهان پهلوان)	پهلو	«	۶۰۵
حیله، ظاهر سازی، دورویی	تزویر	«	۶۰۶
قرار دادند	تعبیه کردند	«	۶۰۷
ته	تك	«	۶۰۸
در حال خوابیدن بود	داشت می خوابید	«	۶۰۹
زال سیدموی	زال زر	«	۶۱۰
گود، عمیق	ژرف	«	۶۱۱
سازش کردند	ساختند	«	۶۱۲
سر نیزه	سنان	«	۶۱۳
میدان	عرصه	«	۶۱۴
ستون، آنچه بدان تکیه کنند	عماد	«	۶۱۵
خیانت، حیله	غدر	«	۶۱۶
کاشته شده	کشته	«	۶۱۷
حیله گر، فریبنده	مکار	«	۶۱۸
نگاه می کرد، مراقبت می کرد	می پایید	«	۶۱۹
نبرد، جنگ	ناورد	«	۶۲۰
بیمناك، ترس آور	هول	«	۶۲۱
فك	آرواره	درس سی و نهم	۶۲۲
شکافته شدن، ترکیدن	انفجار	«	۶۲۳

لغت نامه کتاب فارسی پنجم دبستان

معنی یا توضیح	لغت	شماره درس	شماره ع. ۴۰ ع. ۴۱
مانند تندر (تندر = رعد)	تندر آسا	درس سی و نهم	۶۲۴
آمیخته با ترس، همراه با ترس	تهدید آمیز	«	۶۲۵
خواستن مقامها و درجه های بزرگ	جاه طلبی	«	۶۲۶
جهید	جست زد	«	۶۲۷
جانور گیاهخوار که چرا می کند	چرنده	«	۶۲۸
چوبدست که در سرش گرهی باشد	چماق	«	۶۲۹
آن که در خیال خود چیزهایی می سازد و می پردازد	خیال پرداز	«	۶۳۰
معروف، مشهور	سرشناس	«	۶۳۱
خفاش	شبکور	«	۶۳۲
دهی در نزدیکیهای کوه دماوند که معدن زغال-سنگ دارد	شمشک	«	۶۳۳
می نشست، پایین می رفت	فروکش می کرد	«	۶۳۴
دامنه کوه	کمرکش	«	۶۳۵
از کمینگاه بیرون آمد و حمله کرد	کوس بست	«	۶۳۶
لغزنده، لیز	لزوج	«	۶۳۷
کسی یا چیزی که در جایی بلند قرار دارد چنانکه از آنجا می توان اطراف را دید (دره های مشرف به دریاچه = دره هایی که از آنها می توان دریاچه را دید)	مشرف	«	۶۳۸
روابط	مناسبات	«	۶۳۹
عکس می انداخت	منعکس می گردید	«	۶۴۰
رسید	نایل گردید	«	۶۴۱
سخن گفتن	نطق	«	۶۴۲

فهرست کلمه‌های املائی که در کتابهای چهارساله ابتدایی آمده است

شماره	لغت	شماره	لغت
۱	آثار (اثرها)	۲۴	اعماق
۲	آذوقه	۲۵	افزار
۳	آسیب	۲۶	افطار
۴	آغل (محل نگهداری گوسفندها)	۲۷	اقتباس
۵	در شب و در زمستان)	۲۸	اقطار
۶	آیهت (عظمت، شکوه)	۲۹	اکثر
۷	اتصال	۳۰	الاغ
۸	اثاث	۳۱	الفاظ
۹	اجاق	۳۲	امضا
۱۰	اذیت کردن	۳۳	انتظار
۱۱	ارتباط	۳۴	انتها
۱۲	ارغوان	۳۵	انصاف
۱۳	ارمغان (سوغات)	۳۶	اهانت
۱۴	از قضا (اتفاقاً)	۳۷	اهدا کردن
۱۵	اسرار (سرها، رازها)	۳۸	باتلاق
۱۶	اسراف	۳۹	باطل
۱۷	اشغال کردن	۴۰	باعث
۱۸	اصرار	۴۱	بحث
۱۹	اصطکاک	۴۲	بذر (تخم)
۲۰	اضافه	۴۳	براق
۲۱	اضلاع	۴۴	بر حذر
۲۲	اطاعت	۴۵	بر خاستن
۲۳	اعضا	۴۶	بزاق
		۴۷	بنحوی

فهرست کلمه‌های املائی که در کتابهای چهارساله ابتدایی آمده است

شماره	لغت	شماره	لغت
۴۸	بی‌حوصله	۷۲	توسعه
۴۹	بی‌طاقت	۷۳	توصیف
۵۰	تأثر	۷۴	توضیح
۵۱	تأثیر	۷۵	طوفان
۵۲	تبسم	۷۶	تبیخ
۵۳	تبلیغ	۷۷	ثابت
۵۴	تحصیل	۷۸	ثلث
۵۵	ترقی	۷۹	ثمر
۵۶	تسخیر	۸۰	جامعه
۵۷	تصادف	۸۱	جرثقیل
۵۸	تصرف	۸۲	جرعه
۵۹	تصفیه	۸۳	جرقه
۶۰	تصمیم	۸۴	جند
۶۱	تصور	۸۵	جناغ
۶۲	تعطیل	۸۶	حادثه
۶۳	تعلق	۸۷	حاصل
۶۴	تغذیه	۸۸	حاضر
۶۵	تغییر	۸۹	حد
۶۶	تقاطع	۹۰	حذر
۶۷	تقصیر	۹۱	حرص
۶۸	تلاطم (به هم خوردن)	۹۲	حصیر
۶۹	تمثال	۹۳	حفظ
۷۰	تنظیم	۹۴	حوصله
۷۱	توابع	۹۵	حوض

فهرست کلمه‌های املائی که در کتابهای چهارسائه ابتدایی آمده است

شماره	لغت	شماره	لغت
۹۶	خرطوم	۱۲۰	زکات
۹۷	خصوص	۱۲۱	زالال
۹۸	دُعا	۱۲۲	زنهار
۹۹	دعوت	۱۲۳	زورق
۱۰۰	دفعه	۱۲۴	زین العابدین
۱۰۱	دوغ	۱۲۵	سابق
۱۰۲	دهقان	۱۲۶	ساطور
۱۰۳	ذخیره	۱۲۷	ساعت
۱۰۴	ذرت	۱۲۸	ساعد
۱۰۵	ذره بین	۱۲۹	سپهسالار
۱۰۶	ذکر	۱۳۰	سحر
۱۰۷	ذوب آهن	۱۳۱	سر
۱۰۸	دوزنقه	۱۳۲	سراغ
۱۰۹	ذوق	۱۳۳	سرعت
۱۱۰	راضی	۱۳۴	سطح
۱۱۱	رمضان	۱۳۵	سطر
۱۱۲	روابط	۱۳۶	سطل
۱۱۳	روح	۱۳۷	سفینه
۱۱۴	روغن	۱۳۸	سنجاق
۱۱۵	رونق	۱۳۹	سوغات
۱۱۶	ریاضی	۱۴۰	شرایط
۱۱۷	زاغ	۱۴۱	شروع
۱۱۸	زعفران	۱۴۲	شعاع
۱۱۹	زغال	۱۴۳	شعبه

فهرست کلمه‌های املائی که در کتابهای چهارساله ابتدایی آمده است

شماره	لغت	شماره	لغت
۱۴۴	شعر	۱۶۸	ضحاک
۱۴۵	شعف	۱۶۹	ضخامت
۱۴۶	شعله	۱۷۰	ضرب
۱۴۷	شغل	۱۷۱	ضرر
۱۴۸	شوق	۱۷۲	ضمن
۱۴۹	شهامت	۱۷۳	طاق
۱۵۰	شیطان	۱۷۴	طعم
۱۵۱	صابون	۱۷۵	طنافز
۱۵۲	صاحب	۱۷۶	طور
۱۵۳	صادرات	۱۷۷	طول
۱۵۴	صادق	۱۷۸	ظاهر
۱۵۵	صاعقه	۱۷۹	ظلم
۱۵۶	صاف	۱۸۰	عابر
۱۵۷	صخره	۱۸۱	عاجز
۱۵۸	صدف	۱۸۲	عبدالمطلب
۱۵۹	صدمه	۱۸۳	عذر
۱۶۰	صف	۱۸۴	عرض
۱۶۱	صفا	۱۸۵	عزا
۱۶۲	صفت	۱۸۶	عزم
۱۶۳	صلح	۱۸۷	عصا
۱۶۴	صمغ	۱۸۸	عصر
۱۶۵	صنعت	۱۸۹	عضو
۱۶۶	صنوبر	۱۹۰	عظمت
۱۶۷	صید	۱۹۱	عطار

فهرست کلمه‌های املائی که در کتابهای چهارساله ابتدایی آمده است

شماره	لغت	شماره	لغت
۱۹۲	عطارد	۲۱۶	غاط
۱۹۳	عقاب	۲۱۷	غلطاندن
۱۹۴	عقب	۲۱۸	غلیظ
۱۹۵	عقرب	۲۱۹	غنی
۱۹۶	عقربه	۲۲۰	غوغا
۱۹۷	علت	۲۲۱	غوك
۱۹۸	علم	۲۲۲	غول‌پیکر
۱۹۹	علم	۲۲۳	فاصله
۲۰۰	علوم	۲۲۴	فراغت
۲۰۱	عمق	۲۲۵	فرصت
۲۰۲	عمل	۲۲۶	فرض
۲۰۳	عمیق	۲۲۷	فروغ
۲۰۴	عنبر	۲۲۸	فسیل
۲۰۵	عوض	۲۲۹	فصل
۲۰۶	عهد	۲۳۰	فضا
۲۰۷	عهده	۲۳۱	فطر
۲۰۸	عیلام	۲۳۲	فقط
۲۰۹	عینک	۲۳۳	فهرست
۲۱۰	غاز	۲۳۴	فهم
۲۱۱	غذا	۲۳۵	قاطر
۲۱۲	غصه	۲۳۶	قحطی
۲۱۳	غصب	۲۳۷	قرص
۲۱۴	غضب	۲۳۸	قرض
۲۱۵	غضروف	۲۳۹	قسم

فهرست کلمه‌های املائی که در کتابهای چهار سائۀ ابتدایی آمده است

شماره	لغت	شماره	لغت
۲۴۰	قسم	۲۶۴	لذت
۲۴۱	قصاب	۲۶۵	لذیذ
۲۴۲	قصد	۲۶۶	لرزان
۲۴۳	قصه	۲۶۷	لطافت
۲۴۴	قضا	۲۶۸	لغزیدن
۲۴۵	قطب	۲۶۹	لغو
۲۴۶	قطره	۲۷۰	لفظ
۲۴۷	قورباغه	۲۷۱	لقب
۲۴۸	قوطی	۲۷۲	لق شدن
۲۴۹	کاغذ	۲۷۳	لوازم
۲۵۰	کاهش	۲۷۴	لوحه
۲۵۱	کثافت	۲۷۵	لوزی
۲۵۲	کسب	۲۷۶	مأمور
۲۵۳	کسر	۲۷۷	ماهر
۲۵۴	کلاغ	۲۷۸	ماهوت
۲۵۵	کم فروغ	۲۷۹	مُبصر
۲۵۶	گذار (گذر، عبور)	۲۸۰	متحد
۲۵۷	گذارن (نهادن)	۲۸۱	متساوی‌الاضلاع
۲۵۸	گذاشتن (نهادن)	۲۸۲	متصل
۲۵۹	گزاردن (انجام‌دادن)	۲۸۳	متعجب
۲۶۰	گزارش	۲۸۴	مقاطع
۲۶۱	لحاظ	۲۸۵	متوازی‌الاضلاع
۲۶۲	لحاف	۲۸۶	مثال
۲۶۳	لحظه	۲۸۷	مثَلث

فهرست کلمه‌های املائی که در کتابهای چهارساله ابتدایی آمده است

شماره	لغت	شماره	لغت
۲۸۸	مثنوی	۳۱۲	مرطوب
۲۸۹	مَجْذُور	۳۱۳	مرغزار
۲۹۰	مَجْسَم	۳۱۴	مرغوب
۲۹۱	مجهول	۳۱۵	مريض
۲۹۲	محاسبه	۳۱۶	مزاحم
۲۹۳	محافظت	۳۱۷	مزارع
۲۹۴	محبت	۳۱۸	مساحت
۲۹۵	محتاج	۳۱۹	مساعد
۲۹۶	محصول	۳۲۰	مسافت
۲۹۷	محیط	۳۲۱	مستطیل
۲۹۸	مخترع	۳۲۲	مسدود
۲۹۹	مختصر	۳۲۳	مسلط
۳۰۰	مخزن	۳۲۴	مسلم
۳۰۱	مخصوص	۳۲۵	مسیر
۳۰۲	مخصوصاً	۳۲۶	مشخص
۳۰۳	مخلوط	۳۲۷	مشغول
۳۰۴	مخلوق	۳۲۸	مشقات
۳۰۵	مراتب	۳۲۹	مشهور
۳۰۶	مراقب	۳۳۰	مصراع
۳۰۷	مربوط	۳۳۱	مصرف
۳۰۸	مرتب	۳۳۲	مصمم
۳۰۹	مرحبا (آفرین)	۳۳۳	مصنوعی
۳۱۰	مرحله	۳۳۴	مضرب
۳۱۱	مرز	۳۳۵	مضطرب

فهرست کلمه‌های املائی که در کتابهای چهارساله ابتدایی آمده است

شماره	لغت	شماره	لغت
۳۳۶	مطابق	۳۶۰	مناظر
۳۳۷	مطالب	۳۶۱	منتظر
۳۳۸	مطالعه	۳۶۲	منتقل
۳۳۹	مطبوع	۳۶۳	منتهی
۳۴۰	مطلب	۳۶۴	منحنی
۳۴۱	مطمئن	۳۶۵	منسوب
۳۴۲	معادل	۳۶۶	منصور
۳۴۳	معاش	۳۶۷	منطقه
۳۴۴	معالج	۳۶۸	منظم
۳۴۵	معتدل	۳۶۹	منظور
۳۴۶	معتقد	۳۷۰	منظومه شمسی
۳۴۷	معذرت	۳۷۱	منع
۳۴۸	معرفت	۳۷۲	موازی
۳۴۹	مفازة	۳۷۳	مواظبت
۳۵۰	مغز	۳۷۴	مواقع
۳۵۱	مفرغ	۳۷۵	موانع
۳۵۲	مفصل	۳۷۶	موسم
۳۵۳	مفصل	۳۷۷	موسوم
۳۵۴	مقاطعه کار	۳۷۸	موضوع
۳۵۵	مقدس	۳۷۹	موقع
۳۵۶	مقصد	۳۸۰	مهاجر
۳۵۷	مقیاس	۳۸۱	مهارت
۳۵۸	مناسب	۳۸۲	مهناب
۳۵۹	مناطق	۳۸۳	مهر

فهرست کلمه‌های املایی که در کتابهای چهارساله ابتدایی آمده است

شماره	لغت	شماره	لغت
۳۸۴	مهم	۴۰۸	نقاط
۳۸۵	مهندس	۴۰۹	نقایص
۳۸۶	میسر	۴۱۰	نقدی
۳۸۷	ناحیه	۴۱۱	نقص
۳۸۸	ناظم	۴۱۲	نقصان
۳۸۹	ناقص	۴۱۳	نقطه
۳۹۰	نبض	۴۱۴	نقل
۳۹۱	نثر	۴۱۵	نواحی
۳۹۲	نزاع	۴۱۶	نوع
۳۹۳	نسبت	۴۱۷	نهر
۳۹۴	نسبتاً	۴۱۸	نهضت (حرکت، جنبش)
۳۹۵	نصب	۴۱۹	نهفتن
۳۹۶	نصف	۴۲۰	واقع
۳۹۷	نصیب	۴۲۱	واقعاً
۳۹۸	نصیحت	۴۲۲	وداع
۳۹۹	نظارت	۴۲۳	وسط
۴۰۰	نظاره	۴۲۴	وسعت
۴۰۱	نظافت	۴۲۵	وسیع
۴۰۲	نظر	۴۲۶	وصف
۴۰۳	نظم	۴۲۷	وصل
۴۰۴	نظیر	۴۲۸	وضع
۴۰۵	نعل	۴۲۹	وضو
۴۰۶	نعمت	۴۳۰	وطن
۴۰۷	نغز (خوب)	۴۳۱	وظیفه

فهرست کلمه‌های املائی که در کتابهای چهارساله ابتدایی آمده است

شماره	لغت	شماره	لغت
۴۳۲	وظایف	۴۳۵	هیجوم
۴۳۳	وعده	۴۳۶	یاقوت (سنگی گرانبها)
۴۳۴	وقایع		

ماخذ

در تهیه کتاب حاضر، علاوه بر کتابهایی که درجای خود، نامشان آمده، کتابها و مجلات زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

- روش تدریس فارسی و دستور پنجم ابتدایی، تألیف دکتر زهرای خانلری (کیا) با همکاری لیلی ایمن (آهی)

- روش تدریس فارسی و دستور ششم ابتدایی، تألیف دکتر زهرای خانلری (کیا) با همکاری لیلی ایمن (آهی)

- دستور زبان فارسی برای دوره اول دبیرستان تألیف دکتر پرویز ناتل خانلری
- راهنمای تدریس کتاب فارسی سال سوم دبستان تألیف لیلی ایمن (آهی) با همکاری حسن انوری

- دوره مجله آموزش و پرورش از انتشارات اداره کل نگارش (سابق)
- دوره مجله بیک معلم و بیک معلم و خانواده از انتشارات مرکز انتشارات آموزشی
- دوره مجله سپاه دانش از انتشارات سازمان سپاه دانش
- دوره مجله سپیده فردا از انتشارات دانشسرای عالی
- راهنمای انشا تألیف احمد کوشا